ایران

• شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵
• ۲۴ صفر ۱۴۴۸
• ۸ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۳
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

پایداری

جان‌فدایان ایران

از امروز صفحات ویژه هفته دولت را در «ایران» بخوانید

با یادداشت‌هایی از فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت
سردار سرتیپ سیدمجید ابن الرضا و فرزند وزیر دفاع پیشین

۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

رئیس جمهوری در سومین بخش از گفت‌وگوی تفصیلی خود با ملت:

می‌ایستم و در برابر کارشکنی‌ها با مردم صحبت می‌کنم

۲

عکس: حسین نقی‌زاده / ایران

قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور در بازدید از «ایران» به مناسبت روز خبرنگار:

تفاهمنامه، سند افتخار دیپلماسی و پزشکیان است

ابراهیم بهشتی - معاون اجرایی رئیس جمهور برای تبریک روز خبرنگار میهمان مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران بود. محمدجعفر قائم‌پناه با حضور در مؤسسه ایران بعد از دیدار و گفت‌وگو با مدیر مسئول و سردبیر، از بخش‌های مختلف تحریریه روزنامه بازدید کرد. او با حضور در گروه‌های مختلف روزنامه با تبریک روز خبرنگار و گپ‌وگفت کوتاه اظهار امیدواری کرد خبرنگاران همواره انتقال‌دهنده پیام‌های خوب برای کشور و مردم باشند. در انتهای این برنامه قائم‌پناه در گفت‌وگوی مفصلی به سؤالات خبرنگار ایران پاسخ داد. قائم‌پناه در این گفت‌وگو از روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت چهاردهم، روحیه امیدوار، صبور و تعاملی رئیس جمهوری، مدیریت شرایط جنگ، امضای تفاهمنامه ایران و آمریکا و دلایل مخالفت‌ها با این تفاهمنامه گفت. در ادامه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را می‌خوانید با این توضیح که متن کامل مصاحبه در روزهای آینده منتشر خواهد شد.

آقای پزشکیان صلح‌طلب هستند. خیلی‌ها در دوره دوم انتخابات به درست یا غلط می‌گفتند به آقای پزشکیان رأی دهیم تا جنگ نشود ولی جنگ بر ایران تحمیل شد و گریزی از دفاع نبود. شرایط جنگی چه تغییراتی در اولویت‌های دولت ایجاد کرد؟ مشخصاً دغدغه اصلی آقای رئیس‌جمهوری در دوران جنگ چه بود؟

تا جایی که بنده اطلاع دارم تمام تلاش ایشان این بود که جنگ گسترش پیدا نکند. اینکه جنگ را محدود کنیم و تا جایی که می‌توانیم با حفظ اقتدار و دفاع از تمامیت ارضی و ارزش‌های دینی و ملی، اگر راهی وجود داشته باشد که تخریب زیاد نشود و تعداد شهدا کمتر باشد، بهتر است. اگر جنگ رخ نمی‌داد، عزیزی مانند رهبر انقلاب و همین‌طور سردارانی که عصاره تجربه جنگ هشت ساله و مقاومت چندین ساله ما بودند شهید نمی‌شدند.

واقعیت این است که قبل از اینکه رهبر عزیز ما شهید شود، دکتر پزشکیان ارتباط تنگاتنگی با ایشان داشت. رئیس‌جمهوری یک روز در هفته حتماً باید خدمت ایشان می‌رفتند و با ایشان گفت‌وگو می‌کردند. حتی دوبار در هفته رخ می‌داد که ایشان خدمت رهبری می‌رفتند و باهم گفت‌وگو می‌کردند. رهبر شهید یک پشتوانه قوی برای حل مشکلات دولت بودند.

در رابطه با جنگ، واقعیت این است که اجرای امور کشور با رئیس‌جمهوری است. از خزانه و منابع ارزی اطلاع دارد، از میزان ذخیره استراتژیک غذایی و دارویی اطلاع دارد. از میزان واردات و صادرات نفت و پتروشیمی مطلع است. ممکن است هر وزارتخانه‌ای اطلاعات خود را داشته باشد ولی رئیس‌جمهوری همه اینها را اطلاع دارد. پس مسئول اداره کشور است. قطعاً دغدغه‌ها و آینده و چشم‌انداز یک ماه و دوماهه و چند سال آینده را بهتر می‌بیند. بنابراین در حد ممکن به مقام معظم رهبری گزارش می‌دادند که شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور در چه وضعیتی است.

ما دفاع را حق مشروع خود می‌دانیم و جلوی هیچ قلدر و زورگویی از جمله آمریکا سر خم نمی‌کنیم و تسلیم نمی‌شویم. در مقابل دشمن و دو ابرقدرت اتمی و اولین قدرت نظامی دنیا کاملاً ایستادگی کردیم. این را مدیون زحمات نیروهای مسلح هستیم و همه تلاش خود را برای پشتیبانی این عزیزان، تا جایی که در توان داشتیم، انجام دادیم، ولی با توجه به جمیع جهات، طبیعی است که آقای دکتر پزشکیان این روحیه را دارند که با حفظ اقتدار ملی از طریق مذاکره و گفت‌وگو بتوانیم به صلح و تفاهم پایدار برسیم. با اینکه باور داریم باید از دشمنی که رهبر و فرماندهان ما را شهید کرده است به نحو مقتضی و در چارچوب قوانین و مقررات بین‌المللی انتقام خون شهدا را بگیریم، ولی باید تدبیر کنیم. الان ما دشمن را شکست داده‌ایم و توانسته‌ایم کاری کنیم هیچ کدام از اهداف او محقق نشود. دشمنی که صحبت از نابودی ایران و برگرداندن ایران به عصر حجر و تغییر رژیم و نابودی و اشغال و تجزیه ایران می‌کرد، به هیچ کدام از اهدافش دست نیافته و این یعنی پیروزی ما. جمهوری اسلامی کماکان در مقابل دشمن ایستاده است و کنترل تنگه هرمز را به دست دارد.

ادامه در صفحه ۴

گزارش «ایران» از امانتداران حقیقت در دنیای رنگارنگ رسانه

خبرنگاران؛ راویانی که کسی روایتشان نمی‌کند

پیام معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به بهانه ۱۷ مرداد، «ایران» بررسی می‌کند: **شخصیت گمشده سینمای ایران**

۱۴ ۱۶

رئیس جمهوری از قرار گرفتن واگذاری سایپا در دستور کار دولت خبر داد

خصوصی‌سازی سایپا روی میز دولت

۶

رشد ۸۰ درصدی تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به نسبت سال گذشته

صنعت و خدمات بیشترین تسهیلات را گرفتند

۸

وزیر صمت در نشست قزاقستان، ایجاد زیرساخت مالی مستقل، توسعه کریدورها و توافق های تجاری را برای توسعه همکاری های منطقه ای پیشنهاد داد

عبور از «تجارت صرف» با اوراسیا

۷

دانشگاه تهران با همراهی ایرنا و «ایران» برگزار می کند

اولین همایش بین‌المللی «ایران و نظم نوین جهانی»

۴

بدرقه آخر
برای ابوالقاسم قاسم‌زاده

وداع اهالی فرهنگ و رسانه با روزنامه‌نگار پیشکسوت

۱۶

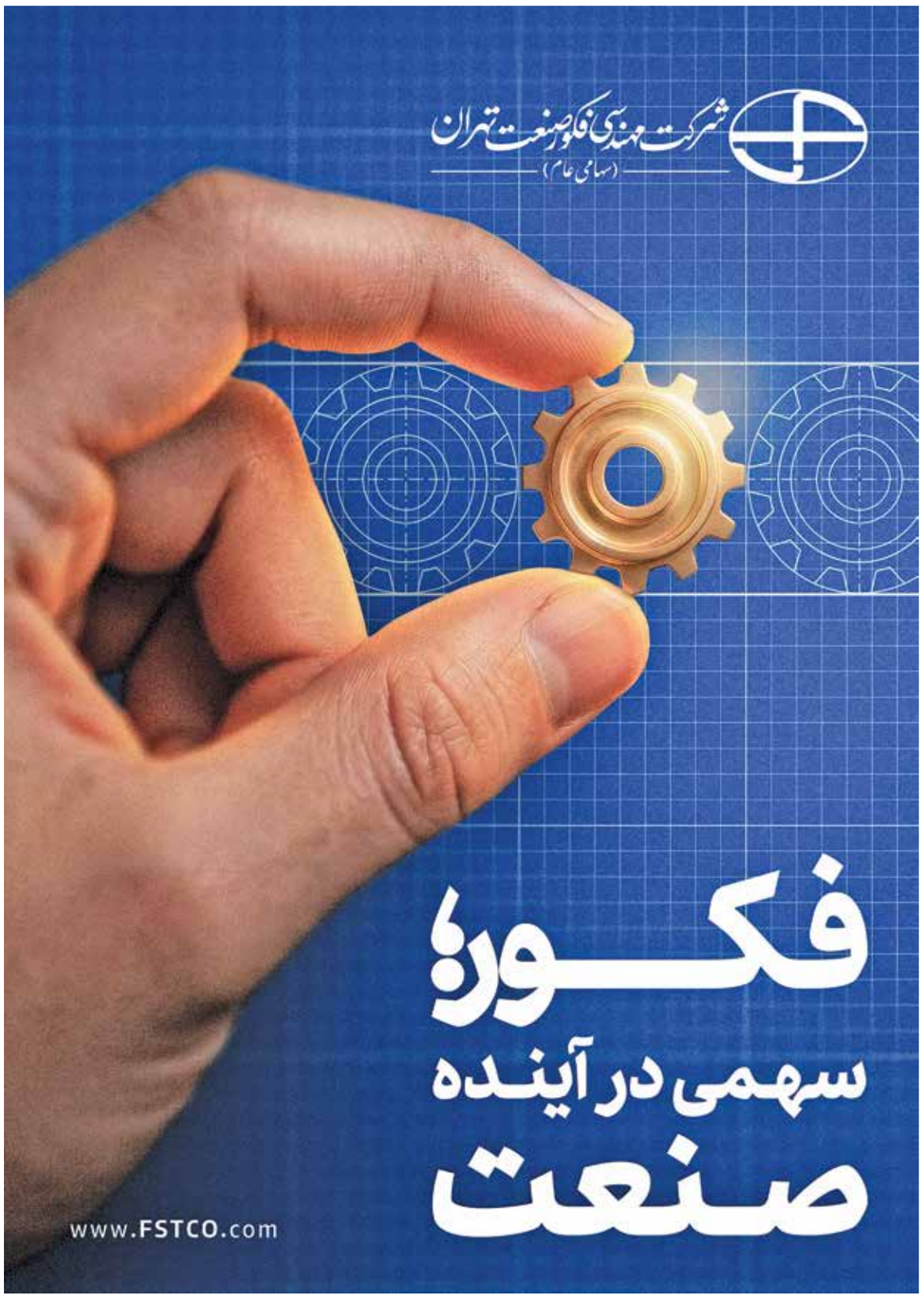

آگهی مزایده عمومی
فروش اموال منقول مازاد واقع در استان تهران
به شماره ۱۴۰۵/۲

بانک صادرات ایران

بانک صادرات ایران -مدیریت شعب غرب تهران در نظر دارد نسبت به‌فروش اموال منقول مازاد خود واقع در استان تهران از طریق برگزاری مزایده عمومی اقدام نماید. جهت کسب اطلاعات بیشتر، شرکت در مزایده و دریافت اسناد از تاریخ درج آگهی تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ با دایره تدارکات و ساختمان مدیریت شعب منطقه غرب تهران یا با تلفن‌های ۶۶۸۴۷۳۹۰ و ۶۶۸۴۷۳۹۱-۰۲۱ تماس حاصل نموده و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت اینترنتی بانک صادرات به نشانی www.bsi.ir مراجعه نمایند.

خبر مهم و فوری

آغاز ثبت‌نام ترم جدید در مقاطع کاردانی و کارشناسی دانشکده خبر آغاز شد

مقطع کاردانی	مقطع کارشناسی
خبرنگاری	خبرنگاری سیاسی اقتصادی
روابط عمومی	روابط عمومی-امور رسانه
عکاسی	مترجمی خبر انگلیسی
مترجمی زبان انگلیسی	
سینما - تدوین فیلم	عکاسی تبلیغات
مدیریت کسب و کار	

: news88001
: https://eitaa.com/sedaye_daneshkadeh
: https://t.me/news_faculty
: news_faculty

آغاز ثبت‌نام ترم جدید

محل ثبت نام:
خیابان ولیعصر، روبه روی دوراهی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، خیابان ایرنا
جنب خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، پلاک ۴۷، دانشکده خبر

جهت دریافت اطلاعات بیشتر یا دریافت مشاوره و مراحل ثبت نام با شماره تلفن‌های ۸۸۹۴۲۴۳۳-۰۲۱، ۸۸۹۰۲۳۲۶-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.

عکس / president.ir

رئیس جمهوری در سومین بخش از گفت‌وگوی خود با مردم تشریح کرد

می‌ایستم و در برابر کارشکنی‌ها با مردم صحبت می‌کنم

هیچ دولتی به اندازه دولت من در مسیر سیاست‌های رهبر معظم انقلاب حرکت نکرده است

دولت

گروه سیاسی / سومین بخش از گفت‌وگوی رئیس جمهوری با مردم شب گذشته از تلویزیون پخش شد. مسعود پزشکیان در این بخش از گفت‌وگوی خود از چگونگی جمع‌بندی اعضای شورای عالی امنیت ملی برای امضای تفاهمنامه میان ایران و آمریکا، روابط خود با رهبری و دیگر نهادها گفت و تأکید کرد که آنها که بیرون گود نشسته‌اند و می‌خواهند بخش‌های مختلف را از همدیگر جدا کنند، به دنبال تفرقه در جامعه هستند. او تأکید کرد که با قاطعیت می‌گویم هیچ دولتی به اندازه دولت من در مسیر سیاست‌های رهبر معظم انقلاب حرکت نکرده است. دومین بخش گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس جمهوری با مردم نیز که پنجشنبه شب پخش شد، بر تشریح نقشه راه دولت برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد متمرکز بود؛ اصلاحاتی که از حوزه انرژی و نظام بانکی تا سیاست‌های یارانه‌ای، خصوصی‌سازی، مدیریت بنگاه‌های دولتی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل را در بر می‌گیرد. رئیس جمهوری در این بخش با اشاره به شرایط دشوار ناشی از تحریم، جنگ و محدودیت‌های اقتصادی، تأکید کرد که دولت اصلاحات را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای آینده کشور می‌داند.

کلان پروژه محله‌محوری موضوعی است که مطرح شده و لزوم چگونگی پدیدار شدن این پروژه خودش یک پرسش است و بحث دیگر اینکه آیا قرار است این پروژه جایگزین نهادهای مدنی سازمان‌های مردم‌نهاد یا احزاب شود یا اینکه مکملی برای نهادهای مدنی شود؟

ما از نظر مدیریتی یک صورت کسر و یک مخرج کسر داریم. هر نهادی که اسمش را دولت، بهزیستی، کمیته امداد یا نهاد مردم‌نهاد می‌گذاریم، فقط درصدی از آن مخرج کسر را پوشش می‌دهد و همه را نمی‌بیند. حتی شاید خیلی وقت‌ها آنهایی که فقیرتر و ضعیف‌ترند، دیده نشوند؛ چون معمولاً کسانی که دسترسی، آشنایی و اطلاعات بیشتری دارند، خودشان را به این نهادها معرفی می‌کنند. عده‌ای هم هستند که چنین دسترسی‌ای ندارند و به هیچ‌کدام از این نهادها نمی‌رسند. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم پوشش را با مخرج کسر تطبیق دهیم، باید دقیق بدانیم چه تعداد از افراد را پوشش داده‌ایم و چه تعداد باقی مانده‌اند. مثلاً اگر ۱۰ یا ۲۰ درصد از زنان سرپرست خانوار را پوشش داده‌ایم، تکلیف بقیه چیست؟ ما برای محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، یک محدوده مشخص تعریف می‌کنیم و می‌گوییم این منطقه یا این محله. بعد باید معلوم شود هر نهادی که می‌خواهد در آنجا کار کند، مخاطبش چه کسانی هستند، چه درصدی را پوشش می‌دهد و چه درصدی از افراد همچنان بدون پوشش باقی می‌مانند.

کسی که در حوزه درمان فعالیت می‌کند، کسی که می‌خواهد به زنان سرپرست خانوار، سالمندان، بیماران، اشتغال، مسائل فرهنگی، ورزشی یا هنری بپردازد، باید در همان محله مشخص کند چند نفر را دیده و چند نفر همچنان زمین مانده‌اند. محله در واقع مانند یک آجر کوچک از یک ساختمان بزرگ است و باید ببینیم آیا دسترسی‌ها و خدمات مورد نیاز در همان‌جا شکل گرفته است یا نه.

باید بدانیم آیا در آن محله کسی که پیر، بیمار و تنها در خانه است، فردی را دارد که به دادش برسد یا نه. اینکه یک سازمان مردم‌نهاد تشکیل شود، عده‌ای را ببیند و بعد اعلام کند ما ۱۰ نفر، ۱۰۰ نفر یا ۱۰ هزار نفر را پوشش داده‌ایم، کافی نیست. سؤال این است که از مجموع چه تعداد، این ۱۰ هزار نفر را دیده‌اید و چه تعداد همچنان باقی مانده‌اند؟ وقتی منطقه به‌طور مشخص تعریف شود، آن‌وقت می‌توان دید هر نهاد مردم‌نهاد، مجموعه آموزشی، پزشک، مجموعه فرهنگی، ورزشی یا هنری، چند نفر از مخاطبان خود را پوشش داده و چند نفر را ندیده است. بعد دولت باید برای کسانی که باقی مانده‌اند، برنامه‌ریزی و مدیریت کند. برای اینکه بتوانیم همه را ببینیم، ابتدا باید همه را مشارکت دهیم و از آنها بخواهیم به دولت کمک کنند. دولت با این اداراتی که ایجاد کرده، به تنهایی قادر به انجام این کار نیست؛ همان‌طور که تاکنون هم نتوانسته است. در همه دنیا نیز این کار صرفاً با دولت انجام نشده است.

در هر جامعه‌ای که توانمندی‌های اجتماعی و محله‌ای افزایش پیدا کرده، قدرت، ثبات زندگی، وحدت و انسجام اجتماعی بیشتر شده است. هر جا مردم منتظر مانده‌اند که کسی از بالا بیاید و کاری انجام دهد، مشکلات بیشتر شده است. برای اینکه بتوانیم مشکلات مردم را ببینیم، یک محله با جمعیت مشخص، مثلاً ۱۰، ۲۰ یا ۳۰ هزار نفر، تعریف می‌کنیم، سپس خود مردم باید بنشینند، نیازهایشان را ارزیابی کنند، آنچه را می‌توانند خودشان حل کنند و در مواردی که نمی‌توانند، ما به‌عنوان دولت به آنها کمک کنیم.

در نتیجه، نباید محله‌ای وجود داشته باشد که مدرسه، درمانگاه، امکانات بهداشتی یا دیگر نیازهای ضروری را نداشته باشد. مردم باید خودشان وارد میدان شوند، نیازها را مطرح کنند و ما نیز برویم و کمک کنیم. نهادهای مردم‌نهاد هم باید مشخص کنند در کدام‌یک از این سلول‌ها و محله‌ها می‌خواهند کدام مشکل را حل کنند.

در این میان، بحث مذهب نیز مطرح می‌شود و ممکن است این ذهنیت شکل بگیرد که فقط نیروها و گروه‌های مذهبی امکان مشارکت دارند. آیا این سازوکار، همه اقشار و گروه‌های اجتماعی را شامل می‌شود یا مشارکت صرفاً به مجموعه‌های مذهبی محدود خواهد بود؟

ببینید، با توضیحی که دادم، فکر می‌کنم باید این موضوع روشن شده باشد. مسائل سالمندان، زنان، آموزش، جاده، درمان، اشتغال و دیگر نیازهای مردم، همگی مطرح‌اند. مسجد ممکن است بتواند بخشی از این مخرج کسر را پاسخ دهد، اما تکلیف بقیه چیست؟

وقتی از مسجد صحبت می‌کنیم، در کنار آن مدرسه، مرکز بهداشتی، شهرداری، هلال‌احمر و دیگر نهادها نیز قرار دارند. البته تعداد پایگاه‌های هلال‌احمر کمتر است. ما حدود ۸۰ هزار مسجد داریم؛ یعنی تقریباً به ازای هر هزار تا هزار و دویست نفر، باید یک مسجد در محله وجود داشته باشد. حدود ۱۲۰ تا ۱۳۰ هزار مدرسه و نزدیک به ۷ هزار مرکز بهداشتی نیز داریم؛ یعنی تقریباً به ازای هر ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر، یک مرکز بهداشتی در کشور وجود دارد. اینها پایگاه‌هایی هستند که می‌توان از طریق آنها عملیات کرد. مسجد یک پایگاه برای عملیات است، مدرسه یک پایگاه برای عملیات است، مرکز سلامت یک پایگاه برای عملیات است. خانه‌های سلامت و پایگاه‌هایی که شهرداری، هلال‌احمر، سازمان‌های مردم‌نهاد و دیگر مجموعه‌ها دارند نیز مراکز عملیات‌اند.

ما ابتدا در یک محله، جمعیتی تعریف شده را انتخاب می‌کنیم، سپس در همان جمعیت، مکان‌هایی را که می‌توان از طریق آنها به مخاطبان مختلف دسترسی پیدا کرد، شناسایی می‌کنیم. عده‌ای در حوزه فرهنگ فعالیت می‌کنند، عده‌ای در ورزش، اشتغال، بهداشت، سلامت و مسائل روحی و روانی؛ عده‌ای کاسب‌اند و عده‌ای صنعتگرند.

در نتیجه، ما محله را به‌عنوان یک منطقه می‌بینیم و با استفاده از پایگاه‌هایی که می‌توان از طریق آنها به مخاطبان موجود در آن منطقه دسترسی پیدا کرد، برنامه را طراحی می‌کنیم. همچنین می‌توانیم میان این پایگاه‌ها هماهنگی ایجاد کنیم. در نگاه من، مسجد اصولاً باید همه این ظرفیت‌ها را در خود داشته باشد؛ اما چون نگاه‌های ما بسته شده و تصور کرده‌ایم کسی که ما او را مذهبی می‌دانیم، خودی است و دیگری غیرمذهبی و غیرخودی، نتوانسته‌ایم همه را جذب کنیم. پیامبران و امامان نیامدند بگویند کسانی که مذهبی‌اند بیایند و کسانی که مذهبی نیستند، نیایند. آنها همه را می‌دیدند. ما آمده‌ایم خط کشیده‌ایم و مردم را به خودی و ناخودی تقسیم کرده‌ایم؛ در حالی که ناخودی وجود ندارد. هرکسی که در آن محله زندگی می‌کند، متعلق به ماست و ما باید به او رسیدگی کنیم.

ممکن است فردی در آن محله معتاد باشد، گرفتار باشد یا با کسی درگیری داشته باشد؛ باید به او رسیدگی کنیم. اگر این محله را به‌عنوان یک سلول زنده در نظر بگیریم و آن را به حرکت درآوریم، می‌توانیم مشکلات منطقه را در زمینه اشتغال، سلامت، آموزش، تدارکات و خدمات جانبی حل کنیم.

در نتیجه، مسأله فقط یک موضوع خاص نیست؛ بلکه همه آن چیزهایی است که می‌توان در یک منطقه ایجاد و مدیریت کرد. مسجد یک پایگاه است، اما باورهای ما باید در عمل اثبات شوند. به جای اینکه فقط دستور بدهیم مردم چه کاری انجام دهند، باید خودمان برویم و کمک‌حال آنان باشیم. اگر کمک‌حال مردم باشیم، مردم ما را باور می‌کنند.

این کمک نیز باید مستقل از هر توقعی و بدون چشمداشت انجام شود. در قرآن آمده است: «انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا شکورا، انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا.» یعنی این کار را انجام نمی‌دهم که شما از من تشکر کنید یا قدر مرا بدانید؛ بلکه به خاطر حسابی که فردا باید در پیشگاه خدا پس بدهم، این کار را انجام می‌دهم.

خدمت بی‌منت به مردم، باور یک مسلمان است. اگر کسی بتواند چنین عمل کند، می‌تواند بگوید مسلمان است؛ اما وقتی قیافه می‌گیرد، منت می‌گذارد و فقط امر و نهی می‌کند، رفتارش با این باورها همخوانی ندارد؛ هرچند برای خودش هر ادعایی که می‌خواهد، داشته باشد.

اگر بخواهیم دولت شما را از دو منظر بررسی کنیم، یکی اقتصاد و دیگری سیاست خارجی، شاید حوزه سیاست خارجی چالش‌برانگیزتر باشد. دولت شما با ترور شهید اسماعیل هنیه آغاز شد و با فاصله‌ای کوتاه، موضوع فعال شدن سازوکار اسنپ‌بک و بازگشت قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل نیز مطرح شد. در آن مقطع، دولت چه تلاش‌هایی برای جلوگیری از وقوع این دو اتفاق انجام داد؟

ببینید، درباره مسائل خارجی، در داخل کشور چالش‌هایی وجود داشته، وجود دارد و احتمالاً در آینده نیز ادامه خواهد داشت. طبیعی است که بخشی از این مسائل به نگاه‌های متفاوت و همکاری نکردن‌هایی برمی‌گردد که شکل می‌گیرد.

در رابطه با همسایگان، بسیاری از مشکلاتمان را حل کرده‌ایم و روابط بسیار بهتر شده است. اکنون با جنگی که شکل گرفته، اسرائیل و آمریکا تلاش می‌کنند کشورهای خلیج فارس را علیه ما متحد کنند و ما نیز در تلاش هستیم اجازه ندهیم این اتفاق رخ دهد. البته در داخل کشور نیز چالش‌هایی داریم؛ چون همچنان نگاه‌های متفاوتی وجود دارد و طبیعتاً آمریکا و اسرائیل از این وضعیت سوءاستفاده می‌کنند.

باور و اعتقاد من این است و این را نه برای شعار، بلکه از روی اعتقاد می‌گویم که مسلمانان با یکدیگر برادرند. رسول خدا این را می‌فرماید و کتاب خدا نیز همین را می‌گوید. برادری مسلمانان به این معنا نیست که شیعه و سنی از یکدیگر جدا باشند؛ مسلمانان با هم برادرند.

حضرت علی (ع) نیز در خطبه ۱۸ نهج‌البلاغه به همین موضوع اشاره می‌کنند. مسأله‌ای را نزد یک قاضی می‌برند و او حکمی می‌دهد؛ سپس همان مسأله را نزد قاضی دیگری می‌برند و او حکم دیگری صادر می‌کند. بعد همین قاضیان نزد کسی می‌روند که آنان را به قضاوت منصوب کرده و او نیز رأی همه را تأیید می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «الههم واحد ونبیهم واحد وکتابهم واحد»؛ خدای آنان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان نیز یکی است. آیا خداوند به آنان دستور اختلاف داده و آنها اطاعت کرده‌اند یا آنان را از اختلاف نهی کرده و آنها نافرمانی کرده‌اند؟

خدا یکی، پیامبر یکی و کتاب یکی است؛ پس برای چه با یکدیگر دعوا می‌کنید؟ این سخن حضرت علی (ع) است؛ همان کسی که ما می‌گوییم شیعه علی (ع) هستیم. چرا مسلمان با مسلمان درگیر می‌شود؟ حرف حساب چیست؟ مگر ممکن است درباره یک موضوع، یکی بگوید حق است و دیگری بگوید باطل، اما هر دو درست گفته باشند؟ باید بنشینند، مشکل خود را حل و توبه کنند. به جای آنکه خدا را ملامت کنند، خودشان را ملامت کنند. ما با کشورهای مسلمان برادریم؛ برای چه باید با آنها بجنگیم؟ من واقعاً نمی‌فهمم. نه‌تنها با کشورهای مسلمان درگیر می‌شویم، بلکه در داخل کشور خودمان نیز با یکدیگر می‌جنگیم و همدیگر را قبول نداریم.

خب، تو از من بهتری، پاداشت را خدا می‌دهد؛ چرا بر من منت می‌گذاری؟ چرا برای من قیافه می‌گیری و به من امر و نهی می‌کنی؟ چه کسی گفته است که تو باید به من امر و نهی کنی؟ تو خوبی، الحمدلله؛ به من هم خوبی کن، اما بدون منت، همان‌گونه که قرآن می‌فرماید؛ برای خدا، نه اینکه بیایی به دیگران امر و نهی کنی که باید این کار را انجام دهید یا آن کار را نکنید. این رفتار موجب فرار مردم از دین و باور می‌شود.

حضرت علی (ع) نیز در فرمان خود به مالک اشتر می‌فرمایند که امر و نهی کردن از موضع قدرت، پیامدهای نادرستی دارد. می‌فرمایند: «ولا تقولن انی مؤمرآمر فاطاع»؛ نگو من فرمانروا هستم، دستور می‌دهم و دیگران باید اطاعت کنند.

ما می‌گوییم جامعه را نمی‌توان با امر و نهی اداره کرد. این روند پیامدهای فاسدی دارد؛ «فان ذلک ادغال فی القلب ومنهکه للدین، وتقرب من الغیر»؛ یعنی موجب سیاهی قلب، تضعیف دین و نزدیک شدن به تغییر و دگرگونی می‌شود. این یک دستور است. با وجود همه این مسائل، با پشتیبانی مقام معظم رهبری شهید و اکنون نیز با پشتیبانی رهبر معظم انقلاب، تمام تلاش بر وحدت و انسجام است. امروز وضعیت روابط ما با همسایگان خارجی بسیار بهتر از گذشته است.

آقای رئیس جمهور، در آن مقطع مذاکراتی با فرانسوی‌ها شکل گرفت تا شاید بتوانند زمینه مصالحه‌ای میان ایران و آمریکا فراهم کنند. در آن مذاکرات چه اتفاقی افتاد که در نهایت آقای ترامپ این پیشنهاد را نپذیرفت؟

تسهیلگری‌ای در کار نبود. ابتدا خود اروپایی‌ها باید توافق را می‌پذیرفتند. این اروپایی‌ها بودند که موضوع اسنپ‌بک را پیش بردند و این مسأله در ابتدا به ترامپ ارتباطی نداشت. ما با آنها به توافق رسیدیم، اما ظاهراً باید از طرف دیگری اجازه می‌گرفتند و در نهایت نپذیرفتند. این نشان می‌دهد حتی اروپایی‌ها نیز برای تصمیم‌گیری اختیار کامل ندارند؛ چون اگر اختیار داشتند، ما با آقای مکرون تفاهم کرده بودیم و میان توقعات آنها و خواسته‌های ما هماهنگی به وجود آمده بود. البته همه این اقدامات با مجوز و هماهنگی رهبر معظم انقلاب، رهبر عزیز شهید، انجام شده بود.

گاهی در صداوسیما این‌گونه نشان می‌دهند که رهبری گفته‌اند اصلاً مذاکره نمی‌کنیم؛ در حالی که ما همین اقدامات را با اجازه ایشان انجام دادیم و حتی به تفاهم هم رسیده بودیم، اما آمریکا زیر آن زد و بعد اروپایی‌ها موضوع اسنپ‌بک را پیش بردند. اگر همان چیزی را که با آقای مکرون هماهنگ کرده بودیم، می‌پذیرفتند، دیگر نیازی نبود به اصطلاح اسنپ‌بک را فعال کنند.

ما جنگ را شروع نکردیم؛ در حال گفت‌وگو بودیم، اما آنها جنگ به راه انداختند. بعضی‌ها می‌گویند اینها آمده بودند جلوی جنگ را بگیرند، اما جنگ شد. واقعیت این است که ما آغازگر جنگ نبودیم. محاسبه آنها این بود که با روندی که در پیش گرفته‌اند، کشور از هم خواهد پاشید؛ می‌گفتند در این بستر می‌شود کاری کرد.

اما روند به شکلی که آنها می‌خواستند پیش نرفت. مردم ایران همراهی کردند و حتی کسانی که اعتراض و گلایه داشتند، دندان روی جگر گذاشتند. ما توانستیم تا امروز بمانیم و اکنون نیز با قدرت بیشتری ایستاده‌ایم.

می‌فرمایید یکی از اتفاقاتی که در جنگ ۱۲ روزه و به شکلی گسترده‌تر و عمیق‌تر در جنگ ۴۰ روزه رخ داد، هدف قرار گرفتن پایگاه‌های آمریکا در سراسر منطقه بود. این اقدام می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر روابط ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس بگذارد. این مسأله چگونه با سیاست همسایگی دولت شما جمع می‌شود؟

ببینید، مشکل اینجاست که آمریکا از خاک کشورهای منطقه به ما حمله کرده و پایگاه‌ها و مراکز ما را هدف قرار داده است. سؤال این است مدرسه میناب را از کجا زدند؟ از همان کشورهای مسلمان و دوست ما. چرا آنها باید اجازه بدهند بیایند و ما را بزنند؟ ما نمی‌خواهیم آن کشورها را هدف قرار دهیم؛ جایی را می‌زنیم که از همان‌جا به ما حمله می‌شود.

چرا آمریکا باید در منطقه پایگاه ایجاد کند و هر کشور اسلامی را که به حرفش گوش نداد، سرکوب کند؟ چه کسی گفته است ما باید نوکر حلقه‌به‌گوش آنها باشیم؟ ما قصد زورگویی به هیچ‌کس را نداریم، اما زیر بار زور هم نمی‌رویم. قرار نیست به ما زور بگویند، وارد کشورمان شوند و منابعمان را ببرند. اکنون در عراق نفت می‌فروشند، اما پول آن را به خود عراقی‌ها نمی‌دهند.

ما مجبور بودیم از خودمان دفاع کنیم و خداوکیلی رزمندگان ما، نیروهای هوافضا، ارتش، سپاه و همه بچه‌های رزمنده، جانانه دفاع کردند و دنیا را به تعجب واداشتند. البته این اتفاق به برکت پشتیبانی مردم و مدیریتی بود که دولت انجام داد. اگر حمایت دولت از این مجموعه وجود نداشت، شکل‌گیری چنین روندی امکان‌پذیر نبود.

ما یک بدن و یک قدرت واحد هستیم و تکه‌تکه نیستیم. کسانی که می‌خواهند بخش‌های مختلف را از یکدیگر جدا کنند، به‌دنبال ایجاد تفرقه و شکاف در جامعه‌اند. بر همه کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند، یک مجموعه مقررات، قوانین و یک رهبری حاکم است؛ نه اینکه هر گروهی برای خودش خانی تشکیل دهد. با این حال، گاهی عده‌ای نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند.

یکی از نقاط مهم دوره مسئولیت شما در سیاست خارجی این است که ایران دو بار، با واسطه، وارد گفت‌وگو با ایالات متحده شد؛ یک بار پیش از جنگ ۱۲ روزه و بار دیگر پس از آن، که در نهایت به جنگ انجامید. منتقدان می‌گویند این مذاکرات از ابتدا یک فریب بود. برخی جریان‌های تندروتر نیز مدعی‌اند آقای پزشکیان و دولت، رهبر شهید را برای پذیرش مذاکره تحت فشار قرار دادند؛ اما در نهایت دیدیم که تصمیم نظام بر انجام این مذاکرات قرار گرفت. چه اتفاقی افتاد که نظام به این جمع‌بندی رسید و این دو دور مذاکره را پذیرفت؟

جهالت انسان. همین کافی است که نداند قدرت و توانش چقدر است. ما می‌خواهیم کسی به ما زور نگوید و قرار هم نیست زیر بار زور برویم. بنابراین بهترین راه این است که آنها دست از سر ما بردارند و ما هم دست از سر آنها برداریم. مسأله این نیست که ما می‌خواهیم با آنها بجنگیم؛ مسأله این است که آنها ما را ذلیل می‌خواهند و به همین دلیل این روند ادامه پیدا کرده است.

در این گفت‌وگوها، آنها می‌خواستند ما را به‌طور کامل خلع ید کنند. خلع یدشدن یعنی سرنوشتی شبیه غزه؛ بیایند آب‌وخاک ما را شخم بزنند و ما هیچ کاری نتوانیم انجام دهیم. آیا درست است بپذیریم تمام اختیارات نظامی و قدرت دفاعی ما را بگیرند و در برابرشان سر خم کنیم؟ چنین کاری را نمی‌کنیم. در عین حال، ما قصد تجاوز به کشورهای دیگر، تصرف سرزمین یا گسترش مرزها را نداریم. برخلاف صهیونیست‌هایی که آنجا در حقیقت به دنبال اسرائیل بزرگ هستند ما به دنبال ایران بزرگ نیستیم. ما با کشورهای منطقه همسایه‌ایم، مرز مشترک داریم و باید در کنار یکدیگر زندگی کنیم؛ اما اسرائیل با بسیاری از کشورهای اسلامی مرز ندارد و در فکر تجاوز و گرفتن سرزمین آنهاست.

آقای رئیس جمهور! برخی مدعی‌اند دولت شما رهبر شهید را برای پذیرش مذاکره تحت فشار قرار داد و در واقع مذاکره را به ایشان تحمیل کرد. پاسخ شما به این ادعا چیست؟

کسانی که این حرف را می‌زنند، یا رهبری را نشناخته‌اند یا منطق و عقل این موضوع را درک نمی‌کنند. برای اینکه بتوانیم بمانیم، باید بدانیم چه می‌کنیم؛ چه زمانی می‌خواهیم بجنگیم، چه زمانی صلح کنیم و چه زمانی هر طرف کار خودش را انجام دهد؛ نه جنگ باشد و نه صلح. چین و آمریکا با هم دوست هستند؟ بزرگ‌ترین دشمن آمریکا، چین است، چرا دعوا نمی‌کنند؟ چین کار خودش را انجام می‌دهد و روزبه‌روز قوی‌تر می‌شود، وقتی ما می‌توانیم از طریق گفت‌وگو حق و حقوقمان را بگیریم، چرا این کار را نکنیم؟ در همین تفاهم‌نامه‌ای که انجام دادیم، توانستیم جنگ لبنان را متوقف کنیم. هر روز در آنجا ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر از مسلمانان شهید می‌شدند، اما این روند متوقف شد. توانستیم محاصره را برداریم، می‌خواستند پول‌هایمان را بازگردانند و بخشی از تحریم‌ها را رفع و حذف کنند. ما نیز قرار بود تنگه را باز کنیم. البته درباره بخشی از مسائل مربوط به تنگه، گفتند طرف مقابل تعهداتش را رعایت نکرده و ما نیز برخورد کردیم.

ادامه در صفحه ۳

> آیا کسانی که در آن جلسه (شعام) حضور داشتند، همگی ترسو، ناآگاه، غیرعلمی و تسلیم‌شده بودند، اما کسی که اصلاً دستش در آتش نیست، از همه بیشتر جسارت دارد؟ ظلمی بالاتر از این نیست که کسی بدون آگاهی، چنین سخنانی بگوید. آنهایی که در میدان‌اند و در صحنه می‌جنگند، شرایط را می‌بینند؛ اما کسی که کنار گود ایستاده، حکم صادر می‌کند و فردا هم اگر مشکلی پیش بیاید، دوباره اعتراض می‌کند که چرا چنین شد

آگهی مناقصه فیلترهای ماشین‌آلات

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)
در نظردارد خرید سالیانه فیلترهای ماشین‌آلات مورد نیاز مجتمع شهرک، واقع در استان کردستان را به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

لذا تأمین‌کنندگان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۲۷۶۴۵۲۸۶-۰۲۱ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان مناقصه مراجعه نمایند و پاکات خود را مطابق شرایط مناقصه با ورود به سامانه تأمین‌کنندگان صبانور به‌صورت دربسته مهرو موم شده، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق طلب غربی) پلاک ۴۹ طبقه دوم(بخش دبیرخانه) تحویل نمایند. مناقصه‌گذار اختیار کامل درزمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچ‌گونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقصه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

آگهی مناقصه خرید گلوله

شرکت توسعه معدنی و صنعتی صبانور (سهامی عام)
در نظردارد خرید گلوله مورد نیاز کارخانه‌های خود را، واقع در استان‌های همدان و کردستان، به شرکت واجد شرایط واگذار نماید.

لذا تأمین‌کنندگان واجد شرایط می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۲۷۶۴۵۲۸۶-۰۲۱ تماس گرفته و یا به آدرس اینترنتی www.sabanour.com قسمت فراخوان - مناقصه مراجعه نمایند و پاکات خود را مطابق شرایط مناقصه با ورود به سامانه تأمین‌کنندگان صبانور به‌صورت دربسته مهرو موم شده، از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ به آدرس سعادت‌آباد نرسیده به خروجی هاشمی رفسنجانی شرق- خیابان ۲۶ (حق طلب غربی) پلاک ۴۹ - طبقه دوم(بخش دبیرخانه) تحویل نمایند. مناقصه‌گذار اختیار کامل درزمینه رد یا قبول هر یک یا تمامی پیشنهادات را داشته و هیچ‌گونه ادعا و اعتراضی در این زمینه مسموع نخواهد بود و به پیشنهادهای مشروط، مبهم و فاقد ضمانت شرکت در مناقصه و همچنین به پیشنهادهایی که بعد از مدت مقرر در آگهی واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.

می‌ایستم و در برابر کارشکنی‌ها با مردم صحبت می‌کنم

ادامه از صفحه ۲

عکس / president.ir

ما بـه آمریکا چـه دادیم؟ کلی دسـتاورد داشـتیم. چـرا به مـردم اطلاعـات نادرسـت می‌دهیـد؟ در تنگه نیز با کشـتی‌هایی کـه برخـلاف توافق عبور کرده بودنـد، برخـورد نظامی کردیـم. بااین‌حال، عـده‌ای می‌گوینـد ایـن افـراد خائن‌انـد و طـرف مقابـل بـه هیچ‌چیـز عمل نکرده اسـت.
مـا از آنچه به نـام تفاهم‌نامه نوشـته‌ایم، با قدرت دفـاع می‌کنیم. یک بند پیدا کنند کـه در آن کوتاه آمده باشـیم. چـرا باید دائماً بگوییـم بجنگیم؟ این همان چیزی اسـت کـه اسـرائیل می‌خواهد. اسـرائیل می‌خواهد جنگ ادامـه پیدا کند.
اگر بخواهند مـا را به تسـلیم وادار کنند، خواهیم جنگیـد، کوتـاه نخواهیم آمد و سـر تعظیـم فرود نخواهیـم آورد؛ امـا وقتـی می‌توانیـم حقمـان را بگیریـم، چـرا بایـد مسـیری را ادامـه دهیـم که اسـرائیل می‌خواهد؟ عـده‌ای در داخل، دانسـته یـا نادانسـته، همـان پیـام را از زبان آنهـا منتقل می‌کننـد.

تلقی شخصی شما از تفاهم‌نامه پیروزی است یعنی شما معتقدید آن تفاهم‌نامه برای ما پیروزی بود؟

جسـارت اسـت؛ تحلیل‌های کشـورهای خارجی را ببینیـد و بـه حرف مـن اکتفـا نکنید. کسـانی که در داخـل می‌خواهند این توافق را شکسـت جلوه دهند، به‌نظر من باید بسـیار بی‌انصاف باشـند. ما چه چیزی داده‌ایـم و کجا کوتـاه آمده‌ایم؟
می‌گوینـد آمریـکا بـه تعهداتـش عمـل نمی‌کند. خـب، تا جایـی که آنها عمـل کنند، مـا هم عمل می‌کنیـم و هرجـا عمـل نکننـد، مـا نیـز تعهدی بـه ادامـه نداریـم. مهـم ایـن اسـت کـه ببینیم چـه امتیازهایـی بـه دسـت آورده‌ایم. توانسـتیم آمریـکا را وادار کنیـم محاصـره را کنار بگـذارد. در مقابـل، امتیـازی کـه مـا داده بودیـم، مربوط به تنگـه هرمـز بـود؛ موضوعی کـه از قبل هـم وجود داشـت. قرار شـد اجازه دهیـم کشـتی‌ها از تنگه هرمـز عبـور کننـد، آن هـم بر اسـاس مقـررات خودمـان، و طـرف مقابـل نیز بـا ایـن چارچوب موافق بود.

نیروهای نظامی با تفاهم‌نامه موافق بودند؟

جسـارت است؛ در شـورای امنیت ۱۲ یا ۱۳ نفر حق رأی داشـتند و ۱۲ نفر صحبت کردنـد و از موضع ما دفاع کردند.

چرا موافقت کردند؟

بـرای اینکه منطـق، عقل، میـدان و جامعه چنین حکمـی می‌کنـد. یعنـی کسـی کـه نمی‌دانـد همین‌جـوری می‌گویـد بـزن، تبعاتش را هـم باید دید. کسـانی کـه در میـدان ایسـتادند، آدم‌های ترسـویی نبودنـد؛ همـان کسـانی بودند کـه این افتخار را خلق کردند و ما بـه آنها افتخار می‌کنیم. همین افـراد بودند که کشـور را تا امـروز با قدرت اداره و از آن دفـاع کردند.
من نه‌تنها از شـهادت نمی‌ترسـم، بلکه آن را برای خود فوز عظیـم می‌دانم؛ اما اینکـه در این جامعه زندگـی کنم و نتوانم مشـکلات مـردم را حل کنم، به‌هیچ‌وجـه برایـم قابل قبـول نیسـت. بنابراین باید بتوانم مشـکل مـردم را حل کنم.

یک صدای خیلی بلند است که اختلافی وجود دارد بین نیروهای مسلح، دولت، دستگاه دیپلماسی در مورد جنگ و مذاکرات آیا شما این را تأیید یا رد می‌کنید؟

به‌هیچ‌وجـه چنیـن نبـود. تصمیـم دربـاره ایـن موضـوع در شـورای امنیـت گرفتـه شـد و همـه نیروهـای امنیتـی، دفاعـی و نظامـی از آن دفـاع کردند و پذیرفتند. البتـه نمی‌خواهم وارد جزئیات شـوم. بااین‌حال، عده‌ای که کنار گود نشسته‌اند، فقـط می‌گوینـد «لنگـش کن.»
قـرآن می‌فرماید: «بل کذبوا بما لـم یحیطوا بعلمه ولمـا یأتهم تأویله، کذلک کـذب الذین من قبلهم فانظر کیـف کان عاقبة الظالمیـن»؛ یعنی چیزی را تکذیـب کردنـد که بـه آن علـم نداشـتند و هنوز حقیقـت و تأویل آن برایشـان روشـن نشـده بود. این ظلـم بزرگی اسـت که عـده‌ای بـدون اطلاع از دلایـل و علت‌هـای یـک تصمیـم، آن را تکذیب کنند .
آیا کسانی که در آن جلسـه حضور داشتند، همگی ترسـو، نـاآگاه، غیرعلمی و تسلیم‌شـده بودند، اما کسـی که اصلاً دسـتش در آتش نیسـت، از همه بیشتر جسـارت دارد؟ ظلمی بالاتر از این نیست که کسـی بدون آگاهی، چنین سخنانی بگوید. آنهایی کـه در میدان‌انـد و در صحنه می‌جنگند، شـرایط را می‌بینند؛ امـا کسـی کـه کنار گـود ایسـتاده، حکـم صـادر می‌کنـد و فـردا هـم اگـر مشـکلی پیـش بیایـد، دوبـاره اعتـراض می‌کنـد کـه چرا چنین شد.

آقای رئیس جمهور، مردم دوست دارند بدانند رابطه شما با فرماندهان نیروهای مسلح چگونه است و این رابطه چه پیامی درباره وحدت و هماهنگی میان دولت و نیروهای مسلح دارد؟

فرمانـده کل نیروهای مسـلح، رهبر عزیـز انقلاب هسـتند. در این موضوع، همه با یکدیگر هماهنگ بودیم و تصمیـم را پذیرفتیم؛ اصـلاً مخالفی وجود نداشـت. نه‌تنهـا مخالفتی نبود، بلکـه فرماندهان درباره ضرورت ایـن تصمیم توجیـه می‌کردند.
در نتیجه، مـا با نیروهـای نظامی کامـلاً هماهنگ هسـتیم و وظیفه خـود می‌دانیم از آنان پشـتیبانی کنیم. آنها جانشـان را کف دستشـان گذاشـته‌اند و از این کشـور دفـاع می‌کنند. مگر ممکن اسـت مـن بخواهم با آنها اختلاف داشـته باشـم یـا آنها بـا من اختـلاف کنند؟ هیچ شـکی نیسـت که این تفاهم‌نامـه بـا هماهنگـی، همدلـی و تعامل کامل شـکل گرفته است.
عده‌ای می‌گفتند فلانی در آن جلسـه تهدید کرده و دیگـران را وادار به پذیرش توافق کرده اسـت. مگر آن فرماندهـان از تهدیـد مـن می‌ترسـند؟ آیـا اگر من تهدید کنـم، برخلاف نظر رهبـر معظم انقلاب به طـرف مـن می‌آینـد؟ این سـخن جفـا در حق آنهاسـت. هیچ‌کدام از این افراد کسـانی نیسـتند کـه به ایـن سـادگی و بـدون منطـق، موضوعی را بپذیرند. به‌نظر مـن، روند سـخن‌گفتن درباره این موضوع باید به‌گونه‌ای باشـد که وحدت، انسـجام و همدلـی را تقویت کند.

آنها القای اختلاف بین شما و مقام معظم رهبری هم می‌کنند؟

ببینید، مـن بارها و در همه مجامـع گفته‌ام؛ حتی در انتخابـات، اگـر خاطرتـان باشـد، در دانشـگاه تهـران تنهـا نامـزدی کـه محکـم از مقـام معظم رهبـری دفاع کـرد، من بـودم. بنده نه‌تنهـا از نظر اعتقادی بـه رهبری بـاور دارم، بلکـه از نظر علمی نیـز معتقـدم در نهایت بایـد یک نفر حـرف آخر را بزنـد و برای ایـن موضـوع می‌توانم دلایـل فراوانی ارائـه کنم.
حـالا عـده‌ای می‌خواهند این‌گونـه القـا کنند که رهبـر معظـم انقـلاب یک حـرف می‌زنـد و دولت حـرف دیگـری. ایـن سـخن هـم در حـق مقـام معظـم رهبری و هـم در حـق دولت جفاسـت. با قاطعیـت می‌گویـم هیچ دولتـی به انـدازه دولت مـن در مسـیر سیاسـت‌های رهبر معظـم انقلاب حرکـت نکرده اسـت. همان کسـانی کـه در زمان انتخابـات می‌گفتنـد دیگـران همـه ناخودی‌اند و فقط خودی‌هـا بایـد روی کار بیاینـد، الان دارند از ایـن حرف‌ها می‌زنند کـه بخواهند بگوینـد ما را در مقابـل رهبر معظم انقـلاب قرار دهنـد و یک آنگی بچسـبانند و بگویند این‌گونه اسـت. با تمام قدرت تمام قدرت پشـت رهبـری ایسـتاده‌ایم و خواهیم ایسـتاد. طبیعتـاً رهبـری نیـز بـر اسـاس داده‌ها تصمیماتـی می‌گیرند کـه به نفع کشـور، حاکمیت و مردم باشـد.
کسـانی کـه بـدون داده یـا بـا اطلاعـات ناقـص بـرای جامعه نسـخه می‌نویسـند، آن را بـه انحراف می‌برنـد. کسـی کـه دسـتش در آتـش نیسـت و فقط چنـد اطلاعـات پراکنده از این‌سـو و آن‌سـو گرفته، حق ندارد برای همه مسـائل نسخه بپیچد. عـده‌ای نشسـته‌اند و دربـاره اقتصـاد، سیاسـت، جامعه‌شناسـی و کشـاورزی اظهارنظـر می‌کننـد؛ واقعـاً نمی‌دانم این همه دانـش را از کجا آورده‌اند. مـن ۱۷ یـا ۱۸ سـال در دانشـگاه درس خوانده‌ام، اسـتادتمام هسـتم و در دوران تحصیل نیز همواره جزو دانشـجویان برتر کلاس بـودم؛ اما اکنون فقط دربـاره گوشـه‌ای از قلب و یک بخـش تخصصی آن صحبـت می‌کنم و نمی‌توانم دربـاره همه حوزه‌های قلب نظـر بدهم.
قلبـی کـه در مجموع حـدود ۲۸۰ تـا ۳۰۰ گرم وزن دارد، بیـش از ۱۰ یـا ۱۵ فوق‌تخصـص مختلف دارد. آن‌وقـت دربـاره جامعه‌ای بـا این همـه پیچیدگی، چنـد نفـر می‌نشـینند، همـه مسـائل را حلاجـی می‌کننـد و بـرای همه‌چیـز راه‌حـل می‌دهنـد. بـرای من سـؤال اسـت کـه ایـن دانـش را از کجا آموخته‌انـد.

برخی می‌گفتند در فضای مجازی شما موضوع استعفا را مطرح کردید تا در داخل فشار ایجاد کنید و زمینه برای پذیرش توافق فراهم شود. پاسخ شما به این ادعا چیست؟

مـن هیچ‌وقـت به‌صـورت رسـمی چنیـن کاری نکـردم. مـن اسـتعفا بدهم رسـماً اعـلام می‌کنم اسـتعفا دادم. اسـتعفا نخواهم داد؛ می‌ایستم و در برابـر کارشـکنی‌هایی که انجـام می‌شـود، با مردم صحبـت می‌کنـم و توضیح می‌دهم روند چیسـت و چگونـه پیـش می‌رود.
مـا نوکـر مـردم و در خدمـت آنـان هسـتیم. در ایـن دو سـال بگردند و ببیننـد آیا بـرای خودمان، قوم‌وخویشـمان یـا دارودسـته‌مان کاری کرده‌ایم یا نه. کسـانی کـه دنبال چنیـن مواردی هسـتند، بگردنـد و پیـدا کننـد. مـا صادقانـه می‌خواهیـم خدمتگزار مردم باشـیم و از ایسـتادن و جنگیدن هـم باکـی نداریـم؛ امـا بالاخـره عقـل هـم چیز خوبی اسـت.

بعد از جنگ ۴۰ روزه وقتی تیم مذاکره‌کننده قرار شد که مذاکرات را شروع کند آقای قالیباف به عنوان مسئول تیم انتخاب شد. آقای قالیباف انتخاب شما بود و یا انتخاب شعام بود یا نهادهای بالادستی این انتخاب را انجام دادند؟

مـا از آقـای قالیبـاف خواهـش کردیـم و ایشـان هـم پذیرفتنـد. بالاخره اگر بـا یکدیگـر هماهنگ و همـکار باشـیم، راحت‌تـر می‌توانیـم امـور را پیـش ببریـم تـا اینکـه تصـور شـود فقـط دولت ایـن کار را انجـام می‌دهـد. قوه قضائیـه، مجلس، نیروهـای مسـلح و دیگـر مجموعه‌هـا همگـی در این مسـیر همـکاری می‌کننـد. برای اینکه نشـان دهیـم همه بـا هم هسـتیم، گفتیـم نمایندگانی از همه ایـن مجموعه‌هـا در ایـن تیم حضور داشـته باشند.
ایـن تصمیـم صرفـاً تصمیـم دولـت نبـود. همه بـا یکدیگـر تفاهـم کردیـم و بـر اسـاس داده‌ها، اطلاعـات، واقعیت‌هـای میدان، وضعیـت دولت و شـرایط مردم تصمیـم گرفتیم. واقعـاً هم از آقای دکتـر قالیباف قلباً قدردانی می‌کنم؛ ایشـان جانانه و مردانـه وارد میدان شـدند و همـکاری می‌کنند. آقـای اژه‌ای نیـز واقعاً بـا جدیـت و همراهی کامل همـکاری دارند. اگر تـا امـروز توانسـته‌ایم بمانیم و امـور را پیـش ببریـم، به‌دلیل همیـن وحدت و انسـجام بوده است.

آقای عراقچی چطور؟

آقای دکتر عراقچی دیپلمات رسـمی کشـور ماست و شـبانه‌روز تـلاش می‌کند. متأسـفانه عـده‌ای به ایشـان بی‌احترامـی می‌کنند. مـن نمی‌دانم کدام دیـن و مذهب به انسـان اجازه می‌دهـد به دیگری تهمـت بزند، ناسـزا بگوید یـا بی‌احترامی کند.
خداونـد می‌فرمایـد: «قـل لعبـادی یقولـوا التـی هـی احسـن ان الشـیطان ینـزغ بینهـم ان الشـیطان کان للانسـان عدوا مبینا». این دسـتور خداسـت. اگـر مدعـی هسـتیم کـه راه خـدا را می‌رویـم و از فرمـان او اطاعـت می‌کنیـم، نبایـد راه شـیطان را در پیـش بگیریـم. باید بـا یکدیگر مهربانانـه و بـا همدلـی سـخن بگوییـم و بـه هم بی‌احترامـی نکنیـم. شـیطان می‌خواهـد مـا را به جـان یکدیگـر بینـدازد؛ مـا نباید به جـان هم بیفتیم.

آقای رئیس جمهور! شما آقای قالیباف را به‌عنوان رئیس هیأت مذاکره‌کننده تعیین کرده بودید. چه شد که در نهایت امضای تفاهمنامه را شخصاً خودتان انجام دادید؟

قـرار نبود آنها بـرای امضای توافق به ژنـو بروند، اما درباره کلیات موضوع تفاهم شـده بـود و در نتیجه مـا آن را امضـا کردیم. در طرف مقابـل نیز قرار بود ونس بـا آقای قالیبـاف امضا کند، امـا بعد تصمیم گرفتـه شـد ترامـپ امضا کنـد تـا توافـق از اعتبار و اسـتحکام بیشـتری برخـوردار باشـد و نتواننـد به‌سـادگی زیر امضای خـود بزنند.
در نتیجـه، وقتـی امضـا در طرف مقابل در سـطح رئیس‌جمهـوری انجام شـد، ما نیـزآن را در همان سـطح امضا کردیـم. از نظـر اعتبار و جایگـاه، این شـکل از امضا سـطح بالاتری داشت.

یعنی تمام این هماهنگی‌ها در کمتر از ۲۴ ساعت انجام شد؟ دقیقاً چه اتفاقی افتاد که ناگهان تصمیم گرفتند در طرف آمریکایی، ترامپ و در طرف ایرانی، رئیس جمهوری تفاهمنامه را امضا کنند؟

روایت این ماجرا تا حدی محرمانه اسـت؛ شـاید در فرصت دیگـری بتوان درباره آن صحبـت کرد. فعلاً بیشـتر از این موضوع را باز نکنیـد؛ همین مقداری که گفته شـد، قابلیت انتشار دارد.

بخش دوم گفت‌وگوی رئیس جمهوری با مردم

مسیر اصلاحات متوقف نمی‌شود

توسعه انرژی پاک، عدالت یارانه‌ای و اصلاح مدیریت، سه محور تحول اقتصادی است

دومیـن بخـش از گفت و گـوی رئیس جمهوری بـا مردم نیـز پنج شـنبه شـب از تلویزیون پخش شـد. پزشـکیان در این بخش از گفت و گوی خود بـا اشـاره به آغـاز اصلاحـات دولت بـرای عبور از مشـکلات کشـور گفت کـه ایـن روند آغاز شـده متوقـف نخواهد شـد. رئیـس جمهـوری درباره اینکـه دولت را در چه شـرایطی تحویـل گرفتید؟ گفـت: دولـت را در شـرایطی تحویـل گرفتیم که توضیح آن مفصل اسـت، اما برآینـد وضعیت این بـود که در زمسـتان باید بـا قطعی بـرق، آب و گاز مواجه می‌شـدیم. مجمـوع ذخایر انـرژی ما یک میلیـارد و ۲۰۰ میلیـون لیتـر بـود و می‌گفتند این ذخایر تـا آبان بیشـتر دوام نمی‌آورد. پـس از آن، دیگر سـوختی نداشـتیم که نیروگاه‌هایمـان را با آن بچرخانیم. کمبود گاز هم داشـتیم و بحث این بود کـه در زمسـتان، هم برق نخواهیم داشـت و هـم گرمایش بـا مشـکل مواجه خواهد شـد؛ اما با همکاری، همراهی و مدیریت، این اتفاق نیفتاد.
بـا وجود جنـگ، درگیری و محاصـره‌ای که وجود دارد، قـرار بود ۳۰ هـزار مگاوات پنل خورشـیدی احـداث کنیـم، امـا بـا مشـکلاتی کـه داشـتیم نتوانسـتیم به هدفی که می‌خواسـتیم برسـیم. البته در قانـون برنامه، در مجموع ۱۲ هزار مگاوات برای پنج سـال پیش‌بینی شده اسـت؛ اما ما اصلاً به‌دنبـال این نیسـتیم کـه فقط به همـان میزان تعیین‌شـده در قانون برسیم. به‌دنبال آن هستیم که تـا جایی کـه ظرفیت و تـوان داریم، مشـکل انرژی خـود را از طریق انرژی پـاک حل کنیم؛ زیرا اکنون سـوختی را که در حقیقـت ارزان در اختیار داریم، هـدر می‌دهیم، هوا را آلـوده می‌کنیم و در نهایت با کمبـود نیز مواجه می‌شـویم.
امسـال، بـا وجـود اینکـه نیروگاه‌های مـا را زدند و روزانـه نزدیـک بـه ۲۳۰ میلیـون مترمکعب گاز ما را زدند، شـما قطعی برق بسـیار کمـی دیدید. امیـدوارم از ایـن پـس دیگـر اصـلاً قطعـی برق نداشـته باشـیم. در ایـن گرمـا، در برخـی نقاط قطعی‌هایـی وجـود داشـت؛ امـا برنامه‌ریـزی کرده‌ایم کـه به‌هیچ‌وجه بـرق صنایـع و کارگاه‌ها را قطـع نکنیـم و در حـال تلاش هسـتیم این کار را انجـام دهیـم. همه ایـن اقدامات بـا همراهی، همدلـی و جهت‌گیری‌هایـی کـه داشـتیم و بـا مسـاعدت و همکاری مردم انجام شد و توانستیم مشـکل را مدیریـت کنیم. بـرای زمسـتان نیز، با وجود کمبـود روزانه ۲۳۰ میلیـون مترمکعب گاز، در حال طراحـی و برنامه‌ریزی هسـتیم تا به امید خدا مردم در زمسـتان با مشـکل مواجه نشـوند.
ایـن کار را به حـول و قـوه الهی، با کمـک مردم، همدلی و همراهـی میان قوا و آگاهی‌بخشـی لازم بـه مـردم انجـام خواهیـم داد تا آنـان نیـز با ما همراه شـوند.
رئیـس جمهـوری دربـاره مشـکلات اقتصـادی هـم افزود: مـن نمی‌گویم کـه توانسـته‌ایم همه مشـکلات را حـل کنیـم. تحریـم یـک واقعیت اسـت. وقتی نتوانیم نفت خود را بفروشیم، یعنی ارز کمتـری خواهیم داشـت؛ نـه اینکه اصـلاً ارز نداشـته باشـیم، اما کمتر خواهیم داشت. وقتی ارز کمتـری داشـته باشـیم، طبیعتاً با مشـکلاتی روبـه‌رو می‌شـویم. بایـد راهی پیـدا کنیـم که تا جایـی که از دسـتمان برمی‌آید، این مشـکلات را کمتـر و کمتر کنیم. ایـن اتفاق خواهـد افتاد، اما تحقق سـریع آن دشوار اسـت. وقتی این مسیر را بسـته‌اند، طبیعتاً ما نیز در حـال طراحی راه‌های مختلف با همسـایگانمان هسـتیم. تجارت خود را بـا آنها گسـترش می‌دهیـم و دادوسـتدمان را بیشـتر می‌کنیـم. چـون امـکان جابه‌جایی پول را نداریـم، طبیعتـاً بخشـی از مبـادلات به‌صورت تهاتـری انجام می‌شـود.
ارتبـاط ما با همسـایگان بسـیار بهتر از گذشـته است و کشورهای همسـایه همکاری بسیار خوبی با مـا دارند. یکی از برنامه‌هایی کـه در جریان این جنگ، اغتشاشات و تنش‌ها طراحی کرده بودند، ایجـاد ناآرامی از شـمال‌غرب و جنوب‌شـرق بود. می‌گفتند از آن‌سـوی مرزها افرادی وارد می‌شوند و در این مناطق اغتشـاش ایجـاد می‌کنند؛ اما خود کشـورهای منطقه اجازه ندادند کسـی به‌راحتی از آن‌طرف وارد شـود و اغتشاش ایجاد کند.
وی درباره اصلاح نظام بانکی هم ادامه داد:
یکی از راه‌هـای کنترل تورم، اصـلاح همین نظام بانکی اسـت. اکنون نیـز وزارت اقتصاد برنامه دارد ناترازی‌هایـی را که در بانک‌ها وجود دارد، مدیریت کند. همچنیـن جلوی روندی را می‌گیـرد که در آن، بانک‌هـا گاهـی منابع مالی را صـرف خریدها و فعالیت‌هـای غیرتولیـدی می‌کنند. این مسـیر ادامه خواهد داشـت و برای آن برنامه‌ریزی شـده اسـت؛ البته کار سـاده‌ای هم نیست.
رئیـس جمهـوری همچنین بـا دفـاع از تصمیم حـذف ارز دولتـی و تخصیـص کالابرگ بـه مردم توضیـح داد: اکنون باید مبلغ کالابـرگ را افزایش دهیـم، چـون قیمت‌ها گران‌تر شـده اسـت. در حـال تلاش هسـتیم، امـا به‌دلیـل کمبـود ارز و مشـکلاتی که داریم، تا حدی با مشکل مواجهیم. بـا این حـال، به امید خـدا این مسـأله را نیز حل خواهیـم کـرد. البته بایـد کاری کنیم کسـانی که بـه کمک دولـت نیـاز ندارنـد و حتـی می‌توانند خودشان کمک کنند، سهم کمتری دریافت کنند و آن مقدار به دهک‌های پایین‌تر اضافه شـود. اگر بتوانیم از آنها کم کنیـم و به این گروه‌ها بیفزاییم، عدالت بیشـتری برقرار خواهد شـد.
رئیـس جمهوری در پاسـخ بـه این نقد کـه زمان مناسـبی برای اجـرای حذف ارز دولتـی انتخاب نشـده بود؟ گفت:
۴۷ سـال اسـت کـه می‌خواهیـم درسـت عمل کنیـم، اما هر بار می‌گویند اکنون وقتش نیسـت. هر زمان می‌خواهیـم کاری انجام دهیم، می‌گویند فعلاً دسـت نگه دارید و هر بار هم بهانه‌ای مطرح می‌شـود. نتیجـه این شـده اسـت کـه روزبه‌روز بیشـتر در باتـلاق فـرو می‌رویـم. مـا مجبوریـم اصلاحـات را انجـام دهیـم. اگـر در حـوزه آب، بـرق، گاز، بنزیـن و گازوئیل درسـت عمل نکنیم، مشکلات بیشـتر می‌شـود. هر بار که می‌خواهیم بـه این مسـائل ورود کنیم، می‌گویند الان دسـت نزنید، چون اگر دسـت بزنید صدا بلند می‌شـود. خب چـه زمانـی بایـد دسـت بزنیـم؟ زمانی که خودمـان غرق شـدیم، کشـور نابود شـد و همه ضـرر کردند؟
پزشـکیان دربـاره برنامـه دولت بـرای خصوصی سـازی صنعـت خـودرو هم گفـت: ایـن موضوع هم در حال اجراسـت. مـا ایران‌خـودرو را واگذار کردیـم و به‌دنبال آن، وزیر اقتصاد ما را اسـتیضاح کردنـد؛ با ایـن اسـتدلال که مثـلاً نبایـد این کار انجـام می‌شـد. منظـورم از مقاومت‌هـا همیـن اسـت؛ هر کاری کـه می‌خواهید انجـام دهید، در برابـر آن مقاومتـی وجـود دارد. واگذاری سـایپا و بخش‌ها و شـرکت‌های مختلف دیگـر نیز اکنون در برنامـه اسـت تـا بتوانیـم تا جایی کـه ممکن اسـت آنها را واگذار کنیم. البته واگذاری به معنای خصولتی‌کـردن نیسـت؛ منظور، واگـذاری واقعی به بخـش خصوصی اسـت تا بتوانـد دخل‌وخرج خـود را تأمین کنـد. بسـیاری از واگذاری‌هایی که تاکنـون انجـام شـده، بـه حیاط خلـوت عده‌ای تبدیل شـده است.
وی درباره واگـذاری اختیارات به اسـتانداران هم توضیـح داد: مـن امروز رئیس دولت هسـتم، اما پیـش از ریاسـت‌جمهوری، حتی بـرای نمایندگی هـم مـرا رد کردنـد. در ایـن جامعه، افـراد زیادی ماننـد مـن و حتی بهتـر از مـن وجود دارنـد، اما مـا به‌خاطـر همیـن پسـت‌ها و جایگاه‌هـا اجازه نمی‌دهیـم خودشـان، مهارتشـان، علمشـان و توانمندی‌شـان را نشـان دهنـد. هرچقـدر بتوانیم این اختیارات را واگذار کنیم، افراد بیشـتری خواهند توانسـت در چارچـوب برنامـه، هـدف و مقـررات، توانمنـدی خود را نشـان دهنـد و مشـکلات را حل کنند. این‌طور نیسـت که هر چه مـن گفتم دیگران بایـد گـوش دهنـد. هـر اسـتانداری می‌توانـد یک رئیس‌جمهـوری باشـد و هر فرمانداری نیـز می‌تواند همین‌گونـه عمل کنـد. اگـر بتوانیم پتانسـیل‌ها و توانمندی‌های نیروهای موجود در کشور را آزاد کنیم، توان حل مسـأله ما چندین هزار برابر می‌شـود؛ زیرا کسـی که در منطقه حضور دارد، شرایط را بهتر از من می‌بینـد و راحت‌تر از مـن می‌تواند تصمیـم بگیرد. فقـط بایـد اختیار بدهیـم و بسـتر را برایـش آماده کنیـم تـا کارش را انجام دهـد. کاری کـه در رابطه با اسـتانداران انجام دادیم، قـدم اول بود و بسـیار به ما کمک کـرد. در جریـان جنگ ۱۲روزه یـا جنگ ۴۰ روزه، یک، دو یا سـه میلیـون نفر فقط بـه مازندران رفتنـد. چـرا آنجـا مشـکل نـان، بنزین یـا کالاهای اساسـی به وجود نیامد؟ چون مدیران آنجا با یکدیگر هماهنگ شـدند، بـا این‌طرف و آن‌طرف نشسـتند و شـرایط را مدیریـت کردنـد. مـردم اصـلاً جنگ را احسـاس نکردند؛ فقـط زمانی که جایـی را می‌زدند یا تصاویر را از تلویزیون می‌دیدند، متوجه می‌شـدند اتفاقی افتاده اسـت. این وضعیت به برکت مدیران، اسـتانداران، فرمانداران و هماهنگی وزیران ما شکل گرفت. چـرا مردم قطعی بـرق را احسـاس نکردند؟ بسـیاری از نقاط مربوط بـه نیروگاه‌های مـا را زدند، اما مردم احسـاس نکردند مشـکلی وجـود دارد.
رئیـس جمهـوری درباره نهضت مدرسـه سـازی در دولت هم گفـت: آنچه مـن فکر می‌کنم این اسـت که اگر بهترین روش آموزشـی در دنیا وجود دارد، باید آن را در کشـورمان مسـتقر کنیم. در نتیجه، نقطه‌ای وجـود ندارد که بگوییـم به آن رسـیده‌ایم؛ بلکه باید همیشـه تلاش کنیـم آمـوزش را بهتر و بهتـر کنیم. آموزش فقط شـنیدن نیست. در کلاس معمولاً معلم صحبـت می‌کنـد و دانش‌آموز می‌شـنود، اما دیدن، بحث دیگری اسـت. مثلاً وقتی ما در پزشکی آناتومی اسـتخوان، مغز و دیگر اعضای بـدن را می‌خواندیم، توضیح می‌دادند که اسـتخوان یا لوله چگونه است، قسـمت فوقانی و تحتانی آن کجاسـت و ما باید همه اینهـا را در ذهنمـان تجسـم می‌کردیـم. امـا وقتی مغـز، اسـتخوان یا قلـب را به مـا نشـان می‌دادند و می‌گفتنـد ایـن قسـمت بـالا و آن قسـمت پاییـن اسـت، بسـیار راحت‌تر متوجـه می‌شـدیم. حتی با دیدن عکـس نیز بهتـر از صرفـاً شـنیدن مطلب را درک می‌کردیم. در نتیجـه، کاری که باید انجام دهیم این اسـت که تا جایی کـه می‌توانیم، روند آموزشـی را بر پایه دیدن، شـنیدن، لمس‌کـردن، بحث‌کردن و اجراکردن گسترش دهیم و توانمندی خود را بیشتر کنیم. این راه، پایان‌ناپذیر اسـت و تغییر رفتار مداوم و هـرروزه را می‌طلبد.
رئیس جمهوری ادامـه داد: از نظر اعتقادی نیز گفته شده اسـت: «من استوی یوماه فهو مغبون»؛ هرکس دو روزش با یکدیگر برابر باشـد، زیان‌کار است. یعنی مـن معلم هـر روز می‌توانم بهتر آمـوزش بدهم، من پزشـک هر روز می‌توانم بیمارم را بهتر معاینه و درمان کنـم، تاجـر می‌تواند تجارتـش را بهتر انجـام دهد و صنعتگـر نیـز می‌توانـد کارش را بهتـر کند. باید این نـگاه در ما به وجـود بیاید که می‌توانیم بهتر شـویم. در نتیجـه، هـر لحظـه می‌تـوان یـک قدم بـه جلو برداشـت. اگر این نگاه را در فراگیـران و دانش‌آموزان ایجـاد کنیم، دنیـای دیگری خواهیم سـاخت. البته ایجـاد چنیـن نگاهی سـاده نیسـت. تغییـر رفتار، تغییـر دهه‌اسـت. ما ایـن مسـیر را آغـاز کرده‌ایم و بسـیار هم کار می‌کنیم، اما این کار بسـیار سـخت‌تر از سـاختن یک سـاختمان اسـت. درباره ساختمان می‌توانیـم بگوییم هفت هزار مدرسـه سـاخته‌ایم، امـا تغییر نـگاه، رفتار و مهارت یک انسـان، مسـأله زمان‌بر اسـت.

شرکت پتروشیمی نوری (سهامی عام) NOPC

آگهی شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران (یک مرحله‌ای)

مناقصه شماره: ۱۴۰۵/۰۴

نوبت اول

ردیف	عنوان	شرح
۱	نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار	استان بوشهر، عسلویه، شرکت پتروشیمی نوری، صندوق پستی: ۷۵۳۹۱-۱۱۵ / تلفن‌های تماس: ۰۷۷-۳۷۳۲۳۲۵-۰۴ داخلی ۲۲۵۴ (برای پاسخگویی به موارد قراردادی) داخلی ۲۲۱۸ و ۲۲۱۷ (برای پاسخگویی درخصوص دریافت اسناد مناقصه) دورنگار: ۰۷۷-۳۷۳۲۴۷۷۵/ سایت اینترنتی: www.nopc.co
۲	موضوع مناقصه	فنس‌کشی محدوده خط لوله فلر شرکت پتروشیمی نوری
۳	مبلغ برآورد	۱۸۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (یکصد و هشتاد و هشت میلیارد ریال)
۴	تاریخ، مهلت، نشانی دریافت و تحویل اسناد استعلام کیفی مناقصه‌گران	مناقصه‌گران می‌توانند فرم‌های ارزیابی کیفی را از طریق سایت اینترنتی شرکت به نشانی www.nopc.co دریافت نمایند و پس از تکمیل فرم‌ها و آماده‌سازی مدارک مربوطه، حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه به تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ به‌صورت الکترونیکی به آدرس پست الکترونیکی tec@nopc.co که فقط عنوان و شماره مناقصه و نام شرکت متقاضی در قسمت موضوع ایمیل قید شده باشد؛ ارسال کنند. چنانچه ارسال مدارک از طریق روش بالا میسر نباشد؛ مناقصه‌گران می‌توانند مدارک خود را به‌صورت فیزیکی (در قالب لوح فشرده (CD/DVD) و یا حافظه فلش (USB Flash)) به دبیرخانه کمیسیون معاملات شرکت پتروشیمی نوری واقع در عسلویه ارسال نمایند.
۵	مدت اعتبار پیشنهادها	در اسناد مناقصه آورده خواهد شد.
۶	نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (پس از مرحله ارزیابی کیفی و دعوت از مناقصه‌گران احراز صلاحیت شده؛ همراه پیشنهاد قیمت ارائه گردد)	به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پنج میلیارد ریال) و یا واریز وجه نقد به‌حساب جاری شماره ۲۶۶۱۰۲۶۶۱۰ نزد بانک تجارت شعبه پتروشیمی نوری به‌نام شرکت پتروشیمی نوری

شرایط متقاضی:
۱- داشتن شخصیت حقوقی، شماره شناسه ملی و شماره اقتصادی مؤدیان مالیاتی.
۲- داشتن تجربه و دانش فنی کافی مرتبط با موضوع مناقصه و حسن سابقه قراردادهای مشابه.
۳- داشتن گواهی‌نامه معتبر صلاحیت و دارا بودن ظرفیت کار.
۴- داشتن توانایی مالی و ارائه ضمانت‌نامه‌های بانکی معتبر.
۵- ارائه سوابق کاری و همچنین مدارک و گواهی‌نامه‌های سیستم‌های مدیریتی متناسب با موضوع مناقصه درصورت وجود.
۶- دارا بودن تأییدیه‌های مورد نیاز کسب و کار از مراجع ذی‌صلاح.
۷- ارائه صورتحساب‌های مالی حسابرسی شده توسط حسابرسان مستقل مربوط به آخرین سال مالی.
۸- تکمیل و ارسال فرم‌های استعلام ارزیابی کیفی به‌همراه مستندات مربوطه.

شرکت پس از بررسی اسناد و مدارک و ارزیابی توانمندی متقاضیان درچارچوب ضوابط و مقررات، نسبت به توزیع اسناد مناقصه میان شرکت‌های واجد شرایط اقدام خواهد نمود. ارائه مدارک و سوابق مذکور هیچ حقی را برای متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. همچنین به درخواست‌ها و مدارک ارسالی پس از مهلت مقرر، ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی نوری

خبر

دانشگاه تهران با همراهی ایرنا و «ایران» برگزار می‌کند

اولین همایش بین‌المللی «ایران و نظم نوین جهانی»

مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران با انتشار فراخوان، از استادان، پژوهشگران و دانشجویان برای مشارکت در اولین همایش بین‌المللی «ایران و نظم نوین جهانی؛ تحولات پس از جنگ با آمریکا و اسرائیل» دعوت کرد. بر اساس این فراخوان، علاقه‌مندان می‌توانند چکیده مبسوط مقالات خود را مطابق شیوه‌نامه اعلام شده همایش، ارسال کنند. چکیده‌های برگزیده پس از داوری، برای ارسال مقاله کامل دعوت شده و مقالات منتخب در مجلات دارای نمایه علمی منتشر خواهند شد. آخرین مهلت ارسال چکیده مقالات ۲۷ شهریور ۱۴۰۵، زمان اعلام نتایج داوری ۱۵ مهر ۱۴۰۵ و زمان برگزاری این همایش ۴ و ۵ آبان ۱۴۰۵ اعلام شده است.
این رویداد علمی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و با همراهی خبرگزاری ایرنا و روزنامه ایران، برگزار می‌شود.
علاقه‌مندان برای اطلاع از محورهای همایش، شیوه‌نامه نگارش چکیده، ثبت‌نام، ارسال مقالات و دریافت اطلاعات تکمیلی می‌توانند به وب‌سایت رسمی همایش به نشانی https://iranwar.ut.ac.ir مراجعه کنند یا از طریق پست الکترونیکی intstudy@ut.ac.ir با دبیرخانه همایش در ارتباط باشند.

نسخه تهران برای عبور از گره هرمز

تهران و مسقط پس از آنکه اجرای تفاهمنامه مشترک ایران و آمریکا در تنگه هرمز با کارشکنی و اختلال مواجه شد، دور تازه‌ای از رایزنی‌ها را برای بازتنظیم سازوکار عبور و مرور کشتی‌ها و مدیریت مشترک این گذرگاه راهبردی آغاز کرده‌اند. گرچه این مذاکرات در روزهای اول اجرای تفاهمنامه در اولویت رایزنی‌های عمان قرار نداشت اما با تشدید تقابل نظامی ایران و آمریکا، تبادل آتش و پاسخ دفاعی ایران به اهدافی در عمان، کویت و بحرین، اهمیت آن به‌تدریج افزایش یافت و طرح پیشنهادی تهران برای ایجاد یک مسیر جدید در تنگه هرمز را به یکی از محورهای اصلی گفت‌وگوهای دو کشور تبدیل کرد.
اهمیت این رایزنی‌ها از آنجا ناشی می‌شود که تهران از ابتدا بر این مهم تأکید داشته است که مدیریت عبور و مرور در هرمز برخلاف ادعاهایی که آن را صرفاً مسأله‌ای مربوط به باز یا بسته بودن تنگه معرفی می‌کنند، تابع مجموعه‌ای از ملاحظات امنیتی، حقوقی و حاکمیتی دو کشور ساحلی است، بنابراین راه‌حل مورد نظر ایران طراحی مسیری است که با تأمین ملاحظات امنیتی تهران و مسقط، امکان تردد کنترل‌شده کشتی‌های تجاری را فراهم کند. غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه در تشریح جزئیات مذاکره با عمان درباره مسیر جدید تنگه به «ایرنا» گفته است، بخش قابل‌توجهی از این مسیر در آب‌های سرزمینی ایران و بخشی دیگر در آب‌های سرزمینی عمان قرار دارد و به‌گونه‌ای طراحی شده که کشتی‌های تجاری، هم در مسیر ورود و هم در بخش‌هایی از مسیر خروج از آب‌های سرزمینی ایران عبور کنند؛ ترتیبی که عملاً مدیریت مسیر را از یک موضوع صرفاً فنی در حوزه کشتیرانی به سازوکاری مشترک میان دو دولت ساحلی تبدیل می‌کند.
بر اساس توضیح غریب‌آبادی، در صورت نهایی شدن تفاهم و فراهم شدن الزامات اجرایی، دو مسیر موقتی که پیش‌تر در شمال، نزدیک جزیره «لارک» و در جنوب، در آب‌های داخلی عمان ایجاد شده بودند، کنار گذاشته خواهند شد و مسیر جدید جای آنها را خواهد گرفت؛ مسیری که البته از ابتدا نیز به عنوان راه‌حل دائمی تعریف نشده و قرار است تنها برای یک دوره محدود حدود دو تا چهار ماه مورد استفاده قرار گیرد. این نکته در اظهارات اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه نیز تشریح شده است.
او در نشست هفته گذشته گفت، مذاکرات تهران و مسقط بر تبدیل مسیر جنوبی عبوری از آب‌های عمان و مسیر شمالی عبوری از آب‌های سرزمینی ایران به یک مسیر میانی متمرکز بوده است؛ کریدوری واحد که رفت‌وبرگشت کشتی‌ها را پوشش دهد و به جای چند مسیر جداگانه، ملاحظات و منافع هر دو دولت ساحلی را در یک چارچوب مشترک لحاظ کند. به گفته بقایی، این مسیر میانی تا زمانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت که ایران و عمان درباره مسیر ثابت و بین‌المللی به توافق برسند.

هرمز؛ مسیر بازگشت به تفاهم نامه

در چنین فضایی ادامه رایزنی‌های تهران و مسقط درباره سازوکار عبور و مرور در تنگه هرمز می‌تواند به یکی از حلقه‌های مهم در روند تلاش‌ها برای احیای تفاهم ایران و آمریکا تبدیل شود؛ چه آنکه هر میزان کاهش تنش در این آبراه راهبردی علاوه بر آنکه مستقیماً بر امنیت کشتیرانی و جریان تجارت انرژی اثر می‌گذارد، می‌تواند بخشی از موانعی را که در مسیر بازگشت تهران و واشنگتن به چارچوب تفاهم ایجاد شده است، از میان بردارد.
اهمیت این موضوع زمانی بیشتر می‌شود که مذاکرات تهران و مسقط همزمان با تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار تنش‌های منطقه‌ای دنبال می‌شود و از همین رو، ناظران معتقدند هرگونه توافق میان ایران و عمان درباره ایجاد یک کریدور موقت و سپس رسیدن به مسیر ثابت، زمینه‌ای برای بازتعریف ترتیبات امنیتی در هرمز و در نهایت فراهم شدن شرایط لازم برای ازسرگیری تفاهم ایران و آمریکا فراهم می‌آورد؛ بویژه آنکه بن‌بست موجود در این تنگه اکنون از یک مسأله صرفاً دریایی فراتر رفته و به یکی از متغیرهای اصلی معادله امنیت منطقه تبدیل شده است.
در همین حال، ادعاهای مقام‌های آمریکایی نیز از تلاش برای پیشرفت در پرونده ایران حکایت دارد. «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهوری آمریکا در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» مدعی شد که «همه چیز در رابطه با ایران به طور استثنایی خوب پیش می‌رود» که در کنار ادامه رایزنی‌های منطقه‌ای می‌تواند نشانه‌ای از تلاش واشنگتن برای حفظ مسیر دیپلماتیک حتی در شرایط تداوم اختلافات و تنش‌ها باشد. در این میان، پاکستان نیز همچنان تلاش می‌کند نقش واسطه‌ای خود را حفظ کند. «طاهر اندرابی»، سخنگوی وزارت خارجه پاکستان در نشست خبری هفتگی خود در اسلام‌آباد با اشاره به تداوم تماس‌های این کشور با طرف‌های درگیر گفت، رایزنی‌ها بویژه درباره بن‌بست موجود در تنگه هرمز ادامه دارد.
او همچنین با اشاره به تماس تلفنی وزیر خارجه پاکستان با همتای ایرانی خود و دعوت از سیدعباس عراقچی برای سفر به اسلام‌آباد تأکید کرد، پاکستان از همه ابتکارهای منصفانه برای کمک به توقف درگیری‌ها و کاهش تنش در منطقه حمایت می‌کند. این موضع نشان می‌دهد پرونده هرمز اکنون در کنار مسقط، تهران و واشنگتن به یکی از محورهای مهم دیپلماسی منطقه‌ای اسلام‌آباد نیز تبدیل شده است.

تفاهمنامه، سند افتخار دیپلماسی و پزشکیان است

ادامه از صفحه ۱

محور اکثر تحلیل‌هایی که درباره تفاهمنامه و جنگ و صلح بیان می‌شود، ناظر بر این است که این پیروزی را که به آن اشاره کردید، باید تثبیت کنیم. قاعدتاً مسیر آن هم مذاکره و دیپلماسی است. اینکه در شورای عالی امنیت ملی با یک اجماع اکثریت قریب به اتفاق ۱۲ از ۱۳ نفره امضای تفاهمنامه به جمع‌بندی می‌رسد، ناظر بر همین مسأله بود که باید پیروزی‌های خود را در موقع مناسب تثبیت کنیم؟

دقیقاً همین طور است. به نظرم ما در حال حاضر در اوج قدرت نظامی و ملی خود هستیم. از طرفی قدرت نظامی خود را به اثبات رساندیم و از سوی دیگر انسجام ملی خود را حفظ کرده‌ایم و اقتصاد ما با وجود چالش‌هایی روی پاست. با وجود حملات ناجوانمردانه و علی‌رغم میل ایران‌ستیزان دچار فروپاشی اقتصادی و نظامی نشده‌ایم. بنابراین دکتر پزشکیان با استدلال‌هایی که داشتند و البته رئیس مجلس و شهید لاریجانی در زمانی که بودند و رئیس قوه قضائیه و فرماندهان نظامی، باهم همدل‌اند. فرماندهان نظامی قانوناً زیر نظر رهبر انقلاب هستند. مقام معظم رهبری، فرمانده کل قواست. جنگ و صلح را ایشان دستور می‌دهند و تصمیم می‌گیرند ولی آنقدر آقای پزشکیان با خلوص و صداقت صحبت می‌کند که اعتماد مخاطب را جلب می‌کند. رئیس جمهوری، رئیس شورای عالی امنیت ملی است. ایشان هستند که باید جمع‌بندی و جلسات را برگزار و استدلال کنند و نقطه‌نظرات افراد مختلف را بشنوند و در نهایت به یک اجماع برسانند. این اجماع‌سازی توسط آقای پزشکیان صورت گرفته است. اتفاقی که در موضوع تفاهمنامه افتاد، به نظر من سند افتخار دیپلماسی ایران و رئیس‌جمهور پزشکیان است.

اشاره کردید که تفاهمنامه جمع‌بندی و مصوبه شعام بود همراه با تأیید رهبری. از سوی دیگر بدیهی است که فرمان جنگ و صلح هم در اختیار رهبر انقلاب اسلامی است. با این وصف مخالفان مذاکره، چرا رئیس‌جمهوری و تیم مذاکره‌کننده بخصوص آقای قالیباف و عراقچی را مخاطب انتقادات تند و تیز خود قرار می‌دهند؟

وقتی جنگ را به عنوان تنها مسیر پیش رو تجویز می‌کنیم، باید مشخص کنیم که انتهای آن تا کجاست. بالاخره پایان هر جنگی، مذاکره است. مگر ما بعد از هشت سال با صدام مذاکره نکردیم؟ مگر نمی‌گفتیم و نمی‌گوییم صدام یزید کافر؟ امام درباره عربستان چه تعابیری به کار برد؟ گفت ما اگر از صدام بگذریم از آل سعود نمی‌گذریم. روابط بین‌الملل، صفر و صدی نیست. باید بتوانیم در زمان درست، اقدام درست را انجام دهیم.
واقعیت این است که متأسفانه رسانه ملی نقش مهمی در دامن زدن به این فضا ایفا می‌کند. به نظرم دفاع، مقدس است، اما جنگ خوب نیست. اگر به ما حمله کردند باید تا پای جان دفاع کنیم و پاسخ دهیم. هزاران سال است که می‌گوییم چو ایران نباشد تن من مباد، بدین بوم و بر زنده یک تن مباد.
ولی ما جنگ‌طلب نیستیم. برخی فکر می‌کنند باید آمریکا را فتح کنیم تا جنگ تمام شود. آیا فرماندهان نظامی ما این استراتژی را قبول دارند؟ مگر آدمی وطن‌پرست‌تر از آقای سرلشکر عبداللهی یا امیر حاتمی و سردار وحیدی و دیگر عزیزان شعام سراغ دارند؟ آقای دکتر قالیباف سال‌ها در جبهه و جنگ بوده است و آقای عراقچی بسیجی بوده است. خود ما همه بسیجی و در جنگ بوده‌ایم. دکتر پزشکیان اکثر عملیات‌های دوران دفاع مقدس ۸ ساله در لشکر عاشورا بوده است. ما از جنگ نمی‌ترسیم ولی عوارض جنگ را با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده‌ایم. ما پرپر شدن دوستانمان را دیده‌ایم. ما شهادت رهبر خود و فرماندهانمان را دیده‌ایم. ما شهادت پاکپور و سلامی و حاجی‌زاده و موسوی را دیده‌ایم. حیف است که چنین عزیزانی را از دست بدهیم. در عین حال، قدرت نظامی خود را داریم. هر جا لازم باشد برای تأمین منافع خود می‌جنگیم و دفاع می‌کنیم و هر جایی که لازم است برای جلوگیری از آسیب به کشور و مردم و تثبیت دستاوردها مذاکره می‌کنیم.
آیا در مقطع زمانی فعلی فقط جنگ منافع ما را تأمین می‌کند؟ اگر چنین باشد، مقام معظم رهبری اجازه آتش‌بس نمی‌دادند. هم رهبر انقلاب، هم رئیس‌جمهوری و هم اعضای شعام و فرماندهان نظامی وطن و نظام جمهوری اسلامی را دوست دارند. بنابراین به جای بهانه‌تراشی بهتر است تصمیم‌گیری را به سازوکارهای قانونی تعریف شده واگذار کنند.

اختلاف نظرها درباره تفاهمنامه و مذاکره از حدومرزهای انتقاد گذشت و بخصوص در روزهای اخیر به طرح ادعاهایی درباره استعفای رئیس‌جمهوری و اختلاف‌افکنی میان مسئولان کشور و... کشیده شده است. فکر می‌کنید ممکن است بخشی از این خبرسازی‌ها و مخالفت‌ها ناظر بر تسویه حساب‌های سیاسی و جناحی باشد؟

۱۲ نفر از اعضای محترم شعام به امضای تفاهمنامه رأی مثبت داده‌اند و یک نفر رأی منفی. اما صدای طیف وابسته یا نزدیک به همان یک نفر از همه بلندتر است. این نشان می‌دهد که مواضع این طیف درهمراهی با حاکمیت، هارمونی ندارد. این مواضع با آن مواضع فرماندهان نظامی ما که منسوب رهبری هستند همخوان نیست. دکتر پزشکیان به اذن رهبری تفاهمنامه را امضا کرده است. مگر می‌شود چیزی را به مقام معظم رهبری تحمیل کرد؟ دیدیم که دفتر رهبر معظم انقلاب آن ادعای نادرست درباره استعفای رئیس‌جمهوری که انسجام ملی ما را هدف گرفته بود، تکذیب کردند. اینها راه به جایی نخواهند برد. اکثریت مردم ایران، مدافع دفاع جانانه از کشور هستند و نه جنگ.

آگهی مزایده شماره ۱۴۰۵/۰۱

بانک تجارت

بانک تجارت در نظر دارد ۱۳ دستگاه خودروی مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش رساند.
۱- مهلت دریافت اسناد، بازدید و ارائه پیشنهاد قیمت تا پایان وقت اداری روز **شنبه** مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ (ساعت ۱۳) می‌باشد.
۲- مبلغ خرید اوراق شرایط شرکت در مزایده ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌صورت فیش واریزی به‌حساب شماره ۰۱۸۵۴۸۶۰ به‌نام (کارمزد فروش اسناد مزایده اموال منقول) قابل واریز نزد هر یک از شعب بانک تجارت می‌باشد. (مبلغ مذکور غیرقابل برگشت می‌باشد.)
۳- تاریخ بازگشایی پاکات پیشنهاد قیمت شرکت‌کنندگان در مزایده روز **دوشنبه** مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۲ رأس ساعت ۸ صبح می‌باشد.
بر این اساس متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت برگ شرایط شرکت در مزایده مطابق با شرایط فوق به اداره کارپردازی - گروه کارشناسی مزایده و مناقصه واقع در تهران - خیابان آزادی - بین نواب و اسکندری - ساختمان بانک تجارت - طبقه هفتم مراجعه نمایند.
شماره تماس: ۶۶۹۲۶۳۴۴ - داخلی ۶
بانک تجارت - اداره کار پردازی

آگهی فراخوان عمومی (دو مرحله‌ای) به‌شماره ۱۱/ ۱۳/ ۰۵/ع

شرکت عمران اطلس گل گهر در نظر دارد عملیات تکمیلی زیرسازی و ابنیه فنی بخشی از قطعه چهار راه‌آهن سیرجان - کرمان حدفاصل کیلومتر ۲۰۰+۱۳۸ تا ۲۵۰+۱۶۹ را از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای به اشخاص حقوقی دارای رتبه یک، دو یا سه رشته راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه کشور واگذار نماید. متقاضیان می‌بایست حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ جهت خرید اسناد مناقصه به دفتر مهندسین مشاور پل رود به آدرس تهران، خیابان طالقانی غربی، سرپرست جنوبی، کوچه پارس، پلاک ۵، مراجعه نمایند.
شماره تلفن (جهت هماهنگی): ۵۳۸۳۱-۰۲۱

پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران
ایران
۱۸۷۷

مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) — نوبت اول

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد (S.G.P.C)

مناقصه شماره ۱-۳۱۶-۰۲-۳۰۰۷۸ خرید باتری نیکل کادمیوم به همراه متعلقات - تولید داخل

۱- نوع مناقصه: دو مرحله‌ای - مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)
۲- نوع فراخوان: عمومی.
۳- نام ونشانی مناقصه‌گزار: شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد (S.G.P.C) به آدرس: مشهد، خیابان آبکوه، نبش دانشسرای شمالی، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد- دبیرخانه کمیسیون مناقصات.
راه‌های ارتباطی:
تلفن مسؤول کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازرگانی: ۳۷۲۸۵۰۲۳-۰۵۱
تلفن دبیر کمیسیون مناقصات: ۳۷۲۸۵۰۴۵-۰۵۱
تلفن دبیرخانه کمیته فنی بازرگانی: ۳۷۲۹۸۰۵۵-۰۵۱
تلفن دبیرخانه کمیسیون مناقصات: ۳۷۲۸۵۰۲۴-۰۵۱
نمابر دبیرخانه کمیسیون مناقصات و کمیته فنی بازرگانی: ۳۷۲۸۵۰۲۳-۰۵۱
آدرس پست الکترونیک: Tender@Nigc-Khangiran.ir
۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: تضمین‌های اعلام شده در آیین‌نامه تضمین برای معاملات دولتی به مبلغ ۹,۸۸۳,۸۰۰,۰۰۰ ریال (نه میلیارد و هشتصد و هشتاد و سه میلیون و هشتصد هزار ریال).
۵- نحوه و مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند تا ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱، نسبت به دریافت اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به آدرس www.setadiran.ir و با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۹۲۱۳۴۰۰۰۰۴۷ در سامانه اقدام نمایند. لازم به ذکر است تمامی مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.
۶- آخرین مهلت ارسال پاکت‌های پیشنهاد: متقاضیان بعد از دریافت اسناد مناقصه از سامانه مذکور می‌بایست حداکثر تا ساعت ۰۸:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴، اسناد مناقصه تکمیل شده را به‌همراه مدارک مورد نیاز در سامانه بارگذاری و ثبت نمایند.
۷- محل و زمان گشایش پیشنهادات: پس از بررسی پیشنهادهای فنی بازرگانی شرکت‌ها (ارزیابی فنی بازرگانی)، پاکت‌های مالی شرکت‌های واجد شرایط در ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲، در محل اتاق کنفرانس اداره مشهد (دفتر آبکوه) به آدرس مشهد، خیابان آبکوه، نبش آبکوه ۷ (دانشسرای شمالی)، شماره ۲۵۵، شرکت پالایش گاز شهید هاشمی‌نژاد، با حداقل سه پیشنهاد تأیید شده فنی بازرگانی گشایش خواهد یافت. لازم به ذکر است تاریخ و مکان اعلام شده (تاریخ گشایش پیشنهادهای مالی) قطعی نبوده و با توجه به روند ارزیابی امکان تغییر وجود خواهد داشت.
همچنین جلسه تفکیک پاکات مناقصه در ساعت ۱۰:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱ در محل مذکور برگزار خواهد شد و پیشنهادات فنی (پاکت ب) برای انجام ارزیابی فنی به کمیته فنی/بازرگانی ارسال خواهد گردید. درصورت تمایل نماینده مناقصه‌گر می‌توانند با در دست داشتن اصل معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر در جلسه مذکور شرکت نمایند.
ضمناً با توجه به این که مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه) می‌باشد، لذا لازم است مناقصه‌گران علاوه بر تکمیل و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و مستندات مربوطه نسبت به بارگذاری همزمان پاکات (الف)، (ب) و (ج) نیز در سامانه اقدام نمایند.
روابط عمومی شرکت پالایش گاز شهید هاشمی نژاد
شناسه ۲۲۴۲۲۴۸

آگهی فراخوان دعوت به همکاری شرکت‌های مهندسین مشاور

بهین‌ساز خلیج‌فارس

شرکت بهین ساز خلیج‌فارس (سهامی عام) به‌منظور مقاوم‌سازی و طراحی فاز یک در سوله‌های تحت تملک خود با مساحت حداقل ۲,۰۰۰ مترمربع در اقصی نقاط کشور از میان شرکت‌های مهندسین مشاور دارای صلاحیت با داشتن سوابق کاری مرتبط جهت ارائه خدمات طراحی و نظارت (رشته‌های سازه، معماری، برق و آتش‌نشانی)، برآورد، اخذ تأییدیه‌های مربوطه از مراجع ذیصلاح (شهرداری، نظام مهندسی، آتش نشانی) و درصورت لزوم نقشه‌برداری از وضع موجود دعوت به‌عمل می‌آورد. متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و کسب اطلاعات تکمیلی از تاریخ انتشار، به دفتر شرکت واقع در تهران، خیابان شهید سیدحسن نصرالله، خیابان بیست و یکم، پلاک ۱۴ مراجعه و یا با شماره ۸۸۷۰۰۸۹۰ داخلی ۳۰۱۱ تماس حاصل فرمایند.

شرایط شرکت در فراخوان:
- آخرین مهلت ارائه اسناد تکمیل شده ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ خواهد بود.
- شرکت نسبت به ارزیابی توان فنی، اجرایی و برنامه‌ریزی متقاضیان محترم اقدام می‌نماید.
- در صورت ضرورت، به‌منظور بررسی و ارزیابی توان داوطلبین محترم، از امکانات و پروژه‌های آنان بازدید خواهد شد.
- اعلام آمادگی و تکمیل و تحویل اسناد و مدارک فراخوان هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان محترم ایجاد نخواهد کرد.
- مشاور می‌بایست دارای حداقل ۳ طرح اجرا شده در ۵ سال اخیر باشد.

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای) — نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

موضوع: مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م ن/۱۴۰۵/۵۹۰۷
مربوط به تأمین سیستم ارتباط ماهواره‌ای شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شماره ثبت در سامانه ستاد: ۲۰۰۵۰۹۳۲۲۱۰۰۰۰۳۵

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد موضوع مناقصه فوق‌الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای) به شرکت‌های واجد شرایط، واگذار نماید.
الف) شرح مختصر کار
پروژهٔ فوق‌الذکر مختصراً مربوط به اجاره، نصب، راه‌اندازی، نگهداری و پشتیبانی تجهیزات و پهنای باند شبکه ماهواره‌ای شرکت نفت مناطق مرکزی ایران در تهران و سایر مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران می‌باشد.
ب) مدت، محل و برآورد اولیه اجرای کار
مدت اجرای خدمات ۷۳۰ روز و برآورد تقریبی پروژه ۲۶۹,۰۱۶,۰۰۰,۰۰۰ ریال و محل اجرای خدمات تهران و سایر مناطق عملیاتی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران می‌باشد.
ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی)
متقاضیان برای شرکت در مناقصه باید دارای گواهی صلاحیت مربوط از مراجع ذیصلاح از جمله موارد زیر باشند:
۱- داشتن شخصیت حقوقی و ارائه مدارک ثبت شرکت شامل: آگهی روزنامه رسمی، اساسنامه، آخرین تغییرات، کد اقتصادی و شناسه ملی شرکت، آدرس دقیق پستی، تلفن ثابت و نمابر(فکس).
۲- دارا بودن گواهی‌نامه پروانه ارائه خدمات دسترسی ماهواره ای(SAP) از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
۳- داشتن توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی به میزان ۱۳,۴۵۰,۸۰۰,۰۰۰ ریال به‌عنوان تضمین شرکت در مناقصه.
۴- عضویت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) و دارا بودن گواهی امضا الکترونیکی و تکمیل فرم استعلام ارزیابی کیفی موجود در سایت www.setadiran.ir
د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه‌گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام در سایر استان‌ها در سامانه www.setadiran.ir بخش "ثبت‌نام/پروفایل تأمین‌کننده/مناقصه‌گر" موجود است.
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی از سامانه ستاد ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ و **آخرین مهلت ثبت و بارگذاری اطلاعات فراخوان و اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی این مناقصه** ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ می‌باشد.
در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۸۷۵۲۴۴۴۳ تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شناسه ۲۲۳۹۸۱۰

ارتش یمن تجمع نیروهای متخاصم را با موفقیت هدف قرار داد

دفاع پیشدستانه مقاومت

گزارش

نیروهای مسلح یمن روز پنجشنبه تجمعات «نیروهای اضطراری» را در چندین منطقه بین استان‌های مأرب و حضرموت هدف قرار دادند. سرتیپ یحیی سریع، سخنگوی این نیروها، اظهار کرد: «یک عملیات نظامی گسترده و دقیق، تجمعات نظامی در مناطق الرویک، العبر و الثانیه و همچنین سایر اردوگاه‌های متعلق به لشکرهای اول و سوم «اضطراری» را با استفاده از تعداد زیادی موشک بالستیک و پهپاد هدف قرار داده است.» سریع خاطرنشان کرد: «این عملیات هدفگیری پس از رصد آمادگی‌های دشمن سعودی برای تشدید درگیری‌های نظامی در جبهه‌های الجوف و مأرب انجام شد» و «منجر به کشته و زخمی شدن بسیاری» از اعضای گروه‌های تحت حمایت عربستان سعودی و تخریب و آتش زدن تعداد زیادی از اردوگاه‌ها، خودروها و انبارهای سلاح در منطقه الودیعه در شرق یمن شد.

در ادامه منابع نظامی وابسته به انصارالله بامداد جمعه گزارش دادند، شمار کشته‌شدگان حمله ارتش یمن به نیروهای دولت مستعفی به ۵۸ نفر رسیده است. از سوی دیگر، ائتلاف نظامی تحت رهبری عربستان مدعی شد که به دنبال حملات نیروهای انصارالله به منطقه نجران در جنوب غرب عربستان ۱۱ غیرنظامی زخمی شدند.

از سوی دیگر، خبرگزاری رویترز نیز به نقل از ائتلاف تحت رهبری عربستان گزارش داد، در میان مجروحان، ۷ عربستانی، یک یمنی، ۲ مصری و یک پاکستانی دیده می‌شوند. این خبر پس از آن منتشر می‌شود که یک منبع آگاه به شبکه المسیره یمن گفت، عملیات اخیر نیروهای مسلح یمن، اتاق فرماندهی نیروهای مسئول سازماندهی و استقرار نیروهای نظامی در مناطق مرزی با یمن از جمله الرویک، العبر و الثنیه را هدف قرار داده است.

این منبع اعلام کرد، در نتیجه این عملیات، شماری از افسران که مسئول فرماندهی این استقرارهای نظامی بودند، کشته یا زخمی شدند.

همزمان محمد شوکه عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله نیز اعلام کرد، این عملیات در چارچوب یک اقدام پیشگیرانه انجام شده و پس از رصد تحرکات هم‌پیمانان عربستان سعودی و همپیمانانشان برای حمله به صنعا، این تجمعات هدف قرار گرفته است.

هشدار انصارالله

حزام الاسد، عضو دفتر سیاسی جنبش انصارالله، تأیید کرد، «اردوگاه‌ها، مزدوران و ابزارهای ارزان‌قیمت آنها در خاک یمن هدف قرار خواهند گرفت.» اسد در سلسله پست‌هایی در پلتفرم «ایکس» نوشت: «هیچ امنیتی برای نیروهای متجاوز و همچنین برای مزدوران و اردوگاه‌های آنها در سرزمین ما وجود ندارد.» او از طرف‌هایی که عملیات نظامی یمن را محکوم می‌کنند، خواست تا اجازه دهند اردوگاه‌های سعودی در سرزمین‌هایشان ایجاد شود.

به گزارش الاخبار، او توضیح داد، «نیروهای مسلح یمن مجبورند با هر کسی که مانع دستیابی مردم یمن به حقوق، آزادی و استقلال خود می‌شود، مقابله کنند.» او تأکید کرد، این رویارویی شامل هر طرفی می‌شود که در تشدید اوضاع، صرف نظر از ملیت آن، دخیل باشد.

خبرنگار الجزیره، در مورد انتقال سلاح و تجهیزات نظامی عربستان به مأرب گزارش داد، این شبکه بعداً از بمب‌گذاری‌ها و انفجارها در انبارهای سعودی در آنجا هدف قرار گرفته است. این شبکه تأکید کرد، این تحولات ماهیت واقعی حضور نظامی عربستان در یمن را آشکار می‌کند و ایالات‌متحده را به حمایت از این حضور، تلاش برای تقویت اردوگاه‌های سعودی و جذب جنگجو برای مبارزه با مردم یمن متهم کرد.

وی افزود: «واشنگتن از طریق سفیر خود و فرمانده ستاد مرکزی ارتش آمریکا، تلاش‌هایی را برای ایجاد اردوگاه‌های سعودی در خاک یمن و آوردن مزدوران و افراط گرایان به آنجا انجام داد.»

او تأکید کرد، نیروهای مسلح یمن به مقابله با تحرکات نظامی که کشور را هدف قرار می‌دهند، ادامه خواهند داد و این امر را به رفع محاصره، بازپس‌گیری حقوق و دستیابی به استقلال و حاکمیت ملی مرتبط دانست.

از سوی دیگر، محمد الفرح، عضو دفتر سیاسی انصارالله، تأکید کرد، «جنگ داخلی در یمن رخ نخواهد داد» و توضیح داد که آنچه در این کشور اتفاق می‌افتد، رویارویی با اشغالگری و عوامل داخلی و خارجی آن است.

الفرح از طریق پلتفرم «ایکس» با هشدار به اینکه صنعا با هرگونه حرکت عربستان در خاک یمن، صرف‌نظر از ملیت ابزار مورد استفاده، مقابله خواهد کرد، نوشت که هرگونه نقض حاکمیت یمن، از طریق زمین، دریا یا هوا، با پاسخی در عمق خاک عربستان و در مناطق حساس مواجه خواهد شد.

الفرح با انتقاد از عربستان سعودی به دلیل هزینه کردن برای جذب شخصیت‌ها و نیروها در یمن و لبنان، اقدامات این کشور را در این زمینه بی‌تأثیر ندانست و گفت: «ریاض روی شخصیت‌هایی شرط بندی می‌کند که وزن سیاسی و مردمی ندارند و به دنبال استفاده ابزاری و مزدوری برای رسیدن به اهداف خود است.»

او خاطرنشان کرد، «یک حمله علیه عربستان سعودی می‌تواند آنچه را که این کشور آرزوی دستیابی به آن را در صد سال از یمن داشت، نابود کند»، چرا که گزینه‌های تشدید تنش مداوم ریاض نشان می‌دهد که تصمیم این کشور منافع مردم و امنیت آن را در نظر نمی‌گیرد.

وی تأکید کرد، صنعا هرگونه اقدامی که حاکمیت یمن را هدف قرار دهد، به عنوان تشدید تنش خارجی تلقی خواهد کرد. او تأکید کرد، پاسخ متناسب با ماهیت و منبع نقض خواهد بود و یمن تحمیل واقعیت جدید بر خود را با زور یا از طریق ابزارهای محلی و خارجی نخواهد پذیرفت.

> منابع نظامی وابسته به انصارالله، بامداد جمعه گزارش دادند شمار کشته‌شدگان حمله نیروهای یمنی به نیروهای دولت مستعفی و مورد حمایت عربستان به ۵۸ نفر رسیده است

تقدیر پارلمان از نیروهای مسلح

برش

مجلس نمایندگان جمهوری یمن در بیانیه‌ای که در همین رابطه منتشر کرد، از عملیات کیفی نیروهای مسلح شجاع یمن علیه بسیج دشمن در مناطق الرویک، العبر، الثانیه و سایر اردوگاه‌ها و مکان‌هایی که دشمن به دنبال ایجاد مواضع در آنهاست، با حملات پیشگیرانه برای فلج کردن توانایی‌های دشمن که در حال آماده شدن برای آغاز تجاوز زمینی علیه ملت یمن بود، تمجید کرد.

به گزارش المسیره، مجلس نمایندگان، عربستان را مسئول کامل پیامدهای هرگونه تشدید اوضاع دانست و تأکید کرد، ریاض چاره‌ای جز لغو محاصره ظالمانه، توقف تجاوز علیه مردم یمن، احترام به اراده و حق مشروع آنها در دفاع از خود و حقوقشان و حفاظت از حاکمیتشان بر تمام خاک، آب‌ها و جزایر یمن، خروج نیروهایش از تمام استان‌های اشغالی یمن و خودداری از دخالت در امور داخلی یمن ندارد.

این مجلس در این بیانیه تصریح کرد، مردم و رهبران یمن، پس از توکل به خدا و به کارگیری تمام تلاش‌ها برای کاهش تنش و صلح، تصمیم خود را برای اعلام محاصره دریایی علیه کشتیرانی عربستان سعودی گرفته است، تصمیمی که رژیم سعودی با انکار و تلاش برای دور زدن تمام تلاش‌های انجام‌شده برای کاهش تنش و دستیابی به صلح عادلانه و فراگیر که حاکمیت، کرامت و غرور یمن را حفظ کند، مواجه شد. پارلمان همچنین بار دیگر تأکید کرد، دریانوردی برای همه کشتی‌ها کاملاً امن است، بجز کشتی‌های متعلق به دشمن سعودی که محاصره ظالمانه‌ای را بر فرودگاه‌ها و بنادر یمن اعمال می‌کند و تمام عواقب تشدید اوضاع را متحمل می‌شود، زیرا تهدید واقعی و مستقیم برای امنیت دریانوردی و اقتصاد منطقه، تلاش سعودی برای نظامی کردن دریای سرخ با همکاری آمریکا و انگلیس برای محافظت از رژیم صهیونیستی است.

خبر

پاکستان، عربستان و ترکیه توافقنامه مشترک دفاعی امضا کردند

سران پاکستان، عربستان سعودی و ترکیه توافقنامه مشترک دفاعی را در مکه مکرمه امضا کردند که تحت آن هرگونه حمله مسلحانه علیه هر یک از سه کشور، حمله‌ای علیه همه آنها تلقی خواهد شد.

پس از امضای این توافقنامه، سه کشور بیانیه مشترکی صادر کردند. در این بیانیه که توسط خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (واس) منتشر شد، آمده است: «بر اساس پیوندهای برادری و همبستگی اسلامی که آنها را متحد می‌کند و مطابق با منافع استراتژیک مشترک و همکاری دفاعی نزدیکشان، شاهزاده محمد بن سلمان بن عبدالعزیز آل سعود، ولیعهد و نخست‌وزیر، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه و محمد شهباز شریف، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی پاکستان، «توافقنامه مکه برای دفاع مشترک» را امضا کردند که نشان‌دهنده تعهد سه کشور به تقویت امنیت مشترک و دستیابی به امنیت، صلح و ثبات در منطقه و جهان و تلاش برای آینده‌ای امن و مرفه است.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «هدف این توافقنامه افزایش بازدارندگی مشترک در برابر هرگونه تجاوز است و تصریح می‌کند هرگونه حمله مسلحانه به هر یک از سه کشور، حمله به هر سه کشور است. این توافقنامه همچنین بر توسعه همه جنبه‌های همکاری دفاعی تمرکز دارد.»

در بیانیه سه‌جانبه آمده است: «امضای توافقنامه دفاعی مشترک مکه بیانگر تعهد به تقویت بیشتر امنیت جمعی است.»

آگهی مزایده عمومی فروش سهام
شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند
شماره ۱۴۰۵/۰۳

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به **فروش ۴۹,۳۵ درصد از سهام شرکت پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند(سهامی عام) به تعداد ۵۹,۹۵۹,۶۳۴,۱۲۸ سهم به ارزش ۲,۶۸۶,۳۱۱,۵۲۸,۲۰۲,۶۶۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید.** متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵** با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۲۸۴-۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.

مبالغ به ریال

نام شرکت	پالایش نفت امام خمینی(ره) شازند
سرمایه ثبت شده	۱۲۱,۴۸۷,۳۷۷,۹۵۱,۰۰۰ ریال
تعداد سهام قابل واگذاری	۵۹,۹۵۹,۶۳۴,۱۲۸
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری(۱)	۲,۶۸۶,۳۱۱,۵۲۸,۲۰۲,۶۶۰ ریال
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۲۱۴,۹۰۴,۹۲۲,۲۵۶,۲۱۳ ریال
شرایط واگذاری(۲)	به‌صورت نقد و اقساط با شرایط ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۶ ماهه طی ۳ سال با نرخ سود ۲۳ درصد سالانه

(۱) قیمت پایه به ازای هر سهم معادل ۴۴,۸۰۲ ریال در نظر گرفته شده است.
(۲) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.

۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز **سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷** به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر(عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/ کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

آگهی تجدید فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
نوبت دوم

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی (پالایشگاه دوازدهم) در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای هم‌زمان با ارزیابی کیفی به‌صورت یکپارچه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تأمین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۵۰۹۷۱۶۴۰۰۰۰۰۵
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای AHA-0340021-42 -R12 مناقصه شماره R12-04/005
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید Boiler Tubes - - ساخت سازنده داخلی صلاحیتدار
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار	۲,۷۱۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به‌صورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۵۰۶۵۹/ت۱۲۳۴۰۲ هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیأت وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۵۴,۳۶۴,۲۰۰,۰۰۰ ریال
تاریخ ارسال اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد	اولین روز پس از درج نوبت دوم آگهی مناقصه در روزنامه کثیرالانتشار
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه ستاد توسط مناقصه‌گران	۵ روز پس از تاریخ ارسال اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد
آخرین مهلت بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی، پاکت الف و ب و ج (ضمانت‌نامه، پیشنهاد فنی بازرگانی و مالی) در سامانه ستاد توسط مناقصه‌گران	ظرف مدت حداقل دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد می‌باشد. (ضمناً برنامه زمانی گشایش پاکات مناقصه از طریق سامانه ستاد اعلان می‌گردد)
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر- شهرستان کنگان- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی-پالایشگاه دوازدهم (فازهای ۲۴&۲۲) -ساختمان امور کالا- اداره خرید - شماره تماس ۰۷۷۳۳۳۱۷۲۷۳

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچ‌گونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه‌گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضا الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن کارشناس خرید: (۰۷۷۳۳۳۱-۷۲۷۳-۷۳۴۴-۷۲۷۳) تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی
شناسه ۲۲۴۲۱۲۷

فراخوان مناقصه عمومی
نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی
مناطق نفتخیز جنوب

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفا به‌صورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای شماره م م/۰۰۸۰/۰۵
مربوط به احداث جاده و محل چاه غرب ۱۳۰ ب آبتیمور (پسماند)

الف- شرح مختصر خدمات
انجام عملیات تخریب، عملیات خاکی، عملیات بنایی با سنگ، اندود و بندکشی، قالب‌بندی و چوب‌بست، کارهای فولادی، بتن‌ریزی، زیراساس، اساس و بالاست، نصب علائم و تجهیزات ایمنی، مرمت محوطه چاه، مرمت سلر، مرمت گودال آبگل، مرمت گودال سوخت، ژئومبرایین، احداث آبرو و پل بتنی در طول مسیر و جاده دسترسی مدنظر می‌باشد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در ۵۰ کیلومتری اهواز و مدت انجام آن ۱۰ماه می‌باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات ۷۳۵,۹۸۹,۸۱۶,۲۷۲ریال و تعدیل‌پذیر می‌باشد.

د- شرایط مناقصه‌گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد(تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
- مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش ساختمان و ابنیه و حداقل پایه ۵ گرایش راه و ترابری
- در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، اولویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد.
- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۳۶,۷۹۹,۴۹۰,۸۱۴ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق‌الذکر به‌شماره حساب IR۹۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۱۶۰۴۰۲۲۰۶۷ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران -اهواز کد - حساب - به‌نام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
ب: ارائه ضمانت‌نامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰روز) معتبر بوده و پس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل تمدید باشد.
- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (درصورت برنده شدن) به‌عنوان تضمین انجام تعهدات-صورت‌های مالی حسابرسی شده، می‌بایست در زمان انعقاد قرارداد در سامانه پردیس ثبت شده باشد.
-مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است به‌صورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم نمایند.
توجه: ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل پذیرش نمی‌باشد.

هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات(ارزیابی ساده)بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به‌عمل آید.
• مهلت اعلام آمادگی: به‌صورت الکترونیکی (غیر حضوری) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸
محل، زمان تحویل و گشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۸به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰روز چهارشنبه مورخ۱۴۰۵/۰۷/۰۸ اصل تضمین مذکور را به‌صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز- کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبه‌روی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند.
هم‌زمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تأسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
WWW.NISOC.IR http://iets.mporg.ir شناسه ۲۲۲۲۰۸۸

IRAN DAILY
www.newspaper.iran-daily.com
1877

رئیس جمهوری از قرار گرفتن واگذاری سایپا در دستور کار دولت خبر داد

خصوصی‌سازی سایپا روی میز دولت

مدیرعامل اسبق سایپا از الزامات موفقیت این مسیر به «ایران» می‌گوید

گفت‌وگو

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

اظهارات رئیس جمهوری درباره واگذاری سایپا، پرونده‌ای را دوباره گشود که سال‌ها میان وعده و تعویق در رفت‌وآمد بوده است. رئیس جمهوری در حالی از قرار گرفتن این خودروساز در فهرست واگذاری دولت خبر داد که همزمان از مقاومت‌هایی سخن می‌گوید که در برابر اجرای چنین تصمیماتی وجود دارد. مقاومتی که آن را با حاشیه‌های واگذاری مدیریت ایران‌خودرو و استیضاح وزیر اقتصاد گره می‌زند. با این حال، این بار دولت از خصوصی‌سازی واقعی سخن می‌گوید نه انتقال مالکیت به بنگاه‌های خصولتی. در چنین شرایطی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا سایپا آماده ورود به این مسیر است یا موفقیت خصوصی‌سازی، پیش از هر چیز، به اصلاح ساختار این خودروساز و تدوین نقشه راهی روشن برای آینده آن وابسته است؟ «ایران» برای بررسی الزامات و چالش‌های این مسیر، با سعید مدنی، مدیرعامل اسبق سایپا، گفت‌وگو کرده است.

رئیس جمهوری اعلام کرده واگذاری سایپا در دستور کار دولت است. آیا اکنون زمان مناسبی برای این واگذاری است؟

بحث واگذاری سایپا از حدود یک سال و نیم پیش مطرح شد، اما اجرای آن به دلایل مختلف به تعویق افتاد. تجربه ایران‌خودرو نیز با آنچه قرار است درباره سایپا انجام شود تفاوت دارد؛ در ایران‌خودرو مدیریت از طریق ترکیب سهام چند شرکت به بخش خصوصی منتقل شد، اما در سایپا قرار است فرآیند متفاوتی طی شود و طبیعتاً خریدار باید از اهلیت مدیریتی، توان مالی و برنامه مشخص برای اداره شرکت برخوردار باشد. سایپا یک بنگاه بزرگ اقتصادی و بخشی از سرمایه ملی است. به همین دلیل، واگذاری آن باید به گونه‌ای انجام شود که منافع ملی حفظ شود. در همه دنیا نیز پیش از واگذاری شرکت‌های بزرگ، تلاش می‌کنند وضعیت مالی و عملیاتی آنها را بهبود دهند تا ارزش واقعی شرکت حفظ شود و واگذاری به نفع سهامداران و اقتصاد کشور باشد.

آیا سایپا امروز آمادگی واگذاری را دارد یا ابتدا باید اصلاحات ساختاری انجام شود؟

به اعتقاد من، پیش از واگذاری باید بخشی از مشکلات ساختاری شرکت برطرف شود. سایپا امروز با بدهی و زیان انباشته مواجه است و این موضوع طبیعتاً بر ارزش سهام آن اثر می‌گذارد. اگر شرکتی با این شرایط عرضه شود، خریدار نیز قیمت پایین‌تری پیشنهاد خواهد داد.

بهترین راهکار این است که ابتدا شرکت از وضعیت بحرانی فاصله بگیرد و سپس واگذار شود. البته اگر ارزیابی دقیقی از ظرفیت‌های آینده شرکت انجام شده باشد و مشخص شود با اجرای یک برنامه مناسب می‌تواند در مدت معقولی از شرایط فعلی خارج شود، همان برنامه می‌تواند مبنای ارزش‌گذاری قرار گیرد. در هر صورت، هنگام واگذاری باید حقوق همه ذی‌نفعان، از سهامداران و کارکنان گرفته تا قطعه‌سازان و شبکه بانکی، در نظر گرفته شود تا این فرآیند به شکلی منصفانه انجام شود.

> بهترین راهکار این است که ابتدا سایپا از وضعیت بحرانی فاصله بگیرد و سپس واگذار شود. البته اگر ارزیابی دقیقی از ظرفیت‌های آینده شرکت انجام شده باشد و مشخص شود با اجرای یک برنامه مناسب می‌تواند در مدت معقولی از شرایط فعلی خارج شود، همان برنامه می‌تواند مبنای ارزش‌گذاری قرار گیرد

به نظر شما هدف اصلی واگذاری باید خروج دولت از مدیریت باشد یا افزایش بهره‌وری؟

دولت اصولاً بهتر است از مدیریت در تمام عرصه‌ها خودداری کند. چراکه اعتقاد در کوچک‌سازی دولت است اما می‌تواند ناظر خوبی باشد. از نظر من، دولت باید از مدیریت مستقیم بنگاه‌ها فاصله بگیرد، اما هرگز نقش نظارتی خود را کنار نگذارد. صنعت خودرو سهم قابل توجهی در اقتصاد کشور دارد و طبیعی است که دولت نسبت به عملکرد آن بی‌تفاوت نباشد. خصوصی‌سازی زمانی موفق خواهد بود که خریدار علاوه بر توان مالی، برنامه مشخصی برای آینده شرکت ارائه کند. دولت باید پیش از واگذاری، برنامه‌های خریدار را در حوزه‌هایی مانند افزایش ساخت داخل، توسعه محصول، صادرات، ارتقای کیفیت و حفظ اشتغال دریافت و پس از واگذاری نیز اجرای آنها را به طور مستمر پایش کند. اگر این نظارت وجود نداشته باشد، ممکن است برخی سرمایه‌گذاران صرفاً به دنبال فعالیت‌های کوتاه‌مدت و سودآور مانند مونتاژ باشند؛ در حالی که صنعت خودرو باید به سمت توسعه فناوری، طراحی محصول و افزایش توان رقابتی حرکت کند.

خصوصی‌سازی چه تأثیری بر کیفیت خودرو و رضایت مشتری خواهد داشت؟

یکی از مهم‌ترین موانع توسعه صنعت خودرو، قیمت‌گذاری دستوری است. این سیاست طی سال‌های گذشته فشار سنگینی بر خودروسازان وارد کرده و بخش قابل توجهی از سود تولید را به بازار واسطه‌گری منتقل کرده است. واقعیت این است که اختلاف قیمت کارخانه و بازار، تقاضای کاذب ایجاد می‌کند. بخش بزرگی از متقاضیان خودرو مصرف‌کننده واقعی نیستند، بلکه به دنبال استفاده از فاصله قیمت کارخانه و بازار هستند. اگر این فاصله از بین برود، بخش مهمی از این تقاضای غیرمصرفی نیز حذف خواهد شد. به اعتقاد من، قیمت خودرو باید در چارچوب سازوکار بازار و با نظارت دولت تعیین شود. در چنین شرایطی، خودروساز می‌تواند به سود منطقی برسد، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهد و کیفیت محصولات خود را ارتقا دهد. در کنار آن، دولت نیز باید سرمایه‌های سرگردان را به سمت بازار سرمایه هدایت کند تا منابع مالی بنگاه‌های تولیدی از مسیرهای سالم تأمین شود.

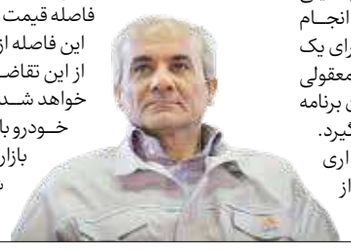

رئیس جمهوری تأکید کرده واگذاری نباید به خصولتی‌سازی منجر شود. چگونه می‌توان از این اتفاق جلوگیری کرد؟

خصولتی‌سازی یکی از ناموفق‌ترین الگوهای بنگاه‌داری است؛ زیرا این شرکت‌ها نه مزایای بخش خصوصی را دارند و نه از کارآمدی مدیریت دولتی برخوردارند. گاهی از مزایای بخش خصوصی استفاده می‌کنند و زمانی که لازم باشد، از امتیازات دولتی بهره می‌برند. به همین دلیل، اگر قرار است واگذاری انجام شود، باید کاملاً شفاف باشد و مدیریت شرکت به بخش خصوصی واقعی واگذار شود. در عین حال، دولت نیز باید نقش نظارتی خود را حفظ کند و بر اجرای تعهدات خریدار نظارت داشته باشد، بدون آنکه در تصمیمات اجرایی شرکت دخالت مستقیم کند.

با توجه به تجربه واگذاری ایران‌خودرو، دولت برای موفقیت واگذاری سایپا باید از چه اشتباهاتی پرهیز کند؟

مهم‌ترین نکته این است که واگذاری صرفاً به انتقال مالکیت محدود نشود. خریدار باید از نظر توان مالی، تجربه مدیریتی و برنامه توسعه‌ای اهلیت لازم را داشته باشد. اگر قرار باشد تنها سهام شرکت واگذار شود، اما برنامه مشخصی برای افزایش تولید، اصلاح ساختار مالی، توسعه محصول، صادرات و ارتقای کیفیت وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت خصوصی‌سازی به اهداف خود برسد. از سوی دیگر، دولت نیز نباید پس از واگذاری به طور کامل از این صنعت کنار بکشد. نقش دولت باید از مدیریت اجرایی به نظارت و سیاست‌گذاری تغییر کند. یعنی با پرهیز از مداخله در اداره شرکت، بر اجرای تعهدات خریدار در حوزه‌هایی مانند ساخت داخل، حفظ اشتغال، توسعه فناوری و افزایش صادرات نظارت مستمر داشته باشد. اگر این دو اصل، یعنی انتخاب بخش خصوصی دارای اهلیت و تداوم نظارت دولت، همزمان رعایت شود، می‌توان امیدوار بود واگذاری سایپا به تقویت صنعت خودرو و افزایش رقابت‌پذیری آن منجر شود، نه اینکه صرفاً مالکیت شرکت تغییر کند.

واگذاری سایپا چه تأثیری بر زنجیره قطعه‌سازی و اشتغال این صنعت خواهد داشت؟

صنعت خودرو تنها به دو خودروساز بزرگ محدود نمی‌شود؛ هزاران واحد قطعه‌سازی و صدها هزار شغل به عملکرد این صنعت وابسته است. به همین دلیل، هرگونه واگذاری باید با در نظر گرفتن آثار آن بر زنجیره تأمین انجام شود. اگر خریدار صرفاً به دنبال مونتاژ خودرو و واردات قطعات باشد، طبیعی است که بخشی از ظرفیت قطعه‌سازی کشور تضعیف خواهد شد. اما اگر از ابتدا برنامه مشخصی برای افزایش ساخت داخل، توسعه محصول و صادرات ارائه کند، نه‌تنها اشتغال موجود حفظ می‌شود، بلکه امکان ایجاد فرصت‌های جدید نیز وجود دارد.

به اعتقاد من، دولت باید پیش از واگذاری، تعهدات مشخصی از خریدار در حوزه ساخت داخل، همکاری با قطعه‌سازان، توسعه فناوری و صادرات دریافت کند و پس از واگذاری نیز بر اجرای این تعهدات نظارت داشته باشد. خصوصی‌سازی زمانی موفق خواهد بود که علاوه بر سودآوری شرکت، منافع زنجیره تولید و اقتصاد کشور را نیز تأمین کند؛ در غیر این صورت، واگذاری صرفاً به تغییر مالکیت محدود خواهد شد و اثر پایداری بر صنعت خودرو نخواهد گذاشت.

اگر امروز دوباره مدیرعامل سایپا بودید، پیش از واگذاری چه اقداماتی را در اولویت قرار می‌دادید؟

اولین اولویت، افزایش تولید است. هیچ خودروسازی بدون افزایش تیراژ نمی‌تواند از بحران خارج شود. البته تحقق این هدف نیازمند همکاری دولت، شبکه بانکی و زنجیره تأمین است. بخشی از مشکلات امروز خودروسازان به محدودیت نقدینگی و مطالبات قطعه‌سازان بازمی‌گردد و بدون حل این مسائل، افزایش تولید دشوار خواهد بود. دومین اقدام، اصلاح وضعیت مالی شرکت است. خودروساز باید به سطحی از سودآوری برسد که هم اعتماد سهامداران، هم بانک‌ها و هم قطعه‌سازان را جلب کند. بدون بازگشت اعتماد، امکان اجرای برنامه‌های توسعه‌ای وجود ندارد. سومین اولویت نیز توسعه محصول و صادرات است. تجربه نشان داده محصولات جدید حاشیه سود بیشتری ایجاد می‌کنند و امکان حضور در بازارهای صادراتی را افزایش می‌دهند. خودروسازی که برنامه‌ای برای توسعه محصول و صادرات نداشته باشد، در بلندمدت نمی‌تواند کیفیت و رقابت‌پذیری خود را حفظ کند. در مجموع، اگر واگذاری سایپا بر پایه اهلیت خریدار، برنامه مشخص توسعه، اصلاح ساختار شرکت و نظارت مؤثر دولت انجام شود، می‌تواند آغازگر دوره تازه‌ای برای صنعت خودرو باشد؛ دوره‌ای که در آن دولت از مدیریت مستقیم فاصله می‌گیرد، اما همچنان نقش سیاست‌گذار و ناظر را برای حفظ منافع ملی ایفا می‌کند.

بعد از ایران‌خودرو، نوبت واگذاری سایپاست

برش

رئیس جمهوری در تازه‌ترین گفت‌وگوی تلویزیونی خود بار دیگر بر ادامه روند خصوصی‌سازی خودروسازان تأکید کرد و از برنامه دولت برای واگذاری سایپا خبر داد. اظهاراتی که نشان می‌دهد پس از واگذاری مدیریت ایران‌خودرو، سایپا نیز در مسیر خروج از مدیریت دولتی قرار گرفته است.

مسعود پزشکیان با اشاره به تجربه واگذاری مدیریت ایران‌خودرو گفت: «کارخانه ایران‌خودرو را که واگذار کردیم، وزیر اقتصاد دولت استیضاح شد. وقتی می‌گویم هر کاری می‌کنیم، یک مقاومتی در برابر آن وجود دارد، دقیقاً منظورم همین موضوع است.»

رئیس جمهوری همچنین با تأکید بر تداوم این مسیر افزود: «سایپا و شرکت‌های دیگری هم در برنامه واگذاری دولت قرار دارند. منظور دولت واگذاری واقعی است، نه خصولتی کردن شرکت‌ها.»

خلاصه تصمیمات مجمع صندوق سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار چندکالایی صبا

به شناسه ملی ۱۴۰۱۱۴۵۶۳۶۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ ساعت ۱۰:۰۰

کلیه دارندگان واحدهای ممتاز پس از بحث و تبادل نظر به اتفاق آرا با تغییر بند ۸-۳ امیدنامه (هزینه حسابرس صندوق) به‌شرح صورتجلسه صندوق (قابل دستیابی در تارنمای صندوق به آدرس https://nafis.sabaamc.ir/ و سامانه کدال به نشانی http://www.codal.ir) موافقت نمودند.

بانک صادرات ایران

مزایده عمومی سراسری ویژه فروش املاک مازاد بانک صادرات ایران - کرمانشاه

شماره ۱۷/۹۶۱۶/۳۱۳ نوبت دوم مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

بانک صادرات ایران - کرمانشاه در نظر دارد تعداد ۲ رقبه از املاک مازاد خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و مشاهده املاک به سایت بانک به آدرس www.bsi.ir یا مدیریت شعب استان کرمانشاه مراجعه و حداکثر تا ساعت ۱۲:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴ نسبت به خرید اسناد مزایده اقدام و یا با شماره تلفن‌های: ۳۸۲۵۸۰۹۰-۳۸۲۳۰۴۷۹ در کرمانشاه تماس حاصل نمایند.

نفت پارس

دعوت به شرکت در مناقصه
طراحی، تأمین، ساخت انواع مکانیکال سیل و لوازم آب‌بندی پمپ‌های فرآیندی

نوبت اول

شرکت نفت پارس در نظر دارد طراحی، تأمین، ساخت انواع مکانیکال سیل و لوازم آب‌بندی پمپ‌های فرآیندی خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.

مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

تذکرات مهم:
- واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
- به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء یا مهر، مبهم، فاقد تضمین / سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

نفت پارس

دعوت به شرکت در مناقصه
تأمین انواع شیر آلات صنعتی

نوبت دوم

شرکت نفت پارس در نظر دارد تأمین انواع شیر آلات صنعتی خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.

مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱

تذکرات مهم:
- واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
- به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء یا مهر، مبهم، فاقد تضمین / سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
- شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

شرکت پالایش نفت لاوان

آگهی تجدید شناسایی پیمانکار (نوبت اول)
آگهی فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی به‌صورت یک مرحله‌ای

شرکت پالایش نفت لاوان درنظردارد تعمیر، تقویت، رنگ آمیزی پایه‌های اسکله دو منظوره شرکت پالایش نفت لاوان را پس از انجام فرآیند ارزیابی کیفی و احراز صلاحیت از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار با سابقه، مجرب و واجد شرایط واگذار نماید.

تعمیر، تقویت، رنگ آمیزی پایه‌های اسکله دو منظوره شرکت پالایش نفت لاوان
مناقصه شماره MO-1404066

(مجوز شماره ۱۰۵۳۷۶۰۲۹)-(میزان سپرده-۱۰۵,۳۸۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال)
(شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران: ۲۰۰۵۰۹۳۷۶۹۰۰۰۰۸۹)
تاریخ ارسال به صفحه اعلان عمومی: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷، مهلت دریافت اسناد: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
مهلت ارسال پاسخ استعلام (بارگذاری اسناد در سامانه ستاد ایران): ۱۴۰۵/۰۶/۱۴

لذا از متقاضیانی که دارای شرایط زیر می‌باشند دعوت می‌گردد تا پس از مطالعه شرایط مناقصه از طریق دریافت اسناد از سامانه ستاد ایران مطابق با اطلاعات درخواستی نسبت به دریافت اسناد و بارگذاری پاسخ استعلام در مهلت مقرر شده در سامانه مذکور اقدام نمایند تا پس از ارزیابی و تأیید صلاحیت، جهت شرکت در مناقصه اقدام لازم به‌عمل آید.

الف: شرایط انجام کار
۱- توانمندی و تسلط بر انجام کار، دارا بودن دانش فنی و امکانات و تجهیزات کامل موضوع مناقصه
۲- توانمندی در ارائه سپرده شرکت در مناقصه
۳- دارا بودن شخصیت حقوقی
۴- مناقصه‌گر نباید مشمول قانون منع مداخله در معاملات و مناقصات باشد.
۵- شرکت‌های مستقل دارای گواهی صلاحیت معتبر پیمانکار از سازمان برنامه و بودجه با حداقل رتبه (۲) در رشته آب -زیر رشته سازه‌های دریایی یا حداقل رتبه (۲) در رشته نفت و گاز (کلیه زیر رشته‌ها)

ب: دریافت اسناد و ارسال پاسخ استعلام
۱- اعلام آمادگی از طریق دریافت اسناد در سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) و ارسال پاسخ استعلام مطابق زمان بندی اعلام شده
۲- دریافت اسناد و بارگذاری مدارک تا تاریخ درج شده در سامانه ستاد ایران الزامی می‌باشد.
۳- کلیه مدارک باید در مهلت مقرر به‌صورت منظم و دسته‌بندی شده در پوشه‌های مجزا و با نام مطابق دستورالعمل بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی پیوست اسناد مناقصه در سامانه ستاد ایران بارگذاری شوند و به مدارک ارسالی مبهم، ناقص، مخدوش و دارای مغایرت و همچنین مدارکی که بعد از مهلت مقرر ارسال گردد به هیچ عنوان ترتیب اثر داده نخواهد شد.

زمان گشایش پاکات بعد از ارزیابی کیفی پیشنهادها، طی دعوت‌نامه ارسال پاکات پیشنهاد به مناقصه‌گران احراز صلاحیت شده اعلام خواهد شد.

آدرس اینترنتی شرکت پالایش نفت لاوان: www.lorc.ir

آدرس: هرمزگان، بندرعباس، گلشهر شمالی، بلوار دانشگاه، بلوار مصطفی خمینی، پلاک ۰، ساختمان آریا، طبقه همکف، کدپستی: ۷۹۱۵۳-۱۹۷۴۴
تلفن: ۰۷۱۳۸۳۱۸۸۸۱ داخلی (۱۴۷-۱۴۸) و ۰۷۱۳۸۱۷۳۴۳۰-۰۷۶۹۱۰۹۱۰۸۱، فاکس: ۳۸۳۱۸۸۸۲ (۰۷۱) آدرس ایمیل: Lavantenders@lorc.ir

مدیریت بازرگانی شرکت پالایش نفت لاوان

شرکت حمل و نقل ریلی رجا
RAJA RAIL TRANSPORTATION CO.

مناقصه عمومی
شماره مناقصه رجا (۱۴۰۵/۱۰) شماره مناقصه سامانه ستاد (۲۰۰۵۱۰۲۲۳۰۰۰۰۰۱۰)
تأمین ۱۴ دستگاه تابلو برق واگن‌های آلمان شرقی خلیج

شرکت حمل و نقل ریلی رجا (سهامی خاص) در نظر دارد، تأمین ۱۴ دستگاه تابلو برق واگن‌های آلمان شرقی خلیج به‌شماره (۲۰۰۵۱۰۲۲۳۰۰۰۰۰۱۰) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار کند. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت و تحویل اسناد مناقصه تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.

مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار آگهی مناقصه: روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷
- مهلت دریافت اسناد مناقصه: تا روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷
- مهلت ارسال پیشنهادها: تا ساعت ۱۳:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰
- زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۰

مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱۷,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
نوع تضمین: فیش بانکی (واریزنقدی) - ضمانت‌نامه بانکی

اطلاعات تماس و نشانی دستگاه:
شماره تماس: ۸۸۳۱۰۸۸۰ داخلی ۱۰۴۵ (آقای فرهادی)
نشانی: تهران-خیابان کریم خان زند-ابتدای خیابان سنایی-شماره ۱۰۵-کدپستی ۱۵۸۵۶۸۳۱۱۳

شرکت حمل و نقل ریلی رجا (سهامی خاص)

TENCO

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی پیمانکاران
نوبت اول
مناقصه Separators
شماره مناقصه SHG-00210

شرکت توسعه انرژی و نفت نگین آفاق کیش (تنکو) به‌عنوان پیمانکار اصلی پروژه میدان نفتی شادگان مایل است پیش از برگزاری مناقصه فوق مبادرت به انجام فرایند ارزیابی پیمانکاران مجرب جهت واسپاری مناقصه مذکور نماید. شرح کار تفصیلی در اسناد ارزیابی کیفی درج شده است.

به‌صورت خلاصه، پیمانکارانی که علاقه‌مند به شرکت در این فراخوان می باشند ملزم به ارائه اسناد ذیل می‌باشند:
- پروفایل شرکت، صورت‌های مالی حسابرسی شده برای سه سال گذشته با گزارش سالانه منتشر شده، سوابق و تجارب کاری مرتبط به موضوع فراخوان، نامه از بانک با مشخص نمودن حد اعتباری تضامین بانکی، نامه عملکرد مناسب در پروژه‌های پیشین مشابه و هرگونه اطلاعات دیگری که بیانگر صلاحیت/ توانایی پیمانکار در ارائه خدمات موضوع فراخوان می‌باشد.
- **نکته حائز اهمیت:** این سند یک آگهی فراخوان ارزیابی کیفی می‌باشد و مدارک تفصیلی آن از طریق ایمیل برای پیمانکاران علاقه‌مند که بدوا به تشخیص شرکت تنکو واجد شرایط جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی تشخیص داده می‌شوند، ارسال می‌شود. لطفا جهت دریافت اسناد تفصیلی ارزیابی کیفی حداکثر ۵ روز کاری پس از انتشار آگهی، مدارک مثبته تجربیات مشابه ۵ سال گذشته به انضمام اساسنامه خود را به ایمیل ERoustaie@eastpetrotech.com ارسال نمایید.

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۸۸۶۴۸۳۰۵ ۰۲۱ داخلی ۶۵۷۷ و رایانامه ERoustaie@eastpetrotech.com تماس حاصل نمایید.

مدیریت حقوقی و امور قراردادها

وزیر صمت در نشست قزاقستان، ایجاد زیرساخت مالی مستقل، توسعه کریدورها و توافق های تجاری را برای توسعه همکاری های منطقه ای پیشنهاد داد

عبور از «تجارت صرف» با اوراسیا

گزارش

گروه اقتصادی

وزیر صنعت، معدن و تجارت، در دومین نشست شورای بین‌دولتی اتحادیه اقتصادی اوراسیا، از رویکردی سخن گفت که در صورت تحقق می‌تواند همکاری اقتصادی ایران با کشورهای این اتحادیه را از سطح مبادلات تجاری به مرحله‌ای تازه از همکاری‌های صنعتی، ترانزیتی و مالی برساند. در این رویکرد، ایران تلاش دارد از موقعیت جغرافیایی، ظرفیت‌های صنعتی و معدنی و همچنین پیوندهای اقتصادی خود با کشورهای منطقه برای شکل‌دهی به شبکه‌ای گسترده‌تر از همکاری‌های منطقه‌ای استفاده کند. سیدمحمد اتابک در سخنان خود، همگرایی اقتصادی را یکی از الزامات توسعه منطقه دانست و تأکید کرد: «همگرایی اقتصادی و همکاری‌های بلندمدت منطقه‌ای کلید رشد پایدار و رفاه مشترک کشورهای منطقه است.» این نگاه در حالی مطرح می‌شود که ایران طی سال‌های اخیر تلاش کرده حضور خود را در سازوکارهای چندجانبه اقتصادی و منطقه‌ای تقویت کند و در همین چارچوب، همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا جایگاه ویژه‌ای در سیاست اقتصادی تهران پیدا کرده است.

توافقی که باید به افزایش مبادلات منجر شود

یکی از مهم‌ترین محورهای سخنان وزیر صمت، توافق تجارت آزاد میان ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بود. اتابک این توافق را صرفاً یک دستاورد سیاسی یا حقوقی نمی‌داند، بلکه آن را بستری برای افزایش واقعی مبادلات اقتصادی معرفی می‌کند. او این توافق را «مهم‌ترین گام اجرایی ما طی سال گذشته در راستای تعمیق روابط اقتصادی متقابل» خواند.

از نگاه وزیر صمت، مرحله بعدی پس از امضای توافق، ایجاد سازوکارهایی برای استفاده از ظرفیت‌های آن است. برگزاری کمیته‌های مشترک و کارگروه‌های تخصصی برای بررسی موانع فنی تجارت، بخشی از همین تلاش عنوان شده است. به این ترتیب، مسأله اصلی دیگر صرفاً دستیابی به توافق نیست، بلکه نحوه تبدیل این توافق به افزایش تجارت و حضور مؤثرتر ایران در بازارهای کشورهای عضو اتحادیه است.

کریدورها؛ جغرافیای ایران در خدمت تجارت منطقه‌ای

در بخش دیگری از سخنان اتابک، حمل‌ونقل و کریدورهای ترانزیتی به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی توسعه همکاری‌های منطقه‌ای مطرح شد. اهمیت این موضوع برای ایران از آن جهت است که موقعیت جغرافیایی کشور، امکان اتصال مسیرهای تجاری شمال به جنوب و شرق به غرب را فراهم می‌کند. اتابک تأکید کرد، همکاری در این حوزه فقط به کاهش هزینه و زمان حمل کالا محدود نمی‌شود و ابعاد گسترده‌تری دارد. به گفته او، «همکاری در حوزه کریدورهای ترانزیتی و اقتصادی را برای تسهیل تجارت، تأمین امنیت زنجیره‌های تأمین و امنیت غذایی، افزایش همگرایی و کاهش فقر و شکاف اقتصادی ضروری می‌دانیم.» بر این اساس، توسعه کریدورها در نگاه ایران بخشی از یک راهبرد اقتصادی بزرگ‌تر است؛ راهبردی که در آن ترانزیت می‌تواند به افزایش تجارت، تقویت امنیت زنجیره تأمین و حتی افزایش وابستگی متقابل اقتصادی کشورهای منطقه منجر شود.

پیشنهاد ایران برای زیرساخت مالی منطقه

بخش دیگری از اظهارات اتابک به مسأله‌ای اختصاص داشت که مستقیماً بر امکان توسعه تجارت منطقه‌ای اثر می‌گذارد؛ زیرساخت‌های بانکی و انتقال پول. وزیر صمت با اشاره به محدودیت‌های موجود در نظام مالی بین‌المللی گفت: «یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشار علیه بازیگرانی که سیاست مستقلی را در نظام بین‌المللی پیگیری می‌کنند، سازوکارهای مالی و بانکی و کنترل کانال‌های انتقال پول است.»

در چنین شرایطی، ایران بر توسعه سازوکارهای مالی میان کشورهای منطقه تأکید دارد. همکاری بانک‌های مرکزی در حوزه ارزهای دیجیتال ملی، استفاده از تجربه‌های مشترک در این زمینه و ایجاد سازوکارهای جدید برای انتقال پول از جمله پیشنهادهای مطرح‌شده است. اتابک همچنین بر همکاری برای طراحی یک پیام‌رسان بین‌بانکی جدید و کارآمد به‌عنوان جایگزینی برای سوئیفت تأکید کرد. این بخش از اظهارات اتابک نشان می‌دهد از نگاه ایران، افزایش تجارت منطقه‌ای بدون ایجاد مسیرهای امن و پایدار برای پرداخت و انتقال پول با محدودیت روبه‌رو خواهد بود. بنابراین زیرساخت مالی مستقل در کنار کریدورهای حمل‌ونقل و توافق‌های تجاری، به یکی از اجزای مهم مدل پیشنهادی تهران تبدیل شده است.

قرقیزستان؛ از تجارت کالا تا تولید مشترک

همزمان با مذاکرات چندجانبه در چارچوب اتحادیه اوراسیا، دیدارهای دوجانبه اتابک با وزیر اقتصاد قرقیزستان نیز بر توسعه همکاری‌های اقتصادی متمرکز بود. در این مذاکرات، طیف متنوعی از همکاری‌ها از تجارت و سرمایه‌گذاری تا صنعت، معدن، انرژی و حمل‌ونقل مورد توجه قرار گرفت.

یکی از محورهای مهم این همکاری، حرکت به سمت تولید مشترک برای صادرات به بازارهای ثالث است. صادرات محصولات دانش‌بنیان، دارو و تجهیزات پزشکی، همکاری در اکتشاف و فرآوری مواد معدنی و ارائه خدمات فنی و مهندسی نیز در این چارچوب مطرح شده است. در حوزه حمل‌ونقل نیز فعال‌سازی مسیر ریلی بندرعباس-اوش، برقراری پرواز مستقیم و کاهش هزینه‌های ترانزیت در دستور کار قرار گرفته است. استفاده از ارزهای ملی، ایجاد صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و استفاده از روش‌های نوین تأمین مالی نیز بخش دیگری از این همکاری‌ها را تشکیل می‌دهد.

> ایران طی سال‌های اخیر تلاش کرده حضور خود را در سازوکارهای چندجانبه اقتصادی و منطقه‌ای تقویت کند و در همین چارچوب، همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا جایگاه ویژه‌ای در سیاست اقتصادی تهران پیدا کرده است

روسیه؛ عبور از تجارت سنتی به سمت تولید مشترک

همچنین در روابط ایران و روسیه نیز اتابک در نشستی مشترک با معاون نخست‌وزیر روسیه بر ضرورت تغییر کیفیت همکاری‌ها تأکید کرده است. اگرچه تجارت دو کشور در سال‌های گذشته افزایش یافته، اما از نگاه وزیر صمت، حجم فعلی مبادلات هنوز با ظرفیت‌های اقتصادی دو کشور فاصله دارد. او در این باره گفت: «با وجود افزایش قابل توجه حجم تجارت میان دو کشور، ظرفیت‌های گسترده همکاری‌های اقتصادی، صنعتی و سرمایه‌گذاری ایجاب می‌کند که سطح روابط تجاری تهران و مسکو به مراتب فراتر از وضعیت کنونی ارتقا یابد.» این سخنان نشان‌دهنده تلاش برای تغییر مدل روابط اقتصادی دو کشور است؛ مدلی که در آن صادرات و واردات صرف جای خود را به تولید مشترک، سرمایه‌گذاری و همکاری صنعتی می‌دهد. تولید مشترک قطعات صنعتی، تجهیزات نیروگاهی، ماشین‌آلات و خودروهای سنگین از جمله زمینه‌هایی است که برای این همکاری مطرح شده است.

حلقه‌های مفقوده تجارت تهران و مسکو

توسعه روابط تجاری ایران و روسیه، در نگاه اتابک، بدون حل مسائل مربوط به پرداخت، گمرک و حمل‌ونقل امکان تحقق کامل ندارد. در همین راستا، فعال شدن پیام‌رسان بانکی مشترک، گسترش روابط کارگزاری بانک‌ها و حرکت به سمت پیمان پولی میان بانک‌های مرکزی دو کشور مورد توجه قرار گرفته است.

اتصال شبکه‌های پرداخت «شتاب» و «میر» نیز با هدف تسهیل تجارت با ارزهای ملی دنبال می‌شود. در کنار این اقدامات، اتصال سامانه‌های بانکی، ایجاد گمرک واحد دیجیتال و کریدور سبز گمرکی می‌تواند زمان و هزینه مبادلات را کاهش دهد. در حوزه حمل‌ونقل نیز تکمیل راه‌آهن رشت-آستارا و توسعه ناوگان حمل‌ونقل دریایی از پروژه‌هایی است که در چارچوب این همکاری‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. وزارت صمت همچنین بر تدوین و به‌روزرسانی نقشه‌راه همکاری‌های صنعتی و تجاری ایران و روسیه و تشکیل کارگروه مشترک صنعتی، معدنی و تجاری تأکید کرده است.

یک تصویر بزرگ‌تر از دیپلماسی اقتصادی ایران

مجموع این مواضع، تصویری از یک رویکرد نسبتاً یکپارچه را ارائه می‌کند: ایران می‌خواهد همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه را همزمان در چند سطح پیش ببرد؛ در سطح اول، افزایش تجارت از طریق توافق‌های ترجیحی و تجارت آزاد؛ در سطح دوم، توسعه کریدورهای حمل‌ونقل و ترانزیت؛ در سطح سوم، حرکت به سمت تولید مشترک و سرمایه‌گذاری؛ و در سطح چهارم، ایجاد زیرساخت‌های مالی و بانکی برای کاهش موانع مبادلات.

در این مدل، موقعیت جغرافیایی ایران فقط یک مزیت طبیعی نیست، بلکه به‌عنوان یک ابزار اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، ظرفیت صنعتی، معدنی و انرژی کشور می‌تواند زمینه را برای حرکت از تجارت کالا به همکاری‌های تولیدی فراهم کند.

در همین چارچوب، اتابک همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا را «راهبردی بلندمدت برای ایجاد منطقه‌ای قدرتمند» توصیف کرده و آن را با تقویت حاکمیت‌های ملی، توسعه تجارت و حمل‌ونقل، امنیت انرژی، فناوری، کشاورزی، گردشگری و ایجاد زیرساخت‌های مشترک مالی و بانکی پیوند داده است. در نهایت، آنچه از مجموعه سخنان وزیر صمت برداشت می‌شود، تلاش برای شکل‌دهی به الگویی از همگرایی منطقه‌ای است که در آن تجارت، تولید، ترانزیت و تأمین مالی به یکدیگر متصل می‌شوند. اتابک بر ظرفیت این منطقه برای شکل‌دهی به چنین الگویی تأکید کرده و گفته است: «یقین دارم با تکیه بر اشتراکات فرهنگی و تاریخی و با بهره‌مندی از نعمت قرابت جغرافیایی می‌توانیم مدلی موفق از همگرایی منطقه‌ای را به تصویر بکشیم.»

بر این اساس، پیام اصلی این رویکرد را می‌توان در عبور از «تجارت صرف» به «همکاری اقتصادی درهم‌تنیده» خلاصه کرد؛ مدلی که تحقق آن، بیش از هر چیز به اجرای توافق‌ها، رفع موانع بانکی و گمرکی، تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی و تبدیل پیشنهادهای همکاری به پروژه‌های واقعی وابسته خواهد بود.

انرژی

بازسازی پالایشگاه سوم پارس جنوبی وارد فاز اجرایی شد

بازسازی پالایشگاه سوم پارس جنوبی با امضای توافقنامه میان شرکت نفت و گاز پارس و کنسرسیوم پیمانکاران داخلی وارد فاز اجرایی شد تا واحدهای آسیب‌دیده این پالایشگاه به چرخه تولید بازگردد.

به گزارش شرکت نفت و گاز پارس، آیین امضای توافقنامه پروژه بازسازی پالایشگاه فازهای ۴ و ۵ پارس جنوبی با حضور تورج دهقانی، مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس، فرشاد مقیمی، معاون وزیر صمت و مدیرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو)، هادی اخلاقی، مدیرعامل بانک تجارت و اعضای کنسرسیوم بازسازی این پروژه در منطقه پارس جنوبی برگزار شد.

تورج دهقانی در این آیین با تشریح وظایف اعضای کنسرسیوم بازسازی پروژه پالایشگاه سوم پارس جنوبی گفت: «این پروژه با راهبری شرکت نفت و گاز پارس و اجرای کنسرسیومی به مدیریت بانک تجارت و با حضور شرکت‌هایی از بخش خصوصی و عمومی اجرا خواهد شد.»

وی افزود: «سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، شرکت‌های اکسیر صنعت و جهان پارس نیز به‌عنوان دیگر اعضای این پروژه ایفای نقش می‌کنند و امیدواریم با تأمین مالی و انجام فعالیت‌های اجرایی مطابق زمان‌بندی مشخص، واحدهای آسیب‌دیده در سریع‌ترین زمان ممکن تکمیل شوند و پالایشگاه سوم به چرخه تولید بازگردد.»

مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس با اشاره به آثار بازسازی این پالایشگاه بر تأمین گاز کشور اظهار کرد: «با ترمیم بخش‌های آسیب‌دیده، بخشی از ناترازی ایجادشده در حوزه تأمین گاز کشور که به دلیل حملات اخیر تشدید شده است، با ورود به‌موقع این بخش به چرخه تولید کاهش پیدا می‌کند.»

دهقانی همچنین با اشاره به تلاش‌های انجام‌شده برای آوارب‌برداری کامل و ایمن پالایشگاه‌های آسیب‌دیده در مدت‌زمان کوتاه، از پیمانکاران و متخصصان مجموعه‌های مشارکت‌کننده در این عملیات قدردانی کرد.

وی ادامه داد: «با حمایت‌ها و تأکید ویژه مجموعه دولت، وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، راهبردها و برنامه‌های تدوین‌شده درباره نحوه عملیات بازسازی، پس از تصویب در هیأت‌مدیره شرکت ملی نفت ایران، تبیین و عملیات اجرایی آن با تعیین کنسرسیوم آغاز شد.»

آگهی مزایده عمومی
شماره 1405-3TOWN-21

شرکت ساختمان بیمه ایران

شرکت ساختمان بیمه ایران (سهامی خاص) در نظر دارد تعدادی از املاک خود واقع در شهر خرمشهر، زاهدان و همدان را با کاربری مغازه و مسکونی، طبق جدول ذیل در قالب مزایده عمومی واگذار نماید. مزایده از قیمت پایه و در وضعیت موجود هر یک از املاک که به رؤیت متقاضیان خواهد رسید شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی مورد تأیید مالک واگذار می‌گردد.

ردیف	نام شهر	نوع ملک	پلاک ثبتی		مساحت (متر مربع)		قیمت پایه مزایده (ریال)	آدرس
			فرعی	اصلی	عرصه	اعیان		
۱	همدان	آپارتمان	۵	۱۶	-	۸۷/۷۵	۷۶،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	همدان - خیابان بین النهرین بالاتر از مسجد پلاک ۷۹ ، طبقه ۲ ، واحد ۳ (به همراه انباری)
۲	خرمشهر	زمین و مغازه	۱	۱۲۸	۱۵۲۲/۱۷	حدود ۱۲۰	۱۶۸،۳۰۰،۰۰۰،۰۰۰	خرمشهر - خیابان جمهوری، نبش فلکه احمد زاده (دارای متصرف) با وضعیت موجود به‌فروش می‌رسد
۳	زاهدان	ویلایی- مسکونی	۱۱	۳۰۴۰	۳۱۶/۸	حدود۲۳۰	۱۱۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	خیابان باقری،کوچه باقری ۵، (پاسداران ۷)

متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر از شرایط شرکت در مزایده و دریافت اسناد آن، همه روزه به‌جز ایام تعطیل و در ساعات اداری، از تاریخ درج این آگهی تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰ به محل شرکت به نشانی تهران، خیابان شیراز جنوبی، خیابان شهید آقا علیخانی شرقی، پلاک ۶، طبقه اول مراجعه و یا با شماره تلفن ۸۸۶۰۸۹۱۲-۰۲۱داخلی ۱۰۳ تماس حاصل نمایند. شرکت‌کنندگان در مزایده باید حداکثر تا ساعت ۱۶ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ اسناد مزایده را تکمیل و پیشنهاد قیمت خود را به‌صورت روشن و مشخص به همراه تضمین شرکت در مزایده در پاکت دربسته ارائه نمایند. بدیهی است شرکت ساختمان بیمه ایران در پذیرش یا رد هر یک از پیشنهادات ارائه‌شده مختار می‌باشد میزان و نوع تضمین شرکت در مزایده، نحوه هماهنگی به‌منظور بازدید از املاک، زمان بازگشایی پاکات و نحوه حضور شرکت‌کنندگان در مزایده در جلسه بازگشایی پاکات، مطابق شرایط مندرج در اسناد مزایده می‌باشد.

شرکت ساختمان بیمه ایران - کمیسیون معاملات

آگهی مزایده عمومی

فولاد مشیز بردسیر

شرکت صنایع فولاد مشیز بردسیر در نظر دارد، مقداری از شمش (بیلت) فولادی تولیدی خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.

از علاقه‌مندان دعوت می‌شود جهت بررسی اسناد، تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ ساعت ۱۵ به آدرس www.mashiz-steel.ir بخش مناقصه و مزایده مراجعه نمایند.

آدرس دفتر کارخانه: بردسیر، کیلومتر ۴ جاده نگار، کدپستی ۷۸۴۳۱۵۵۷۳۱، دبیرخانه کمیسیون معاملات - تلفن: ۰۹۱۳۳۴۰۲۲۳۸ (سرکارخانم شادمان)

آخرین مهلت ارسال پاکات و اسناد تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ ساعت ۱۵

مناقصه تأمین سرویس ایاب و ذهاب شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب (سهامی خاص)

شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب در نظر دارد **تأمین سرویس ایاب و ذهاب** خود را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.

- **محل دریافت اسناد:** تهران، کیلومتر ۱۰ جاده قدیم کرج، روبروی شهرک دریا، بلوار شهید سامانی پور شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب - تدارکات
شماره تماس: ۳۹-۶۶۱۸۴۳۲۹ داخلی ۴۰۹
- **مهلت دریافت و تحویل اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ تا پایان وقت اداری ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
- **میزان و نوع ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه:** تضمین معتبر شرکت در فرآیند مناقصه ۷،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر یا اصل فیش نقدی به‌حساب شماره ۰۲۰۰۵۴۰۴۴۲۰۰۱ بانک ملی به‌نام شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب واریز و اصل فیش تحویل گردد.
- سایر اطلاعات و الزامات در اسناد مناقصه ذکر گردیده است.
- مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.
- هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

نوبت اول

پتروشیمی بندرامام

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی شماره مناقصه: ت م ن/۴۰۴/۵۷

شرکت پتروشیمی بندر امام به آدرس بندر امام خمینی(ره) منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت ۵ در نظر دارد مناقصه با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱-موضوع مناقصه: انجام عملیات کاشت و نگهداشت فضای سبز؛ و تنظیفات عمومی مجتمع پتروشیمی بندرامام

۲-مدت اجرای موضوع مناقصه: ۲۴ ماه

۳-مبلغ برآورد مناقصه به میزان ۱،۲۰۵،۲۹۱،۵۳۰،۰۴۸ ریال می‌باشد.

۴-مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۶۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد.

۵-انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:

۵-۱) ضمانت‌نامه بانکی

۵-۲) واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۶- مهلت توزیع اسناد: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۹ تا ساعت ۲۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴

ضمناً مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس WWW.BIPC.IR مراجعه نمایند.

۷- داشتن گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:

۷-۱) آگهی تأسیس (درصورت عدم انطباق موضوع مناقصه با آگهی تأسیس، شرکت مناقصه‌گر مورد ارزیابی کیفی قرار نخواهد گرفت.)

۷-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری

۸- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: امور مراجعین مجتمع پتروشیمی بندرامام؛ تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۷

۹- تاریخ جلسه گشایش پاکات پیشنهادی: ساعت ۱۱ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۶

تذکر۱: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفتر خانه اسناد رسمی، دادگاه حقوقی، امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد) گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.

تذکر۲: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند.

تذکر۳: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضا مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تذکر۴: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی بندر امام (سهامی عام)

مناقصه پروژه های توسکا، ارکیده و اقاقیا

رویاساختمان آریا

گروه توسعه ساختمان تدبیر

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) در نظر دارد؛ تهیه مصالح، حمل، اجرا و تکمیل پروژه توسکا و اخذ پایانکار آن به انضمام تکمیل آسانسورهای پروژه های ارکیده و اقاقیا واقع در استان گلستان، شهر گرگان، بلوار ناهارخوران، نبش عدالت ۴۲، انبار جهاد سابق با شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه، به اشخاص حقوقی واجد صلاحیت واگذار نماید، لذا از اشخاص واجد شرایط که با در اختیار داشتن امکانات فنی و مالی، توانایی انجام موضوع مناقصه را دارا می باشند، دعوت می نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ (به غیر از پنج شنبه ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ به یکی از آدرسهای ذیل مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.

۱- استان گلستان، شهر گرگان، بلوار ناهارخوران، نبش عدالت ۴۲، انبار جهاد سابق، ساختمان در حال ساخت، آقای مهندس شیرنگی شماره تلفن: ۰۹۰۱۱۷۱۳۱۸۵

۲- دفتر مرکزی شرکت رویا ساختمان آریا به نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲، پلاک۷، طبقه اول شماره تلفن: ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۱۷)

- **کلیه پرداختها مطابق ماده (۶) تیپ قرارداد به صورت ۱۰۰ درصد تهاتر، و از محل املاک متعلق به کارفرما در شهر گرگان می باشد.**
- پروژه توسکا دارای مساحت تقریبی ۲۴،۳۷۵ مترمربع با تعداد طبقات: یک طبقه زیرزمین- همکف- ۸ طبقه روی همکف می باشد.
- تهیه مصالح، حمل و تکمیل آسانسورهای پروژه های ارکیده و اقاقیا جزء موضوع مناقصه است.
- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده که بصورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب شرکت رویا ساختمان آریا میسر می باشد.
- سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج شده است.
- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهادی، ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ می باشد.
- این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است و به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ناقص و یا پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر نخواهد داد.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

در بازدید خبرنگاران از نیروگاه سیکل ترکیبی شهدای پاکدشت اعلام شد

ظرفیت تولید برق از ۱۰۱ هزار مگاوات فراتر رفت

نیرو

نیروگاه سیکل ترکیبی شهدای پاکدشت، معروف به نیروگاه دماوند، در سال ۱۴۰۴ با ثبت تولید ۱۶.۶ میلیون مگاوات‌ساعت برق، بالاترین سطح تولید سالانه خود از ابتدای بهره‌برداری را تجربه کرد. این نیروگاه در شرایطی به این رکورد رسیده که شبکه برق کشور همچنان تحت فشار گرمای هوا و رشد مصرف قرار دارد و صنعت برق، هم‌زمان با توسعه ظرفیت‌های جدید، درگیر تکمیل تعمیرات واحدهای موجود، توسعه شبکه انتقال و تأمین منابع مالی پروژه‌هاست.

در بازدید خبرنگاران از نیروگاه دماوند، آمارهایی از افزایش ظرفیت نیروگاهی، پیشرفت برنامه تعمیرات، کاهش مصرف آب خام و ورود این مجموعه به پروژه‌های خورشیدی مطرح شد. مصطفی رجبی مشهدی، معاون برق و انرژی وزارت نیرو، در این بازدید عنوان کرد که ظرفیت نصب‌شده تولید برق کشور در دو سال گذشته و در دولت چهاردهم به ۱۰۱ هزار و ۶۰۰ مگاوات رسیده است. او همچنین اعلام کرد ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر در این مدت حدود ۴.۶ برابر افزایش یافته است؛ آماری که نشان می‌دهد توسعه انرژی‌های خورشیدی و بادی در مقایسه با سال‌های گذشته با سرعت بیشتری در دستور کار قرار گرفته، هرچند سهم این بخش در تأمین برق پایدار کشور همچنان به توسعه شبکه و سازوکارهای ذخیره‌سازی وابسته است. وی افزود در یک سال گذشته حدود ۲۴۵۰ مگاوات ظرفیت حرارتی جدید وارد مدار شده و در کنار آن، در شماری از واحدهای قدیمی بخاری نیز اقداماتی برای ارتقای توان تولید انجام شده است. افزایش ظرفیت اسمی نیروگاه‌ها، بویژه در تابستان، یکی از ابزارهای صنعت برق برای جبران رشد مصرف است، اما پایداری شبکه تنها به ساخت واحدهای جدید محدود نمی‌شود.

تحقق ۹۸ تا ۹۹ درصدی برنامه تعمیرات

یکی از محورهای اصلی بازدید از نیروگاه دماوند، موضوع تعمیرات نیروگاهی و میزان آمادگی واحدها برای ادامه فصل گرم بود. عظیم اعتمادی، مدیرعامل شرکت مادرتخصصی تولید نیروی برق حرارتی، اعلام کرد که ۹۸ تا ۹۹ درصد برنامه تعمیرات نیروگاه‌های کشور محقق شده است.

بر اساس اظهارات او، حدود ۱۰۴ هزار مگاوات برنامه تعمیراتی در نیروگاه‌های کشور اجرا شده که شامل تعمیرات اساسی، بازدیدهای دوره‌ای، برنامه‌های آمادگی و اقدامات پیشگیرانه بوده است. اهمیت این تعمیرات در آن است که نیروگاه‌های حرارتی، بویژه واحدهایی که در تابستان با حداکثر ظرفیت کار می‌کنند، در صورت عقب‌ماندن از برنامه تعمیرات با ریسک خروج اضطراری و کاهش تولید روبه‌رو می‌شوند.

سهم دماوند از برق حرارتی کشور

رضا مؤمنی، مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق دماوند، در تشریح عملکرد این مجموعه گفت نیروگاه شهدای پاکدشت در سال ۱۴۰۴ به تولید ۱۶.۶ میلیون مگاوات‌ساعت برق رسیده است؛ رقمی که به گفته او، رکورد تولید سالانه نیروگاه از ابتدای بهره‌برداری تاکنون محسوب می‌شود. نیروگاه دماوند در سال گذشته رشد تولید ۶ درصدی را ثبت کرده؛ در حالی که میانگین رشد تولید نیروگاه‌های حرارتی کشور در همین دوره، بنا بر آمار ارائه‌شده، ۳.۸ درصد بوده است. به این ترتیب، رشد تولید دماوند حدود دو برابر میانگین ثبت‌شده برای نیروگاه‌های حرارتی عنوان شده است. طبق آمار اعلامی، نیروگاه شهدای پاکدشت ۴.۲ درصد از کل برق کشور، ۴.۴ درصد از تولید نیروگاه‌های حرارتی و ۸.۱ درصد از تولید نیروگاه‌های سیکل ترکیبی را تأمین کرده است. این سهم نشان می‌دهد عملکرد این نیروگاه، به‌خصوص در دوره اوج بار، صرفاً یک موضوع محلی نیست و هرگونه افت یا افزایش تولید آن می‌تواند در تراز تولید برق کشور اثرگذار باشد.

تعمیرات بلوکی و کاهش زمان خروج واحدها

مدیرعامل شرکت تولید نیروی برق دماوند، اجرای مدل «بازدیدهای دوره‌ای بلوکی» را یکی از اقدامات مهم این نیروگاه در سال گذشته دانست. در این روش، به‌جای آنکه تعمیرات و بازدیدها به شکلی انجام شود که بخش گسترده‌تری از ظرفیت نیروگاه از مدار خارج بماند، هر بلوک به‌صورت جداگانه برای بازدید و تعمیرات متوقف می‌شود و پس از بازگشت آن به مدار، بلوک بعدی وارد برنامه تعمیراتی می‌شود. به گفته مؤمنی، اجرای این روش با همکاری شرکت مدیریت شبکه برق، حدود ۹۶۵ هزار مگاوات‌ساعت افزایش تولید به همراه داشته است. او گفت این شیوه همچنین مدت زمان بازدیدهای ۸۰۰۰ ساعته را از هشت روز به چهار روز و بازدیدهای ۴۰۰۰ ساعته را از شش روز به سه روز کاهش داده است.

ورود دماوند به پروژه‌های خورشیدی

نیروگاه دماوند که تاکنون عمدتاً با تولید برق حرارتی شناخته می‌شد، برنامه‌ای برای حضور در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز اعلام کرده است. در همین راستا شرکت «توسعه نیروی سبز دماوند» با هدف احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌های خورشیدی و تجدیدپذیر تشکیل شده است. مؤمنی گفت اقدامات اجرایی برای احداث هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی در استان‌های تهران، گلستان، کرمان، یزد و اصفهان آغاز شده است. در کوتاه‌مدت نیز دو پروژه خورشیدی با ظرفیت‌های هفت و سه مگاوات آماده سنکرون با شبکه هستند و قرار است مجموعاً ۱۰ مگاوات ظرفیت جدید در هفته دولت وارد مدار شود.

> ظرفیت نصب‌شده تولید برق کشور در دو سال گذشته و در دولت چهاردهم به ۱۰۱ هزار و ۶۰۰ مگاوات رسیده است. آماری که نشان می‌دهد توسعه انرژی‌های خورشیدی و بادی در مقایسه با سال‌های گذشته با سرعت بیشتری در دستور کار قرار گرفت

رشد ۸۰ درصدی تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به نسبت سال گذشته

صنعت و خدمات بیشترین تسهیلات را گرفتند

پولی

آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد حجم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به بخش‌های اقتصادی در سه‌ماهه اول سال ۱۴۰۵ نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش قابل توجهی داشته است. روندی که می‌تواند نشانه‌ای از تحرک تازه در چرخه تأمین مالی تولید و بازرگانی کشور، بویژه پس از دوران دشوار جنگ در اواخر سال ۱۴۰۴، تلقی شود. بر پایه این داده‌ها، مجموع تسهیلات پرداخت‌شده به صاحبان کسب‌وکار، اعم از اشخاص حقوقی و غیرحقوقی، در سه ماه اول ۱۴۰۵ به بیش از ۲۲ هزار و ۵۸۷ هزار میلیارد ریال رسیده است. این رقم در مدت مشابه سال ۱۴۰۴ حدود ۱۲ هزار و ۵۳۹ هزار میلیارد ریال بود؛ بنابراین حجم تسهیلات پرداختی در مقایسه نقطه‌به‌نقطه، حدود ۸۰.۱ درصد افزایش یافته است. این رشد از نرخ‌های ثبت‌شده در سال‌های اخیر که عمدتاً در بازه ۲۱ تا ۳۲ درصد قرار داشتند، بالاتر است. با این همه، افزایش مبلغ ریالی تسهیلات به‌تنهایی به معنای گشایش در تأمین مالی تولید نیست؛ زیرا بخشی از رشد اسمی می‌تواند ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، رشد هزینه مواد اولیه و دستمزد، و نیاز بیشتر بنگاه‌ها به سرمایه در گردش برای حفظ سطح پیشین فعالیت باشد. همچنین آمارهای موجود نشان می‌دهد رشد ۸۰.۱ درصدی تسهیلات در بهار ۱۴۰۵، بالاترین نرخ در پنج سال گذشته است، اما در مقیاس یک دهه اخیر در رتبه دوم قرار می‌گیرد. در سال ۱۴۰۰، رشد تسهیلات پرداختی به کسب‌وکارها به ۱۰۹.۶ درصد رسیده بود؛ جهشی که در آن زمان عمدتاً در بخش‌های خدمات و صنعت و معدن متمرکز بود.

رشد تسهیلات در کدام بخش‌ها بیشتر بود؟

ترکیب رشد تسهیلات در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۰ تفاوت دارد. در سه‌ماهه اول امسال، اغلب بخش‌های اقتصادی افزایش تسهیلات را تجربه کرده‌اند، هرچند شدت رشد میان آنها یکسان نبوده است.

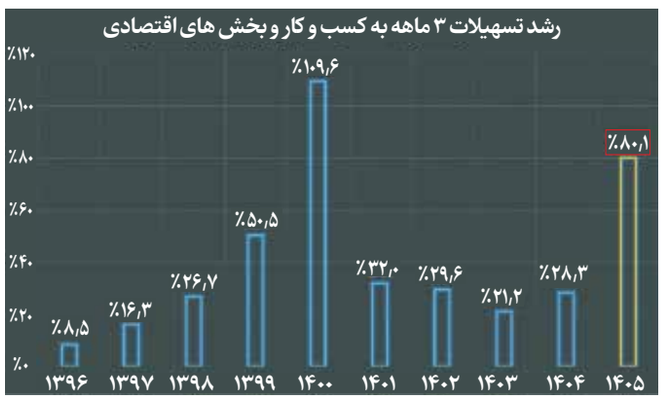

بخش بازرگانی با رشد ۱۱۳.۳ درصدی، بالاترین افزایش را به ثبت رسانده است. صنعت و معدن، کشاورزی و خدمات نیز روندی صعودی داشته‌اند. بخش مسکن و ساختمان نیز که در سال ۱۴۰۴ رشد منفی تسهیلات را تجربه کرده بود، در سه‌ماهه ابتدایی امسال با رشد ۴۹.۸ درصدی به محدوده مثبت بازگشته است. با این حال، بازگشت رشد در این بخش لزوماً نشانه خروج بازار مسکن از رکود یا افزایش سرمایه‌گذاری ساختمانی نیست؛ چرا که برای چنین نتیجه‌گیری‌ای باید نوع تسهیلات پرداخت‌شده، سهم تسهیلات ساخت در برابر خرید و نیز تعداد و ارزش واقعی پروژه‌های فعال بررسی شود. در عین حال، فراگیری نسبی رشد تسهیلات میان بخش‌های مختلف می‌تواند نشان دهد نیاز نقدینگی بنگاه‌ها در حوزه‌های گوناگون افزایش یافته است. این وضعیت در شرایطی رخ می‌دهد که بسیاری از واحدهای تولیدی و تجاری همچنان با هزینه بالای تأمین مواد اولیه، نوسان‌های ارزی، دشواری دسترسی به منابع و فشار هزینه‌های انرژی و حمل‌ونقل مواجه‌اند.

تمرکز منابع در صنعت و خدمات

بررسی سهم بخش‌ها از کل تسهیلات پرداختی، تصویر دیگری از جهت‌گیری اعتباری شبکه بانکی ارائه می‌دهد. سهم صنعت و معدن از کل تسهیلات از حدود ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۴۲ درصد در سال ۱۴۰۵ رسیده است. بخش خدمات نیز با سهمی نزدیک به ۳۵ درصد، در جایگاه دوم قرار دارد. در مجموع، بیش از سه‌چهارم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در اختیار این دو بخش قرار گرفته است. در مقابل، سهم بازرگانی از کل تسهیلات به کمتر از ۱۵ درصد و سهم مسکن و ساختمان به کمتر از ۳ درصد رسیده است. کاهش سهم بخش مسکن در حالی رخ می‌دهد که این حوزه، افزون بر تأثیر مستقیم بر اشتغال، با زنجیره وسیعی از صنایع از جمله فولاد، سیمان، مصالح ساختمانی و خدمات فنی پیوند دارد. تمرکز اعتبارات در صنعت و خدمات می‌تواند از تغییر اولویت اعتباری بانک‌ها حکایت داشته باشد، اما عنوان «هدایت منابع به بخش‌های مولد» تنها زمانی قابل تأیید است که مشخص شود چه میزان از این منابع صرف سرمایه‌گذاری جدید، توسعه ظرفیت تولید و نوسازی تجهیزات شده و چه بخشی صرف تأمین سرمایه در گردش، بازپرداخت بدهی‌های پیشین یا پوشش افزایش هزینه‌های جاری بنگاه‌ها شده است. رشد ۸۰ درصدی تسهیلات بانکی در بهار ۱۴۰۵ یک تحول مهم در آمارهای اعتباری محسوب می‌شود، اما اثر آن بر اقتصاد واقعی هنوز روشن نیست. سنجش دقیق‌تر این اثر، به انتشار جزئیات بیشتری از نرخ سود، سررسید تسهیلات، سهم سرمایه در گردش و سرمایه ثابت، نحوه توزیع منابع میان بنگاه‌های کوچک و بزرگ و نیز مقایسه رشد اعتبارات با نرخ تورم نیاز دارد.

آگهی مزایده عمومی

نوبت دوم

شماره: ۵۰۰۵۰۱۰۰۵۳۰۰۰۰۰۳

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری در نظر دارد محل استقرار وسایل بازی را با مشخصات و قیمت پایه کارشناسی ذکر شده در جدول ذیل، از طریق مزایده به متقاضیان واگذار نماید. لذا متقاضیان واجد شرایط شرکت در مزایده می‌توانند جهت دریافت اسناد شرکت در مزایده و کسب اطلاعات بیشتر به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی SETADIRAN.IR مراجعه نمایند.

ردیف	محل فعالیت	نوع وسیله بازی	مساحت (مترمربع)	قیمت پایه کارشناسی ماهیانه (ریال)	اجاره بها سالیانه(ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مزایده (ریال)	شماره بارنی (مورد اجاره)
۱	پارک زیتون	ترامپولین-قطار کودک-قصر بادی	۴۰۰	۴۵۰/۰۰۰/۰۰۰	۵/۴۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۵۱۰۵۰۱۰۰۵۳۰۰۰۰۰۵

۱- سپرده شرکت در مزایده:
شرکت‌کنندگان در مزایده می‌بایست مبلغ سپرده تعیین شده در جدول فوق را به‌شماره حساب ۱۸۰۲۱۳۱۱۰۷ نزد بانک تجارت شعبه آبادانی مسکن واریز نموده و اصل فیش بانکی را در سامانه ستاد بارگذاری نمایند.
۲- زمان دریافت اسناد از ۱۲ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ الی ساعت ۱۸ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۰
۳- مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از ساعت ۱۲ظهر روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ الی ساعت ۱۸ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۱
۴- محل بازگشایی: سالن جلسات سازمان سیما منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرمانشاه
۵- زمان: ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۱
۶- پرداخت هزینه کارشناسی رسمی دادگستری بر عهده برنده خواهد بود.
۷- متقاضیان باید در زمان بارگذاری پیشنهاد قیمت نوع وسیله بازی خود را مشخص نمایند.
۸- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مزایده قید شده است.
۹- پیشنهادات و اصل سپرده مخدوش و بعد از موعد مقرر ترتیب اثر داده خواهد شد و قیمت‌های پیشنهادی باید از حیث مبلغ مشخص و بودن ابهام در پاکت لاک و بهره شده تسلیم شود.
۱۰- سپرده نفر اول و دوم تا انعقاد قرارداد ضبط و مابقی نفرات بعد از اعلام برنده آزاد خواهد شد.
۱۱- برنده مزایده باید تضمین معادل ۱۰ درصد مبلغ کل قرارداد به‌عنوان تضمین حسن انجام تعهدات به سازمان بسپارد سپردن این تضمین یکی از شروط عقد قرارداد با برنده مزایده می‌باشد.
۱۲-شهرداری در رد یا قبولی هر یک از یا تمامی پیشنهادات مختار است.

سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرمانشاه

مناقصه اجرای تاسیسات مکانیکی پروژه پدیدار

گروه توسعه ساختمان تدبیر

رویا ساختمان آریا

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) در نظر دارد دستمزد اجرای کامل، تست و راه اندازی تاسیسات مکانیکی پروژه پدیدار با مساحت ۹۱۰۴ مترمربع واقع در تهران، بلوار آفریقا، نبش خیابان پدیدار، ساختمان در حال ساخت با شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه، به اشخاص حقوقی ذیصلاح واگذار نماید، لذا از اشخاص واجد شرایط که با در اختیار داشتن امکانات فنی و مالی، توانایی انجام موضوع مناقصه را دارا می باشند، دعوت می نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ (به غیر از پنج شنبه ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ به آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲، پلاک۷، طبقه اول، شماره تلفن: ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۱۷) مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.

- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده که بصورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب شرکت رویا ساختمان آریا میسر می باشد.
- سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج شده است.
- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهادی، ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ می باشد.
- این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است و به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ناقص و یا پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر نخواهد شد.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم
شرکت تعاونی حامیان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایرانیان
به شماره ثبت ۳۳۱۲۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۷۹۰۳۴

جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم شرکت تعاونی حامیان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ایرانیان به شماره ثبت ۳۳۱۲۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۷۹۰۳۴ راس ساعت ۱۱:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ در محل: سالن آمفی تئاتر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به آدرس: بلوار یادگار امام شمال به جنوب - بعد از تقاطع آزادی، سالن آمفی تئاتر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تشکیل میگردد لذا از کلیه اعضاء دعوت میشود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل/ نماینده خود را کتبا معرفی نمایید.
ضمنا به اطلاع می رساند اعضای متقاضی اعطای نمایندگی می‌بایست به‌همراه نماینده خود حداکثر تا ۴۸ساعت قبل از برگزاری مجمع در محل شرکت تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت توسط مقام دعوت کننده، برگه ورود به مجمع را دریافت دارند.
دستور جلسه:
-تغییر و اصلاح ماده ۶ اساسنامه (آدرس و کد پستی شرکت)
-تغییر و اصلاح بند ۴ قسمت الف ماده ۱۲ اساسنامه تعاونی.
-تصمیم گیری در خصوص اصلاح ماده ۲۲ اساسنامه(تعداد اعضای اصلی و علی البدل هیات مدیره)
هیئت مدیره

نوبت دوم

آگهی فراخوان عمومی

IKAC شهر فرودگاهی امام خمینی

انتخاب مشاور (RFQ)
شماره IKAC-۱۴۰۵/۰۶

موضوع: مطالعات خدمات مشاوره اقتصادی و سرمایه‌گذاری
شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص)

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به شناسایی مهندسین مشاور صاحب صلاحیت جهت انجام موضوع «مطالعات خدمات مشاوره اقتصادی و سرمایه‌گذاری شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)» از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری فرآیند انتخاب مشاور از مرحله دریافت اسناد ارزیابی تا انتهای فرآیند قانونی از طریق سامانه مذکور به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت شهر فرودگاهی امام‌خمینی(ره)(سهامی خاص)
نشانی: تهران، بزرگراه خلیج‌فارس، کیلومتر ۳۰، شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)(سهامی خاص)
۲- شرایط متقاضی: مهندسین مشاور حقوقی دارای گواهی‌نامه صلاحیت خدمات مشاوره گروه خدمات برنامه‌ریزی و اقتصاد در تمامی تخصص‌ها و رتبه‌ها از سازمان برنامه و بودجه کشور دارای اعتبار و سایر شرایط ذکر شده در اسناد
۳- نحوه دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی:
- **تاریخ‌های چاپ آگهی:** نوبت اول (۱۴۰۵/۰۵/۱۴) - نوبت دوم (۱۴۰۵/۰۵/۱۷)
- **شماره فراخوان در سامانه ستاد:** ۲۰۰۵۰۰۱۶۲۱۰۰۰۰۱۰
- **مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد:** شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ لغایت شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۴
- **مهلت ثبت اسناد در سامانه ستاد:** تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۵۱۰۰۸۸۴۵ با دفتر پیمان و امور قراردادها تماس حاصل نمایند.
شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) (سهامی خاص)

نوبت دوم

ایرانول شرکت نفت ایرانول

آگهی مناقصه عمومی

خرید یک دستگاه جرثقیل ۶۰ تن
(مرحله دوم)

شرکت نفت ایرانول در نظر دارد **خرید یک دستگاه جرثقیل ۶۰ تن** خود را از طریق مناقصه عمومی و این آگهی به انجام رساند. از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مدت ده روز کاری از تاریخ درج آگهی جهت اخذ اسناد و شرایط عمومی مناقصه با در دست داشتن مهر شرکت و معرفی‌نامه از ساعت ۸ الی ۱۲ ظهر به‌آدرس: تهران باقرشهر بلوار پالایشگاه (شهید تند گویان) بعد از نگهبانی اول انتهای خیابان باسکول، درب پرسنلی شرکت نفت ایرانول واحد بازرگانی داخلی تلفن ۵۵۲۲۵۵۳۷ داخلی ۲۳۳۸ مراجعه نمایند.

نوبت اول

ایرانول شرکت نفت ایرانول

تجدید آگهی
آگهی مناقصه دو مرحله‌ای

مرحله اول:
شرکت نفت ایرانول در نظر دارد **«انتخاب پیمانکار سرویس ایاب و ذهاب پرسنل پالایشگاه روغنسازی آبادان»** را از طریق مناقصه عمومی به اجرا بگذارد. لذا از علاقه‌مندان که دارای توانمندی و تجربه لازم در این زمینه هستند. (اولویت با پیمانکاران بومی می‌باشد)
شرایط لازم: ۱-دارابودن تأییدیه‌های لازم از وزارت کار و پروانه معتبر از مراجع صلاحیت دار درزمینه خدمات سرویس مسافربری ۲-دارابودن رزومه کاری مرتبط، دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد و مدارک مورد نیاز این شرکت به سایت شرکت نفت ایرانول، به آدرس(www.iranol.ir) قسمت مناقصات مراجعه نموده و پس از تکمیل، جهت تحویل مدارک درخواستی، در قالب لوح فشرده (CD) تا پایان ساعت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۳ به آدرس: تهران- خیابان ملاصدرا- پلاک ۱۹۷- دبیرخانه محرمانه شرکت نفت ایرانول (کدپستی:۱۹۹۳۶۴۳۱۱۴) ارسال نمایند.
(برروی پاکات قید شود مربوط به مناقصه پیمانکار سرویس ایاب و ذهاب پرسنل پالایشگاه روغنسازی آبادان)
مرحله دوم:
اخذ استعلام قیمت درمرحله دوم مناقصه از شرکت کنندگانی که در مرحله اول شرکت کرده و تأیید شده باشند انجام خواهد شد.
شماره تماس جهت پاسخگویی:
۵۵۲۲۵۵۳۶ (واحد خدمات بازرگانی)

ایران ورزشی
سازمان آگهی‌های ایران ورزشی
۶۱۸۷۷

پایداری
ایران
• شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵
• ۲۴ صفر ۱۴۴۸ • ۸ آگوست ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۰۹۳ • ۴ صفحه
Saturday • 8 August 2026
IranDaily Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

ایران

ویژه هفته‌دولت

معتمد پزشکیان

روایتی از زندگی و کارنامه سید اسماعیل خطیب وزیر شهید اطلاعات

از کابین اف ۱۴ تا کابینه وفاق

روایت الناز نصیرزاده از زندگی، ولایت‌پذیری و مسئولیت شناسی وزیر شهید دفاع

جان فدایان ایران

دولت چهاردهم بخش عمده ای از عمر دو ساله خود را صرف مدیریت شرایط جنگی کرد. از پشتیبانی نیروهای مسلح گرفته تا تأمین نیازمندی های روزمره مردم و بازسازی زیرساخت های تخریب شده تا مدیریت بازارها و پیش بردن دیپلماسی و ... محورهای عمده فعالیت های مسعود پزشکیان و همکارانش در دولت بوده است. روزنامه ایران از امروز ۱۷ مرداد به استقبال هفته دولت رفته و قرار است تا ۸ شهریور هر روز در صفحات ویژه به یکی از پروندهای مهم مرتبط با دولت بپردازد. اولین پرونده به حرمت جان‌فدایان ایران به شهدای کشور و همچنین دو شهید کابینه وزرای دفاع و اطلاعات اختصاص یافته است.

عکس: سجاد صفوی/ ایران

روایتی از شهدای ملت و ستاره‌های خاموش سند مظلومیت مردم ایران

• روایت •

گروه اجتماعی

میان آتش و ویرانی جنگ، آن‌چه بیش از هر چیز دل‌ها را به درد می‌آورد، خاموش شدن نفس‌های بی‌گناه مردمانی است که سلاحی در دست ندارند. شهدای غیرنظامی جنگ، روایت مظلومیت انسان‌هایی است که تنها جرم‌شان زندگی کردن، دوست داشتن و ماندن در خانه و سرزمین‌شان است؛ نام‌هایی که در سکوت درد، در جریان جنگ ۱۲ روزه، رمضان و نبرد هرمز جاودانه شده‌اند. براساس آمارهای بنیاد شهید و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در جریان تهاجم دشمنان صهیونی-آمریکایی از تیر ۱۴۰۴ تا دوم مرداد ۱۴۰۵ حدود ۴ هزار و ۵۹۱ نفر از هموطنان به شهادت رسیده‌اند. (هزار و ۶۴ شهید در جریان جنگ ۱۲ روزه، ۳ هزار و ۴۶۸ شهید در جنگ رمضان و تا دوم مرداد ۵۹ هموطن در نبرد هرمز به شهادت رسیده‌اند) شهدای غیرنظامی جنگ، مظلوم‌ترین روایت یک فاجعه انسانی هستند؛ انسان‌هایی بی‌دفاع که در هیاهوی انفجار و آتش، شهد شیرین شهادت را می‌نوشند و نام‌شان به‌عنوان نشانه‌ای از رنج، صبوری و بی‌پناهی در حافظه تاریخ ماندگار می‌شود. زمانی که دشمنان صهیونی-آمریکایی مدعی تهاجم به مراکز نظامی بودند و گروهی نیز همصدا با دشمنان معتقد بودند که قرار نیست دشمن به مردم عادی حمله کند و جنگ برای غیر نظامیان خساراتی نخواهد داشت، جنگ چهره واقعی‌اش را نشان داد، فقط سنگرها را ویران نکرد؛ قلب یک مادر، رویای یک کودک و آرامش یک خانه را با خود به خاکستر کشاند. شهدای غیرنظامی، همان ستاره‌های خاموشی هستند که بی‌هیچ پناهی، در تاریک‌ترین شب‌های جنگ فرو افتادند و داغ‌شان تا همیشه بر دل انسانیت باقی خواهد ماند. آنان سند زنده مظلومیت مردم ایران هستند که در میان دود، آوار و اندوه، بی‌گناه پر کشیدند و به شهادت رسیدند.

کفشی که جا ماند

نهم اسفندماه سال گذشته در میان نخلستان‌های استوار میناب، جایی که باد با طعم شرجی و عشق می‌وزد، قصه‌ای رقم خورد که قلب‌های همه انسان‌های آزاده جهان را به درد آورد. قصه‌ای از جنس پرواز زودهنگام کبوترانی که هنوز پرواز را نیاموخته، به آسمان‌ها پر کشیدند. مدرسه، که باید خانه امن مشق و الفبا می‌بود، ناگهان به نامی گره خورد که داغش برای همیشه بر پیشانی این شهر ماند. آن روز که خورشید بر سر میناب تابید، هیچ‌کس گمان نمی‌کرد که قرار است دفتر مشق‌های ناتمام، آخرین یادگار کسانی باشد که در جست‌وجوی فردایی روشن بودند. در حمله هوایی دشمنان صهیونی-آمریکایی به مدرسه شجره طیبه ۱۵۶ نفر کشته شدند؛ قربانیان ۱۲۰ دانش‌آموز (۷۳ پسر و ۴۷ دختر)، ۲۶ معلم (که همگی زن بودند)، هفت نفر از والدین دانش‌آموزان (چهار مرد و سه زن)، یک راننده سرویس مدرسه، یک تکنسین داروخانه از درمانگاه مجاور و یک جنین شش‌ماهه بودند.

اما در میان همه شهدای مدرسه میناب که داغی مضاعف روی دل مردم ایران گذاشتند، نام ماکان نصیری و امیرعلی جداوی ماندگار شد. ماکان یک کودک هفت‌ساله بود؛ تازه در کلاس اول این مدرسه داشت با حروف الفبا آشنا می‌شد. «الف» را نوشت و به «ش» شهادت رسید. این کودکان هیچ وقت به پایان درس نرسیدند و برای همیشه در مدرسه شجره طیبه ماندگار شدند. آن‌چه بر این مدرسه گذشت، به‌جز ضربه و آوار که تلخ‌ترین تراژدی جهان بود، ماندگاری نام کودکانی است که دیگر پیکرشان نیست. همه چیز بارها و بارها بررسی شد و امیدها از بین رفت، چون موشک تاماهاک آمریکایی مستقیم به جسم آنان برخورد کرده بود. از ماکان، فقط چند نشانه پیدا شد یک پولیور آبی مچاله‌شده و یک لنگه کفش ورزشی کرم‌رنگ و از امیرعلی فقط یک لنگه کفش. اینها نه به‌عنوان بقایای یک پیکر بلکه به‌عنوان نشانه‌های یک حضور باقی ماندند. قبرهایی خالی، تنها مکانی شدند که خانواده‌های همیشه منتظر ماکان و امیرعلی توانستند با آن به سوگواری بپردازند. قبری که نه پیکری در آن است، نه وزنی؛ فقط نامی روی سنگ‌ها نوشته شده است «شهید مفقودالاثر». نام امیرعلی جداوی، دومین شهید جاویدالاثر حمله به مدرسه شجره طیبه میناب، پس از گذشت چند ماه منتشر شد. دانش‌آموزی که پدرش تا زمان تولد فرزند جدید، خبر شهادتش را به مادر باردار او اعلام نکرده بودند. از امیرعلی جداوی فقط یک لنگه کفش به جا ماند که به یاد او در مزار نمادینش به خاک سپرده شد.

در فرهنگ سوگ، قبر محل تمرکز خاطره و محلی برای سوگواری است؛ جایی که فرد داغدار، داغش را التیام می‌بخشد اما برای گل‌های نشکفته دیار جنوب؛ که هنوز طعم بازی‌های کودکانه در حیاط مدرسه حس نکرده بودند و کیف‌های‌شان پر از امید بود و قلب‌های‌شان لبریز از عشق به آموختن، تصویری از قبرهای خالی، آماده دفن پیکرهای کوچک و نحیف‌شان آخرین تصویر روزهای کودکی بود که جهانی شد. هنوز نسیم میناب با بوی دلتنگی می‌وزد و تا همیشه تاریخ نام تک تک کودکان، معلمان و شهدای مدرسه شجره طیبه با هر زنگ مدرسه در گوش این شهر می‌پیچد.

فاجعه لامرد و قربانیان یک حمله مرگبار

در غروب خون‌گرفته نهم اسفند ۱۴۰۴، لامرد هم دیگر آن شهر آرام همیشگی نبود. در شهری که باید صدای زندگی از کوچه‌ها، مدرسه‌ها و زمین‌های بازی‌اش شنیده می‌شد، ناگهان آسمان با آتش و ترکش بر مردم باریدن گرفت؛ حادثه‌ای که تا آن روز کمتر کسی نمونه‌اش را دیده بود. ساعت ۱۷:۱۰ بعدازظهر، در کمتر از چند ثانیه، بر فراز دو محله مسکونی، مجموعه ورزشی شهید نعیمی و فضای اطراف مهدکودک و مدرسه مجاور آن، فاجعه‌ای رخ داد که داغش برای همیشه بر پیشانی لامرد و در دل همه مردم ایران خواهد ماند. گزارش‌ها از آن روز هولناک نشان می‌دهد که در این حمله، چهار موشک از نوع «پریزم»، که از آن به‌عنوان یکی از جدیدترین سلاح‌های ارتش آمریکا یاد شده، بر فراز شهر و در ارتفاعی حدود ۳۰ تا ۴۰ متری منفجر شدند؛ انفجاری که به‌جای بر جا گذاشتن گودال، بارانی از مرگ را بر سر مردم فرود آورد. گفته می‌شود هر موشک به حدود ۱۸۰ هزار ترکش تنگستنی تبدیل شد و در مجموع نزدیک به ۷۲۰ هزار ترکش را در آسمان و زمین لامرد پراکنده کرد؛ ترکش‌هایی که دیوار خانه‌ها، پنجره‌ها، خیابان‌ها، بدن کودکان و قلب خانواده‌ها را یک‌جا شکافتند.

در این جنایت، ۲۱ نفر از شهروندان غیرنظامی به شهادت رسیدند؛ از جمله چهار کودک که کوچک‌ترین‌شان «آوینا برزگر»، کودک دوساله لامردی بود. روایت آن لحظه‌ها چنان تلخ است که واژه‌ها از حمل آن ناتوان می‌شوند. کودکی که در حیاط خانه‌اش بازی می‌کرد، ترکش بر تن نازکش نشست و وقتی به بیمارستان رسید، هنوز پستانک در دهانش بود. تصویر معصومیت خون‌آلود او، حالا یکی از جان‌سوزترین نشانه‌های این فاجعه است؛ تصویری که نه فقط برای لامرد، که برای هر وجدان بیداری، سندی از بی‌پناهی کودک در برابر خشونت مدعیان حقوق بشر است.

در میان شهدا، کودکان دیگری هم بودند که فوتبال بازی می‌کردند، دخترانی که مشغول بازی والیبال بودند و زنان و مردانی که هیچ نسبتی با میدان جنگ نداشتند. اینجا نه سنگر نظامی بود، نه پادگان، نه میدان نبرد؛ فقط زندگی جریان داشت. اما حمله دشمن آمریکایی-صهیونیستی چنان طراحی شده بود که مرگ، در پهنه‌ای گسترده و کور، بر سر مردم عادی آوار شود. به همین دلیل لامرد فقط یک نقطه در نقشه حملات نیست؛ لامرد نام شهری است که در آن، غیرنظامی بودن قربانیان، خود روشن‌ترین سند این جنایت شد. ابعاد این فاجعه فقط به شمار شهدا ختم نمی‌شود. حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر هم در این حمله مجروح شدند؛ شماری که برخی از آنان همچنان ترکش‌ها را در بدن خود حمل می‌کنند. بعضی بینایی خود را از دست داده‌اند، برخی با قطع عضو یا معلولیت‌های دائمی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و خانواده‌هایی که هنوز ماه‌ها پس از حادثه، درگیر درمان فرزندان خود هستند. حتی آنان که از نظر جسمی زنده ماندند، از زخم روحی این حادثه در امان نماندند؛ کودکانی که از آن روز به بعد، از توپ، زمین بازی، صدای ناگهانی و حتی از خود کودکی فاصله گرفتند...

شدت انفجارها به اندازه‌ای بود که بنا بر روایت‌های محلی، حتی پس از گذشت ماه‌ها، هنوز آثار ترکش بر دیوار خانه‌ها و خیابان‌های شهر دیده می‌شود. گفته شده در برخی خانه‌ها، صدها جای اصابت ساچمه تنگستنی بر دیوارها باقی مانده است؛ خانه‌هایی که دیگر فقط محل سکونت نیستند و به سند زنده یک فاجعه تبدیل شده‌اند.

درباره عامل این حمله، هرچند انکارها و تکذیب‌هایی از سوی مقام‌های آمریکایی و صهیونیستی مطرح شد، اما گزارش‌های منتشرشده در برخی رسانه‌های بین‌المللی، از جمله بررسی‌های فنی درباره نوع موشک و شیوه انفجار آن، این احتمال را تقویت کرد که لامرد صحنه استفاده عملیاتی از یک سلاح جدید بود؛ سلاحی که انفجار هوایی و پخش گسترده ترکش‌های تنگستنی، از ویژگی‌های اصلی آن عنوان شده است. همین مسأله، بر هولناکی ماجرا اضافه می‌کند؛ اینکه شهری با مردمی عادی، به میدان آزمایش آتش و آهن تبدیل شد.

فاجعه لامرد، فقط یک حمله نظامی نبود؛ حمله به امنیت زندگی روزمره بود. حمله به کودکی، به بازی، به ورزش، به خانه، به مادری که چشم‌انتظار بازگشت فرزندش بود و به شهری که گمان می‌کرد از آتش جنگ دور مانده است. این حادثه، سندی دردناک از آن است که در جنگ‌های امروز، گاه مرز میان هدف و غیرهدف چنان بی‌رحمانه درهم می‌ریزد که اولین قربانی آن، حقیقت و انسانیت است. لامرد امروز با نام شهدای خود شناخته می‌شود؛ با اشک مادرانی که هنوز در سوگ فرزندان‌شان می‌سوزند؛ با پیکرهای مجروحی که هنوز ترکش در تن دارند و با خاطره کودک دوساله‌ای که پستانکش، از هر بیانی رساتر، مظلومیت این شهر را فریاد می‌زند. تاریخ این غروب خونین را فراموش نخواهد کرد؛ غروبی که در آن، آسمان لامرد بارانی از ترکش و ماتم بر مردمش فرو ریخت.

> هنوز نسیم میناب با بوی دلتنگی می‌وزد و تا همیشه تاریخ نام تک تک کودکان، معلمان و شهدای مدرسه شجره طیبه با هر زنگ مدرسه در گوش این شهر می‌پیچد

پلاک ۱۲ خیابان جاجرودی

پلاک ۱۲، روایت درد هزاران بازمانده جنگ تحمیلی سوم است؛ دردی که با گذشت ماه‌ها و سال‌ها هیچ وقت از ذهن پایتخت‌نشین‌ها پاک نخواهد شد. ۱۸ اسفندماه سال گذشته ساکنان یکی از خیابان‌های نزدیک میدان رسالت تهران ناگهان طعمه دشمن صهیونیستی-آمریکایی شدند؛ جایی که باید بوی عطر نان در بعدازظهر ماه مبارک رمضان می‌پیچید، محکوم به بوی باروت و گرد و غبار شد؛ جایی که حتی صدای فریاد مظلومانه ساکنانش در صدای فرو ریختن دیوارها و سقف‌ها خاموش ماند. حالا قصه این خیابان و ساکنانش به «پلاک ۱۲» شهره است؛ خیابانی که سند جنایات آمریکا بر پیشانی آن ثبت و خانه‌هایش به تلی از خاک بدل شده است. درد این جنایت زمانی آشکار شد که یکی از ساکنین پلاک ۱۲ خیابان جاجرودی گفت: «همه چیزم را به یکباره از دست دادم. پدرم، خواهرم، پدربزرگم، مادربزرگم، دایی بزرگم، زن دایی‌ام، عروس دایی‌ام، زن داداش و عروسشون، دایی کوچکم، پسرعموی پدر و مادرم، همسران و فرزندانشان را یکجا از دست دادم.» ۱۲ نفر از اعضای یک خانواده فامیل بودند و در این مجتمع همه شهید شدند، هیچ‌کدام از این افراد نظامی نبودند. در حمله موشکی ۱۸ اسفند ۱۴۰۴ بسیاری از افراد، خانه، کاشانه و عزیزانشان را به یکباره از دست دادند. تخریب چهار مجتمع مسکونی ۲۰ واحدی و پلاک ۱۲ به‌عنوان سندی دیگر از جنایت دشمن صهیونی-آمریکایی شناسایی شد. در ۱۹ واحد مسکونی همه ساکنان به شهادت رسیدند، شدت حادثه به حدی بود که بخشی از شهدا متلاشی شده و فقط یک دست از آنان به جای مانده بود یا آنقدر آسیب به پیکر زیاد بود که تشخیص زن و مرد بودن شهدا امکان‌پذیر نبود. در تاریخ ایران، پلاک ۱۲ خیابان جاجرودی میدان رسالت فقط یک عدد نیست؛ یک داغ بر دل نشسته است؛ نشانی ساده که جنگ از آن، یک داغ برای بازماندگانش بر جای گذاشت.

• برش •

او سه ماه دیگر مادر می‌شد

معلم کلاس دوم مدرسه میناب بود که همراه دانش‌آموزانش پر کشید. قرار بود تا سه ماه دیگر نوزادش را در آغوش بگیرد اما نهم اسفندماه روزی که موشک‌های دشمن سقف و دیوار مدرسه شجره میناب را در هم کوبید او همراه دانش‌آموزان و جنین چندماهه‌اش شهد شهادت نوشید. حالا خانواده‌اش مانده‌اند و سیسمونی‌ای که مادر و نوزاد نداشت. زهره شهریاری از قدیمی‌ترین معلم‌های مدرسه میناب و از بدو تأسیس، مربی پیش‌دبستانی بود. بعد هم پایه‌های بالاتر درس داد و علاقه زیادی به شاگردانش داشت. تمام فکر و ذکر او این بود که شاگردانش چه در مدرسه، چه در خانه، آرامش داشته باشند. اگر می‌فهمید دانش‌آموزی مشکلی دارد، خودش شخصاً برای حل مشکل پیش‌قدم می‌شد. حتی آن روزی که موشک‌های دشمن صهیونیستی-آمریکایی مدرسه میناب را به تلی از خاک تبدیل کردند او به جای فرار و نجات جان فرزند در شکمش، کنار دانش‌آموزانش ماند. یکی از اولیایی که آن لحظه در مدرسه بود، تعریف کرد «خانم شهریاری وسط حیاط بود و با خانواده‌ها تماس می‌گرفت که مدرسه تعطیل شده است. ناگهان موشک اول به ساختمان خورد. او به جای اینکه از ساختمان دور شود، دوید به سمت کلاس دوم. حدود ۹ دانش‌آموز در آن کلاس تنها مانده بودند و منتظر پدر و مادرشان بودند. زهره رفت که پیش آنها باشد. رفت و دیگر بازنگشت. با همان دانش‌آموزان دوست‌داشتنی آسمانی شد. وقتی بمب روی ساختمان مدرسه شجره طیبه فرود آمد، زهره شهریاری، معلم فداکار مینابی دست در دست شاگردان و نوزادی که با او یکی بود، به آسمان پر کشید.

جنایت در روز طبیعت

پل «بی‌یک» بیلقان کرج، یکی از پروژه‌های کلیدی در تسهیل تردد محورهای ارتباطی کشور، در روز سیزدهم فروردین ۱۴۰۵ دو بار مورد تهاجم دشمن صهیونی-آمریکایی قرار گرفت که ادعای امدادرسانی به مردم ایران را داشتند. در جنایت هولناک حمله به این پل در کرج، هشت نفر از شهروندان و از ساکنان روستای بیلقان، مسافران عبوری و خانواده‌هایی که برای روز طبیعت در اطراف این محدوده حضور داشتند، شهید شدند. شمار شهدای حمله دشمن آمریکایی-صهیونی به پل «بی‌یک» در این استان به ۱۳ نفر رسید و ۹۵ نفر نیز مجروح شدند. شهدای این حمله از همه گروه‌های مردمی حتی کارکنان زحمتکش شهرداری بودند. پل بزرگ خاورمیانه معروف به «بی‌یک» روی رودخانه کرج، یکی از پروژه‌هایی بود که ساکنان پایتخت و استان البرز از مدت‌ها پیش برای افتتاح آن لحظه‌شماری می‌کردند. این پروژه عظیم به طول حدود یک کیلومتر و ارتفاع ۱۳۶ متر به‌عنوان پیچیده‌ترین شاهکار مهندسی ایرانی نام گرفته و چگونگی اجرای این پروژه با تحسین کارشناسان داخلی و خارجی همراه شده بود. آنچه در جریان این تهاجم رخ داد، فقط تخریب یک سازه نبود؛ بلکه آسیب به بخشی از زیرساخت، محیط پیرامونی و جریان زندگی مردم عادی بود.

ایران
Iran Daily Newspaper
شنبه
۱۷ مرداد ۱۴۰۵
۲۴ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۳
Saturday
8 August 2026
Vol 9093

از کابین اف ۱۴ تا کابینه وفاق

مروری بر سیر زندگی دوره‌های آموزشی مسئولیت تا شهادت سرتیپ عزیز نصیرزاده

• گزارش •

گروه سیاسی

شش ماه از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران می‌گذرد. حمله‌ای که یکی از تلخ‌ترین مقاطع تاریخ معاصر کشور را رقم زد و شماری از عالی‌ترین فرماندهان و مسئولان جمهوری اسلامی ایران را به شهادت رساند. در میان چهره‌هایی که در روز ۹ اسفند جان خود را از دست دادند، نام امیر سرتیپ شهید عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دولت چهاردهم، جایگاه ویژه‌ای داشت. او که تنها چند ماه پیش از آن با رأیی کم‌سابقه از مجلس شورای اسلامی بر کرسی وزارت دفاع نشسته بود، در نهم اسفند ۱۴۰۴، هنگام برگزاری جلسه شورای دفاع، همراه با علی شمخانی، دبیر شورای دفاع، محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران و سید عبدالرحیم موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، به شهادت رسید. شهادت او، دولت چهاردهم را در یکی از حساس‌ترین مقاطع فعالیت خود با فقدان یکی از مهم‌ترین اعضای کابینه مواجه کرد. وزیری که چهار دهه از عمر خود را در مسیر تقویت توان دفاعی کشور سپری کرده بود.

عزیز نصیرزاده، متولد چهارم خرداد ۱۳۴۳ در شهر سراب استان آذربایجان شرقی، از جمله فرماندهانی بود که مسیر حرفه‌ای خود را از پایین‌ترین سطوح نظامی آغاز کرد و گام به گام تا عالی‌ترین مسئولیت‌های دفاعی کشور پیش رفت. او دوران تحصیلات متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۱۳۶۱، همزمان با ادامه جنگ تحمیلی، به نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پیوست. انتخاب نیروی هوایی، آغاز راهی بود که سال‌ها بعد او را به فرماندهی این نیرو و سپس وزارت دفاع رساند.

نصیرزاده آموزش‌های تخصصی خلبانی را در دانشکده خلبانی نیروی هوایی پشت سر گذاشت و دوره‌های تکمیلی را نیز در ایران و پاکستان گذراند. اگرچه ورود او به عرصه نظامی با سال‌های پایانی دفاع مقدس همزمان شد و فرصت حضور گسترده در عملیات‌های رزمی برایش فراهم نشد اما پرواز با جنگنده اف-۱۴ تام‌کت و حضور در کنار فرماندهان برجسته‌ای همچون سپهبد شهید علی صیاد شیرازی و شهید منصور ستاری، تجربه‌ای ارزشمند برای نصیرزاده به همراه آورد. تجربه‌ای که بعدها در مسئولیت‌های مدیریتی و فرماندهی به پشتوانه‌ای مهم تبدیل شد.

پس از پایان جنگ تحمیلی ۸ ساله(دفاع مقدس) مسیر خدمت نصیرزاده وارد مرحله‌ای تازه شد. او علاوه بر فعالیت در حوزه عملیاتی، مسئولیت‌های متعددی را در بخش‌های مدیریتی و تخصصی نیروی هوایی برعهده گرفت. حضور به عنوان وابسته نظامی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا، یکی از مهم‌ترین مقاطع کاری او بود. مسئولیتی که موجب شد با ساختارهای دفاعی و نظامی کشورهای دیگر نیز از نزدیک آشنا شود و تجربه‌ای فراتر از فضای داخلی نیروهای مسلح به دست آورد.

پس از بازگشت به کشور، مسئولیت‌هایی همچون مدیریت جنگ الکترونیک در معاونت عملیات نیروی هوایی، معاونت اطلاعات و همچنین معاونت طرح و برنامه نیروی هوایی به او سپرده شد. فعالیت در این حوزه‌ها نشان داد که نگاه نصیرزاده تنها محدود به عملیات پروازی نبود و در حوزه‌های برنامه‌ریزی، تحلیل اطلاعات، توسعه زیرساخت‌ها و مدیریت کلان نیز توانایی قابل توجهی داشت.

در سال ۱۳۸۸، با حکم فرماندهی ارتش، به عنوان معاون هماهنگ‌کننده و رئیس ستاد نیروی هوایی منصوب شد و در این جایگاه تا سال ۱۳۹۶ باقی ماند. طی این سال‌ها، هماهنگی میان بخش‌های مختلف نیروی هوایی، توسعه زیرساخت‌های عملیاتی و ارتقای آمادگی این نیرو از مهم‌ترین محورهای فعالیت او به شمار می‌رفت. در همین دوره نیز، در سال ۱۳۹۱، به درجه سرتیپی نائل آمد.

روند پیشرفت نصیرزاده در ساختار فرماندهی ارتش ادامه یافت. در سال ۱۳۹۶ به سمت جانشین فرمانده نیروی هوایی ارتش منصوب شد و تنها یک سال بعد، ۲۸ مرداد ۱۳۹۷، با حکم رهبرمعظم انقلاب، فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را برعهده گرفت. فرماندهی او بر این نیرو با تمرکز بر نوسازی ناوگان هوایی، افزایش توان عملیاتی، ارتقای آموزش خلبانان و توسعه ظرفیت‌های دفاع هوایی همراه بود. بسیاری از برنامه‌های این دوره بر تقویت توان بازدارندگی و ارتقای آمادگی رزمی نیروی هوایی استوار بود.

سه سال بعد و در سال ۱۴۰۰، مسئولیتی مهم‌تر به او واگذار شد. نصیرزاده به عنوان جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد. جایگاهی که او را در بطن تصمیم‌گیری‌های کلان دفاعی و راهبردی کشور قرار داد. حضور در این مسئولیت، تجربه مدیریتی او را تکمیل کرد و زمینه را برای ورودش به دولت چهاردهم فراهم ساخت.

با آغاز به کار دولت چهاردهم، مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری، نام امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده را به عنوان وزیر پیشنهادی دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح به مجلس شورای اسلامی معرفی کرد. نتیجه بررسی صلاحیت او در مجلس، یکی از تاریخی‌ترین آرای اعتماد بود. نصیرزاده توانست از مجموع ۲۸۸ رأی ماخوذه، ۲۸۱ رأی موافق کسب کند. رکوردی که او را به یکی از پررأی‌ترین وزیران جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرد.

او ششمین وزیر دفاعی بود که از بدنه ارتش جمهوری اسلامی ایران به این مسئولیت رسید. موضوعی که با توجه به سابقه طولانی حضورش در نیروی هوایی، نگاه متفاوتی را به مدیریت وزارت دفاع وارد کرد. تجربه چهار دهه فعالیت در حوزه‌های عملیاتی، اطلاعاتی، برنامه‌ریزی و راهبردی، باعث شده بود شناخت دقیقی از نیازهای نیروهای مسلح داشته باشد.

برنامه‌ای که نصیرزاده هنگام معرفی به مجلس ارائه کرد، از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان کامل‌ترین و جامع‌ترین برنامه ارائه‌شده بر پایه اسناد بالادستی توصیف شد. در این برنامه، توسعه همه‌جانبه توان رزمی، ارتقای ظرفیت‌های پشتیبانی نیروهای مسلح، تقویت زیرساخت‌های دفاعی و استمرار پشتیبانی از جبهه مقاومت در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از مهم‌ترین محورهای مورد توجه قرار گرفته بود.

او همچنین بر استفاده از ظرفیت دیپلماسی دفاعی برای توسعه همکاری‌های بین‌المللی تأکید داشت. افزایش تعامل با کشورهای همسایه و همسو، بویژه کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا و فراهم کردن زمینه برای دو برابر شدن صادرات محصولات دفاعی ایران، از جمله اهدافی بود که در برنامه‌های خود مطرح کرده بود. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، نهادی است که مسئولیت تأمین تجهیزات، پشتیبانی لجستیکی و توسعه فناوری‌های مورد نیاز ارتش، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی را برعهده دارد. اگرچه این وزارتخانه فرماندهی عملیاتی نیروها را بر عهده ندارد، اما نقشی تعیین‌کننده در توسعه صنایع دفاعی و تحقق خودکفایی نظامی کشور ایفا می‌کند.

نصیرزاده نیز در دوران وزارت خود تلاش داشت با تکیه بر همین ظرفیت‌ها، روند ارتقای توان دفاعی کشور را دنبال کند.

یکی از ویژگی‌های برجسته نگاه دفاعی نصیرزاده، تأکید همزمان بر توان آفندی و پدافندی بود. او معتقد بود که توسعه قدرت موشکی، هرچند اهمیت فراوانی دارد اما بدون تقویت پدافند هوایی، جنگ الکترونیک و فناوری‌های سایبری نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای آینده باشد. تجربه سال‌ها حضور در نیروی هوایی باعث شده بود که اهمیت هماهنگی میان عملیات تهاجمی و دفاعی را به خوبی درک کند و همین نگاه را نیز به وزارت دفاع منتقل کرده بود.

او همچنین بر ضرورت همکاری نزدیک‌تر میان ارتش، سپاه پاسداران و وزارت دفاع تأکید داشت و معتقد بود هم‌افزایی میان این مجموعه‌ها می‌تواند قدرت بازدارندگی کشور را افزایش دهد. از نگاه او، توسعه توان نظامی تنها در یک حوزه خلاصه نمی‌شد، بلکه باید تمامی ظرفیت‌های دفاعی کشور به صورت همزمان و متوازن تقویت می‌شدند.

آخرین مواضع شهید نصیرزاده نیز بازتاب‌دهنده همین نگاه بود. او در ۲۴ بهمن ۱۴۰۴، تنها چند روز پیش از شهادتش، با اشاره به تهدیدهای خارجی اعلام کرده بود که با زبان تهدید نمی‌توان با ایران سخن گفت. او تأکید کرده بود جمهوری اسلامی ایران آغازگر هیچ جنگی نخواهد بود اما اگر جنگی بر کشور تحمیل شود، پاسخ ایران قاطع و قدرتمند خواهد بود.

سرانجام در نهم اسفند ۱۴۰۴، هنگامی که جلسه شورای دفاع در حال برگزاری بود، حمله آمریکا و اسرائیل به محل برگزاری این نشست، به شهادت امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده و شماری از عالی‌ترین فرماندهان نظامی کشور انجامید. با شهادت او، پرونده بیش از چهار دهه خدمت مستمر در عرصه دفاعی کشور بسته شد؛ کارنامه‌ای که از کابین جنگنده اف-۱۴ آغاز شده بود، از فرماندهی نیروی هوایی و جانشینی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح عبور کرده بود و در نهایت با مسئولیت وزارت دفاع و شهادت در عالی‌ترین سطح تصمیم‌گیری دفاعی کشور به پایان رسید.

زندگی حرفه‌ای نصیرزاده، تصویری از مسیری بود که در آن تجربه عملیاتی، مدیریت راهبردی و حضور مستمر در ساختار دفاعی کشور، او را به یکی از شناخته‌شده‌ترین فرماندهان نظامی جمهوری اسلامی ایران تبدیل کرده بود.

> از نگاه شهید نصیرزاده، توسعه توان نظامی تنها در یک حوزه خلاصه نمی‌شد، بلکه باید تمامی ظرفیت‌های دفاعی کشور به صورت همزمان و متوازن تقویت می‌شدند

• یادداشت •

میراث شهید نصیرزاده تأمین کننده امنیت بیشتر ایران

سردار سرتیپ سید مجید ابن‌الرضا
سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح

در آستانه هفته دولت، باید یادآور شد که این هفته برای ما تنها یادآور مسئولیت و خدمت نیست؛ یادآور مردانی است که مسئولیت را نه یک جایگاه، بلکه یک امانت الهی می‌دانستند و همه توان خود را وقف عزت و امنیت این سرزمین کردند. در میان آنان، نام شهید امیر سرلشکر خلبان عزیز نصیرزاده برای همیشه در حافظه وزارت دفاع و صنعت دفاعی جمهوری اسلامی ایران ماندگار خواهد ماند.

او را سال‌ها به عنوان یک خلبان شجاع، فرمانده‌ای کارآزموده و مدیری میدانی می‌شناختیم؛ وزیری پرکار، ساده زیست، بدون تکلف و تشریفات زاید، مراقب شدید بیت المال، ولایت مدار و مؤمن بود. فارغ از همه این ویژگی‌های برجسته، نگاه آینده‌نگر او فصل تمایز او بود. شهید نصیرزاده، وزارت دفاع را صرفاً مجموعه‌ای برای تولید تجهیزات نمی‌دید؛ او این وزارتخانه را موتور تولید قدرت، اقتدار و آینده‌سازی برای جمهوری اسلامی ایران می‌دانست.

در جلسات تخصصی، همواره از یک نکته سخن می‌گفت؛ اینکه تهدیدهای آینده، شبیه تهدیدهای گذشته نخواهند بود و صنعت دفاعی نیز نباید با ذهنیت دیروز حرکت کند. اعتقاد داشت اگر می‌خواهیم امنیت پایدار داشته باشیم، باید سریع‌تر از نیاز میدان نبرد حرکت کنیم؛ باید فناوری را پیش از آنکه به میدان برسد، در اختیار داشته باشیم و آینده را پیش از دشمن طراحی کنیم.

او به خوبی می‌دانست که بازدارندگی، محصول انبارهای مهمات نیست؛ محصول اندیشه، فناوری، نوآوری و اراده ملی است. به همین دلیل، در کنار توسعه توان موشکی، پدافندی، پهپادی، فضایی و جنگ الکترونیک، بر هوشمندسازی، استفاده از فناوری‌های نو و تربیت سرمایه انسانی متخصص اصرار داشت. باور داشت که هر نسل از تجهیزات دفاعی باید حاصل یک جهش فناورانه باشد، نه تکرار گذشته.

یکی از ویژگی‌های برجسته او، توجه همزمان به انسان و فناوری بود. معتقد بود که پیشرفته‌ترین تجهیزات نیز بدون نیروی انسانی مؤمن، متخصص و باانگیزه، به قدرت واقعی تبدیل نخواهد شد. از همین رو، ارتقای سرمایه انسانی، اصلاح ساختارها، افزایش بهره‌وری و تقویت روحیه جهادی را هم‌وزن توسعه فناوری می‌دانست. او با طرح «نجوا» به معنی نخبگان جوان ولایت مدار انقلابی که قبلاً در نیروی هوایی اجرا کرده بود به دنبال شناسایی نخبگان مؤمن و معتقد و ولایی بود و امید داشت آینده دفاع و صنعت را بر پایه آنان بنا نماید.

جنگ تحمیلی اخیر، بسیاری از این باورها را به اثبات رساند. دشمن به‌خوبی دریافته بود که توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران، حاصل دهه‌ها مجاهدت علمی، صنعتی و فناورانه است؛ از همین رو، یکی از اهداف اصلی خود را زیرساخت‌های صنعت دفاعی قرار داد. اما همان‌گونه که شهید نصیرزاده بارها گفته بود، وقتی دانش، تجربه و اراده در میان یک ملت نهادینه شود، هیچ حمله‌ای نمی‌تواند مسیر پیشرفت را متوقف کند.

امروز که از «انقلاب صنعتی دفاعی جمهوری اسلامی ایران» سخن می‌گوییم، در حقیقت از یک تغییر در نوع نگاه سخن می‌گوییم؛ تغییری که صنعت دفاعی را از پاسخ‌گویی به نیازهای امروز، به ساختن قدرت فردا رساند. شهید نصیرزاده از معماران این نگاه بود؛ نگاهی که می‌خواست صنعت دفاعی، همواره یک گام جلوتر از تهدید حرکت کند.

بی‌تردید، فرماندهان شهید از میان ما رفته‌اند، اما اندیشه آنان زنده است. راهی که آنان آغاز کردند، با همت دانشمندان، متخصصان، مهندسان و کارکنان صنعت دفاعی ادامه خواهد یافت و جمهوری اسلامی ایران، با اتکال به خداوند متعال و سرمایه عظیم انسانی خود، این مسیر را با قدرت و شتاب بیشتر دنبال خواهد کرد.

شهید امیر سرلشکر خلبان عزیز نصیرزاده، تنها یک وزیر یا یک فرمانده نبود؛ او به آینده‌ای می‌اندیشید که امنیت ایران، بر شانه‌های دانش، خودباوری و فناوری بومی و جوانان نخبه استوار باشد. این اندیشه، میراثی است که باقی خواهد ماند و راه را برای نسل‌های آینده روشن خواهد کرد.

• روایت •

بوی وصال به مشامش رسیده بود

الناز نصیرزاده
فرزند وزیر دفاع پیشین

پدرم سال‌ها شهیدگونه زندگی کرد و از آن انسان‌هایی بود که شهادت را نه در آخرین لحظه زندگی، بلکه سال‌ها پیش از آن، با هر تصمیم، هر عبادت، هر شب‌بیداری و هر قدمی که برای خدا برمی‌داشت، به دست آورد. از این رو شهادت برای او حادثه‌ای ناگهانی نبود بلکه پایان مسیری بود که تمام عمر با اخلاص، مجاهدت و بندگی پیموده بود. شاید به همین دلیل بود که خداوند زیباترین پایان را برایش رقم زد. پدرم عاشق امیرالمؤمنین حضرت علی علیه‌السلام بود؛ عشقی که تنها در زبان نبود، بلکه در سبک زندگی، عدالت‌خواهی، ساده‌زیستی و مجاهدتش جریان داشت.

تقدیر الهی نیز چنان رقم خورد که ایشان با زبان روزه، در ماه مبارک رمضان، به دیدار پروردگارش شتافت و مراسم وداع و خاکسپاری‌شان نیز همزمان با ایام ضربت خوردن و شهادت حضرت علی(ع) بود. برای ما این شباهت، تنها یک تقارن تقویمی نبود بلکه نشانه‌ای از لطف خدا به بنده‌ای بود که همه عمر، دل در گرو مولایش داشت. گویی خداوند خواسته بود این شباهت عاشق و معشوق را برای همیشه در تاریخ ثبت کند.

بسیاری از مردم، پدرم را با مسئولیت‌های نظامی و مدیریتی‌اش می‌شناسند؛ اما آنچه کمتر دیده شد، روحیه جهادی، اخلاص و تلاش شبانه‌روزی او برای عزت ایران اسلامی بود. او انسانی فوق‌العاده باهوش، آینده‌نگر و خستگی‌ناپذیر بود. پس از قبول مسئولیت در وزارت دفاع، با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت هوشمندانه، تحول بزرگی در صنایع دفاعی کشور ایجاد کرد. توسعه توان موشکی و پهپادی، افزایش کمّی و کیفی تولیدات دفاعی، تقویت قدرت هوافضا و طراحی سازوکارهای حفاظتی، تنها بخشی از خدمات او بود. پدرم تنها به افزایش تعداد تجهیزات فکر نمی‌کرد؛ می‌اندیشید چگونه باید این صنعت را چنان ایمن ساخت که دشمن نتواند با یک ضربه، سال‌ها تلاش را نابود و آسیب جدی وارد کند. این نگاه آینده‌نگر، بعدها ارزش خود را نشان داد.

بخش مهمی از توان دفاعی کشور که در روزهای حساس به کار آمد، ثمره همان شب‌هایی بود که چراغ اتاق کار ایشان خاموش نمی‌شد. پس از شهادت پدرم، یکی از مسئولان عالی‌رتبه نقل می‌کرد که رژیم صهیونیستی براساس رصدهای اطلاعاتی، بارها به این جمع‌بندی رسیده بود که نصیرزاده با سرعت و دقت در حال تقویت توان دفاعی ایران است و باید هرچه زودتر حذف شود. این سخن، بیش از هر چیز نشان می‌دهد که دشمن نیز ارزش و اثرگذاری مجاهدت‌های او را به‌خوبی درک کرده بود و فهمیده بود مردی بی‌هیاهو، شبانه‌روز در حال ساختن قدرتی است که قرار است امنیت یک ملت را تضمین کند.

پدرم آرام و قرار نداشت. شب و روز نمی‌شناخت. ماه‌ها بی‌وقفه کار می‌کرد؛ نه برای مقام، نه برای نام و نه برای دیده شدن، بلکه تنها با یک آرزو؛ اینکه بتواند لبخندی از رضایت بر لب رهبر عزیز انقلاب بنشاند و وظیفه‌ای را که بر دوشش گذاشته شده بود، به بهترین شکل انجام دهد.

در کمتر از هشت ماه مسئولیت وزارت دفاع، تعداد بازدیدهای ایشان از مراکز صنعتی و موشکی، از مجموع بازدیدهای همه وزیران دفاع پیش از او بیشتر بود. او معتقد بود مدیر باید در میدان باشد، نه پشت میز. بخش مهمی از تجهیزاتی که بعدها در نبردها مورد استفاده قرار گرفت و قدرت بازدارندگی کشور را به نمایش گذاشت، حاصل همان تلاش‌های شبانه‌روزی، بی‌وقفه و خالصانه او و همکارانش بود. موفقیت‌های بزرگ دفاعی کشور، از جمله افزایش چشمگیر توان مقابله با هواگردهای دشمن، تنها نمونه‌ای از ثمرات آن مجاهدت‌ها بود.

رهبر شهید بارها از عملکرد جهادی پدرم ابراز رضایت کرده بودند. آخرین دیدار ایشان، حدود یک هفته پیش از شهادت پدرم بود. پس از پایان جلسه، هنگامی که شهید سرلشکر شیرازی وارد محضر رهبر شهید شد، معظم‌له فرموده بودند: «گزارش نصیرزاده بسیار خرسندکننده بود و امروز ایشان را بسیار با نشاط و سرزنده دیدم.» این جمله بعدها نیز در نامه‌ای ثبت شد. اهل معنا می‌گویند هرچه زمان وصال شهدا نزدیک‌تر می‌شود، نور و نشاط عجیبی در چهره‌شان نمایان می‌شود. برای ما نیز جالب بود که یکی از شادترین روزهای پدرم، جمعه ۸ اسفند، درست یک روز پیش از شهادتش بود؛ روزی که لبخند از چهره‌اش جدا نمی‌شد و طراوت و آرامشی عجیب در وجودش موج می‌زد؛ گویی دلش از آمدن وعده‌ای بزرگ خبر داشت و بوی وصال به مشامش رسیده بود.

وقتی بعدها این‌ها را به یاد آوردیم، ناخودآگاه به یاد سخن اهل معرفت افتادیم که می‌گویند: هرچه موعد دیدار اولیای خدا نزدیک‌تر می‌شود، گویی نسیمی از بهشت بر جانشان می‌وزد و چهره‌شان نورانی‌تر و دلشان شادتر و آرام‌تر می‌شود.

اما آنچه بیش از همه ما را به پدرمان مفتخر می‌کند، تنها موفقیت‌های مدیریتی و نظامی او نیست؛ بلکه پاکدستی، تواضع و ساده‌زیستی اوست. پدرم سال‌ها در بالاترین مسئولیت‌های نظامی و مدیریتی کشور حضور داشت؛ فرمانده نیرو هوایی ارتش بود، جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح بود و وزیر دفاع بود؛ اما اگر کسی او را از نزدیک نمی‌شناخت، هرگز از شیوه زندگی‌اش حدس نمی‌زد که با یکی از عالی‌ترین مسئولان کشور روبه‌روست.

او همواره تأکید می‌کرد همان غذایی را برایش بیاورند که سربازان می‌خورند. اگر در جلسه‌ای احساس می‌کرد هزینه‌ای غیرضروری از بیت‌المال شده است، به‌شدت ناراحت می‌شد و تذکر می‌داد که حتی کوچک‌ترین اسراف نیز در برابر حق مردم پذیرفتنی نیست.

در جریان جنگ دوازده روزه، دفتر کار ایشان دو بار هدف حمله موشکی قرار گرفت و آسیب دید. پس از پایان جنگ، برخی پیشنهاد کردند دفتری بزرگ‌تر، مجهزتر و متناسب با شأن وزیر برایش آماده کنند اما پاسخ پدرم تنها یک جمله بود: «لازم نیست؛ من که قرار نیست پشت میز بنشینم.» از همان زمان تا روز شهادتش در اتاقی کوچک، ساده و با حداقل امکانات به کارش ادامه داد و مسئولیت‌های سنگین وزارت دفاع را اداره می‌کرد.

ایشان مخالف سرسخت اشرافی گری و وی آی پی نشینی بود. بارها تأکید می‌کرد از خودروهای معمولی و امکانات عادی استفاده شود؛ زیرا باور داشت مدیران، بیش از آنکه با سخن، فرهنگ بسازند، با رفتار خود الگو می‌شوند. او معتقد بود اگر مسئولان زندگی خود را از مردم جدا کنند، فاصله‌ای شکل می‌گیرد که جبران آن آسان نخواهد بود. ساده‌زیستی برای پدرم، تنها مربوط به محل کار نبود؛ نخستین جایی که بر آن تأکید داشت، خانه خودمان بود.

همیشه به ما می‌گفت: «مردم به رفتار خانواده مسئولان نگاه می‌کنند؛ اگر ما درست زندگی کنیم، دیگران هم تشویق می‌شوند.»

یکی از احادیث مرتبطی که خیلی به آن اشاره می‌کردند فرمایش حضرت علی (ع) در این زمینه بود: «اَلنّاسُ بِأَمَرائِهِمْ اَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبائِهِمْ؛» «مردم، به دولتمردان خود شبیه ترند تا به پدرانشان.»

یکی از خاطراتی که هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم، مربوط به تولد فرزندم است. با وجود اینکه از طریق محل کارم بیمه تکمیلی مناسبی داشتم و می‌توانستم در بیمارستان خصوصی بستری شوم، پدرم گفت: «همه نگاهشان به ماست؛ بیا این فرهنگ را بشکنیم و به بیمارستان دولتی برو تا مردم هم به مراکز درمانی دولتی اعتماد کنند.» به توصیه ایشان همین کار را انجام دادیم. بعدها رئیس بیمارستان به ما گفت این اقدام شما تأثیر بزرگ و قابل توجهی بر اعتماد مردم گذاشت و باعث شد افراد زیادی آن مرکز را برای درمان انتخاب کنند. آن روز فهمیدم که پدرم حتی در کوچک‌ترین مسائل زندگی نیز به دنبال ساختن فرهنگ بود، نه صرفاً انجام یک کار شخصی.

اعتماد فرماندهان عالی رتبه کشور به پدرم مثال‌زدنی بود. زمانی که شهید سپهبد باقری فرمانده ستاد کل نیروهای مسلح بودند (پدرم جانشین ایشان بودند) بارها گفته بودند که نصیرزاده یکی از بهترین نفرات ماست و هر کاری که به او می‌سپارم مطمئن هستم که به بهترین شکل ممکن انجام می‌دهد.

زمانی که برای وزارت دفاع به دنبال فردی شایسته بودند نیز شهید باقری تأکید کرده بودند که با وجود سخت شدن کار ستاد کل پس از رفتن نصیرزاده، ایشان بهترین گزینه‌ای است که می‌تواند سکان وزارت دفاع را به دست بگیرد.

در همان مدت کوتاه وزارت پدرم، بخش زیادی از اختلافات میان دولت و نیروهای مسلح کاهش یافت و مطالباتی که سال‌ها بر زمین مانده بود، با پیگیری‌های مستمر او به نتیجه رسید.

شهید سپهبد موسوی نیز هنگام انتقال پدرم از ارتش به ستاد کل، با وجود دلتنگی فراوان، دو رکعت نماز خواندند و پس از آن گفتند از خدا خواسته‌اند این جابه‌جایی را برای اسلام، ارتش و خود نصیرزاده منشأ خیر قرار دهد.

یکی از رؤسای حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح نیز درباره پدرم گفته بودند: «هرچه تمام زوایای زندگی و مسئولیت‌های نصیرزاده را بررسی کردیم، هیچ نقطه منفی در زندگی او نیافتیم.»

این جمله شاید کوتاه باشد، اما پشت آن، سال‌ها زندگی پاک، شفاف و خداترس نهفته است. پاکدستی، برای او یک ویژگی اداری نبود بلکه بخشی از ایمانش بود. او باور داشت که هیچ مسئولیتی ارزش آن را ندارد که انسان حتی ذره‌ای از رضایت خدا فاصله بگیرد.

بسیاری از مردم، مردان بزرگ را در میدان‌های نبرد می‌شناسند؛ اما کمتر کسی می‌داند که پیروزی‌های روز، چگونه در خلوت شب‌ها شکل می‌گیرد. آنچه از پدرم دیده می‌شد، تنها بخش کوچکی از زندگی او بود؛ بخش بزرگ‌تر، در سکوت نیمه‌شب‌ها رقم می‌خورد؛ جایی که دیگر نه مسئولیتی بود، نه جلسه‌ای، نه دوربینی و نه تشریفاتی. آنجا، فقط یک بنده بود و خدای خویش.

سردار عبداللهی فرمانده قرارگاه خاتم‌الانبیا که در حال حاضر بالاترین مقام نظامی کشور محسوب می‌شوند، همیشه نقل می‌کنند که هرگاه در مأموریت‌های مشترک همراه پدرم بودند، نیمه‌های شب، صدای نماز شب و گریه‌های عاشقانه او را می‌شنیدند.

صدای گریه‌های آرام مردی که ساعاتی بعد باید باصلابت، مسئولیت‌های سنگین نظامی را بر دوش می‌کشید. شاید همین اشک‌های پنهان بود که آن استواری آشکار را می‌ساخت.

انسان، اگر به سرچشمه قدرت الهی متصل نباشد، زیر بار چنین مسئولیت‌هایی فرسوده می‌شود؛ اما آنان که شب‌ها دل از دنیا می‌برند، روزها از هیچ طوفانی نمی‌هراسند. پدرم، هرچه داشت، از همان خلوت‌های بی‌ادعا داشت. اخلاص را نمی‌توان آموخت؛ باید زندگی کرد؛ و او، اخلاص را زندگی کرده بود. امروز، هرچه بیشتر به زندگی پدرم نگاه می‌کنیم، بیشتر باور می‌کنیم که خداوند مزد سال‌ها اخلاص و بندگی او را با شهادت عطا کرد.

پس از شهادت پدرم، افراد بسیاری از نقاط مختلف کشور با ما تماس گرفتند؛ کسانی که نه انتظار شناختنشان را داشتیم و نه حتی نامشان را شنیده بودیم. هر کدام، روایاتی از دعاها و توسلاتی را که به پدرم داشتند بیان کردند.

به نظر ما این مقام حاصل آن راهی است که با نمازهای شب، با اشک‌های پنهان، با پاسداری از بیت‌المال، با شب‌های بی‌خوابی، با مجاهدت بی‌ادعا، با عشق به ولایت و با خدمت صادقانه به مردم، آجر به آجر بنا شده بود. او به ما آموخت که انسان، پیش از آنکه در میدان نبرد پیروز شود، باید در میدان نفس پیروز باشد. پیش از آنکه بر دشمن غلبه کند، باید بر خواهش‌های خویش غلبه کرده باشد. و پیش از آنکه نامش بر زبان مردم جاری شود، باید رضایت خدا را سرمایه زندگی خود ساخته باشد.

شاید سال‌ها بعد، تاریخ از موشک‌هایی بنویسد که در روزهای سخت، امنیت این سرزمین را پاس داشتند؛ از صنایع دفاعی که در دوران مسئولیت او جانی تازه گرفتند؛ از تدبیرهایی که راه نفوذ دشمن را دشوار کرد؛ از مدیریتی که خستگی نمی‌شناخت و از فرماندهی که میدان را بر میز ترجیح می‌داد. اما اگر بخواهند حقیقت این مرد را در یک جمله خلاصه کنند، باید بنویسند: او امانتدار بود. امانتدار ایمانش. امانتدار مسئولیتش. امانتدار خون شهدا. امانتدار اعتماد رهبرش. امانتدار بیت‌المال. و امانتدار امنیت مردمی که شاید هرگز نام او را نمی‌دانستند، اما آرامش شب‌هایشان، حاصل مجاهدت خاموش او و یارانش بود.

ایران
Iran Daily Newspaper
شنبه
۱۷ مرداد ۱۴۰۵
۲۴ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۳
Saturday
8 August 2026
Vol 9093

معتمد پزشکیان

روایتی از زندگی و کارنامه
سید اسماعیل خطیب وزیر شهید اطلاعات

• گزارش •

گروه سیاسی

کمتر چهره‌ای در ساختار امنیتی جمهوری اسلامی ایران وجود داشت که بخش عمده‌ای از چهار دهه فعالیت خود را دور از رسانه‌ها سپری کرده باشد و در عین حال، نامش در مقاطع مختلف با مهم‌ترین تحولات امنیتی کشور گره بخورد. سید اسماعیل واعظی که بیشتر با نام سید اسماعیل خطیب شناخته می‌شد، از همین دسته مدیران بود. فردی که از نخستین سال‌های پس از انقلاب وارد فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی شد، در بخش‌های مختلف این حوزه مسئولیت برعهده گرفت و سرانجام به وزارت اطلاعات رسید. زندگی سیاسی و اداری او، پس از سال‌ها حضور در نهادهای امنیتی و قضایی، در ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ با حمله اسرائیل به تهران پایان یافت. حمله‌ای که در آن، او به همراه همسر و دخترش به شهادت رسید.

خطیب سال ۱۳۴۰ در شهرستان قائنات در استان خراسان متولد شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای جدید، او نیز مانند بسیاری از نیروهای جوان آن دوران، مسیر فعالیت خود را در ساختارهای انقلابی آغاز کرد. در سال ۱۳۵۹ به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و فعالیتش را در واحد اطلاعات عملیات آغاز کرد. حوزه‌ای که در سال‌های نخست جنگ ایران و عراق از حساس‌ترین بخش‌های عملیاتی به شمار می‌رفت.

> با تأسیس وزارت اطلاعات، بسیاری از نیروهای امنیتی سپاه به این وزارتخانه منتقل شدند. خطیب نیز حدود دو سال پس از تشکیل این وزارتخانه، در سال ۱۳۶۴ از سپاه به وزارت اطلاعات رفت

او پس از مدتی به مجموعه اطلاعات جنوب منتقل شد و در مأموریت‌های مرتبط با همان بخش حضور یافت. فعالیت در مناطق عملیاتی، برای او بدون هزینه نبود و در جریان یکی از همین مأموریت‌ها جانباز شد. اتفاقی که بخشی از سوابق دوران حضورش در جبهه‌های جنگ را شکل داد.

از میان روایت‌هایی که درباره سابقه فعالیت خطیب بیان شده، شاید مفصل‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آنها به سخنان مجتبی ذوالنور، نماینده قم در مجلس شورای اسلامی، هنگام بررسی صلاحیت او برای تصدی وزارت اطلاعات در سال ۱۴۰۰ بازگردد. ذوالنور در جلسه رأی اعتماد، بخشی از سوابق خطیب را مرور کرد و گفت در مقطعی که گروه‌های کمونیستی و سازمان منافقین در مسجدسلیمان فعالیت‌های ضدانقلابی گسترده‌ای داشتند، سید اسماعیل خطیب به همراه چند تن از روحانیون انقلابی در آن منطقه مستقر شدند و به گفته او توانستند شرایط را تغییر دهند.

با تأسیس وزارت اطلاعات، بسیاری از نیروهای امنیتی سپاه به این وزارتخانه منتقل شدند. خطیب نیز حدود دو سال پس از تشکیل این وزارتخانه، در سال ۱۳۶۴ از سپاه به وزارت اطلاعات رفت و فعالیت خود را در این مجموعه ادامه داد. روند پیشرفت او در این وزارتخانه ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۷۰ به سمت مدیرکل اطلاعات استان قم منصوب شد؛ مسئولیتی که سال‌ها ادامه داشت و همزمان با رخدادهای مهم امنیتی و سیاسی این استان بود. در دوره مدیریت او بر اداره کل اطلاعات قم، چند پرونده مهم امنیتی در این استان مطرح شد. بسیاری در دفاع از عملکرد خطیب، به ماجرای دراویش گنابادی، پرونده مسجد محمدیه و دیگر رویدادهای امنیتی قم اشاره می‌کنند. ذوالنور در همان جلسه رأی اعتماد با تأکید فراوان از عملکرد خطیب دفاع کرد و گفت در تمام سال‌هایی که با او همکاری داشته، هیچ اقدامی از سوی وی ندیده که به تعبیر خودش از روحیه انقلابی فاصله داشته باشد.

فعالیت خطیب در وزارت اطلاعات تا سال ۱۳۸۹ ادامه پیدا کرد. بر اساس اظهارات مجتبی ذوالنور، او در آن سال با دستور مستقیم محمود احمدی‌نژاد از مسئولیت خود کنار گذاشته شد. ذوالنور در مجلس گفت که پس از این برکناری، خطیب به عنوان مسئول حراست دفتر رهبری در قم منصوب شد و فعالیت خود را در آن مجموعه ادامه داد.

او تا سال ۱۳۹۱ در دفتر رهبری در قم حضور داشت. در همان سال، مسیر کاری‌اش بار دیگر تغییر کرد و این بار به قوه قضائیه رفت. اردیبهشت ۱۳۹۱، صادق آملی لاریجانی که در آن زمان ریاست قوه قضائیه را برعهده داشت، با صدور حکمی سید اسماعیل خطیب را به ریاست مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه منصوب کرد؛ سمتی که از مهم‌ترین مسئولیت‌های امنیتی این قوه محسوب می‌شد.

مراسم معارفه او با سخنان ابراهیم رئیسی، معاون اول وقت قوه قضائیه، همراه بود. رئیسی در آن مراسم اظهار کرد که خطیب بهترین گزینه برای این مسئولیت بوده، اما به دلیل حضورش در دفتر رهبری، انتقال او به قوه قضائیه با دشواری‌هایی همراه شده و حتی رئیس وقت قوه قضائیه نیز شخصاً برای انجام این جابه‌جایی وارد عمل شده است.

رئیسی در ادامه سخنان خود به انتقادهایی که درباره آشنایی خطیب با ساختار قضایی مطرح می‌شد نیز پاسخ داد. او گفت اگرچه برخی تصور می‌کنند خطیب سابقه‌ای در قوه قضائیه ندارد، اما به دلیل مأموریت‌های ویژه‌ای که طی بیش از یک دهه برعهده داشته، با بخش‌های مختلف این قوه آشنایی کامل پیدا کرده و در حوزه حفاظت و اطلاعات نیز تجربه و مهارت لازم را کسب کرده است.

خطیب حدود هفت سال ریاست مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه را برعهده داشت. پس از آن، در سال ۱۳۹۸ و همزمان با انتصاب حجت‌الاسلام احمد مروی به تولیت آستان قدس رضوی، مسئولیت تازه‌ای به او واگذار شد. مروی، خطیب را به عنوان رئیس حراست آستان قدس رضوی منصوب کرد؛ سمتی که تا شهریور ۱۴۰۰ در اختیار او باقی ماند.

> دومین حضور خطیب در مجلس برای کسب رأی اعتماد، با حمایت بیشتری نسبت به دوره نخست همراه شد. او توانست ۲۶۲ رأی موافق نمایندگان را به دست آورد

با آغاز به کار دولت سیزدهم، نام سید اسماعیل خطیب در فهرست وزیران پیشنهادی ابراهیم رئیسی برای وزارت اطلاعات قرار گرفت. بسیاری از نمایندگان تازه‌وارد مجلس یازدهم شناخت چندانی از سوابق او نداشتند، اما گروهی از نمایندگان باسابقه از نزدیک با کارنامه او آشنا بودند و در دفاع از وی سخن گفتند.

در فضای سیاسی جمهوری اسلامی، معرفی وزیر اطلاعات معمولاً با هماهنگی رهبر انقلاب انجام می‌شود و به همین دلیل، گزینه معرفی‌شده معمولاً با مخالفت گسترده در مجلس روبه‌رو نمی‌شود. درباره خطیب نیز همین روند تکرار شد. او در شهریور ۱۴۰۰ با کسب ۲۲۲ رأی موافق، ۴۸ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع، رأی اعتماد مجلس را به دست آورد و سکان وزارت اطلاعات دولت سیزدهم را در اختیار گرفت.

پس از سانحه سقوط بالگرد حامل ابراهیم رئیسی و برگزاری انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری، گمانه‌زنی‌های متعددی درباره ترکیب کابینه دولت چهاردهم مطرح شد. یکی از پرسش‌های اصلی، سرنوشت وزارت اطلاعات بود و بسیاری انتظار داشتند وزیر این وزارتخانه تغییر کند. با این حال، مسعود پزشکیان نیز ترجیح داد سید اسماعیل خطیب را برای ادامه مسئولیت به مجلس معرفی کند.

دومین حضور خطیب در مجلس برای کسب رأی اعتماد، با حمایت بیشتری نسبت به دوره نخست همراه شد. او توانست ۲۶۲ رأی موافق نمایندگان را به دست آورد. آماری که ۴۰ رأی بیشتر از رأی اعتماد نخست او در مجلس یازدهم بود و زمینه ادامه حضورش در رأس وزارت اطلاعات دولت چهاردهم را فراهم کرد.

دوران وزارت سید اسماعیل خطیب با مجموعه‌ای از پرونده‌ها و چالش‌های امنیتی همراه بود. در طول این سال‌ها، وزارت اطلاعات با رخدادهای مهمی از جمله تحولات امنیتی شهریور ۱۴۰۱ و همچنین وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ مواجه شد. افزون بر این، دو جنگ موسوم به ۱۲ روزه و ۴۰ روزه نیز در دوره مسئولیت او رخ داد. جنگ دوم هنوز به پایان نرسیده بود که حمله اسرائیل به تهران در ۲۷ اسفند ۱۴۰۴، زندگی و مسئولیت او را با شهادت به پایان رساند.

در آن حمله، سید اسماعیل خطیب به همراه همسر و دخترش به شهادت رسید و پرونده یکی از باسابقه‌ترین مدیران امنیتی کشور، پس از بیش از چهار دهه حضور در نهادهای اطلاعاتی، امنیتی، قضایی و اجرایی بسته شد. مدیری که از نخستین سال‌های پس از انقلاب در عرصه امنیت فعالیت کرد، مسئولیت‌های متعددی را تجربه کرد و در نهایت، در حالی که همچنان بر کرسی وزارت اطلاعات دولت چهاردهم تکیه داشت، به شهادت رسید.

• دیدگاه •

از جبهه‌های دفاع مقدس تا سنگر امنیت کشور

اسماعیل کوثری
عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی

شهید اسماعیل خطیب از جمله شخصیت‌هایی بود که پیش از آنکه در جایگاه‌های عالی امنیتی و اطلاعاتی کشور شناخته شود، سابقه‌ای ارزشمند در میدان دفاع از میهن داشت. او در دوران دفاع مقدس در جبهه‌های نبرد حضور یافت و در همان دوران نیز به افتخار جانبازی نائل شد. این سابقه نشان می‌داد که روحیه ایثار و مجاهدت، صرفاً محدود به مسئولیت‌های مدیریتی او نبود، بلکه ریشه در سال‌های حضورش در میدان‌های دفاع از انقلاب و کشور داشت.

فعالیت‌های اطلاعاتی شهید خطیب نیز از همان سال‌های اول انقلاب و در حوزه اطلاعات رزمی آغاز شد. او به مرور، با تکیه بر تجربه، تخصص و شناخت عمیق از مسائل امنیتی، مسئولیت‌های متعددی را در بخش‌های مختلف اطلاعاتی و امنیتی کشور، از جمله در قوه قضائیه، برعهده گرفت و در تمامی این سال‌ها، به عنوان مدیری دقیق، کم‌حاشیه، متعهد و متخصص شناخته می‌شد.

در دولت شهید رئیسی، ایشان برای تصدی وزارت اطلاعات به مجلس شورای اسلامی معرفی شد. پس از طی مراحل قانونی و بررسی صلاحیت‌ها، با تأیید مقام معظم رهبری و کسب رأی اعتماد نمایندگان مجلس، مسئولیت وزارت اطلاعات را برعهده گرفت. حضور ایشان در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، که کمیسیون تخصصی بررسی صلاحیت وزیر اطلاعات محسوب می‌شد، به‌خوبی نشان داد که از اشراف کامل بر مسائل اطلاعاتی، امنیتی و راهبردی کشور برخوردار است.

یکی از ویژگی‌های برجسته شهید خطیب، نحوه تعامل او با مجلس شورای اسلامی بود. ایشان همواره با آرامش، متانت و سعه‌صدر در جلسات کمیسیون‌ها و صحن مجلس حضور پیدا می‌کرد و با تسلط کامل به پرسش‌های نمایندگان پاسخ می‌داد. حتی در مواردی که برخی نمایندگان با حساسیت یا سختگیری بیشتری مسائل را مطرح می‌کردند و تلاش داشتند وزیر را تحت فشار قرار دهند، ایشان هرگز از دایره ادب، احترام و آرامش خارج نمی‌شد. پاسخ‌های او دقیق، کارشناسانه، حساب‌شده و مبتنی بر واقعیات بود و همین روحیه موجب شد اعتماد قابل توجهی میان او و نمایندگان مجلس شکل بگیرد.

ارتباط شهید خطیب با مجلس، صرفاً یک ارتباط اداری نبود. او همواره تلاش می‌کرد دغدغه‌های نمایندگان را بشنود و در چارچوب مصالح امنیت ملی، پاسخ‌های لازم را ارائه کند. در کنار آن، برخورد ایشان با مراجعه‌کنندگان نیز مثال‌زدنی بود. با وجود حساسیت فوق‌العاده مسئولیت وزارت اطلاعات و الزام به رعایت دقیق ملاحظات امنیتی، همواره با تواضع، احترام و اخلاق اسلامی با مردم و مراجعان برخورد می‌کرد و تا حد امکان مسائل آنان را پیگیری می‌کرد.

روحیه ایثارگری، اخلاص، تواضع و مسئولیت‌پذیری، از ویژگی‌های بارز شخصیتی این شهید والامقام بود. او هیچ‌گاه به دنبال دیده شدن نبود و ترجیح می‌داد عملکردش در سکوت و به دور از هیاهوی رسانه‌ای، ضامن امنیت و آرامش مردم باشد. بسیاری از موفقیت‌های مجموعه اطلاعاتی کشور در سال‌های اخیر، حاصل مدیریت آرام، دقیق و مبتنی بر تجربه او بود.

در حوزه مأموریت‌های امنیتی نیز شهید خطیب با اقتدار، درایت و هوشمندی، مقابله با گروه‌های تروریستی، جریان‌های خرابکار، شبکه‌های جاسوسی و عوامل برهم‌زننده امنیت کشور را دنبال می‌کرد. او در برابر هرگونه اقدام علیه امنیت ملی، قاطع و استوار بود و در عین حال تلاش می‌کرد تصمیمات و اقدامات امنیتی، بر پایه قانون، عقلانیت و مصالح کشور اتخاذ شود.

از همین رو می‌توان گفت که وی یکی از موفق‌ترین وزرای اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بود؛ مدیری که هم در دولت سیزدهم و هم در ادامه مسئولیت خود در دولت چهاردهم، با همان روحیه جهادی، تعهد و تخصص، مسئولیت خطیر وزارت اطلاعات را دنبال کرد و هیچ‌گاه از انجام وظایف خود در قبال نظام و مردم عقب‌نشینی نکرد.

بی‌تردید دشمنان جمهوری اسلامی ایران از نقش‌آفرینی مؤثر چنین شخصیت‌هایی در تأمین امنیت کشور آگاه بودند و به همین دلیل نیز وجود او را برنتافتند. شهادت این مجاهد خستگی‌ناپذیر، هرچند ضایعه‌ای بزرگ برای مجموعه امنیتی کشور محسوب می‌شود، اما همان‌گونه که تجربه انقلاب اسلامی نشان داده است، خون شهیدان هرگز بی‌ثمر نمی‌ماند و راه آنان با استحکام بیشتری ادامه خواهد یافت.

امروز نام شهید حجت‌الاسلام والمسلمین سید اسماعیل خطیب، در کنار دیگر شهدای امنیت، به عنوان مدیری مؤمن، انقلابی، مردمی، صبور، متخصص و خستگی‌ناپذیر در حافظه ملت ایران ماندگار خواهد ماند. او عمر خود را از جبهه‌های دفاع مقدس تا سنگرهای پیچیده امنیتی، وقف پاسداری از انقلاب اسلامی و امنیت مردم کرد و سرانجام نیز پاداش سال‌ها مجاهدت خاموش خود را با شهادت دریافت کرد؛ شهادتی که بی‌تردید، آغاز ماندگاری نام و راه او در تاریخ خدمتگزاران صادق این سرزمین خواهد بود.

• نگاه •

خطیب؛ مدیری کوشا و مقتدر

احمد بخشایش اردستانی
عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس

با شناختی که از شهید حجت‌الاسلام سید اسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات داشتم، ایشان فردی باتجربه، کم‌حرف و با تدبیر بود. معمولاً در جلسات سکوت می‌کرد و بیشتر شنونده بود. برای مثال، در جلسات کمیسیون امنیت ملی مجلس، ابتدا بحث‌ها را با دقت گوش می‌داد و تنها زمانی که از ایشان درخواست می‌شد، به اندازه لازم و با دقت صحبت می‌کرد. ایشان تلاش می‌کرد به پرسش‌ها پاسخ دهد و در برخی موارد نیز نقاط ضعف را می‌پذیرفت.

از جمله اذعان کرد که دستگاه اطلاعاتی کشور با برخی خلأها و کاستی‌ها مواجه است، هرچند بخشی از این مشکلات را به ظهور فناوری‌های جدید از جمله اینترنت، شبکه‌های هوشمند و ابزارهای نوین ارتباطی مرتبط می‌دانست.

در واقع شهید خطیب فردی مقتدر، روحانی جلیل‌القدر و مدیری کوشا بود که تلاش می‌کرد امور را به بهترین شکل پیش ببرد. باید اذعان کرد که دستگاه اطلاعاتی کشور توانسته است طی دهه‌های گذشته امنیت کشور را تا حد زیادی حفظ کند و این موضوع قابل تقدیر است. با این حال، شهادت شهید خطیب نیز خود نشانه‌ای از وجود خلأها و آسیب‌های اطلاعاتی بود؛ چراکه دشمن توانست محل حضور ایشان را شناسایی کند.

این حادثه ضرورت بازنگری و رفع نواقص اطلاعاتی را بیش از پیش آشکار کرد. به اعتقاد من، یکی از ضعف‌های وزارت اطلاعات آن است که گاهی به جای تمرکز بر تهدیدهای اصلی، بخش زیادی از توان خود را صرف مسائل داخلی، امنیت اقتصادی و موضوعات مشابه می‌کند. این مسأله باعث می‌شود ظرفیت دستگاه برای مقابله با تهدیدهای راهبردی کاهش یابد. البته ممکن است بخشی از این وضعیت به محدودیت‌های اقتصادی و ساختاری بازگردد که نیازمند اصلاح و برنامه‌ریزی است.

با همه اینها، شهید خطیب فردی مؤمن، متقی، مدبر و دوست‌داشتنی بود و همواره با اخلاق، متانت و احترام با دیگران برخورد می‌کرد. یکی از مهم‌ترین پروژه‌هایی که ایشان پیگیری می‌کردند عملیات متقابل اطلاعاتی در برابر اسرائیل بود.

برای مثال پس از آنکه اسرائیل مدعی شد اسناد هسته‌ای ایران را از انباری در شورآباد خارج و منتشر کرده است، انتظار می‌رفت دستگاه اطلاعاتی ایران نیز پاسخ متقابلی ارائه دهد. شهید خطیب نیز در پاسخ، از اجرای عملیاتی علیه اسرائیل خبر داد، هرچند این موضوع با تردیدهایی از سوی برخی تحلیلگران روبه‌رو شد و عده‌ای آن را بخشی از جنگ روانی اسرائیل دانستند. با این حال، به نظر من این اقدام در چارچوب یک تقابل اطلاعاتی متقابل قابل ارزیابی است؛ اسرائیل ضربه‌ای وارد کرد و ایران نیز تلاش کرد پاسخ متناسبی بدهد.

با توجه به قرار گرفتن دو طرف در یک تقابل راهبردی، چنین اقداماتی طبیعی به نظر می‌رسد. یکی دیگر از ویژگی‌های شهید، همکاری مناسب با دولت بود. وزارت اطلاعات در هماهنگی با دولت و سایر نهادهای حاکمیتی، از جمله وزارت امور خارجه تلاش می‌کرد در موضوعاتی مانند بررسی صلاحیت وزیران و معاونان، نقش مشورتی و کمک‌کننده ایفا کند.

در کل، علاوه بر عملکرد شهید خطیب در دولت پزشکیان، در ارزیابی عملکرد دولت دکتر مسعود پزشکیان نیز باید منصفانه قضاوت کرد. هرچند برخی وزیران نتوانستند به‌طور کامل انتظارات را برآورده کنند، اما دولت در مدیریت شرایط دشوار کشور، بویژه در دوران جنگ‌های اخیر عملکرد قابل قبولی داشت؛ چرا که با وجود افزایش قیمت‌ها، دولت توانست از بروز کمبود کالا و شکل‌گیری قحطی جلوگیری و نیازهای اساسی مردم را تأمین کند. این مسأله نقطه قوت مهمی در مدیریت بحران محسوب می‌شود.

البته گرانی همچنان از مشکلات جدی کشور است که بخشی از آن به شرایط اقتصاد جهانی و بخشی نیز به سیاست‌های ارزی بازمی‌گردد. درواقع یکی از نقاط قوت دولت، شناخت دکتر پزشکیان از مجلس بود. سابقه حضور ایشان در مجلس باعث شد تعامل مناسبی با نمایندگان برقرار کند.

همچنین انتخاب محمدباقر قالیباف به‌عنوان مسئول مذاکرات، از تدابیر هوشمندانه دولت بود. با توجه به سابقه نظامی و شناخت وی از نیروهای مسلح، این انتخاب زمینه تعامل بهتر میان دولت و مجموعه‌های نظامی را فراهم کرد و با تأیید مقام معظم رهبری نیز همراه شد.

بنابراین می‌توان گفت دولت در دوره جنگ‌های اخیر عملکرد قابل قبولی از خود نشان داد. هرچند مشکلات اقتصادی و گرانی همچنان پابرجاست، اما جلوگیری از کمبود کالا و حفظ ثبات نسبی بازار، از جمله موفقیت‌های مهم دولت به شمار می‌رود. از سوی دیگر مجلس نیز همکاری مناسبی با دولت داشت. هرچند بحث استیضاح برخی وزیران مطرح بود، اما نمایندگان با توجه به شرایط جنگی کشور، از پیگیری این موضوع صرف‌نظر کردند تا انسجام و اقتدار ملی حفظ شود.

• یادداشت •

فاطمه مهاجرانی
سخنگوی دولت

در برابر ایثارشان باید به احترام ایستاد

هفته دولت، فرصتی برای مرور کارنامه خدمت است؛ اما امسال، این مرور با یاد کسانی گره خورده است که خدمت را تا آخرین منزل ادامه دادند. شهیدان سید اسماعیل خطیب و امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده، دو عضو هیأت دولت بودند که در جنگ رمضان جان خود را در راه دفاع از ایران نثار کردند. یادآنان، بیش از هر چیز، ما را به تأمل درباره معنای خدمت، اختلاف‌نظر و احترام فرامی‌خواند.

سیاست، عرصه تفاوت نگاه‌هاست. هیچ دولتی را نمی‌توان یافت که در آن همه افراد درباره همه موضوعات یکسان بیندیشند. تصمیم‌گیری برای مسائل پیچیده کشور، حاصل گفت‌وگو، استدلال، نقد و گاه اختلاف‌نظر است. اگر چنین نباشد، اساساً تصمیم‌سازی جمعی معنای خود را از دست می‌دهد.

من نیز مانند بسیاری از همکارانم، در مقاطعی با شهیدان سید اسماعیل خطیب و امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده درباره برخی مسائل نگاه‌های متفاوتی داشتم. این اختلاف‌ها نه پنهان‌کردنی است و نه غیرطبیعی. آنان مسئولیت‌های سنگینی بر عهده داشتند و هر کدام از منظر مأموریت، تجربه و مسئولیت خود به مسائل کشور می‌نگریستند.

با این همه، آنچه از این دو شهید در ذهن من مانده، تنها گفت‌وگوها و اختلاف‌نظرهای کاری نیست. شهید خطیب در مسیر مسئولیت، همواره همراه دولت بود؛ آرام، مسئولیت‌پذیر و حاضر در روزهایی که تصمیم‌گیری آسان نبود. شهید نصیرزاده نیز سال‌های طولانی از عمر خود را در مسیر دفاع از کشور گذراند و تا آخرین لحظه در جایگاه مسئولیت باقی ماند. جنگ رمضان، همه این تفاوت‌ها را در برابر حقیقتی بزرگ‌تر قرار داد.

از روزی که خبر شهادت این دو عضو هیأت دولت منتشر شد، بارها به این فکر کرده‌ام که انسان‌ها را با چه معیاری باید به یاد آورد. آیا باید آنان را تنها با تصمیم‌هایی که گرفته‌اند، مواضعی که داشته‌اند یا اختلاف‌هایی که با دیگران پیدا کرده‌اند، سنجید؟ یا لحظه‌هایی وجود دارد که همه اینها در برابر یک انتخاب بزرگ‌تر، معنای دیگری می‌یابد؟

جان، عزیزترین دارایی هر انسان است؛ دارایی‌ای که هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد. هنگامی که کسی این سرمایه را در راه ایران تقدیم می‌کند، نمی‌توان او را در قاب اختلاف‌های سیاسی و مدیریتی محدود کرد. شهادت، اختلاف‌ها را از تاریخ پاک نمی‌کند، اما جایگاه آنها را تغییر می‌دهد. از آن پس، هر نقد و هر داوری باید در کنار حقیقتی قرار گیرد که از همه آن اختلاف‌ها بزرگ‌تر است؛ حقیقت ایثار.

شاید امروز بیش از هر زمان دیگری به چنین نگاهی نیاز داشته باشیم. فضای عمومی ما گاهی چنان گرفتار دوگانه‌های موافق و مخالف می‌شود که فراموش می‌کنیم انسان‌ها را نمی‌توان به یک تصمیم، یک موضع یا یک اختلاف تقلیل داد. هر یک از ما ممکن است در موضوعی با دیگری هم‌نظر نباشیم و این حق طبیعی همه ماست. اما اگر نتوانیم میان اختلاف‌نظر و احترام مرزی روشن ترسیم کنیم، سرمایه‌ای را از دست می‌دهیم که جامعه بیش از هر چیز به آن نیاز دارد؛ سرمایه انصاف.

شهیدان خطیب و نصیرزاده، در نهایت جان خود را برای ایران تقدیم کردند. این، بزرگ‌ترین و دشوارترین انتخابی است که یک انسان می‌تواند انجام دهد. هیچ مقام، مسئولیت یا افتخاری با آن قابل مقایسه نیست. از همین رو، ممکن است درباره بعضی تصمیم‌ها و رویکردها همچنان بحث و نقد وجود داشته باشد، اما در برابر ایثاری که با نثار جان معنا یافته است، باید به احترام ایستاد.

این احترام از سر تعارف یا مصلحت نیست. احترام به انسان‌هایی است که آخرین داشته خود را در راه امنیت و سربلندی مردم بخشیده‌اند.

سال‌ها بعد، ممکن است کمتر کسی به یاد داشته باشد که در فلان جلسه چه کسی با چه نظری موافق یا مخالف بود؛ اما تاریخ به یاد خواهد داشت که در روزهای سخت، دو عضو هیأت دولت جان خود را برای این سرزمین تقدیم کردند. در برابر چنین ایثاری، باید تا همیشه به احترام ایستاد.

ایران
Iran Daily Newspaper
شنبه
۱۷ مرداد ۱۴۰۵
۲۴ صفر ۱۴۴۸
سال
سی و دوم
شماره ۹۰۹۳
Saturday
8 August 2026
Vol 9093

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

• یادداشت •

سید رمضان موسوی مقدم
نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امور ایثارگران

اگر آنچنان بلیغ و صریح، بر گفت و نوشت خاطرات تأکید نمی‌کرد، دست و دلی برای روایت کردن این خاطرات نداشتم. آن فرزانه بی‌همتا، همیشه دفتر و کتاب و قلم را می‌ستود، حدیث گفتن و ذکر جمیل کردن را دوست می‌داشت و بزم‌آرای خاطره‌گویان و خاطره‌نگاران انقلاب بود.

می‌خواهم دل‌ها را به حسینیه امام خمینی(ره) ببرم، به مشهد آقایمان در انتهای خیابان کشوردوست، آنجا که جان‌های تشنه هر صباح، سیراب می‌شدند و آنجا که روی زیلوهایش معرفت موج می‌زد و در هوایش زخم‌های اشتیاق التیام می‌دید.

دانی که چیست دولت، دیدار یار دیدن
در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن
از جان طمع بریدن آسان بود ولیکن
از دوستان جانی مشکل توان بریدن

یاد می‌آورم روزی را که مسئولین نظام در حسینیه امام خمینی(ره) گردهم آمده بودند. وزیری از دولت وقت پشت ستون نشست. مسئول دیگری از راه رسید و کنایه‌آمیز از او پرسید: آقای وزیر! چرا پشت ستون پنهان شده‌اید؟! وزیر گفت: «اگر حضرت آقا من را ببینند دوباره از «تهاجم فرهنگی» می‌گویند و من باید خجالت زده شوم!»

راستی چه تحلیل عمیقی از اوضاع شوروی در آستانه فروپاشی داد، یک کلاس درس تمام عیار سیاسی و جهان‌شناسی، دانشگاه تهران بحق پیشنهاد داد تا دکترای افتخاری به او اهدا کند و او چه بزرگوارانه جواب داد «نه، همین عنوان طلبگی برای ما کافی است» یعنی همچنان باید آموخت و مدرک‌گرایی (صرف) اصالت ندارد.

امروز از نعمت دیدن آن رهبری که نگران همیشگی «تهاجم فرهنگی» بود محروم هستیم. حیف از آن مجالس وعظ و خطابه‌های حکیمانه و دریغ از آن دیدارهای جریان‌ساز که به دست پلید صهیونیست‌ها بر سر آزاداندیشان جهان آوار شد. گفتمان استکبارستیزی، خودانکایی، بیگانه ستیزی و ده‌ها واژه جریان‌ساز که امروز دستمایه مقاومت و عزت ماست، در آنجا ساخته و از آنجا پراکنده شد.

آن حسینیه ساده و صمیمی، سنت‌ساز هم بود. سال ۷۷ گروهی از جانبازان، آثار خلاقه خود را برای بازدید حضرت آقا به حسینیه برده بودند. جانبازی عزیز از آقایش خواست که عبای خود را به وی بدهند و آقا بی‌درنگ عبایش را از تن درآورد و تقدیمش کرد. این آغازی بر سیره بخشش دینی شد. بذل هدایای متبرک خصوصاً چفیه که نماد مقاومت و انگشتری که نشانه تدین و تقوی است، سنت رهبری ایران اسلامی شد.

حسینیه از فرط صداقت و اخلاص، محل الهام و روشن‌بینی هم بود. در سادگی در و دیوارش آینده را می‌شد به وضوح دید. یادم می‌آید رسانه‌ها یکی از رؤسای جمهوری اسلامی را به گورباچف تشبیه کرده بودند و این تحلیلش در برخی ذهن‌ها نشسته بود. یکی از مدیران سرشناس رسانه‌ای در پایان یک دیدار رسمی، این تحلیل را به عرض آقا رساند. ایشان بلاوقفه فرمودند: خیر! این رئیس جمهوری، گورباچف نمی‌شود؛ و بعدها دیدیم که نشد.

در آن چهاردیواری، نه فقط مباحث فرهنگی و عقیدتی که مسائل علمی و امروزی هم درست مثل یک دانشگاه فنی مطرح می‌شد، بلکه یادم هست راجع به اقتصاد مقاومتی در جمع کارگزاران صحبت فرمودند. برخی که قلم و کاغذی داشتند، نکات را یادداشت می‌کردند. زمان خروج از محفل، دوستی که سری در سران اقتصاد داشت، به من گفت، هر چه فکر می‌کنم هیچ نکته‌ای به ذهنم نمی‌آید که ایشان در این چند دقیقه به آن اشاره نکرده باشد، انگار یک ترم دانشگاهی را در یک مجلسی تبیین کردند.

من هم امروز و پس از شهادت آن قائد عظیم‌الشأن هرچه در بحر یادمانده‌هایم فرو می‌روم، رنج و حرمانم افزوده می‌شود. باید دوباره نوحه کنم:

دریغا ای دریغا ای دریغا
خدایی سایه‌ای رفت از سر ما

اوایل پیروزی انقلاب بود و من در قم برای اولین بار طنین صدایش را در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم و من که در چند قدمی تریبون نشسته بودم پرسیدم: آیا رفتن به جبهه اولی است یا در قم ماندن و درس خواندن و چه زیبا پاسخ داد که «رفتن به جبهه واجب کفایی است و درس خواندن هم ضروری است، بدانید که درس هم مهم است در آینده «بی مایه فطیر است.»

همانگونه که جرقه‌های انقلابی را شهید نواب در قلب آقایم افروخته بود من هم نوجوانی بودم که از رعد صدای او و در سایه تحلیل‌ها و تفسیرهایش مجذوب انقلاب شدم. او ترجمان و مفسر راستین راه و نگاه معمار کبیر انقلاب بود. حضور مستمرش در جبهه‌ها من را به میدان‌های حماسه برد و پس از جنگ، خدمت به خانواده‌های شهدا و جانبازان را سرلوحه زندگیم کرد.

علاقه‌اش به هنر دینی و آیینی و تأکیدش بر اهمیت رسانه، من را هم در این وادی کشاند و سال‌های مدیدی را در صدا و سیما تلاش کردم نظراتشان را اجرایی کنم. روزی که خدمتشان رسیدم تا مفتخر شوم به نمایندگی ایشان در بنیاد شهید و امور ایثارگران، قریب به مضمون فرمودند: «چند نفر گزینه بودند برای این مسئولیت؛ ولی چون شما از اهالی فرهنگ و هنر هستید شما را برگزیدم. فرهنگ ایثار و شهادت را باید بر بال هنر ترویج کنید.»

مدتی بعد که نماز را بر قامت رشیدشان اقامه کردم، به گاه خداحافظی خدمتشان عرض کردم: آقاجان! ایثارگران خیلی مشتاق زیارت هستند و از ما توقع دارند که به این بیت مکرم دعوتشان کنیم. نوری در چشمانشان دوید و فرمودند: «من بیشتر مشتاق دیدارشان هستم؛ ولی چه کنم که فرصت محدود است. شما به منزلشان مشرف شوید و سلام ویژه من را خدمتشان برسانید و عذرخواهی شود.»

مدتی است به نیابت ایشان و رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله آقاسیدمجتبی حسینی خامنه‌ای حفظ‌الله به منازل شهدا وارد می‌شوم. برخی گریان و گله‌مند که نعمت دیدار نصیبشان نشده و برخی خندان و راضی از دریافت حلقه‌ای انگشتری متبرک باقی مانده از متبرکات آن امام شهید.

و اکنون از یک سو در این مصیبت عظما عزاداریم ولی آن سوی دیگر دلخوشیم و امیدوار به خلف صالح و رهبر فرزانه انقلاب که آن سیره و سلوک را تداوم بخشند و در پای رکاب او، خط اصیل اسلام و انقلاب و راه شهیدان را تداوم بخشیم.

آدمی را که طلب هست و توانایی نیست
صبر اگر هست و گر نیست بباید کردن

• گزارش •

فعالیت‌های بنیاد شهید و امور ایثارگران در دوران پس از جنگ

از مستندسازی خسارت انسانی تا ابلاغ پرداخت حقوق به خانواده شهدا

گروه اجتماعی

بنیاد شهید و امور ایثارگران در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی ۴۰ روزه، نقش فعالی در ثبت آمار شهدا، دیدار با خانواده‌های شهدا و پیگیری امور فرهنگی و حمایتی داشته است.

طبق گزارش‌های رسمی تعداد کل شهدا در جنگ ۴۰ روزه ۳ هزار و ۴۶۸ نفر بود که ۴۵ درصد شهدا غیرنظامی بوده‌اند. این آمار نشان می‌دهد بنیاد شهید در مستندسازی خسارت انسانی جنگ، نقش محوری داشته و در این دوره با خانواده‌های شهدا دیدار و گفت‌وگو کرده است. چنین دیدارهایی معمولاً با هدف دلجویی از خانواده‌ها، پیگیری مشکلات معیشتی و درمانی، تقویت روحیه و حمایت معنوی انجام می‌شود. انعکاس چهره ایثار در استان‌ها یکی دیگر از اقدامات کلیدی این بنیاد بوده و تلاش کرده فهرست شهدا را به شکل استانی و تفکیکی ثبت و منتشر کند.

عدالت در خدمات

موضوع عدالت در ارائه خدمات، از ابتدا یکی از سیاست‌های اصلی مدنظر بنیاد شهید بوده و در بخش سلامت، این موضوع بیش از پیش حائز اهمیت است. دکتر سید احمد موسوی، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران نیز در نشست با مدیران معاونت بهداشت و درمان بنیاد، بر اهمیت رعایت عدالت در ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به جامعه معزز ایثارگری تأکید کرده و گفته بود: «ما باید برای حوزه سلامت شاخص‌های مشخصی را تعریف کنیم و بر این اساس، میزان تحقق شاخص‌ها را به شکل ماهانه مورد ارزیابی قرار دهیم تا کیفیت حرکت در این مسیر به‌درستی مشخص شود.» معاون رئیس جمهور با اشاره به رویکرد دولت چهاردهم و تأکید ویژه دکتر پزشکیان بر موضوع عدالت، تأکید کرده بود: «این اصل در بخش‌های مختلف، به‌ویژه در حوزه سلامت، ضرورت و مورد تأکید جدی رئیس جمهوری است.» رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با توجه به اهمیت آموزش تأکید کرده بود آگاهی‌سازی درخصوص قوانین و ارائه اطلاعات دقیق و به‌موقع به این قشر معزز از اقدامات ضروری است و باید کارکنان همه بخش‌ها نسبت به قوانین آگاهی و اطلاع داشته باشند تا بتوانند پاسخگویی و راهنمایی درستی ارائه کنند. او همچنین بر ضرورت ارائه خدمات نظام‌مند، ضابطه‌مند و با بهره‌گیری از مدیریت سیستماتیک و هوشمند تأکید و گفته بود: «شفافیت در ارائه اطلاعات به ایثارگران و فعال بودن تمامی بخش‌های بنیاد در حوزه پاسخگویی، از اصول اصلی ما در این مسیر است.»

احداث مجتمع فرهنگی برای شهدای میناب

احداث مجتمع فرهنگی مزار شهدای میناب یکی از اقدامات ویژه بنیاد شهید در استان هرمزگان است. یعقوب سلیمانی، معاون فرهنگی و آموزشی بنیاد شهید و امور ایثارگران، در نشست با خانواده‌های شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، ناو دنا و لامرد اعلام کرد، تفاهم‌نامه احداث این مجتمع فرهنگی تدوین شده و با پیگیری آستان قدس رضوی، مراحل مطالعاتی آن تا آذرماه ادامه خواهد داشت. هدف از اجرای این طرح، ایجاد مجموعه‌ای با رویکرد فرهنگی و نگاه ملی و بین‌المللی برای معرفی حماسه و مظلومیت شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، شهدای ناو دنا، شهدای لامرد و دیگر شهدای مظلوم کشور است.

پیشنهاد روز میناب برای درج در تقویم رسمی

جنایت میناب نباید فراموش شود. سید احمد موسوی معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در جلسه شورای ترویج و توسعه فرهنگ ایثار و شهادت در استان هرمزگان با تأکید بر ضرورت حفظ و تقویت انسجام ملی گفت: «دولت و همه دستگاه‌ها باید با بسیج امکانات و ظرفیت‌های خود در کنار مردم و مسئولان استان هرمزگان باشند؛ چرا که امروز این استان در خط مقدم دفاع از ایران قرار دارد و باید با یک برنامه جامع، کوتاه مدت، میان‌مدت و بلندمدت از ظرفیت‌های آن برای تقویت فرهنگ ایثار و شهادت استفاده کنیم.» رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران با اشاره به جمعیت بیش از پنج میلیون نفری جامعه هدف بنیاد شهید گفت: «ایران یکی از کشورهایی است که جامعه بزرگ ایثارگری دارد و این جامعه در کنار نقش ارزشمند خود در عرصه‌های مختلف، نقش فرهنگی خود را نیز در مسیر ایستادگی و مقاومت ایفا می‌کند.»

او با اشاره به ظرفیت‌های فرهنگی و تاریخی میناب گفت: «ما مدیون میناب هستیم و تاریخ نیز مدیون میناب خواهد بود. این منطقه فرصتی برای معرفی جنایات و رسوایی دشمن در اختیار ما قرار داده و نباید اجازه دهیم این فرصت تاریخی از دست برود. میناب باید با یک برنامه بلندمدت و جامع، به یک مقصد مهم تاریخی و فرهنگی در سطح بین‌المللی تبدیل شود. باید از هم‌اکنون برای آینده برنامه‌ریزی کنیم تا میناب به یک پایگاه اندیشه‌ساز و فرهنگ‌ساز تبدیل شود و تاریخ، فرهنگ و اندیشه ایرانی را به نسل‌های آینده و مردم جهان معرفی کند.» رئیس بنیاد شهید پیشنهاد کرد عدد «۱۶۸» به‌عنوان یک نماد ملی برای میناب ثبت شود و در برنامه‌های فرهنگی کشور مورد توجه قرار بگیرد: «باید روی عدد ۱۶۸ به‌عنوان یک نماد فرهنگی کار کنیم و حتی پیشنهاد می‌کنم روز ۱۶۸ هر سال به‌عنوان «روز میناب» در تقویم فرهنگی کشور ثبت شود.»

تأکید بر تکمیل پروژه‌های در دست اقدام بنیاد شهید

تکمیل پروژه‌های در دست ساخت از دیگر اقدامات مهم بنیاد شهید در دوران پساجنگ است. معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران در برنامه سفر خود به بندرعباس، از مرکز فرهنگی، ورزشی و توانبخشی ایثار بندرعباس بازدید کرد و در جریان روند تکمیل آن قرار گرفت. موسوی، در این بازدید گفت: «منابع و تأمین تجهیزات باید پیگیری شود تا در هفته دولت این مرکز فرهنگی، ورزشی و توانبخشی افتتاح شده و ایثارگران معزز بتوانند از خدمات آن بهره‌مند شوند.» موسوی تأکید کرد: «اجرای طرح‌های توسعه‌ای با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تجهیزات پیشرفته و نیروی انسانی متخصص، باید مدنظر قرار گیرد و برای اجرایی شدن آنها طبق برنامه زمانی تعیین شده برنامه‌ریزی لازم انجام شود.»

ثبت درخواست مشمولان ماده ۳۸ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران در سامانه «ایثار من»

ثبت الکترونیکی درخواست ماده (۳۸) قانون جامع خدمت‌رسانی به ایثارگران در سامانه «ایثار من» یکی دیگر از اقدامات بنیاد شهید در روزهای پس از جنگ رمضان است. در همین زمینه سید باقر سیدرضایی، مدیرکل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران اعلام کرد: «ایثارگران مشمول این قانون نیازی به مراجعه حضوری به بنیاد ندارند و می‌توانند درخواست خود را از طریق سامانه «ایثارمن» ثبت و پیگیری کنند.» او با اشاره به ماده ۳۸ قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران گفت: «حقوق و مزایای پرسنل وظیفه و نیروهای داوطلب غیرشاغل در دستگاه‌های موضوع ماده (۲) این قانون که به صورت بسیج مردمی از سوی مراجع ذی صلاح نظیر نیروی مقاومت بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش، کمیته امداد امام خمینی(ره)، جهاد سازندگی و سازمان تبلیغات اسلامی ایران به جبهه اعزام و به دلیل حضور در جبهه یا بر اثر ترور، شهید مفقودالاثر، جانباز از کار افتاده کلی و آزاده از کار افتاده کلی شده‌اند طبق مقررات هم‌تراز کادر نیروهای مسلح تعیین و توسط بنیاد پرداخت خواهد شد.»

تمدید اعتبار کارت ایثارگری تا سال ۱۴۰۷

یکی دیگر از اقدامات مهم بنیاد شهید در این دوره تمدید اعتبار کارت ایثارگری است. سید باقر سید رضایی، مدیرکل پذیرش و امور اداری بنیاد شهید و امور ایثارگران هدف از این اقدام را تسریع و تسهیل در ارائه خدمات، ایجاد وحدت رویه و جلوگیری از مکاتبات غیرضروری اعلام کرده است. بر اساس پیشنهاد بنیاد شهید، دستگاه‌های مختلف ملزم می‌شوند تا با ایجاد زیرساخت‌های لازم، خدمات بانکی، خدمات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و خدمات شهرداری‌ها را از طریق این کارت ارائه بدهند. این کارت قابلیت ارائه خدمات مذکور را دارد، مشروط به آنکه دستگاه‌های اجرایی زیرساخت‌های مورد نیاز را فراهم کنند. این کارت هوشمند ملی، با تلاش‌های انجام‌شده، از سال ۱۳۹۷ در اختیار ایثارگران و منسوبین آنان قرار گرفته است. کارت مذکور برای سه گروه شامل خانواده شهدا، جانبازان (کارت ویژه جانبازان) و آزادگان (کارت ویژه آزادگان) صادر می‌شود.

ابلاغ پرداخت حقوق خانواده شهدای جنگ رمضان

برقراری حقوق ثابت برای شهدای جنگ یکی دیگر از اقدامات بنیاد شهید بود. محمدرضا عارف معاون اول رئیس جمهور نامه هیأت وزیران درباره برقراری حقوق شهدای جنایات تجاوزات آمریکایی-صهیونیستی و همچنین والدین شهدای مذکور را به دستگاه‌های اجرایی از جمله ستاد کل نیروهای مسلح، بنیاد شهید و سازمان برنامه و بودجه ابلاغ کرد. بر اساس این بخشنامه، بنیاد شهید و امور ایثارگران مکلف به آغاز پوشش بیمه تکمیلی درمان خانواده شهدا، جانبازان و افراد تحت تکفل قانونی آنهاست. همچنین بنیاد شهید و ستاد کل نیروهای مسلح نیز مکلف به پرداخت هزینه کفن و دفن و برگزاری مراسم شهدای جنگ رمضان معادل ۲۰۰ میلیون تومان به ازای هر شهید شده‌اند.

• دیدگاه •

نگاه جامعه‌شناختی درباره انسجام ملی در روزهای جنگ تحمیلی

وقتی مرز بین شهروند و رزمنده کمرنگ شد

مرجان قندی
گروه اجتماعی

بسیاری از تحلیلگران تصور می‌کردند هدف قرار دادن مناطق مسکونی و غیرنظامیان، با ایجاد فضای رعب و هراس، می‌تواند شیرازه جامعه را از هم بپاشد و اراده جمعی را به عقب‌نشینی وادارد. اما تجربه زیسته مردم ایران در جریان وقایع اخیر نشان داد که این معادله بدبینانه در عمل، نتیجه‌ای معکوس داشته است. در روزهایی که مرز میان شهروند و رزمنده در میدان خطر کمرنگ شد، نوعی همبستگی از دل بحران جوشید که با به حاشیه بردن گسل‌های اجتماعی، سرنوشت مشترک را به قوی‌ترین عنصر انسجام ملی تبدیل کرد.

مصطفی آب‌روشن، جامعه‌شناس، در گفت‌وگو با «ایران» درباره اینکه چگونه تهدیدهای بیرونی به فرصتی برای بازتعریف ارزش‌های جمعی، تقویت ایثار و نمایش کم‌نظیر وحدت ملی تبدیل شده است، می‌گوید: «از منظر جامعه‌شناسی، جنگ و چنین حملاتی معمولاً با هدف ایجاد هراس و تضعیف اراده عمومی طراحی می‌شوند. طراحان این راهبردها گمان می‌کنند با گسترش ترس، مردم مسئولیت ادامه یا توقف جنگ را متوجه حاکمیت می‌دانند و خواستار عقب‌نشینی خواهند شد. اما در تجربه جنگ رمضان، این محاسبه نتیجه‌ای معکوس به بار آورد؛ چراکه وقتی خشونت، مرز میان نظامی و غیرنظامی را از میان برمی‌دارد و خانه، مدرسه، بیمارستان و محله را در معرض خطر قرار می‌دهد، احساس تهدید مشترک جایگزین ترس فردی می‌شود.»

او توضیح می‌دهد: «در این وضعیت، جامعه جنگ را مسأله گروهی خاص نمی‌بیند، در حقیقت آن را تعرضی به امنیت، موجودیت و کرامت جمعی خود تلقی می‌کند. هدف قرار گرفتن غیرنظامیان همچنین از منظر اخلاقی، مشروعیت عامل حمله را در نگاه شهروندان تضعیف و نوعی خشم اخلاقی ایجاد می‌کند؛ خشمی که می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و همیاری میان مردم منجر شود.»

به گفته آب‌روشن، بسیاری از افراد نه از سر علاقه به جنگ، بلکه با انگیزه دفاع از خانواده، خانه و هویت جمعی خود وارد عرصه کمک‌رسانی، پشتیبانی و مشارکت می‌شوند.

از این منظر، راهبرد مبتنی بر ایجاد هراس می‌تواند به جای انفعال جامعه، سرمایه اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و انسجام ملی را تقویت و راهبرد مبتنی بر ایجاد وحشت را به شکستی اجتماعی و سیاسی برای آمریکا تبدیل کند.

این جامعه‌شناس درباره تغییر ارزش‌های فردی در مواجهه با بحران‌های فراگیر می‌گوید: «در شرایط عادی، افراد بر اساس منافع شخصی، امنیت خانواده و حفظ جان خود تصمیم می‌گیرند؛ اما با وقوع بحران، بویژه زمانی که زنان، کودکان، سالمندان و دیگر شهروندان عادی در معرض آسیب هستند، سلسله‌مراتب ارزش‌ها متفاوت می‌شود. در چنین شرایطی، امنیت فردی دیگر از مسیر انزوا و عقب‌نشینی قابل دستیابی نیست و دفاع از جامعه، به پیش‌شرط دفاع از خانواده تبدیل می‌شود.»

آب روشن معتقد است؛ در این فضا ارزش‌هایی مانند همبستگی، مسئولیت اجتماعی، ایثار و مشارکت جایگاه برجسته‌تری پیدا می‌کنند. او می‌گوید: «این تحول فقط محصول تبلیغات نیست، بلکه از تجربه زیسته خشونت و ادراک خطر مشترک ناشی می‌شود. هرچه تهدید فراگیرتر باشد، امکان شکل‌گیری هویت جمعی هم بیشتر می‌شود؛ چون مردم احساس می‌کنند همه اعضای جامعه، فارغ از تفاوت‌های فردی و اجتماعی، در برابر یک خطر مشترک قرار دارند.» این جامعه‌شناس توضیح می‌دهد: «حمله به غیرنظامیان می‌تواند مرزهای طبقاتی، قومی و حتی بخشی از اختلافات سیاسی را به حاشیه براند و این پیام را منتقل کند که امنیت هیچ گروهی جدا از امنیت دیگران نیست. در چنین موقعیتی، برخی شهروندان حاضر می‌شوند بخشی از منافع فردی خود را برای حفظ جامعه کنار بگذارند؛ چراکه بقای فرد را وابسته به بقای جمع می‌بینند. از این منظر، ایثار به معنای نفی ارزش خانواده نیست، در حقیقت تلاشی برای حفظ آینده خانواده در چارچوب امنیت و موجودیت جامعه به شمار می‌آید.»

آب‌روشن همچنین با اشاره به مفهوم سرنوشت مشترک توضیح می‌دهد: «یکی از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی آسیب دیدن غیرنظامیان، شکل‌گیری این احساس است که رنج یک گروه، به تجربه‌ای عمومی تبدیل شده است. وقتی قربانیان فقط به یک قشر محدود نمی‌شوند و کودکان، زنان، کارگران، دانشجویان، معلمان، پزشکان و دیگر گروه‌های اجتماعی هم در معرض آسیب قرار می‌گیرند، رنج از حالت فردی یا گروهی خارج و به مسأله‌ای مشترک برای جامعه تبدیل می‌شود.»

او می‌گوید: «همین تجربه مشترک می‌تواند مرزهای اجتماعی را تا حدی کمرنگ کند و زمینه همدلی میان گروه‌هایی را فراهم آورد که پیش از بحران، اختلافاتی داشته‌اند. از منظر جامعه‌شناسی، هرچه تهدید بیرونی فراگیرتر باشد، احتمال افزایش همبستگی درون جامعه هم بیشتر می‌شود.»

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه چنین همبستگی لزوماً همه شکاف‌های اجتماعی را به‌طور دائمی از میان نمی‌برد، می‌گوید: «بسیاری از این گسل‌ها ریشه‌های ساختاری دارند. با این حال، در دوره شرایط خاص و به خصوص جنگ، احساس خطر مشترک می‌تواند به‌طور موقت از شدت این شکاف‌ها بکاهد و زمینه همکاری، اعتماد متقابل و مسئولیت‌پذیری جمعی را افزایش دهد.»

به گفته آب‌روشن، آسیب دیدن مردم عادی یادآور این واقعیت است که خشونت جنگ میان گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه مرز مشخصی نمی‌شناسد و همین موضوع، حس مسئولیت مشترک و همبستگی اجتماعی را تقویت می‌کند.

آب‌روشن درباره میراث و حافظه جمعی حاصل از این دوران می‌گوید: «از منظر جامعه‌شناسی حافظه، جنگ فقط یک رویداد نظامی نیست و به مرور به بخشی از حافظه جمعی یک ملت تبدیل می‌شود. تجربه مقاومت غیرنظامیان در برابر حملات به مناطق مسکونی، در قالب روایت‌های خانوادگی، خاطرات بازماندگان، آثار هنری، ادبیات، فیلم، آیین‌های یادبود و آموزش‌های عمومی به نسل‌های بعد منتقل می‌شود و بخشی از هویت تاریخی جامعه را شکل می‌دهد.»

درک سرنوشت مشترک

این جامعه‌شناس درباره اصلی‌ترین متغیر جامعه‌شناختی که در چنین شرایطی مانع از فروپاشی روانی جامعه شده و انسجام ملی را حفظ می‌کند، می‌گوید: «اگر بخواهم فقط یک متغیر کلیدی را نام ببرم، آن متغیر احساس سرنوشت مشترک است؛ مفهومی که جامعه‌شناسان آن را یکی از بنیادی‌ترین عوامل شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در شرایط بحران می‌دانند.»

به گفته او، «زمانی که در جریان حملات، میان رزمنده و شهروند عادی تفاوتی قائل نمی‌شود و مراکز غیرنظامی آسیب می‌بینند، پیام روشنی به جامعه مخابره می‌شود مبنی بر اینکه همه اعضا در معرض یک تهدید واحد قرار دارند.»

آب‌روشن در توضیح این فرآیند می‌گوید: «در چنین وضعیتی، افراد به‌تدریج از منطق نجات فردی فاصله گرفته و به منطق بقای جمعی نزدیک می‌شوند، چون درمی‌یابند که امنیت شخصی بدون امنیت جامعه امکانپذیر نیست. حمله به غیرنظامیان که می‌توانست موجب هراس یا انفعال شود، در عمل احساس همدردی، مسئولیت مشترک و مشارکت اجتماعی را تقویت کرد.»

این جامعه‌شناس فرمول این تجربه را خلاصه می‌کند و می‌گوید: «هرگاه تهدید بیرونی، همه اعضای جامعه را به طور برابر هدف قرار دهد، احتمال شکل‌گیری هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و مقاومت جمعی افزایش می‌یابد.»

از تهدید بیرونی تا همگرایی درونی

نادر صادقیان، جامعه‌شناس معتقد است: «در شرایطی که جان غیرنظامیان و امنیت عمومی هدف قرار می‌گیرد، جامعه به طور طبیعی به سمت دفاع جمعی حرکت می‌کند و بسیاری از مرزها و شکاف‌های اجتماعی کمرنگ می‌شود. اما این همبستگی زمانی ماندگار خواهد بود که با اعتمادسازی، مشارکت اجتماعی و کاهش فشارهای داخلی همراه شود.»

صادقیان با اشاره به اثرات اجتماعی و روانی حملات نظامی آمریکا و دشمن صهیونی به غیرنظامیان می‌گوید: «نخستین واکنش هر انسانی، صیانت از خویشتن و دفاع از بقاست. همان‌طور که در سطح فردی، غریزه حفظ جان یکی از بنیادی‌ترین غرایز بشر است، در سطح جامعه هم هنگامی که موجودیت جمعی در معرض تهدید قرار می‌گیرد، این حس دفاعی به شکل جمعی فعال می‌شود.» صادقیان معتقد است: «در چنین موقعیتی، مسأله اصلی برای بخش بزرگی از جامعه، دفاع از جان، امنیت و کرامت جمعی است و همین موضوع می‌تواند زمینه‌ساز نوعی همگرایی و انسجام ملی شود.»

این جامعه‌شناس به نقش واکنش‌های عاطفی و روانی جمعی در زمان حمله به غیرنظامیان اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی مردم احساس کنند امنیت عمومی، جان شهروندان و موجودیت ملی در معرض تهدید قرار گرفته، نوعی واکنش جمعی شکل می‌گیرد. در چنین شرایطی، حتی گروه‌هایی که ممکن است پیش از آن با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند، حول یک دغدغه مشترک یعنی دفاع از جامعه و حفظ امنیت عمومی به هم نزدیک شوند.»

به گفته صادقیان، «شهادت یا آسیب دیدن مردم غیرنظامی، جامعه را با یک تجربه عاطفی مشترک روبه‌رو می‌کند؛ تجربه‌ای که می‌تواند احساس همدردی، خشم اخلاقی و ضرورت دفاع جمعی را تقویت کند. این وضعیت، مرزهای اجتماعی پیشین را موقتاً عقب می‌زند و نوعی «ما» جمعی را در برابر تهدید بیرونی برجسته می‌کند. در این حالت، جامعه بیش از آنکه بر تفاوت‌های داخلی متمرکز شود، بر آسیب مشترک و سرنوشت مشترک تأکید می‌کند.»

با این حال، صادقیان تأکید می‌کند، «تقویت انسجام ملی فقط با اشاره به تهدید بیرونی ممکن نیست و نیاز به همدلی، همراهی و همبستگی اجتماعی بیشتری دارد.»

به گفته این جامعه‌شناس، «افزایش رضایتمندی عمومی یکی از مؤلفه‌های مهم در تقویت همبستگی اجتماعی است.»

صادقیان با اشاره به برخی عوامل تضعیف‌کننده همبستگی اجتماعی می‌گوید: «مولفه های موثر در این موضوع باید شناسایی و کاهش داده شوند. تورم، گرانی، فساد، ناامیدی و سرخوردگی ازجمله عواملی هستند که انگیزه مشارکت اجتماعی را کاهش می‌دهند و به مرور می‌توانند اعتماد عمومی را تضعیف کنند. اما اگر این موانع داخلی کاهش پیدا کنند و فضا برای مشارکت اجتماعی بازتر شود، امکان افزایش همکاری، اعتماد و همگرایی عمومی هم بیشتر خواهد شد.»

صادقیان می‌گوید: « بخشی از موانع همبستگی اجتماعی، داخلی است و برای تقویت انسجام ملی باید این موانع را هم جدی گرفت.»

آب‌روشن: حمله به غیرنظامیان می‌تواند مرزهای طبقاتی، قومی و حتی بخشی از اختلافات سیاسی را به حاشیه براند و این پیام را منتقل کند که امنیت هیچ گروهی جدا از امنیت دیگران نیست

صادقیان: شهادت یا آسیب دیدن مردم غیرنظامی، جامعه را با یک تجربه عاطفی مشترک روبه‌رو می‌کند؛ تجربه‌ای که می‌تواند احساس همدردی، خشم اخلاقی و ضرورت دفاع جمعی را تقویت کند. این وضعیت، مرزهای اجتماعی پیشین را موقتاً عقب می‌زند و نوعی «ما» جمعی را در برابر تهدید بیرونی برجسته می‌کند

«ایران» چالش‌های الگوبرداری از قوانین اروپایی در لیگ برتر فوتبال را بررسی می‌کند

فوتبال بدهکار در قاب قانون

سینا حسینی / داستان قراردادهای نجومی بازیکنان و مربیان در فوتبال باشگاهی ایران، سال‌هاست به یکی از چالش‌های بحث‌برانگیز و در عین حال مزمن در فضای ورزشی کشور تبدیل شده است؛ معضلی ریشه‌دار که به‌رغم هشدارهای مکرر کارشناسان و صاحب‌نظران، نه‌تنها درمان نشده، بلکه با همان اشکالات ساختاری، هر سال تکرار می‌شود و ضربه‌ای جدی و جبران‌ناپذیر بر پیکره اقتصاد ورزش وارد می‌کند. تداوم این وضعیت درحالی است که در فوتبال حرفه‌ای جهان، چنین شیوه‌ای از هزینه‌کرد در عمل منسوخ شده و باشگاه‌ها دیگر اجازه ندارند همچون مصرف‌کنندگان بی‌ضابطه، بخش قابل توجهی از منابع بویژه منابع عمومی را صرف جذب بازیکن و مربی کنند.

فوتبال در دنیای امروز دیگر صرفاً یک رقابت ورزشی نیست، بلکه به صنعتی سودآور، پیچیده و ساختارمند تبدیل شده است. بسیاری از باشگاه‌ها با توسعه منابع مالی خود، توانسته‌اند سبد درآمدی‌شان را در هر فصل نسبت به فصل قبل افزایش دهند و در نتیجه، سهامداران و هواداران خود را با جهش‌های اقتصادی چشمگیر مواجه سازند. در مقابل، فوتبال ایران نه‌تنها از چنین روندی بی‌بهره مانده، بلکه این مسیر بیش از آن‌که یک هدف قابل تحقق باشد، به رویایی دور از دسترس و حتی محال شباهت یافته است؛ گویی اساساً اراده‌ای جدی برای حرکت در این مسیر وجود ندارد.

قوانین حاکم بر فوتبال اروپا به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که باشگاه‌های حرفه‌ای را پیش از هر چیز ملزم به دستیابی به سطحی قابل قبول از درآمدزایی می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که بدون تحقق این موضوع و یک چشم‌انداز مشخص، اساساً امکان ادامه فعالیت برای آنان فراهم نیست. در این میان، قانون فیرپلی مالی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای نظارتی، مدیران و سرمایه‌گذاران باشگاه‌ها را ناگزیر ساخته تا به‌جای اتکا به منابع بیرونی، به تدوین و اجرای برنامه‌های اقتصادی هدفمند روی آورند. براساس این قانون، باشگاه‌ها موظف‌اند تراز مالی مثبت داشته باشند و هزینه‌های خود را در چارچوب درآمدهای واقعی تنظیم کنند. یوفا نیز با اعمال نظارت‌های سختگیرانه، باشگاه‌های متخلف را با مجازات‌هایی نظیر جریمه نقدی، محدودیت در نقل‌وانتقالات، کسر امتیاز یا حتی حذف از رقابت‌های اروپایی مواجه می‌کند. این سازوکار در عمل راه هرگونه ولخرجی بی‌ضابطه را مسدود کرده و باشگاه‌ها را به سمت خودکفایی و درآمدزایی پایدار سوق داده است.

اجرای نسبتاً موفق این قانون در فوتبال اروپا، قانونگذاران فوتبال ایران را نیز به فکر الگوبرداری از آن انداخت؛ تلاشی که پس از ناکامی تجربه‌هایی نظیر سقف قرارداد، سقف بودجه و سایر سیاست‌های بازدارنده، به‌عنوان راه‌حلی به‌ظاهر ایده‌آل برای مهار ریخت‌وپاش‌های باشگاه‌های خصولتی مطرح شد. در همین چارچوب، رئیس فدراسیون فوتبال پیش از آغاز فصل بیست‌وششم لیگ برتر اعلام کرد که قانون فیرپلی مالی در فوتبال ایران نیز به اجرا درخواهد آمد.

ولی مسأله اصلی نه در «اعلام» این قانون، بلکه در «امکان اجرای واقعی» آن پنهان شده است. پرسش اساسی اینجاست که آیا فوتبال باشگاهی ایران، با ساختار عمیقاً مصرف‌گرای کنونی، اساساً ظرفیت اجرای هدفمند چنین قانونی را دارد؟ یا این طرح نیز همچون بسیاری از تصمیمات شتاب‌زده و مقطعی سال‌های اخیر، از پیش محکوم به شکست است؟

واقعیت انکارناپذیر آن است که کارآمدی چنین قانونی در گرو استقرار نظام مدیریتی کاربلد، قانون‌مدار و شفاف است و مطمئناً در غیاب شفافیت مالی و پاسخگویی در عملکرد اقتصادی باشگاه‌ها، اجرای این قانون نه‌تنها ثمربخش نخواهد بود، بلکه به نمایشی ناکام، مشابه تجربه‌های پیشین، تبدیل خواهد شد. در شرایطی که از میان ۱۸ باشگاه حاضر در رقابت‌های لیگ بیست‌وششم، تنها ۴ باشگاه به‌صورت واقعی خصوصی اداره می‌شوند و ۱۴ باشگاه دیگر همچنان وابسته به منابع عمومی‌اند، چگونه می‌توان انتظار موفقیت چنین طرحی را داشت؟ تجربه نشان داده است که باشگاه‌های متکی به منابع عمومی، نه‌تنها از شفافیت مالی برخوردار نیستند، بلکه سازوکار هزینه‌کرد آنها نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و معمولاً هیچ تصویر روشنی از عملکرد مالی‌شان در دسترس نیست.

از سوی دیگر، نبود درآمد پایدار در باشگاه‌های ایرانی، یکی از مهم‌ترین موانع ساختاری در مسیر اجرای این قانون به شمار می‌رود. باشگاهی که اساساً فاقد مدل درآمدی مشخص است، چگونه می‌تواند هزینه‌های خود را بر مبنای درآمد تنظیم کند؟ این تناقض بنیادین، به‌تنهایی نشان‌دهنده شکاف عمیق میان واقعیت فوتبال ایران و الزامات فیرپلی مالی است.

براین اساس، پیش از هرگونه شتاب‌زدگی در اجرای قوانین بازدارنده‌ای چون فیرپلی مالی، ضروری است زیرساخت‌های لازم فراهم شود. خصوصی‌سازی واقعی باشگاه‌ها، ایجاد شفافیت در نظام مالی، تعریف منابع درآمدی پایدار و تعیین تکلیف بدهی‌های انباشته، پیش‌شرط‌هایی هستند که بدون تحقق آنها، اجرای چنین قوانینی نه‌تنها کارآمد نخواهد بود، بلکه به سرنوشت سایر طرح‌های ناکام دچار خواهد شد. درغیراین صورت، این قانون نیز صرفاً به اقدامی نمایشی دیگر تبدیل می‌شود که نه‌تنها گرهی از مشکلات فوتبال ایران نمی‌گشاید، بلکه خود به معضلی تازه در مسیر این ورزش تبدیل خواهد شد.

چرا برخی باشگاه‌ها در اروپا همیشه برنده‌اند؟

وقتی پول، ماشین قدرت می‌شود

گروه ورزشی/ افزایش کیفیت لیگ‌های معتبر اروپایی را نمی‌توان جدا از رشد ساختارهای درآمدزایی باشگاه‌ها تحلیل کرد؛ جریانی که تحت‌تأثیر قانون «فیرپلی مالی» یوفا، به بازتعریف الگوهای اقتصادی در فوتبال منجر شده است. در این میان، برخی باشگاه‌ها توانسته‌اند با مدیریت هوشمندانه منابع مالی و توسعه درآمدهای پایدار، به الگوهای موفق تبدیل شوند و در مقابل، برخی دیگر به دلیل ناهماهنگی میان هزینه و درآمد، با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند.

در میان باشگاه‌های موفق، می‌توان به رئال‌مادرید و بارسلونا در لالیگا اشاره کرد که با تکیه بر برند جهانی، درآمدهای کلان از محل حق پخش، اسپانسرینگ و توسعه بازارهای بین‌المللی، همواره در صدر درآمدزاترین باشگاه‌های جهان قرار دارند. در لیگ برتر انگلستان، منچستریونایتد و منچسترسیتی نمونه‌های بارز موفقیت اقتصادی در حوزه باشگاهداری فوتبال به شمار می‌روند؛ سران یونایتد با اتکا به میراث تاریخی و قدرت برند و مدیران سیتی با سرمایه‌گذاری هدفمند و هم‌راستا با قوانین فیرپلی مالی، برنده این بازی بزرگ بوده‌اند. در بوندس‌لیگا نیز بایرن‌مونیخ با ساختار مدیریتی منسجم و درآمدهای تجاری گسترده، نمونه‌ای از توازن میان موفقیت ورزشی و پایداری مالی است. همچنین پاری‌سن‌ژرمن در فرانسه با وجود اتکا به سرمایه‌گذاری خارجی، تلاش کرده است با افزایش درآمدهای تجاری، خود را با الزامات یوفا تطبیق دهد.

در مقابل، باشگاه‌هایی نیز در قاره سبز وجود دارند که در مدیریت مالی ناموفق عمل کرده و از این بابت نقره‌داغ شده‌اند. بارسلونا در سال‌های اخیر با بدهی‌های سنگین و قراردادهای پرهزینه بازیکنان، به نمادی از بحران مالی تبدیل و ناچار به فروش دارایی‌ها و کاهش دستمزدها شده است. در ایتالیا، یوونتوس با وجود موفقیت‌های ورزشی، به دلیل هزینه‌های بالا و پرونده‌های مالی، با محدودیت‌های فراوانی مواجه است. همچنین باشگاه‌هایی مانند اورتون در لیگ برتر انگلستان یا بوردو در فرانسه، به

دلیل عدم تعادل میان هزینه و درآمد و ضعف در جذب منابع پایدار، با خطرات جدی مالی و حتی سقوط به دسته پایین‌تر روبه‌رو هستند.

تجربه باشگاه‌های اروپایی نشان می‌دهد فیرپلی مالی، بیش از آنکه مانعی برای هزینه‌کرد باشد، ابزاری برای هدایت باشگاه‌ها به سوی اقتصادی پایدار است. موفقیت در این مسیر، مستلزم ایجاد تعادل میان جاه‌طلبی‌های ورزشی و واقعیت‌های اقتصادی است؛ تعادلی که تنها با مدیریت حرفه‌ای و نگاهی بلندمدت حاصل می‌شود.

داستان موفقیت قانون فیرپلی مالی در قاره سبز

باشگاهداری بدون بدهی!

گروه ورزشی/ اجرای قانون «فیرپلی مالی» در فوتبال اروپا را می‌توان یک اتفاق تاریخی در گذار از مدیریت سنتی و هزینه‌محور به حکمرانی اقتصادی مبتنی بر شفافیت و پایداری دانست. این قانون با هدف ایجاد تعادل میان درآمد و هزینه، جلوگیری از بدهی‌های انباشته و ارتقای پاسخگویی مالی، باشگاه‌ها را ملزم کرد فعالیت‌های اقتصادی خود را در چارچوبی قابل نظارت و سنجش سامان دهند.

آمار و داده‌های رسمی منتشر شده از سوی یوفا نشان می‌دهد پس از اجرای این سیاست، زیان عملیاتی باشگاه‌ها به شکل محسوسی کاهش یافته و نسبت دستمزد به درآمد به سطح منطقی‌تری رسیده است. باشگاه‌ها به جای اتکا به سرمایه‌گذاری‌های نامحدود مالکان، به سمت توسعه منابع درآمدی پایدار از جمله حق پخش، اسپانسرینگ و تجاری‌سازی برند حرکت کردند. این تغییر رویکرد، علاوه بر افزایش شفافیت، موجب تقویت اعتماد هواداران و ارتقای کیفیت مدیریت مالی شد. اهمیت این قانون زمانی ملموس‌تر می‌شود که یوفا، باشگاه‌هایی را که نسبت به رعایت این قانون بی‌تفاوت بودند، با جرایم سنگین مواجه کرده است تا از طریق برخوردهای انضباطی، همه باشگاه‌ها را به رعایت دقیق آن ملزم سازد. تاکنون باشگاه‌هایی مانند پاری‌سن‌ژرمن و منچسترسیتی به دلیل نقض مقررات مالی با جریمه‌های سنگین و محدودیت در نقل و انتقالات مواجه شده‌اند. همچنین آث‌میلان به‌طور موقت از رقابت‌های اروپایی کنار گذاشته شد و باشگاه‌هایی چون اینترمیلان و آ.اس.رم ناچار به پذیرش توافق‌های اصلاحی با یوفا شدند. این نمونه‌ها نشان می‌دهد فیرپلی مالی نه یک توصیه، بلکه ابزاری الزام‌آور برای اصلاح رفتار اقتصادی در فوتبال است. در مقابل، فوتبال باشگاهی ایران با نبود سازوکارهای مشابه، با چالش‌هایی جدی روبه‌رو است. وابستگی به منابع عمومی، نبود شفافیت مالی، هزینه‌کردهای غیرهدفمند و بدهی‌های انباشته، ساختار اقتصادی باشگاه‌ها را شکننده کرده است. در چنین شرایطی، نه‌تنها ارزیابی عملکرد مدیران دشوار است، بلکه پایداری مالی نیز با تردیدهای جدی مواجه می‌شود.

الگوگیری هدفمند از فیرپلی مالی می‌تواند مسیر اصلاح اقتصاد فوتبال ایران را هموار کند. الزام به شفافیت، کنترل هزینه‌ها، توسعه درآمدهای پایدار و حرفه‌ای‌سازی مدیریت، از جمله دستاوردهای بالقوه این رویکرد است. تجربه اروپا نشان می‌دهد هرچند این مسیر ممکن است در کوتاه‌مدت با محدودیت‌هایی همراه باشد، اما در بلندمدت به تعادل، اعتماد و رشد پایدار در فوتبال منجر خواهد شد.

سوژه

آیا فیرپلی مالی، فوتبال ایران را متحول می‌کند؟

گرفتاری بزرگ آبی و قرمز

گروه ورزشی/ اگر قانون «فیرپلی مالی» به صورت هدفمند، دقیق و قانونمند در فوتبال ایران اجرا شود، طبیعتاً بسیاری از باشگاه‌های حاضر در لیگ برتر قادر نخواهند بود موقعیت فعلی خود را به شکل پایدار و بدون تغییر حفظ کنند. در چنین شرایطی، امکان جذب و به‌کارگیری بازیکنان گرانقیمت نیز به‌شدت محدود خواهد شد. با نگاهی گذرا به وضعیت مالی و درآمدی باشگاه‌های فوتبال ایران، به وضوح درمی‌یابیم که در اکثریت قریب به اتفاق باشگاه‌ها خبری از درآمدهای پایدار، شفاف و مبتنی بر استانداردهای اقتصادی نیست. انبوه پرونده‌های حقوقی باشگاه‌ها در کمیته تعیین وضعیت فدراسیون فوتبال و سایر ارکان قضایی که عمدتاً ناشی از شکایات مربیان و بازیکنان سابق است، به‌خوبی نشان می‌دهد که وضعیت مالی باشگاه‌ها نه‌تنها رضایت‌بخش نیست، بلکه در بسیاری از موارد نگران‌کننده است. در این میان، باشگاه‌های بزرگی همچون استقلال و پرسپولیس نیز به‌عنوان نمادهای فوتبال ایران، سال‌هاست با پرونده‌های متعدد مالی، بدهی‌های انباشته و محکومیت‌های بین‌المللی دست و پنجه نرم می‌کنند؛ موضوعی که نه‌تنها اعتبار این باشگاه‌ها را خدشه‌دار کرده، بلکه نشان‌دهنده عمق چالش ساختاری در مدیریت مالی فوتبال باشگاهی کشور است. بر این اساس، نمی‌توان باشگاه‌های بدهکار و گرفتار در تعهدات مالی معوق را در زمره باشگاه‌های موفق اقتصادی قرار داد. از سوی دیگر، نبود شفافیت در قراردادهای بازیکنان و مربیان یکی از چالش‌های اساسی فوتبال ایران است؛ چالشی که هیچ سنخیتی با سازوکارهای سختگیرانه و شفاف فیرپلی مالی در اروپا ندارد. این عدم شفافیت صرفاً به قراردادها محدود نمی‌شود، بلکه عدم انتشار عمومی صورت‌های مالی، نبود گزارش‌های به‌روز از بدهی‌ها و درآمدها و فقدان دسترسی افکارعمومی به اطلاعات مالی باشگاه‌ها نیز بر پیچیدگی این معضل اضافه کرده است. هرچند برخی مدیران باشگاه‌ها از جمله مدیران عامل استقلال و پرسپولیس، مدعی شفافیت عملکرد مالی هستند، اما در عمل سند معتبر و قابل اتکایی برای اثبات این ادعاها ارائه نمی‌شود و تناقض میان اظهارات رسمی و واقعیت‌های موجود، اعتماد عمومی را بیش از پیش تضعیف کرده است. علاوه بر این، وضعیت مبهم باشگاه‌ها در فرآیند اخذ مجوز حرفه‌ای، وجود ایرادات متعدد در پرونده‌های مالی و نبود ترازنامه‌های استاندارد و حسابرسی‌شده، موجب شده است بسیاری از باشگاه‌ها در مسیر دریافت این مجوز با چالش‌های جدی و بعضاً بازدارنده مواجه شوند. تجربه سال‌های اخیر نیز نشان داده است حتی باشگاه‌های بزرگی مانند استقلال و پرسپولیس بارها به دلیل همین نارسایی‌های مالی و مدیریتی در آستانه محرومیت از رقابت‌های بین‌المللی قرار گرفته‌اند؛ هشداری جدی که همچنان به‌طور کامل جدی گرفته نشده است. در کنار این مسائل، باید به وابستگی گسترده بسیاری از باشگاه‌ها به منابع عمومی یا خصولتی اشاره کرد؛ موضوعی که در عمل استقلال مالی باشگاه‌ها را زیر سؤال برده و آنها را از حرکت به سمت مدل‌های حرفه‌ای بازداشته است. همچنین نبود زیرساخت‌های مناسب برای درآمدزایی پایدار از جمله حق پخش تلویزیونی شفاف، بازاریابی حرفه‌ای، فروش مؤثر محصولات هواداری و توسعه برند باشگاهی باعث شده باشگاه‌ها برای بقا، به منابع ناپایدار و بعضاً غیرشفاف متکی بمانند. بی تردید تا زمانی که اصلاحات ساختاری در حوزه مدیریت، شفافیت مالی، پاسخگویی و نظام درآمدی باشگاه‌ها به‌طور جدی در دستور کار قرار نگیرد، اجرای فیرپلی مالی نه‌تنها دشوار، بلکه در عمل غیرممکن خواهد بود. در چنین شرایطی، حتی پرهوادارترین و پرافتخارترین باشگاه‌های ایران نیز از چرخه معیوب بدهی، بی‌ثباتی و ناموفق در امان نخواهند ماند و فوتبال ایران همچنان هزینه این معضل مزمن را پرداخت خواهد کرد.

آگهی مناقصه عمومی

شرکت شیر پاستوریزه پگاه زنجان در نظر دارد مواد بسته‌بندی مورد نیاز شش ماهه خود را که شامل انواع:

ردیف	نام کالا	توضیحات
۱	کارتن	انواع سینی دایکاتی، کارتنک، کارتن معمولی ولمینت
۲	سینی سلولزی	انواع سینی ۶ و ۱۲ تایی
۳	سینی پلاستیکی	در ابعاد۲۸،۵*۲۸،۵
۴	نوار کره	قالب ۱۰-۱۰۰-۵۰-۱۵ گرمی
۵	فویل	دهانه ۱۱۰ پلی اتیلن/ دهانه ۹۵/۷۵/۱۲۵/ PP و CPP
۶	بطری	دهانه ۲۸، بطری‌های ۲۵۰ و ۱،۵۰۰ گرمی بطری یک لیتری دهانه ۳۸
۷	درب بطری	دهانه۳۸ و ۲۸ در رنگ‌های مختلف(آب بند)
۸	برچسب	پشت چسب‌دار رولی در اندازه ۷،۵ *۸،۵
۹	نی	پایه ۸۰ و ۱۰۰
۱۰	دبه	با درب و دسته برای محصولات ۲۰۰۰ و ۱،۶۰۰ گرمی
۱۱	لیبل OPP	صدفی
۱۲	سطل IML	سطل گرد برای محصولات ۱،۵۰۰ و ۹۰۰ گرمی
۱۳	لیوان IML	برای محصولات ۱۳۰ گرمی
۱۴	نایلون پری پک	برای محصولات ۸۰۰ و ۲،۰۰۰ و ۳،۵۰۰ گرمی
۱۵	شیشه کشک	۵۰۰گرم و ۲۵۰ گرمی با دهانه ۶۵
۱۶	پاکت‌های استریل	پاکت‌های ۲۵۰ و ۲۰۰ گرمی بیس و اسلیم
۱۷	لیوان pp	لیوان ۱۰۰ و ۲۵۰ و ۵۰۰ با دهانه ۹۵، لیوان ۷۰۰ و ۹۰۰ و ۴۰۰ با دهانه ۱۲۵
۱۸	نایلون شیرینگ	در عرض‌ها و ضخامت‌های مختلف

می‌باشد از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا داوطلبین شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی به‌مدت ده روز جهت دریافت برگ شرایط مناقصه به آدرس زیر مراجعه نمایند.
آدرس شرکت: زنجان - خیابان پروین اعتصامی- شرکت شیر پاستوریزه پگاه زنجان
https://pegah.ir/news/category/ مناقصه‌ها
http://zanjan.pegah.ir - بخش درگاه شفافیت- مناقصه‌ها
شماره تلفن تماس: (داخلی ۱۱۳) ۹-۰۲۴-۳۳۷۷۰۰۷۵ - تلفکس ۰۲۴-۳۳۷۸۸۰۶۰
شرکت شیر پاستوریزه پگاه زنجان

مناقصه اجرای تاسیسات برقی پروژه پدیدار
گروه توسعه ساختمان تدبیر
رویاساختمان آریا

شرکت رویا ساختمان آریا (سهامی خاص) در نظر دارد دستمزد اجرای کامل، تست و راه اندازی تاسیسات الکتریکال پروژه پدیدار با مساحت ۹۱۰۴ مترمربع واقع در تهران، بلوار آفریقا، نبش خیابان پدیدار، ساختمان در حال ساخت با شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مناقصه، به اشخاص حقوقی ذیصلاح واگذار نماید، لذا از اشخاص واجد شرایط که با در اختیار داشتن امکانات فنی و مالی، توانایی انجام موضوع مناقصه را دارا می باشند، دعوت می نماید جهت کسب اطلاعات بیشتر و خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ (به غیر از پنج شنبه ها و ایام تعطیل) از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۶:۰۰ به آدرس: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، خیابان شمس لاهیجانی، بن بست ۱۲، پلاک۷، طبقه اول، شماره تلفن: ۸۴۳۴۸ (داخلی ۳۱۷) مراجعه و یا تماس حاصل نمایند.

- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بوده که بصورت ضمانت نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز به شماره حساب شرکت رویا ساختمان آریا میسر می باشد.
- سایر شرایط در اسناد مناقصه بطور کامل درج شده است.
- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهادی، ساعت ۱۵:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ می باشد.
- این شرکت در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است و به پیشنهادهای مبهم، مخدوش، مشروط، ناقص و یا پیشنهاداتی که پس از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر نخواهد شد.
- هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

www.arc.co.ir www.tcdgroup.ir

آگهی مناقصه عمومی

شرکت شیر پاستوریزه پگاه زنجان در نظر دارد مواد اولیه مورد نیاز شش ماهه خود را که شامل انواع:

ردیف	نام کالا	توضیحات
۱	استابلایزر	خامه و ماست
۲	استارتر	خامه و ماست
۳	شکر	بدون گلوخه
۴	پودر کاکائو	Cargill- Gerkens-DB 82، DF 780-11-Barry، Indcresa- PV_6 و Cargill- gerkens-GT50
۵	موسیر پرک	پرک خشک شده حداکثر رطوبت ۵ درصد
۶	اسانس دوغ	با طعم نعناع
۷	اسید نیتریک	با خلوص ۶۵ درصد
۸	سود پرک	با خلوص ۹۸ درصد
۹	آب اکسیژنه	مواد غذایی با خلوص ۳۵درصد
۱۰	خامه فله	چربی ۴۰ درصد
۱۱	کره و روغن گیاهی	چربی ۹۹،۵ درصد
۱۲	نمک	نمک طعام و آبرسانی

می باشد از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا داوطلبین شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی به‌مدت ده روز جهت دریافت برگ شرایط مناقصه به آدرس زیر مراجعه نمایند.
آدرس شرکت: زنجان - خیابان پروین اعتصامی- شرکت شیر پاستوریزه پگاه زنجان
https://pegah.ir/news/category/ مناقصه‌ها
http://zanjan.pegah.ir - بخش درگاه شفافیت- مناقصه ها
شماره تلفن تماس: (داخلی ۱۱۳) ۹-۰۲۴-۳۳۷۷۰۰۷۵ - تلفکس ۰۲۴-۳۳۷۸۸۰۶۰
شرکت شیر پاستوریزه پگاه زنجان

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
مشاور و مجری
کلیه خدمات چاپی
چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴/۵ ورقی/برش و تاکنی
روزنامه
۸۴۷۱۱۵۰۵-۷
آدرس دفتر:
تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸
آدرس چاپخانه:
چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

گزارش «ایران» از امانتداران حقیقت در دنیای رنگارنگ رسانه

راویانی که کسی روایتشان نمی‌کند

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

خبرنگاری، بیش از آنکه یک «شغل» باشد، یک بی‌قراری زیباست که فرد را وا می‌دارد تا در آستانه رویدادها و حوادث بایستد، تپش‌های قلب جهان را لمس کند و روایتگر دردها باشد. شغل خبرنگاری، بیش از آنکه یک حرفه باشد، یک «زیستن ناآرام» است؛ ترکیبی است از عشق، خشم، کنجکاوی و دردی که هرگز التیام پیدا نمی‌کند. نوشتن از این حرفه، حرکت روی لبه تیغ است؛ جایی که حقیقت، در میان غبار رخدادها، پنهان شده و خبرنگاران تنها کسانی هستند که وظیفه دارند آن را بیرون بکشند، حتی اگر به قیمت سوختن خودشان تمام شود. برای یک خبرنگار، صبح‌ها با آرامش آغاز نمی‌شود؛ روز با صدای لرزش گوشی یا هجوم سیل‌آسای خبرها در شبکه‌های اجتماعی شروع می‌شود. آنها اولین کسانی هستند که با فاجعه‌ها، جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌ها روبه‌رو می‌شوند و آخرین کسانی هستند که وقتی همه چیز تمام می‌شود، در خلوت خود با سنگینی همه چیزهایی که دیده‌اند، کلنجار می‌روند. چشمان آنها در میان بحرانها باز است. آن زمان که پشت دوربین یا لپ‌تاپ می‌نشینند، تنها نیستند، آنها حامل رنج مادری هستند که در مدرسه شجره طیبه میناب فرزندش را از دست داده، صدای ضعیف کارگری هستند که با حقوق اندکش امید را زمزمه می‌کند، فریاد خاموش مردمی هستند که صدایشان در دنیای رسانه‌های رنگارنگ به جایی نمی‌رسد. شغلشان، بار امانتی سنگین را بر شانه‌هایشان گذاشته است آنها امانتداران حقیقت هستند.

در کنار همه این شکوه‌ها، یک تنهایی عمیق هم هست، خبرنگاری، حرفه «فراموش‌شدن» است. آنها روایت می‌کنند، تحلیل می‌کنند و تصویر می‌سازند تا دیگران آگاه شوند، اما خودشان در سایه‌ها باقی می‌مانند. وقتی خبر منتشر می‌شود، همه درباره «موضوع» حرف می‌زنند، اما کسی نمی‌پرسد آن که این گزارش را تهیه کرده، چه مشکلاتی را پشت سر گذاشته تا این کلمات ساده را کنار هم بچیند؟ با این حال، خبرنگاری یک اعتیاد مقدس است. چون هیچ لذتی بالاتر از این نیست که بدانید یک گزارش یا یک پیگیری مداوم، توانسته است تغییری ایجاد کند؛ حتی اگر آن تغییر در حد باز شدن گره از کار یک انسان درمانده باشد. همین بارقه‌های کوچک امید است که باعث می‌شود خبرنگاران، با وجود تمام زخم‌ها، باز هم فردا به میدان برگردند. چون خبرنگاری یعنی درک این نکته که دنیا، بی‌رحم است و آنها در این دنیای بی‌رحم، تنها ابزاری برای ثبت انسانیت هستند.

اما امسال روز خبرنگار با همه روزهای گذشته فرق می‌کند. محمدرضا نوروزپور معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در یادداشتی روز خبرنگار امسال را توصیف کرده است: «روز خبرنگار امسال در حالی فرا می‌رسد که جامعه رسانه‌ای ایران، یکی از دشوارترین و در عین حال پرافتخارترین دوره‌های فعالیت حرفه‌ای خود را پشت سر گذاشته است؛ از جنگ ۱۲روزه تا جنگ رمضان، از شهادت رهبر معظم انقلاب و جمعی از فرماندهان، دانشمندان، مردم بی‌گناه و اصحاب رسانه تا ایستادگی کم‌نظیر ملت ایران در برابر تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی.

در این روزهای سخت، خبرنگاران، عکاسان، تصویربرداران، دبیران، سردبیران و دیگر فعالان رسانه‌ای کشور، همپای مردم در میدان ماندند. آنان زیر آسمان ناامن، در مراکز درمانی، میان آوارها، در کنار خانواده‌های داغدار، در آیین‌های باشکوه وداع و تشییع رهبر شهید و سایر شهدای جنگ رمضان و در متن زندگی جاری مردم، مسئولیت «روایت ایران» را بر دوش کشیدند؛ واقعیت تجاوز را به تصویر درآوردند، رنج و مظلومیت ملت را بازتاب دادند، شکوه مقاومت ملی را ثبت کردند و اجازه ندادند حقیقت ایران در هیاهوی عملیات روانی و روایت‌های تحریف‌شده دشمن گم شود.»

خبرنگاری سبک زندگی است

کار روزنامه‌نگاری و خبرنگاری، بویژه در محیط‌های پرتنش، یکی از سخت‌ترین و در عین حال حیاتی‌ترین مشاغل دنیاست. بسیاری از خبرنگاران به شکل پروژه‌ای یا با قراردادهای موقت و بدون بیمه کار می‌کنند. این وضعیت باعث می‌شود آنها در برابر کارفرما بسیار آسیب‌پذیر باشند، مریم دو سالی است که خبرنگاری را در یکی از خبرگزاری‌های معتبر شروع کرده است اما بیمه ندارد، او می‌گوید: «در اکثر کشورها، میانگین حقوق خبرنگاران نسبت به استرس و ساعات کاری نامنظم‌شان بسیار پایین است. بسیاری از آنها برای گذران زندگی ناچار به داشتن شغل دوم هستند، از صبح تا بعد از ظهر مدام در حال رفت و آمد هستیم، اما حقوقمان بسیار کم است به همین دلیل است که بیشتر خبرنگاران جوان ترجیح می‌دهند به جای کار خبری جذب روابط عمومی‌ها شوند.» خبرنگاران مدام با اخبار تلخ، بحران‌ها، جنگ‌ها، و رنج انسان‌ها در ارتباط هستند، روانشناسان معتقدند شنیدن و دیدن مداوم اخبار ناگوار به مرور باعث بروز افسردگی و استرس‌های پس از سانحه در خبرنگاران می‌شود. با این اوصاف بسیاری از خبرنگاران معتقدند خبرنگاری یک شغل نیست، یک سبک زندگی است. اما بسیاری از این افراد وقتی این سبک زندگی با بی‌مهری، ناامنی و نادیده گرفته شدن همراه می‌شود، دچار فرسودگی می‌شوند. به همین دلیل بسیاری از خبرنگاران پس از سال‌ها کار، نه به دلیل کمبود عشق به حرفه‌شان، بلکه به دلیل خستگی مزمن ناشی از جنگیدن برای ساده‌ترین حقوق خود، ناچار به تغییر مسیر می‌شوند. حسین سال‌ها کار خبری انجام داده و امروز با اینکه کارمند روابط عمومی است، اما همچنان خودش را خبرنگار می‌داند او می‌گوید: «خبرنگاری شغلی ۲۴ ساعته است دائم باید حواست به اخبار باشد، ثبات شغلی هم که ندارد، باید می‌توانستم از پس هزینه‌های خانواده بر بیاییم برای همین کاری که عاشقش بودم را ترک کردم و برای رسیدن به ثبات شغلی کار در روابط عمومی را انتخاب کردم.»

> معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: در این روزهای سخت، خبرنگاران، عکاسان، تصویربرداران، دبیران، سردبیران و دیگر فعالان رسانه‌ای کشور، همپای مردم در میدان ماندند. آنان زیر آسمان ناامن، در مراکز درمانی، میان آوارها، در کنار خانواده‌های داغدار، در آیین‌های باشکوه وداع و تشییع رهبر شهید و سایر شهدای جنگ رمضان و در متن زندگی جاری مردم، مسئولیت «روایت ایران» را بر دوش کشیدند

مرز باریک خبر و خطر

لیلی خرسند، روزنامه‌نگار باسابقه در حوزه ورزش، درباره دشواری‌های کار خبر در یک سال گذشته می‌گوید: «از خرداد سال گذشته تا امروز، جامعه خبری ما درگیر چالش هایی بود که شاید کمتر قشری به این گستردگی تجربه‌اش کرده است. در یک سال گذشته برخلاف مشاغلی که امکان دور ماندن از فضای تنش‌زا را داشتند، خبرنگاران در کنار کادر درمان و نیروهای امدادی، خط مقدم هر رویداد بودند.»

او توضیح می‌دهد: «تفاوت جنگ‌های امروزی مثل جنگ تحمیلی آمریکا و دشمن صهیونی علیه ایران با گذشته مثل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در این است که دیگر خبری از تفکیک میدان نبرد و امنیت خانه نیست؛ همه‌چیز در هم تنیده شده است. یعنی خبرنگار امروز، در حالی که عزیزترین‌هایش در معرض خطر هستند، باید از همان محله و از میان همان دردها، خبر تهیه کند.»

خرسند با اشاره به تفاوت بنیادین شرایط فعلی با دوران هشت سال دفاع مقدس می‌گوید: «در جنگ تحمیلی، مرزها مشخص بود، اما امروز تمام کشور درگیر جنگ است. خبرنگاران ما در ایام جنگ رمضان علاوه بر استرس کاری و فشار ۲۴ ساعته برای آنلاین بودن، با یک آسیب عمیق انسانی مواجه بودند؛ آنها باید مرگ همسایه، دوست و فامیل را روایت می‌کردند. این پای کار بودن در حالی که خودت هم آسیب‌دیده‌ای، فرسایشی‌ترین بخش این حرفه در این یک سال گذشته بوده است.» خرسند به وضعیت کنشگری و نقد در دولت فعلی اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر از منظر آزادی انتقاد به وضعیت خبرنگاران نگاه کنیم، شرایط نسبت به دوره‌های قبل تغییر ملموسی نداشته است. هرچند که در فضای عمومی، جسارت نقد دولت و مسئولان افزایش یافته و مردم یا فعالان راحت‌تر از قبل انتقاد می‌کنند. انتقادپذیری هنوز به یک فرهنگ نهادینه تبدیل نشده و خبرنگاران همچنان میان وظیفه اطلاع‌رسانی و محدودیت‌های ساختاری در تلاطم هستند.»

حقیقت رایگان به دست نمی‌آید

برش

خبرنگاری، حرفه روزهای معمولی نیست، حرفه روزهای سخت است. انگار تقدیر این حرفه با بحران، حادثه، سوگ و التهاب گره خورده است. خبرنگار وقتی بیشتر دیده می‌شود که جهان از مدار عادی خارج شده باشد، وقتی آژیرها بلندتر از موسیقی‌اند، وقتی تیترها بوی باروت می‌دهند، وقتی مردم بیش از هر زمان دیگری به حقیقت نیاز دارند. یک سال گذشته، برای خبرنگاران، سالی از جنس آزمون بود. دو جنگ را از سر گذراندیم که سایه‌شان بر زندگی، روان و معیشت مردم سنگینی کرد. در کنار آن، فشارهای اقتصادی، تنگ‌تر شدن دایره معاش و فرسودگی ناشی از کار مداوم، بار دیگری بود که بر دوش خبرنگاران نشست. آنها باید هم شاهد رنج مردم می‌بودند و هم راوی آن، هم نگران نان خود و هم صدای کسانی که نانشان کوچک‌تر شده است. خبرنگار، شغلش دیدن است، دیدن آنچه دیگران از کنارش عبور می‌کنند. شنیدن صدایی که در هیاهوی اخبار گم می‌شود و ثبت حقیقتی که ممکن است فردا به دست فراموشی سپرده شود. او راوی غم‌هاست، روایتگر شادی‌ها، شاهد شکست‌ها و امیدها. اما تناقض تلخ ماجرا اینجاست که کمتر کسی از خود او می‌پرسد: حال راوی چگونه است؟

در میان انبوه گزارش‌ها، گفت‌وگوها و خبرها، زندگی خود خبرنگار اغلب به حاشیه رانده می‌شود. اضطراب‌هایش تیتر نمی‌شوند، خستگی‌هایش سوژه نیستند، دغدغه‌های معیشتی‌اش خبر فوری محسوب نمی‌شوند و فرسودگی روحی‌اش در هیچ بولتنی منتشر نمی‌شود. او روایت می‌کند، اما روایت نمی‌شود.

روز خبرنگار، فقط روز تبریک گفتن به صاحبان قلم و دوربین و ضبط صوت نیست، فرصتی است برای به یادآوردن اینکه حقیقت، همیشه رایگان به دست نمی‌آید. پشت هر خبر، ساعت‌ها جست‌وجو، نگرانی، مسئولیت و گاه از خودگذشتگی خوابیده است. خبرنگار، تنها ناقل خبر نیست، حافظ حافظه جمعی جامعه است. اگر او نباشد، بسیاری از رنج‌ها دیده نمی‌شوند، بسیاری از شادی‌ها ثبت نمی‌شوند و بسیاری از حقیقت‌ها در سکوت دفن خواهند شد. شاید بزرگ‌ترین مطالبه خبرنگاران، نه تقدیرهای مناسبتی، که امنیت شغلی، آرامش معیشتی و احترام حرفه‌ای باشد. جامعه‌ای که از خبرنگار انتظار دارد در سخت‌ترین روزها کنار مردم بایستد، باید در روزهای سخت او نیز کنارش بایستد. روز خبرنگار، یادآور این حقیقت است که راویان رنج مردم، خود نیز رنج‌هایی دارند که کمتر کسی روایتشان می‌کند. و شاید مهم‌ترین ادای دین به این حرفه، شنیدن صدای همان کسانی باشد که سال‌ها صدای دیگران بوده‌اند.

ایران زمین

فرماندار بندرخمیر، روند بازسازی نقاط آسیب‌دیده و ناکامی دشمن در توقف حمل‌ونقل جنوب را تشریح کرد

حمله ناکام دشمن به شریان ترانزیتی جنوب

عملیات بازسازی کامل پل‌ها و محورهای ارتباطی طی دو ماه آینده به پایان می‌رسد

گزارش

بیتا میرعظیمی
گروه ایران زمین

حمله دشمن به شش نقطه از محورهای راهبردی و پل‌های ارتباطی شهرستان بندرخمیر، تلاشی هدفمند برای ایجاد اختلال در یکی از مهم‌ترین کریدورهای حمل‌ونقل جنوب کشور بود؛ مسیری که هرمزگان را به استان‌های فارس، بوشهر و فلات مرکزی متصل کرده و روزانه پذیرای عبور ۱۳ تا ۱۵ هزار دستگاه خودرو و حجم قابل‌توجهی از جابه‌جایی کالا، مسافر و ترانزیت است. در این حمله تروریستی، پل گریوه در محور بندرعباس-بندرخمیر-لار، پل محدوده لاتیدان (کلمتلی) در مسیر برگشت، دو پل محور کهورستان-لار، پل نیمه‌کاره محور بندرخمیر-کشار-بندرعباس و پل روستای مارو هدف حمله دشمن قرار گرفتند؛ زیرساخت‌هایی که هریک حلقه‌ای از شبکه ارتباطی غرب هرمزگان به شمار می‌روند. با این حال، طبق گفته فرماندار بندرخمیر، فعال‌سازی فوری ستاد مدیریت بحران، استقرار میدانی مسئولان، ایجاد مسیرهای جایگزین و ایمن‌سازی نقاط آسیب‌دیده ظرف چند ساعت، مانع از توقف جریان تردد و فعالیت‌های اقتصادی شد. عملیات بازسازی نیز همزمان با مدیریت بحران آغاز شد و اکنون با مشارکت وزارت راه و شهرسازی، دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی در هر شش نقطه ادامه دارد. استمرار فعالیت بنادر، حمل‌ونقل، صادرات، واردات و خدمات عمومی نشان می‌دهد که با وجود آسیب به زیرساخت‌ها، چرخه اقتصادی و ارتباطی این شهرستان راهبردی بدون وقفه به کار خود ادامه داده است.

«مراد زرهی» فرماندار بندر خمیر در گفت‌وگو با «ایران» و با تشریح ابعاد این حادثه تروریستی اظهار کرد: «دشمن متجاوز، شش نقطه از محورهای راهبردی شهرستان بندرخمیر را که نقش مهمی در اتصال استان هرمزگان به استان‌های فارس، بوشهر و سایر مناطق کشور دارند، هدف حمله قرار داد. این مسیرها از مهم‌ترین محورهای ترانزیتی جنوب کشور محسوب می‌شوند و بخش قابل‌توجهی از جابه‌جایی کالا، مسافر، ترانزیت و ارتباط با بنادر مهم هرمزگان از طریق آنها انجام می‌شود؛ از همین رو دشمن تلاش کرد با حمله به این زیرساخت‌ها، روند حمل‌ونقل و چرخه اقتصادی منطقه را مختل کند.»

بازسازی سریع شش نقطه آسیب‌دیده

فرماندار بندرخمیر اظهار کرد: «بلافاصله پس از وقوع حادثه، ستاد مدیریت بحران شهرستان فعال شد و با حضور استاندار هرمزگان، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری، نیروهای امنیتی، انتظامی، راهداری و سایر دستگاه‌های اجرایی، عملیات مدیریت بحران در کوتاه‌ترین زمان ممکن آغاز شد. اولین اولویت، حفظ ارتباطات جاده‌ای و جلوگیری از توقف تردد بود؛ به همین دلیل ایجاد مسیرهای جایگزین و بازگشایی محورهای ارتباطی در دستور کار قرار گرفت.» مراد زرهی ادامه داد: «تنها حدود دو ساعت پس از وقوع حادثه، اولین کنارگذر به بهره‌برداری رسید و عبور و مرور خودروها از سر گرفته شد. همچنین تمامی شش نقطه آسیب‌دیده ظرف حدود ۶ تا ۱۰ ساعت به صورت موقت ایمن‌سازی و برای استفاده خودروها آماده شد تا جریان حمل‌ونقل در این محورهای حیاتی بدون وقفه ادامه یابد. همزمان نیز عملیات بازسازی اساسی پل‌ها و مسیرهای تخریب‌شده آغاز شد.» وی با اشاره به روند بازسازی اظهار کرد: «با دستور مستقیم وزیر راه و شهرسازی و حضور میدانی مدیران و کارشناسان وزارتخانه، تمامی ظرفیت‌های تخصصی برای بازسازی این مسیرها به کار گرفته شد. علاوه بر دستگاه‌های اجرایی، بخش خصوصی نیز در اجرای پروژه‌ها مشارکت فعال دارد و هم‌اکنون عملیات اجرایی در هر شش نقطه آسیب‌دیده به صورت همزمان در حال انجام است. بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، پیش‌بینی می‌شود عملیات بازسازی کامل این پل‌ها و محورهای ارتباطی طی حدود دو ماه آینده به پایان برسد.»

این مقام مسئول با بیان اینکه انتخاب بندرخمیر از سوی دشمن تصادفی نبوده است، گفت: «این شهرستان یکی از مهم‌ترین گره‌های حمل‌ونقل و ترانزیت جنوب کشور به شمار می‌رود. بندرخمیر در مسیر ارتباطی بنادر شهید رجایی، شهید باهنر و دیگر بنادر استان هرمزگان با فلات مرکزی ایران قرار دارد و بخش مهمی از صادرات، واردات، انتقال کالاهای اساسی و مبادلات تجاری کشور از این مسیر انجام می‌شود. طبیعی است که هرگونه اختلال در این محور می‌تواند بر زنجیره تأمین و حمل‌ونقل کشور تأثیر بگذارد، اما با مدیریت سریع بحران، این هدف محقق نشد.»

تداوم خدمات ورونق فعالیت‌های اقتصادی

فرماندار بندرخمیر در ادامه به ظرفیت‌های اقتصادی این شهرستان اشاره کرد و افزود: «بندرخمیر از موقعیتی کم‌نظیر برخوردار است. همجواری با استان‌های فارس، بوشهر و خوزستان، نزدیکی به جزایر قشم و کیش و قرار گرفتن در مسیر اصلی دسترسی به این جزایر، جایگاه ویژه‌ای برای این شهرستان ایجاد کرده است. روزانه بین ۱۳ تا ۱۵ هزار دستگاه خودرو، معادل حدود ۵۰ هزار نفر، از این محور عبور می‌کنند که نشان‌دهنده اهمیت آن در شبکه حمل‌ونقل، گردشگری و ارتباطات جنوب کشور است.» وی افزود: «ظرفیت‌های اقتصادی بندرخمیر تنها به موقعیت جغرافیایی محدود نمی‌شود. وجود مجتمع بندری خمیر، بندر پل، انجام رویه‌های ملوانی، صادرات و واردات کالا، فعالیت صنایع بزرگی همچون سیمان هرمزگان و صادرات بخش قابل‌توجهی از مواد معدنی استان به کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله مزیت‌هایی است که این شهرستان را به یکی از مراکز مهم اقتصادی غرب هرمزگان تبدیل کرده است.» زرهی همچنین با اشاره به ظرفیت‌های طبیعی و گردشگری شهرستان اظهار کرد: «بندرخمیر میزبان تالاب بین‌المللی خورخوران، بزرگ‌ترین تالاب دریایی خاورمیانه و اولین شهر جهانی تالابی ایران است. این ظرفیت ارزشمند زیست‌محیطی، در کنار سواحل زیبای منطقه، سالانه گردشگران فراوانی را از نقاط مختلف کشور به این شهرستان جذب می‌کند و یکی از محورهای مهم توسعه گردشگری هرمزگان به شمار می‌رود.»

وی درباره شرایط کنونی شهرستان پس از این حادثه گفت: «تمامی خدمات عمومی در بندرخمیر به روال عادی بازگشته است. از همان ساعات اول، با همکاری دستگاه‌های اجرایی، امنیتی و خدمات‌رسان، هیچ‌گونه وقفه‌ای در ارائه خدمات به مردم ایجاد نشد و تأمین کالاهای اساسی نیز بدون کوچک‌ترین اختلال ادامه یافت.» فرماندار بندرخمیر افزود: «در طول مدیریت بحران، بازار شهرستان از ثبات کامل برخوردار بود و با برنامه‌ریزی قرارگاه امنیت غذایی، همکاری اصناف و نظارت مستمر دستگاه‌های مسئول، نیازهای مردم به طور کامل تأمین شد. همچنین هیچ‌یک از پروژه‌های عمرانی، خدماتی و توسعه‌ای شهرستان متوقف نشد و روند اجرای طرح‌های عمرانی مطابق برنامه ادامه پیدا کرد.»

> در طول مدیریت بحران، بازار شهرستان از ثبات کامل برخوردار بود و با برنامه‌ریزی قرارگاه امنیت غذایی، همکاری اصناف و نظارت مستمر دستگاه‌های مسئول، نیازهای مردم به طور کامل تأمین شد. همچنین هیچ‌یک از پروژه‌های عمرانی، خدماتی و توسعه‌ای شهرستان متوقف نشد و روند اجرای طرح‌های عمرانی مطابق برنامه ادامه پیدا کرد

همراهی مردم توطئه دشمن را خنثی کرد

مراد زرهی با تأکید بر تداوم فعالیت‌های اقتصادی شهرستان تصریح کرد: «فعالیت‌های تجاری، بندری، صیادی و حمل‌ونقل به صورت کامل در جریان است. بنادر شهرستان فعال هستند، روند صادرات و واردات بدون وقفه ادامه دارد، شناورها در حال ارائه خدمات هستند و صیادان نیز بدون محدودیت به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ موضوعی که نشان می‌دهد تلاش دشمن برای ایجاد اخلال در اقتصاد منطقه ناکام مانده است.»

فرماندار بندرخمیر، مهم‌ترین دستاورد مدیریت این بحران را حفظ آرامش عمومی، استمرار خدمات‌رسانی و جلوگیری از تحقق اهداف دشمن عنوان کرد و گفت: «هدف اصلی دشمن، ایجاد ناامنی، اختلال در زندگی مردم، آسیب به معیشت خانوارها و ایجاد فشار اقتصادی بود، اما با همدلی مردم، حضور میدانی مسئولان و آمادگی کامل دستگاه‌های اجرایی، این اهداف محقق نشد.» طبق گفته این مقام مسئول، «دشمن که در میدان نبرد به نتیجه نرسیده، تلاش می‌کند با هدف قرار دادن زیرساخت‌های اقتصادی، مسیرهای ارتباطی و حتی شناورهای بخش خصوصی، فشار بیشتری بر مردم وارد کند، اما این اقدامات بیش از هر چیز بیانگر ناکامی و استیصال اوست.» زرهی تأکید کرد: «اقتدار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، همراهی مردم و انسجام ملی مهم‌ترین سرمایه کشور برای عبور از شرایط دشوار است. تجربه حادثه بندرخمیر نیز نشان داد که مردم با حفظ آرامش، همکاری با مسئولان و اعتماد به مدیریت بحران، اجازه ندادند اهداف دشمن محقق شود.» فرماندار بندرخمیر در پایان با قدردانی از همراهی مردم شهرستان گفت: «همه مسئولان در سطوح مختلف دولت، استان و شهرستان با تمام ظرفیت در کنار مردم حضور دارند و روند بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده با سرعت و قدرت ادامه دارد.» وی تأکید کرد: «در آستانه هفته دولت، پروژه‌های متعددی در حوزه‌های عمرانی، خدماتی و توسعه‌ای آماده بهره‌برداری است و مسیر سازندگی و توسعه بندرخمیر با شتاب بیشتری دنبال خواهد شد تا این شهرستان با وجود همه تهدیدها، همچنان جایگاه راهبردی خود را در حمل‌ونقل، اقتصاد، تجارت و گردشگری کشور حفظ کند.»

مقاومت بندرخمیر از زبان یک راننده کامیون

برش

«عبدالرضا. م» یکی از رانندگان باسابقه کامیون در بندرخمیر، با اشاره به نگرانی‌های اولیه پس از هدف قرار گرفتن پل‌های ارتباطی این شهرستان به «ایران» گفت: «در ساعات اول حمله دشمن، دغدغه اصلی همه رانندگان، احتمال توقف جریان حمل‌ونقل و اختلال در جابه‌جایی کالا بود، اما با اقدام سریع دستگاه‌های اجرایی و ایجاد مسیرهای کنارگذر، تردد در کوتاه‌ترین زمان ممکن از سر گرفته شد.» این راننده ۵۹ ساله با محکوم کردن حمله دشمن به زیرساخت‌های اقتصادی و معیشتی مردم، افزود: «جاده‌ها و پل‌ها فقط مسیر عبور خودروها نیستند، بلکه شریان‌های حیاتی اقتصاد منطقه و کشور به شمار می‌روند و آسیب به آنها، زندگی مردم و فعالیت‌های اقتصادی را هدف قرار می‌دهد.» عبدالرضا تأکید کرد: «همکاری و همراهی مردم با دولت و دستگاه‌های مسئول، باعث شد برنامه دشمن برای ایجاد اختلال در حمل‌ونقل، تجارت و معیشت مردم محقق نشده و روند فعالیت‌های اقتصادی با قدرت ادامه پیدا کند.»

تعامل زبان‌ها

تأملی بر کتاب چالش میان فارسی و عربی سده‌های نخست

نگاره‌ای از بیت‌الحکمه، میراث درخشان عصر طلایی اسلام

تاریخ زبان

مونا محمدنژاد
روزنامه‌نگار

تاریخ ایران پس از اسلام، از جمله دوره‌هایی است که هرچه بیشتر درباره آن مطالعه می کنیم، پیچیدگی اش آشکارتر می‌شود. این دوره نه‌فقط از نظر سیاسی بلکه از حیث زبانی، فرهنگی، اجتماعی و حتی روان‌شناسی تاریخی، یکی از سرنوشت‌سازترین فصل‌های گذشته ایران به شمار می‌رود. در این میان، زبان جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا زبان تنها وسیله بیان نیست، بلکه حافظه تاریخی، عنصر هویت‌ساز، ابزار انتقال دانش و یکی از مهم‌ترین نشانه‌های دوام یا دگرگونی یک فرهنگ است؛ ازهمین‌رو، هر پژوهشی که به نسبت فارسی و عربی در سده‌های اول اسلامی بپردازد، در واقع به یکی از بنیادی‌ترین مسائل تاریخ فرهنگی ایران نزدیک شده است.

بازخوانی نسبت قدرت و زبان

کتاب «چالش میان فارسی و عربی؛ سده‌های نخست» نوشته آذرتاش آذرنوش، از جمله آثاری است که همین مسأله را در مرکز توجه قرار می‌دهد. پرسش اصلی کتاب این است که پس از استقرار حکومت اسلامی و گسترش نفوذ سیاسی و دینی عرب‌ها در ایران، چه رابطه‌ای میان زبان فارسی و زبان عربی شکل گرفت و این رابطه چگونه بر حیات فرهنگی ایرانیان اثرگذاشت؟ این پرسش، در ظاهر زبانی است اما در باطن، به موضوعاتی بسیار گسترده‌تر مربوط می‌شود: نسبت قدرت و زبان، پیوند دین و دانش، جایگاه دیوان‌سالاری، نقش نخبگان فرهنگی، چگونگی حفظ سنت‌های بومی و نیز شیوه سازگاری یک جامعه کهن با وضعیتی تازه و دگرگون‌کننده. اهمیت کتاب آذرنوش در آن است که از همان آغاز، موضوع را تنها در سطح برخورد دو زبان متوقف نمی‌کند. مسأله اساسی برای او این نیست که چه تعداد واژه از عربی وارد فارسی شد یا کدام ساختارهای زبانی از یکی به دیگری راه یافت، بلکه می‌کوشد نشان دهد چگونه عربی در مدت نسبتاً کوتاهی به زبان رسمی، دینی و علمی جهان اسلام تبدیل شد و درعین‌حال، فارسی نیز از میان نرفت و حتی پس از چند سده، دوباره به عرصه ادب، تاریخ‌نگاری، اندیشه و دانش بازگشت. این نکته به‌خودی‌خود مهم است، زیرا برخلاف بسیاری از زبان‌های محلی که در جریان فتوحات سیاسی به حاشیه رانده یا به‌تدریج ناپدید شدند، فارسی توانست نه‌تنها دوام بیاورد، بلکه در دوره‌ای تازه، به زبان یکی از درخشان‌ترین سنت‌های ادبی و فکری جهان اسلامی بدل شود.

برای فهم ارزش این مسأله، باید به این نکته توجه کرد که زبان در تاریخ ایران، همواره بیش از یک ابزار ارتباطی بوده است. فارسی حامل بخش مهمی از حافظه جمعی ایرانیان، روایت‌های تاریخی، الگوهای فرهنگی، شیوه‌های اندیشیدن و نظام‌های معنایی آنان بوده است. در مقابل، عربی نیز با ورود اسلام، صرفاً زبان قومی خاص باقی نماند، بلکه به زبان وحی، فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، بخش مهمی از علوم و نیز ارتباط میان سرزمین‌های گسترده اسلامی تبدیل شد. بنابراین، آنچه در سده‌های اول اسلامی در ایران رخ داد، فقط همجواری دو زبان نبود، بلکه رویارویی و همزمان، همزیستی دو سنت بزرگ فرهنگی و تمدنی بود که هر دو از توان زایش و اثرگذاری بالایی برخوردار بودند.

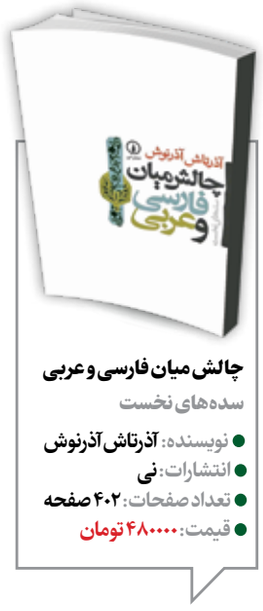

چالش میان فارسی و عربی
سده‌های نخست
- نویسنده: آذرتاش آذرنوش
- انتشارات: نی
- تعداد صفحات: ۴۰۲ صفحه
- قیمت: ۴۸۰۰۰۰ تومان

فراتر از اراده‌های سیاسی

یکی از امتیازهای چشمگیر کتاب «چالش میان فارسی و عربی» وسعت نگاه نویسنده و توجه او به بسترهای گوناگونی است که در شکل‌گیری این نسبت زبانی نقش داشته‌اند. کتاب نشان می‌دهد بحث فارسی و عربی را نمی‌توان فقط در چارچوب ادبیات یا زبان‌شناسی تاریخی بررسی کرد، باید آن را در پیوند با وضعیت سیاسی پس از فتح، ساختار حکومت، نهاد دیوان، شبکه‌های علمی، ترجمه متون، مهاجرت‌ها، تعاملات اجتماعی و تغییرات فکری زمانه دید. این رویکرد سبب می‌شود مسأله زبان از حالت انتزاعی و صرفاً نظری بیرون آید و به‌صورت پدیده‌ای زنده و درهم‌تنیده با واقعیت اجتماعی فهمیده شود.

از این منظر، کتاب به شمار زیادی از عوامل و اشخاص و روندها می‌پردازد. از مترجمان و دبیران گرفته تا فرمانروایان و سلسله‌هایی که در احیای فارسی نقش داشته‌اند، از متفکران و ادیبان دوزبانه تا آثاری که در مسیر انتقال میراث علمی و ادبی میان دو زبان شکل گرفته‌اند، همگی در تحلیل نویسنده جای دارند. این تنوع، یکی از نقاط قوت مهم کتاب است؛ زیرا خواننده درمی‌یابد سرنوشت زبان‌ها را نمی‌توان فقط با اراده سیاسی توضیح داد. زبان در بطن جامعه زندگی می‌کند و از شبکه‌ای از نیازها، منافع، اعتبارات، عادت‌های فرهنگی و ساخت‌های قدرت اثر می‌پذیرد. در حقیقت، بقای فارسی را باید یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های فرهنگی این دوره دانست. اگرچه بسیاری از نخبگان برای مشارکت در جهان علمی و سیاسی زمانه ناگزیر به عربی‌نویسی بودند، فارسی در میان مردم باقی ماند و از دل همین ماندگاری اجتماعی، توانست بعدتر به زبانی برای آفرینش ادبی، روایت تاریخی و حتی نگارش برخی متون علمی و اخلاقی تبدیل شود. این نکته از نظر تاریخی بسیار معنادار است؛ زیرا نشان می‌دهد که زبان فقط از بالا و به وسیله حکومت تعیین تکلیف نمی‌شود. حتی اگر قدرت سیاسی زبانی را تقویت کند، دوام یا افول یک زبان به میزان ریشه‌داشتن آن در زندگی مردم، قابلیت‌های فرهنگی‌اش و امکان انطباقش با شرایط جدید نیز وابسته است.

تبارشناسی یک فرضیه

با این همه، کتاب آذرنوش تنها به سبب دامنه اطلاعاتش اهمیت نیافته، بلکه به‌دلیل طرح نظریه‌ای مشخص نیز توجه منتقدان را برانگیخته است. محور اصلی این بحث، مفهوم «چالش» در عنوان کتاب است. نویسنده ظاهراً می‌خواهد از وضعیتی سخن بگوید که در آن، میان فارسی و عربی نوعی کشمکش یا تنش تاریخی وجود داشته است. بسیاری از منتقدان بر این باورند شواهد تاریخی، اگر با دقت بیشتری نگریسته شوند، بیش از آن‌که از ستیز و تقابل خبر دهند، حکایت از همزیستی، اقتباس، دادوستد فرهنگی و تقسیم کار میان دو زبان دارند. این نقد، فقط متوجه یک واژه در عنوان کتاب نیست، بلکه متوجه جهت‌گیری کلی تحلیل نیز هست. اگر از آغاز، رابطه دو زبان در چارچوب «چالش» فهمیده شود، این خطر وجود دارد که داده‌های تاریخی نیز در همین افق تفسیر شوند و هر نشانه‌ای از تفاوت یا ترجیح زبانی، به‌عنوان نشانه‌ای از نزاع فهم شود. در حالی که تاریخ زبان‌ها، بویژه در جهان‌های چندفرهنگی، اغلب بر اساس الگوهایی پیچیده‌تر پیش می‌رود. زبان‌ها می‌توانند همزمان با یکدیگر رقابت کنند، از یکدیگر تأثیر بپذیرند، در حوزه‌هایی متفاوت به کار روند و حتی به شکلی مکمل عمل کنند؛ از این‌رو، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا تعبیر «چالش» برای توصیف کلی این رابطه، به اندازه کافی دقیق و متعادل هست یا نه؟

یکی دیگر از انتقادهایی که بر کتاب وارد شده، به ناهماهنگی در تعیین زمان آغاز این چالش بازمی‌گردد. اگر قرار باشد از پدیده‌ای تاریخی با عنوانی مشخص سخن گفته شود، انتظار می‌رود مرزهای زمانی و شواهد آن تا حد امکان روشن باشند. منتقدان از همین زاویه بر کتاب خرده گرفته‌اند و گفته‌اند خود مفهوم چالش، نیازمند تعریف تاریخی روشن‌تر و شواهد قاطع‌تری است. در کنار این، برخی نقدها متوجه شیوه استنباط نویسنده است. در پژوهش تاریخی، فاصله میان یک فرضیه جالب و یک نتیجه مستند، فاصله‌ای جدی است. مورخ می‌تواند از روی قرائن، احتمالاتی را مطرح کند اما هرچه موضوع حساس‌تر و دامنه نتیجه‌گیری گسترده‌تر باشد، نیاز به شواهد محکم‌تر نیز بیشتر می‌شود. بخشی از منتقدان بر این باورند که در بعضی مواضع، کتاب آذرنوش از برخی فرض‌ها یا دیدگاه‌های محل مناقشه برای تقویت نظریه کلی خود بهره گرفته، بی‌آن‌که همه دشواری‌های آن فرض‌ها را به اندازه کافی برطرف کرده باشد. این مسأله البته ارزش پژوهش را از میان نمی‌برد اما نشان می‌دهد که خواننده باید میان طرح مسأله و اثبات نهایی تفاوت قائل شود.

واقعیت‌های تاریخی میدان دوزبانگی

از منظر محتوایی، شاید مهم‌ترین استدلال مخالفان این باشد که رابطه فارسی و عربی را بهتر است در چارچوب تقسیم نقش‌های زبانی و فرهنگی فهمید، نه صرفاً در قالب تعارض؛ به بیان دیگر، زبان عربی به‌دلیل جایگاه دینی و علمی‌اش، زبان مطلوب برای برخی حوزه‌های خاص بود؛ همان‌طور که فارسی به‌دلیل پیوندش با بافت اجتماعی و فرهنگی ایران، در حوزه‌هایی دیگر جایگاهی استوار داشت. این وضع، الزاماً نشان‌دهنده خصومت نیست. در بسیاری از جوامع، زبان دین با زبان زندگی روزمره یا زبان دانش با زبان محاوره یکی نبوده است؛ بنابراین، همزیستی فارسی و عربی می‌تواند بیش از آن‌که صحنه حذف یکی به دست دیگری باشد، عرصه نوعی سازگاری تاریخی باشد. وجود شمار زیادی از دانشمندان و نویسندگان دوزبانه نیز این برداشت را تقویت می‌کند. نخبگان فرهنگی جهان ایرانی-اسلامی، در بسیاری از موارد، نه خود را میان دو زبان محصور می‌دیدند و نه لزوماً یکی را دشمن دیگری می‌پنداشتند. آنان بسته به موضوع، مخاطب، سنت علمی و هدف نوشتن، از عربی یا فارسی بهره می‌گرفتند. همچنین شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که بر تعامل و درهم‌تنیدگی این دو سنت زبانی دلالت می‌کنند. مهاجرت عرب‌ها به ایران، سکونت آنان در شهرهای مختلف، آموختن فارسی از سوی برخی از آنان، گرایش ایرانیان به یادگیری عربی برای مشارکت در ساختار دینی و اداری، ترجمه آثار از فارسی به عربی و از عربی به فارسی، اختلاط اجتماعی و خانوادگی و نیز تأثیر واژگانی و سبکی متقابل، همگی نشان می‌دهند رابطه دو زبان را نمی‌توان به یک الگوی ساده تقلیل داد. آنچه در برابر ما قرار دارد، بیشتر نوعی تاریخ تماس زبانی و فرهنگی است که در آن، هم اقتدار وجود دارد، هم جذب و اقتباس، هم مقاومت و هم سازگاری.

> شاید یکی از مهم‌ترین نتایجی که از خواندن کتاب «چالش میان فارسی و عربی» به دست می‌آید، این باشد که تاریخ زبان را نباید به تقابل‌های دوقطبی فروکاست. در بسیاری از موارد، زبان‌ها نه فقط با یکدیگر رقابت می‌کنند، بلکه به امکان رشد نیز می‌دهند

از سوی دیگر، نباید هر ترجیح تاریخی به نفع عربی را نشانه فارسی‌ستیزی دانست. در دوره‌ای که عربی زبان مشترک بخش بزرگی از جهان اسلام بود، طبیعی است که بسیاری از متفکران برای انتشار گسترده‌تر اندیشه‌های خود یا برای پیوستن به شبکه علمی زمانه، به عربی بنویسند. این انتخاب می‌توانست کاملاً عملی، علمی یا ارتباطی باشد، نه لزوماً ایدئولوژیک یا هویتی.

داده‌های انبوه و انسجام نظری

کتاب «چالش میان فارسی و عربی؛ سده‌های نخست» پرارجاع و غنی از نظر داده است اما در عین حال، گاهی کتاب حالتی موزاییکی یا چندپاره پیدا می‌کند. مقصود آن است که انبوهی از شواهد و نمونه‌ها گردآمده اما در همه بخش‌ها پیوند این داده‌ها با یک خط استدلالی کاملاً منسجم به یک اندازه روشن نیست. این مسأله در آثار پژوهشی بزرگ، گاه امری طبیعی است؛ زیرا هرچه دامنه اطلاعات وسیع‌تر باشد، حفظ انسجام تحلیلی دشوارتر می‌شود. اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، باید اذعان کرد که ارزش اصلی کتاب آذرنوش همچنان محفوظ است. این کتاب مسأله‌ای بزرگ و مهم را با جدیت پیش می‌کشد و خواننده را وادار می‌کند تاریخ زبان را نه در قالب روایت‌های ساده و احساسی، بلکه در نسبت با قدرت، فرهنگ، جامعه و تحولات تمدنی ببیند. حتی اگر با بخش‌هایی از تحلیل نویسنده موافق نباشیم، یا اگر عنوان کتاب را تا اندازه‌ای جهت‌دار و بحث‌انگیز بدانیم، باز هم نمی‌توان انکار کرد که طرح این پرسش، خود بسیار راهگشاست: چگونه فارسی در جهان تازه اسلامی دوام آورد، چه چیزهایی را از دست داد، چه چیزهایی را جذب کرد و چگونه توانست در شرایطی جدید، دوباره خود را بازسازی کند؟

فراسوی دوگانه‌های صلب

شاید یکی از مهم‌ترین نتایجی که از خواندن این کتاب و نقدهای پیرامون آن به دست می‌آید، این باشد که تاریخ زبان را نباید به تقابل‌های دوقطبی فروکاست. در بسیاری از موارد، زبان‌ها نه فقط با یکدیگر رقابت می‌کنند، بلکه به یکدیگر امکان رشد نیز می‌دهند. گاه زبان مسلط، شبکه‌ای بزرگ‌تر از ارتباط، علم یا قدرت فراهم می‌کند و زبانی دیگر، با تکیه بر ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی خود، در همین فضا راهی برای بازآفرینی پیدا می‌کند. تجربه فارسی و عربی در سده‌های اول اسلامی، به احتمال فراوان، از همین جنس است. این تجربه نه داستان نابودی کامل یک زبان است، نه روایت پیروزی بی‌چون‌وچرای زبان دیگر، بلکه حکایت تماس دو سنت توانمند است که در اثر این تماس، هر دو دگرگون شدند. «چالش میان فارسی و عربی» را باید کتابی مهم، اثرگذار و در عین حال مناقشه‌برانگیز دانست. اهمیت آن از یک‌سو به‌دلیل گستردگی اطلاعات، توجه به زمینه‌های تاریخی و طرح مسأله‌ای بنیادین است؛ از سوی دیگر، بحث‌برانگیزی آن به سبب برخی ابهام‌های نظری، نوسان در استدلال و شیوه تفسیر شواهد است. این دو وجه، نه یکدیگر را خنثی می‌کنند و نه باعث می‌شوند یکی را به سود دیگری کنار بگذاریم. برعکس، همین ترکیب است که کتاب را به اثری زنده در فضای فکری بدل می‌کند: اثری که هم باید از آن آموخت و هم باید آن را به محک نقد زد.

پژوهشگر مرزها

تأملی بر کارنامه علمی آذرتاش آذرنوش

آذرتاش آذرنوش را نمی‌توان فقط با عنوان استاد زبان و ادبیات عرب یا مترجم و مصحح متون کهن معرفی کرد. اهمیت او بیش از آنکه در فهرست آثار و سمت‌های علمی‌اش باشد، در نوع نگاهی است که به یکی از پیچیده‌ترین مسائل تاریخ فرهنگی ایران آورد: نسبت فارسی و عربی. او از معدود پژوهشگرانی بود که این نسبت را نه به شکل یک تقابل ساده و احساسی، بلکه به‌صورت مسأله‌ای تاریخی، فرهنگی و تمدنی فهم کرد و کوشید از دل متن‌ها و شواهد، تصویری دقیق‌تر از آن به دست دهد.

در فضای فکری ما، سخن گفتن از فارسی و عربی غالباً یا به ستایش اغراق‌آمیز یکی می‌انجامد یا به تخفیف دیگری. آذرنوش اما از این دوگانه‌های ساده‌ساز فاصله داشت. او نشان داد رابطه این دو زبان، فقط رابطه دو دستگاه زبانی نیست، بلکه به تاریخ دانش، دین، قدرت، آموزش و حافظه جمعی نیز مربوط می‌شود. در چنین افقی، فارسی نه زبانی صرفاً مغلوب بود و نه عربی فقط زبانی تحمیلی؛ هر دو در روندی طولانی از تأثیر و تأثر، جایگاه خود را در تاریخ ایران ساخته‌اند. امتیاز کار او در این بود که مسأله را از سطح داوری‌های احساسی به سطح تحلیل تاریخی ارتقا داد و به خواننده یادآوری کرد که زبان‌ها در خلأ زندگی نمی‌کنند، بلکه در متن نهادها، مناسبات اجتماعی و ساختارهای فرهنگی معنا می‌گیرند.

در برخی از مهم‌ترین نوشته‌ها و پژوهش‌هایش، از جمله در آثاری که به تاریخ تعامل فارسی و عربی می‌پردازند، آذرنوش کوشید روایت‌های ساده‌انگارانه را کنار بزند. او توجه می‌داد که مسأله زبان را نمی‌توان فقط با الگوی غالب و مغلوب توضیح داد، بلکه باید دید چگونه زبان‌ها در ساختار قدرت، در نهاد علم، در آموزش رسمی و در زندگی اجتماعی نقش پیدا می‌کنند. همین رویکرد بود که نوشته‌های او را از سطح بحث‌های عاطفی و هویتی فراتر می‌برد و به آنها اعتباری پژوهشی می‌داد.

او در عین حال، همزمان دو خطا را کنار می‌زد؛ از یک سو، روایت‌هایی را که همه چیز را به خصومت بیرونی فرومی‌کاهند؛ و از سوی دیگر، نگاه‌هایی را که فرسایش یا حاشیه‌نشینی یک زبان را امری طبیعی و بی‌مسأله می‌بینند. آذرنوش تاریخ را محل کشاکش نیروهای پیچیده می‌دانست؛ جایی که زبان، هم ابزار انتقال معناست و هم حامل منزلت اجتماعی. از همین رو، نگاه او به زبان، نگاه به یک موجود زنده تاریخی بود، نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد یا واژگان. این همان چیزی است که آثارش را برای امروز نیز زنده نگه می‌دارد.

دفاع آذرنوش از فارسی، دفاعی عاطفی و خطابی نبود؛ دفاعی پژوهش‌محور و تاریخی بود. او می‌کوشید نشان دهد بقای فارسی نه حاصل تصادف، بلکه نتیجه پشتوانه فرهنگی دیرپا، حافظه تمدنی ایران و پایداری اجتماعی این زبان در میان مردم بوده است. در نگاه او، زبان وقتی زنده می‌ماند که در زندگی واقعی، در تخیل جمعی و در پیوند با سنت فرهنگی ریشه داشته باشد. این نگاه، هم علمی بود و هم دربردارنده نوعی احترام عمیق به تاریخ زبان فارسی. شاید به همین دلیل نوشته‌های او برای خواننده صرفاً اطلاع‌بخش نیستند؛ آنها نوعی بازآموزی در شیوه نگاه‌کردن به تاریخ زبان نیز به دست می‌دهند.

او در عین حال، به ادبیات عرب نیز با همان دقت و احترام می‌نگریست. آذرنوش از آن دسته پژوهشگرانی نبود که برای برجسته‌کردن فارسی، ناگزیر از تحقیر عربی شوند. برعکس، او عظمت سنت عربی را می‌شناخت و درست به همین دلیل می‌توانست نسبت این دو جهان زبانی را واقع‌بینانه‌تر توضیح دهد. این توانایی جمع‌کردن دلبستگی به فارسی با شناخت عمیق ادب عربی، یکی از امتیازهای نادر او بود. چنین تعادلی در فضای فکری ما، که اغلب به قطبی‌سازی و شتابزدگی میل دارد، دستاورد کوچکی نیست.

با این همه، آذرنوش فقط نظریه‌پرداز نسبت فارسی و عربی نبود. او در آموزش زبان عربی نیز نقشی ماندگار داشت. کتاب‌ها و درس‌نامه‌هایی که نوشت، برای نسل‌های مختلف دانشجویان منبع شد، زیرا عربی را از سطح آموزش خشک و صرفاً دستوری فراتر می‌برد. او به زبان عربی نه فقط به‌عنوان موضوع امتحان، بلکه به‌مثابه سنتی بزرگ برای فهم متن، اندیشه و تاریخ نگاه می‌کرد. از این جهت، سهم او در آموزش عربی در ایران کمتر از آثار نظری‌اش نبود. بسیاری از دانشجویان، چه در دانشگاه و چه بیرون از آن، عربی را از خلال نظمی می‌آموختند که آذرنوش برای آموزش این زبان طراحی کرده بود: نظمی روشن، مرحله‌به‌مرحله و در عین حال متکی بر فهم.

اهمیت این وجه آموزشی را نباید دست‌کم گرفت. در بسیاری از محیط‌های آموزشی، عربی برای دانشجویان به درسی دشوار، بی‌روح و حافظه‌محور تبدیل شده بود؛ زبانی که باید از آن عبور کرد، نه جهانی که باید آن را فهمید. آذرنوش این وضعیت را دگرگون می‌کرد. او از آموزش زبان پلی می‌ساخت برای ورود به متون، برای درک سنت فکری و برای نزدیک شدن به تاریخ فرهنگی منطقه‌ای که ایران قرن‌ها با آن در گفت‌وگو بوده است. از این منظر، کار او فقط آموزش یک زبان نبود؛ نوعی تربیت ذهنی بود برای دقیق‌خواندن، مقایسه‌کردن و پرهیز از ساده‌سازی. زندگی علمی او نیز این چندوجهی بودن را بازتاب می‌داد. آذرنوش در سال ۱۳۱۶ به دنیا آمد؛ شناسنامه‌اش در قم صادر شده بود و خود با طنز از «قمی قلابی» بودنش یاد می‌کرد. دوران تحصیلش را در تهران و اهواز گذراند، در دارالفنون درس خواند و از همان سال‌های نوجوانی به شعر و ادبیات علاقه داشت. بعدها نیز از همسایگی با خانواده فرخزاد و از یادداشتی که از فروغ بر یکی از شعرهایش مانده بود، سخن گفته بود. این وجه ادبی، هرچند زیر سایه کار دانشگاهی‌اش قرار گرفت، در منش و زبان او باقی ماند. همین سابقه ادبی احتمالاً در نثر و شیوه بیانش نیز بی‌تأثیر نبود. او حتی وقتی به موضوعات تخصصی و دشوار می‌پرداخت، می‌کوشید مسأله را روشن، منظم و بی‌ابهام طرح کند. این ویژگی سبب می‌شد که نوشته‌هایش صرفاً برای اهل فن قابل استفاده نباشد، بلکه برای خواننده جدی غیرمتخصص هم راهگشا باشد. آذرنوش به‌خوبی می‌دانست که دانش اگر در زبان گرفتار ابهام و خودنمایی شود، از اثرگذاری واقعی بازمی‌ماند. ورود او به رشته عربی در دانشگاه تهران، به‌تدریج مسیر اصلی زندگی‌اش را شکل داد. او مدتی در بغداد درس خواند، سپس به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن دکتری ادبیات عرب گرفت؛ جایگاهی که او را در شمار اولین ایرانیان دارای این درجه در این رشته قرار داد. رساله‌اش درباره «طبقات الشعراء» ابن معتز بود و این تجربه، او را با روش‌های دقیق پژوهش و تصحیح متن آشنا کرد. پس از بازگشت به ایران، در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و بعدها به‌عنوان اولین مدیر گروه ادبیات عرب شناخته شد. همین پیشینه سبب شد که در کار او، سنت دانشگاهی ایران، تجربه زیسته در جهان عرب و آموزش آکادمیک اروپایی به شکلی کم‌نظیر در کنار هم قرار گیرد.

> بخش مهمی از میراث آذرتاش آذرنوش در بیرون از کلاس درس و در نهادهای علمی شکل گرفت. حضور طولانی‌اش در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، او را به یکی از چهره‌های مؤثر در تولید دانش مرجع بدل کرد. او در این مرکز هم مقاله نوشت، هم در ویرایش و سنجش علمی متون نقش داشت و هم در تثبیت زبانی دقیق و پژوهش‌محور سهیم بود

میراث آذرنوش

اما بخش مهمی از میراث آذرتاش آذرنوش در بیرون از کلاس درس و در نهادهای علمی شکل گرفت. حضور طولانی‌اش در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، او را به یکی از چهره‌های مؤثر در تولید دانش مرجع بدل کرد. او در این مرکز هم مقاله نوشت، هم در ویرایش و سنجش علمی متون نقش داشت و هم در تثبیت زبانی دقیق و پژوهش‌محور سهیم بود. تألیف حدود ۱۷۰ مقاله تخصصی، ویرایش صدها مدخل و مقاله و فعالیت در شورای عالی علمی این مرکز، تنها اعدادی در کارنامه او نیستند؛ نشانه‌های نوعی اخلاق علمی‌اند که بر دقت، صبوری و پرهیز از شتابزدگی استوار بود. این بخش از کارنامه او اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا دانش مرجع معمولاً کمتر از کتاب‌های پرآوازه دیده می‌شود، درحالی‌که نقش آن در ساختن حافظه علمی یک جامعه بسیار بنیادی است. مقاله دایرةالمعارفی خوب، حاصل دانش فشرده، احتیاط در داوری و توانایی در خلاصه‌کردن مسائل پیچیده است. آذرنوش در این عرصه، صرفاً یک نویسنده یا ویراستار نبود؛ او به استقرار معیاری برای دقت علمی کمک می‌کرد. چنین سهمی در زمانه‌ای که شتاب و سطحی‌نویسی رو به افزایش است، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. در کنار اینها، آثاری چون «راه‌های نفوذ فرهنگ ایرانی در عصر جاهلی»، «فرهنگ معاصر عربی-فارسی» و ترجمه «کتاب موسیقی کبیر» فارابی نشان می‌دهند ذهن او همواره متوجه نقاط تماس ایران و جهان عرب بود. او در پی آن نبود که این دو حوزه را از هم جدا کند، بلکه می‌خواست شکل تاریخی پیوند، رقابت و تأثیر متقابل آنها را روشن کند. از همین منظر، آذرنوش را باید بیش از هر چیز پژوهشگر مرزها دانست: مرز میان دو زبان، دو سنت ادبی و دو حافظه فرهنگی که در تاریخ ایران بارها درهم تنیده‌اند.

اهدای ۴۶۴۸ جلد از کتابخانه شخصی‌اش به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز معنایی فراتر از یک اقدام نمادین داشت. کتابخانه هر پژوهشگر، نقشه سال‌های فکر و جست‌وجوی اوست. وقتی آذرنوش این کتاب‌ها را به یک نهاد علمی سپرد، در واقع بخشی از عمر فکری خود را به حافظه جمعی دانش واگذار کرد. این رفتار، با سراسر کارنامه‌اش سازگار بود: او دانش را نه سرمایه‌ای شخصی، بلکه میراثی قابل انتقال می‌دانست. از آذرنوش در سال‌های مختلف تقدیر شد و جوایز مهمی گرفت اما جایگاه او را باید در سطحی عمیق‌تر سنجید. ارزش اصلی او در این بود که به ما آموخت چگونه می‌توان درباره زبان، هویت و تاریخ، دقیق‌تر و منصفانه‌تر اندیشید. او نه به تعصب پناه می‌برد و نه به بی‌ریشگی. هم به فارسی دلبسته بود و هم منزلت ادب عربی را می‌شناخت. همین تعادل کمیاب است که از او چهره‌ای ماندگار می‌سازد.

آذرتاش آذرنوش فقط مجموعه‌ای از کتاب‌ها و مقاله‌ها از خود به جا نگذاشت؛ او شیوه‌ای از فهم را به میراث سپرد؛ فهمی تاریخی، بی‌تعصب، منظم و ریشه‌دار. به همین دلیل، فقدان او صرفاً غیبت یک استاد برجسته نیست، بلکه غیبت نوعی منش علمی است؛ منشی که امروز نیز فرهنگ ما به آن نیاز دارد.

irannewspaper.ir

شنبه • ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۰۹۳
• اذان ظهر ۱۲/۱۰ • اذان مغرب ۱۹/۲۱ • نیمه شب شرعی ۲۳/۲۳ • اذان صبح فردا ۰۳/۴۴ • طلوع آفتاب فردا ۰۵/۱۸

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام‌جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام حسین(ع):
قناعت، مایه آسایش تن است.
بحارالانوار، ج۷۸، ص۱۲۸، ح۱۱

نقل قول

تئاتر بدون تماشاگر معنا و مفهومی ندارد

برای من بسیار ارزشمند است که بچه‌های تئاتر و آنهایی که واقعاً به این هنر عشق می‌ورزند و تمام زندگی خود را وقف روشن نگه داشتن چراغ تئاتر و کار فرهنگی و هنری کرده‌اند در کارشان صرفاً به جلب تماشاگر به هر قیمتی نمی‌اندیشند، بلکه آثاری را انتخاب می‌کنند که دارای محتوای فرهنگی و هنری هستند. تئاتر همواره با درون‌مایه‌ای همراه است که بنیادش بر تفکر و اندیشه استوار است. اگر تفکر و اندیشه در اثری نباشد و نتواند با تماشاگر ارتباط برقرار کند، آن کار بی‌نتیجه و بی‌اثر خواهد بود، چراکه تئاتر بدون تماشاگر معنا و مفهومی ندارد و حضور شما، جان دوباره‌ای به این هنر می‌بخشد. من معتقدم تئاتر می‌تواند تأثیراتی ژرف و عمیق در جامعه بگذارد. کشوری که تئاتر پویا ندارد، در حقیقت با کمبود مسائل فرهنگی مواجه است و تئاتر خوب، هر جا که با استقبال تماشاگر روبه‌رو شود، جایگاهی والا در عرصه فرهنگ و هنر جامعه پیدا می‌کند.

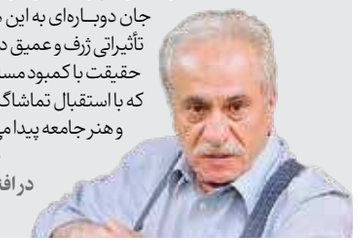

صحبت‌های ایرج راد، بازیگر و کارگردان تئاتر در افتتاحیه نمایش «یک فیل ناپدید شده است» در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر

جدیدترین فیلم «مانی حقیقی» در جشنواره نیویورک

مستند «مرا عاشق چنان باید که هر باری که برخیزد قیامت‌های پرآتش ز هر سویی برانگیزد» به کارگردانی مانی حقیقی به شصت و چهارمین جشنواره فیلم نیویورک راه پیدا کرد.
جشنواره فیلم نیویورک در شصت و چهارمین دوره خود، ترکیب نهایی ۳۳ فیلم بخش اصلی را اعلام کرد. در میان آثار برگزیده، چهار فیلم برای نخستین بار در جهان به نمایش درمی‌آیند که یکی از آنها، تازه‌ترین اثر مانی حقیقی است.
/ ایسنا

«هومن برق‌نورد» با «نسخه آزمایشی» در تلویزیون

سیدمسعود اطیابی با سریال «نسخه آزمایشی» به تلویزیون بازمی‌گردد. این سریال از تولیدات سیمافیلم است که به تهیه‌کنندگی ایرج محمدی در مرحله تولید قرار دارد. اطیابی که پیش از این دو مجموعه تلویزیونی «سهمی برای دوست» و «کامیون» را برای تلویزیون کارگردانی کرده بود، تازه‌ترین تجربه تلویزیونی خود را با «نسخه آزمایشی» رقم می‌زند؛ مجموعه‌ای که در ژانر کمدی مقابل دوربین رفته است. تاکنون هومن برق‌نورد و محمد بی‌ریا از بازیگران این سریال معرفی شده‌اند. /ایرنا

انتقاد شدید «رابرت دنیرو» به سیاست‌های دونالد ترامپ

رابرت دنیرو، هنرپیشه شهیر هالیوود، در رویدادی با عنوان «به پا خیز و آواز بخوان» که در حمایت از متمم اول قانون اساسی آمریکا برگزار شد، با انتقاد شدید از سیاست‌های مختلف دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری امروز آمریکا، طی سخنانی تند اظهار کرد: «کشور من دیگر دوست‌داشتنی نیست؛ من عاشق کشوری نیستم که جنگ‌های احمقانه را شروع می‌کند و هزاران بی‌گناه را می‌کشد.» /برنا

بدرقه آخر برای ابوالقاسم قاسم‌زاده

وداع اهالی فرهنگ و رسانه با روزنامه‌نگار پیشکسوت

گزارش

گروه فرهنگی

مراسم تشییع و بدرقه پیکر زنده‌یاد ابوالقاسم قاسم‌زاده، روزنامه‌نگار، نویسنده و مدیر فرهنگی، صبح جمعه با حضور جمعی از مسئولان، اهالی فرهنگ، رسانه و خانواده آن مرحوم از مقابل ساختمان روزنامه اطلاعات در تهران برگزار شد.

در این مراسم، سید محمد خاتمی رئیس جمهوری اسبق، سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدجواد ظریف (وزیر امور خارجه اسبق کشورمان)، حسین انتظامی معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ناصر همتی رئیس کل بانک مرکزی، محسن هاشمی رفسنجانی، حسین جابری‌انصاری مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، محمدرضا نوروزپور (معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد)، جلال رفیع (سردبیر پیشین روزنامه اطلاعات)، رائد فریدزاده، فرزندان آیت‌الله موسوی اردبیلی، احمد مسجد جامعی (وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد)، هادی خانیکی (استاد ارتباطات) و شماری از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و چهره‌های فرهنگی حضور داشتند و با خانواده قاسم‌زاده ابراز همدردی کردند.

در این آیین زینب قاسم‌زاده، دختر مرحوم، در سخنانی با قدردانی از حضور حاضران گفت: «پدرش دو زندگی داشت؛ یکی در کنار خانواده و دیگری در میان دوستان، همکاران و اهالی فرهنگ و رسانه.» او با اشاره به سال‌های زندگی در کنار پدر، از دشواری فقدان وی سخن گفت و در پایان شعری از سروده‌های او را قرائت کرد.

جلال رفیع، روزنامه‌نگار پیشکسوت روزنامه اطلاعات با اشاره به خاطرات مشترک خود با قاسم‌زاده، از اخلاق، صمیمیت و روحیه خوش روی او سخن گفت و برای وی از خداوند طلب آمرزش کرد.

در بخش دیگری از مراسم، سید محمد خاتمی نماز میت را بر پیکر ابوالقاسم قاسم‌زاده اقامه کرد و پس از آن، پیکر این روزنامه‌نگار پیشکسوت برای خاکسپاری به سوی آرامگاه ابدی بدرقه شد.

ابوالقاسم قاسم‌زاده روز پنجشنبه ۱۵ مرداد، در آستانه روز خبرنگار، بر اثر عارضه قلبی و در ۷۷ سالگی در تهران درگذشت. او از چهره‌های شناخته‌شده روزنامه‌نگاری ایران بود که سال‌ها در روزنامه اطلاعات فعالیت داشت و یادداشت‌های خود را در ستون «محک» منتشر می‌کرد.

قاسم‌زاده افزون بر فعالیت‌های مطبوعاتی، در دهه ۱۳۶۰ قائم‌مقام رئیس سازمان صدا و سیما و معاون برون‌مرزی این سازمان بود.

وی در دوران ریاست جمهوری سید محمد خاتمی نیز به‌عنوان مشاور رئیس جمهوری فعالیت کرد و در طول سال‌های فعالیت حرفه‌ای خود، در حوزه فرهنگ، رسانه و مدیریت فرهنگی نقش‌آفرینی داشت.

درگذشت این روزنامه‌نگار پیشکسوت با واکنش و پیام‌های تسلیت بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و رسانه‌ای همراه شد و اهالی رسانه از او به عنوان چهره‌ای اخلاق‌مدار، صاحب‌قلم و تأثیرگذار در روزنامه‌نگاری معاصر ایران یاد کردند.

عکس: مرضیه موسوی/ ایرنا

یادداشت

قادر آشنا
مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
و دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور

قلم خبرنگار پلی برای همدلی و اعتماد اجتماعی

هفدهم مرداد، سالروز شهادت خبرنگار متعهد، شهید محمود صارمی، فرصتی مغتنم برای پاسداشت رسالتی است که بر پایه آگاهی‌بخشی، حقیقت‌جویی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی استوار شده است. شهید صارمی با نثار جان خود در راه اطلاع‌رسانی، نشان داد خبرنگاری، صرفاً یک حرفه نیست، بلکه تعهدی بزرگ در قبال حقیقت، مردم و آینده جامعه است.

در دنیای امروز، رسانه‌ها و خبرنگاران از مهم‌ترین کنشگران عرصه فرهنگ عمومی به شمار می‌آیند. آنان با انتخاب واژه‌ها، شیوه روایت و نحوه بازتاب رویدادها، نه‌تنها افکارعمومی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، بلکه در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی، تقویت سرمایه اجتماعی و استحکام انسجام ملی نیز نقشی تعیین‌کننده دارند. از این رو، قلم خبرنگار می‌تواند هم پلی برای همدلی باشد و هم ـاگر از مدار اخلاق و مسئولیت فاصله بگیرد ـ زمینه‌ساز گسترش شکاف‌های اجتماعی شود.

جامعه امروز ایران، بیش از هر زمان دیگری نیازمند گفت‌وگو، همدلی، امید و وفاق است. در چنین شرایطی، خبرنگار مسئول کسی است که در کنار نقد منصفانه و مطالبه‌گری آگاهانه، از دامن زدن به اختلافات، دوگانه‌سازی‌های بی‌ثمر، انتشار اخبار تأیید نشده و روایت‌هایی که ناخواسته به تفرقه و بی‌اعتمادی دامن می‌زنند، پرهیز کند. رسالت رسانه، خاموش کردن صدای نقد نیست؛ بلکه هدایت آن در مسیر اصلاح، آگاهی‌بخشی و تقویت منافع ملی است. خبرنگاران، حافظان حق مردم برای دانستن هستند؛ اما این حق، همواره با مسئولیت اجتماعی همراه است. هر خبر، هر گزارش و هر تحلیل، افزون بر ارزش خبری، دارای آثار فرهنگی و اجتماعی نیز هست. از این منظر، رسانه مسئول رسانه‌ای است که در کنار سرعت، دقت را قربانی نکند؛ در کنار شفافیت، انصاف را فراموش نکند و در کنار آزادی بیان، اخلاق حرفه‌ای و مصالح عمومی را نیز پاس بدارد.

شورای فرهنگ عمومی کشور همواره بر این باور بوده است که رسانه‌ها از مهم‌ترین ارکان شکل‌دهنده فرهنگ عمومی هستند. هر اندازه رسانه‌ها در ترویج اخلاق، گفت‌وگو، همبستگی، قانون‌مداری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی موفق‌تر عمل کنند، جامعه نیز از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد شد و مسیر پیشرفت و توسعه با همدلی بیشتری پیموده می‌شود.

نام شهید محمود صارمی، یادآور شرافت حرفه‌ای خبرنگاری است؛ شرافتی که در صداقت، امانتداری، شجاعت و تعهد به حقیقت معنا می‌یابد. امروز نیز بهترین بزرگداشت روز خبرنگار، پایبندی به همین ارزش‌ها و تلاش برای ساختن جامعه‌ای است که در آن رسانه، نه ابزار تفرقه، بلکه پرچمدار گفت‌وگو، اعتماد، امید و انسجام اجتماعی باشد.

روز خبرنگار را به همه خبرنگاران، عکاسان خبری، تصویربرداران، مدیران رسانه و فعالان عرصه اطلاع‌رسانی تبریک می‌گویم و برای آنان که با قلم و اندیشه خود در مسیر اعتلای ایران عزیز، تقویت فرهنگ عمومی و پاسداری از حقیقت گام برمی‌دارند، توفیق و سربلندی آرزو دارم.

برش

قلمی متین و منشی انسانی

خبر درگذشت زنده‌یاد ابوالقاسم قاسم‌زاده، نویسنده، روزنامه‌نگار پیشکسوت و از چهره‌های نجیب و اثرگذار عرصه مطبوعات کشور که سالیان متمادی با قلم و اندیشه خود در مؤسسه اطلاعات منشأ خدمات ارزشمند فرهنگی و رسانه‌ای بود، ضایعه‌ای تلخ برای جامعه رسانه‌ای و فرهنگی ایران است.

زنده‌یاد قاسم‌زاده از نسل روزنامه‌نگارانی بود که قلم را نه ابزاری برای شهرت، بلکه امانتی برای پاسداری از حقیقت، اخلاق و آگاهی می‌دانست. سالیان دراز، با اندیشه‌ای ژرف، قلمی متین و منش انسانی، در اعتلای فرهنگ، تقویت گفت‌وگو و پاسداشت حرمت رسانه کوشید و در طول سال‌ها فعالیت صادقانه خود، نامی نیک و کارنامه‌ای ماندگار از خود در تاریخ مطبوعات ایران بر جای گذاشت. درگذشت این چهره فرهیخته، در آستانه روز خبرنگار، یادآور جایگاه بلند اصحاب قلم و رسالت خطیر آنان در روشنگری، مسئولیت‌پذیری و خدمت به جامعه است؛ رسالتی که آن مرحوم در تمام روزهای زندگی حرفه‌ای خود با نجابت، تعهد و آزادگی به آن وفادار ماند.

اینجانب، این ضایعه را به خانواده گرامی آن مرحوم، همکاران ایشان در مؤسسه اطلاعات، جامعه رسانه‌ای کشور و همه دوستداران فرهنگ و قلم، صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال، برای آن فقید سعید، رحمت واسعه و علو درجات، و برای بازماندگان محترم، صبر و شکیبایی مسئلت دارم.

بی‌تردید، پاسداشت نام و راه چنین چهره‌هایی، ادای دین به سرمایه‌های معنوی و فرهنگی ایران و ارج نهادن به منزلت والای قلم و آگاهی است.

پیام تسلیت سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه

در غم فقدان قاسم عزیز

با درد و آه و غم و اندوه از خبر به غایت تلخ و ناگوار درگذشت دوست و برادر عزیز و فروتن، زنده‌یاد مرحوم ابوالقاسم قاسم‌زاده، نویسنده و روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی و رسانه‌ای نیکنام ایران آگاه شدم. سال‌ها پیش در دوران وزارت شهید جاودانه، سید کمال خرازی در وزارت امور خارجه با او که از جمله مشاوران و یاران وزیر شهید بود، از نزدیک آشنا و در سالیان اخیر در رفت‌وآمدهای گاه‌به‌گاه به مؤسسه اطلاعات برای دیدار با سیدان سند، سید محمود دعایی نازنین و سیدعباس صالحی عزیز، از توفیق و نعمت همنشینی و بهره‌گیری بیشتر از محضر گرم و شیرین آن فقید سعید برخوردار شدم. برای من مانند روز، روشن است که جای او در میان خانواده و دوستان و علاقه‌مندان بسیارش، همیشه خالی و پُرنشدنی خواهد ماند. یاد گعده‌های فکری و گپ‌وگفت‌های دوستانه و صمیمانه و با کمال تأسف، تکرارناپذیر با قاسم‌زاده دوست‌داشتنی و شیرین‌سخن، بخیر باد. گعده‌هایی آنقدر شیرین و دلچسب که گذر دقایق و ساعت‌ها را در آن نمی‌فهمیدی.

او سال‌های زیادی در دو نهاد بزرگ و مهم فرهنگی و رسانه‌ای ایران، سازمان صداوسیما و مؤسسه و روزنامه اطلاعات، صادقانه و پایمردانه و به آرامی و بی‌جنجال، به ایران و فرهنگ و جامعه و سیاست آن خدمت کرد و به راستی عاقله‌مردی دانا و سرشار از خاطرات و تأملات شنیدنی و نیوشیدنی بود. به‌عنوان کوچک‌ترین برادر و یکی از جمع بزرگ دوستداران آن نازنین‌مرد، این مصیبت بزرگ را به فرزند دلبند و همسر همراه و خانواده ارجمند او و خاندان معزز فقیه عالی‌قدر مرحوم آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی‌اردبیلی (ره) و دوستان و همکاران پرشمار او در جامعه فرهنگی، سیاسی و رسانه‌ای ایران، بویژه در روزنامه و مؤسسه اطلاعات، پناهگاه دلنشین و خانه امن او در ربع قرن اخیر، تسلیت می‌گویم.

رحمت و رضوان الهی نصیب آن یگانه باد.

حسین جابری‌انصاری، مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی و رئیس هیأت مدیره مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، ۱۵ مرداد ۱۴۰۵

جریان ساز فرهنگ و رسانه

معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیامی درگذشت استاد ابوالقاسم قاسم‌زاده را تسلیت گفت.

در پیام محمدرضا نوروزپور آمده است:

درگذشت روزنامه‌نگار پیشکسوت، نویسنده فرهیخته و چهره باسابقه عرصه فرهنگ و رسانه، استاد ابوالقاسم قاسم‌زاده، موجب تأثر شد. مرحوم قاسم‌زاده از جمله روزنامه‌نگارانی بود که عمر پربرکت خود را در مسیر آگاهی‌بخشی، پاسداشت اخلاق حرفه‌ای، اعتلای فرهنگ گفت‌وگو و خدمت صادقانه به رسانه و مطبوعات کشور سپری کرد. حضور دیرپای ایشان در عرصه روزنامه‌نگاری، بویژه در کنار نام‌های ماندگار و جریان‌ساز فرهنگ و رسانه کشور، گواهی روشن بر تعهد، نجابت، پختگی قلم و دغدغه‌مندی او به ایران، جامعه و حقیقت بود. بی‌تردید، منش حرفه‌ای، متانت قلم و تجربه گرانسنگ آن فقید سعید، برای نسل‌های امروز و فردای روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای کشور، سرمایه‌ای ماندگار و الهام‌بخش خواهد بود. اینجانب، این ضایعه را به خانواده محترم و همکاران ایشان در مؤسسه اطلاعات، جامعه رسانه‌ای کشور و همه دوستداران فرهنگ و قلم تسلیت عرض می‌کنم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت واسعه، علو درجات و همنشینی با صالحان و برای بستگان صبر، سلامتی و اجر مسئلت دارم. نام و یاد استاد ابوالقاسم قاسم‌زاده در حافظه فرهنگ و رسانه ایران ماندگار خواهد بود.

محمدرضا نوروزپور، معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

به بهانه ۱۷ مرداد روز خبرنگار

شخصیت گمشده سینمای ایران

یادداشت

رضا صائمی
دبیر گروه فرهنگی

سینما، آینه مشاغل و مناسبات اجتماعی است اما گاهی این آینه، برخی چهره‌ها را یا کج‌ومعوج نشان می‌دهد یا اصلاً از قاب حذف می‌کند. خبرنگار یکی از همین چهره‌هاست؛ شخصیتی که در سینمای ایران یا حضوری حاشیه‌ای دارد یا به تیپی کلیشه‌ای تقلیل یافته است. در حالی که خبرنگاری، حرفه‌ای سرشار از تعلیق، بحران، کشف، مخاطره و انتخاب‌های اخلاقی است، سینمای ایران هنوز نتوانسته تصویری دقیق، چندلایه و باورپذیر از این جهان پیچیده ارائه دهد.

البته نمی‌توان گفت سینمای ایران هرگز به خبرنگار نپرداخته است. فیلم‌هایی چون «سرب» مسعود کیمیایی با شخصیت «نوری» شاید یکی از جدی‌ترین و شریف‌ترین تصویرها از یک خبرنگار حقیقت‌جو را ارائه می‌دهد؛ خبرنگاری که هزینه ایستادن پای حقیقت را با جان خود می‌پردازد. «امکان مینا» ساخته کمال تبریزی نیز با قراردادن یک خبرنگار در متن حوادث سیاسی دهه شصت، تلاش می‌کند میان حرفه خبرنگاری و تحولات سیاسی پیوند برقرار کند. در «نارنجی‌پوش» داریوش مهرجویی نیز شخصیت خبرنگار و عکاس خبری در پیشبرد روایت نقش دارند، اما خبرنگاری بیش از آنکه موضوع فیلم باشد، کارکردی روایی پیدا می‌کند. آثاری مانند «یک سطر واقعیت» و «خانه کاغذی» نیز کوشیده‌اند به جهان رسانه نزدیک شوند، اما هیچ‌کدام نتوانسته‌اند تصویری ماندگار و جامع از زیست حرفه‌ای خبرنگار خلق کنند.

مسأله اینجاست که خبرنگار در اغلب فیلم‌های ایرانی، نه یک شخصیت که ابزاری برای پیشبرد روایت است؛ گاه صرفاً میکروفنی در دست دارد، چند سؤال کلیشه‌ای می‌پرسد و از قاب خارج می‌شود. اگر هم نقش پررنگ‌تری داشته باشد، معمولاً میان دوگانه‌های اغراق‌آمیز «قهرمان حقیقت‌جو» یا «رسانه‌ای فرصت‌طلب» گرفتار می‌شود، بی‌آنکه مخاطب با واقعیت زیست حرفه‌ای او آشنا شود.

این در حالی است که ذات خبرنگاری، خود واجد درامی سینمایی است. جست‌وجوی حقیقت، مواجهه با قدرت، تعارض میان اخلاق حرفه‌ای و مصلحت، فشار زمان، رقابت رسانه‌ای و هزینه‌های شخصی انتشار یک خبر، هر کدام می‌توانند موتور محرک یک روایت جذاب باشند. اما کمتر فیلمنامه‌نویسی از دل تجربه واقعی تحریریه‌ها، میدان‌های خبر و مناسبات حرفه‌ای روزنامه‌نگاری به این جهان نزدیک شده است.

شاید یکی از دلایل این خلأ، فاصله سینماگران با زیست رسانه‌ای باشد. بسیاری از فیلم‌ها، خبرنگار را نه از دل شناخت میدانی، بلکه بر اساس تصورات عمومی بازسازی می‌کنند. نتیجه آن است که شخصیت خبرنگار بیش از آنکه واقعی باشد، کاریکاتوری است؛ شخصیتی که نه دغدغه‌های حرفه‌ای‌اش را می‌شناسیم، نه مناسبات تحریریه را، نه فشارهای شغلی و نه مسئولیت اجتماعی‌اش را.

نکته قابل تأمل این است که در سینمای جهان، خبرنگار بارها به قهرمان روایت تبدیل شده و فیلم‌های ماندگاری درباره اخلاق حرفه‌ای، افشاگری و نسبت رسانه با قدرت ساخته شده است؛ اما در سینمای ایران، با وجود ظرفیت‌های فراوان این حرفه، هنوز هیچ فیلمی را نمی‌توان به عنوان اثری مرجع درباره خبرنگاری نام برد. معدود تلاش‌های صورت‌گرفته نیز یا درگیر روایت‌های سیاسی شده‌اند یا خبرنگار را به شخصیتی فرعی و حاشیه‌ای تقلیل داده‌اند.

شاید زمان آن رسیده باشد که سینمای ایران، به جای استفاده ابزاری از خبرنگار، او را به عنوان یک شخصیت دراماتیک جدی بگیرد؛ شخصیتی که نه فقط حامل خبر، بلکه حامل پرسش، تردید، مسئولیت و حقیقت است. آن‌گاه شاید تصویری که بر پرده نقش می‌بندد، به واقعیت نزدیک‌تر باشد؛ تصویری از خبرنگاری که فراتر از یک میکروفن و دوربین، وجدان بیدار جامعه است.

یکی از دلایل ناکامی سینمای ایران در بازنمایی خبرنگار، نگاه تقلیل‌گرایانه به خود مفهوم خبر است. در بسیاری از فیلم‌ها، خبر صرفاً یک بهانه روایی برای آغاز یا پایان یک ماجراست، نه فرآیندی که تولید آن مستلزم تحقیق، راستی‌آزمایی، گفت‌وگو، حضور در میدان و تحمل انواع فشارهای حرفه‌ای است. مخاطب کمتر شاهد پشت صحنه تولید خبر، جلسات تحریریه، چالش‌های اخلاقی انتشار یا عدم انتشار یک گزارش و کشمکش دائمی خبرنگار میان حقیقت و مصلحت بوده است. در حالی که همین موقعیت‌ها، ظرفیت خلق درام‌هایی پرتعلیق و انسانی را دارند. از سوی دیگر، خبرنگاری در سال‌های اخیر دستخوش تحولات بنیادینی شده است. ظهور شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های شهروندی و گردش لحظه‌ای اطلاعات، تعریف این حرفه را تغییر داده و مسئولیت خبرنگار را سنگین‌تر کرده است. امروز خبرنگار تنها راوی یک واقعه نیست؛ او باید در برابر سیل شایعات، اخبار جعلی و روایت‌های متناقض، حقیقت را استخراج و اعتبارسنجی کند. با این همه، سینمای ایران هنوز بیشتر به تصویر روزنامه‌نگار دهه‌های گذشته وفادار مانده و کمتر به اقتضائات خبرنگاری در عصر دیجیتال پرداخته است.

شاید این خلأ، ناشی از کمبود پژوهش در فرآیند تولید فیلم‌ها نیز باشد. در سینمای حرفه‌ای جهان، برای خلق شخصیت‌های خبرنگار، نویسندگان و کارگردانان، ماه‌ها در کنار روزنامه‌نگاران زندگی می‌کنند، در تحریریه‌ها حضور می‌یابند و با سازوکار رسانه آشنا می‌شوند. اما در بسیاری از آثار ایرانی، چنین پژوهشی جای خود را به کلیشه‌هایی داده که بیش از آنکه ریشه در واقعیت داشته باشند، حاصل تصورات عمومی از این حرفه‌اند.

سینمای ایران برای رسیدن به تصویری واقعی از خبرنگار، بیش از هر چیز به اعتماد نیاز دارد؛ اعتماد به اینکه زندگی یک خبرنگار، حتی بدون اغراق‌های مرسوم سینمایی، آن‌قدر فراز و فرود، تعلیق و کشمکش دارد که بتواند تماشاگر را با خود همراه کند. کافی است دوربین، این بار به جای آنکه فقط مقابل خبرنگار بایستد، کنار او قرار بگیرد و جهان را از دریچه نگاه او روایت کند؛ شاید آن وقت، یکی از غایبان بزرگ سینمای ایران، سرانجام جایگاه واقعی خود را روی پرده پیدا کند.